



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

سی پنچ عالم

نورانی تیرگڑد افغانستان سلسلہ

نورانیان

پاکستان اور افغانستان

پندرہ ویں ایڈیشن، ۱۳۹۲ھ
پہلی بار شائع ہوا، ۱۳۸۲ھ



کتاب خانہ و آرکائیو
قومی



قومی ادارہ سائنس و تحقیقات

۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سی و پنج عالم (از عالمان تاثیرگذار افغانستان در سده اخیر)

نویسنده:

سید محمد عارف موسوی نژاد

ناشر چاپی:

مجمع الذخائر الاسلامیه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	سی و پنج عالم (از عالمان تاثیرگذار افغانستان در سده اخیر)
۷	مشخصات کتاب
۷	شناسنامه
۱۴	مقدمه
۱۶	فهرست مطالب
۱۹	احمدی نژاد بلخی، سید حسن
۲۷	احمدی، سید علی بابا
۳۰	احمدی، سید محمدعلی
۳۸	افشار، محمد امین
۴۵	انصاری مالستانی، محمد علی
۴۸	براتی، محمد امین
۵۶	بلخی، سید اسماعیل
۷۰	جوادی غزنوی، سید محمد عیسی
۷۳	حجت، سید میرعلی احمد
۸۸	حسینی، سید حسین
۹۸	حیدر بیگی، حسین
۱۰۱	دانش، سرور
۱۰۷	رضایی، علی جمعه
۱۱۲	سردار کابلی، حیدر قلی
۱۳۷	شفایی، حسین
۱۴۲	صادقی (علیزاده)، احمدعلی
۱۴۸	صالحی ترکمنی، محمد هاشم
۱۵۳	صدر، سید موسی

۱۶۵	ضیاء شیرداغی، عبدالحکیم
۱۷۰	علم الهدی نقوی کابلی، سید محمد
۱۹۲	علوی نژاد بلخی، سید حیدر
۲۰۶	فاضل بهسودی، سید ابوالحسن
۲۱۹	فیاض، محمد اسحاق
۲۳۳	قدسی، سید فضل الله
۲۳۸	محسنی، محمد آصف
۲۵۰	محقق غزنوی، عزیزالله
۲۶۳	محقق کابلی، قربانعلی
۲۷۳	مدرس افغانستانی، محمدعلی
۲۹۱	مدرسی بهسودی، حیدر علی
۳۰۲	مرتضوی بلخایی، سید محمدحسن
۳۰۹	مزاری، عبدالعلی
۳۲۲	میرزایی، امان الله
۳۳۱	نجفی (موسوی)، سید محسن
۳۴۳	واعظ بهسودی، سید محمد سرور
۳۵۹	هاشمی ارزگانی، سید حسین
۳۷۳	منابع
۳۸۰	درباره مرکز

سی و پنج عالم (از عالمان تاثیرگذار افغانستان در سده اخیر)

مشخصات کتاب

سرشناسه: موسوی نژاد، سیدمحمد، ۱۳۶۴ -

عنوان و نام پدیدآور: سی و پنج عالم (از عالمان تاثیرگذار افغانستان در سده اخیر) [کتاب] / سید محمد عارف موسوی نژاد.

مشخصات نشر: قم: مجمع ذخائر اسلامی: موسسه تاریخ علم و فرهنگ، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۳۵۹ص. : مصور، جدول، عکس، نمونه.

فروست: در سایه سار همایش ؛ ۷.

شابک: ۳۲۰۰۰۰ ریال : ۹-۷۸۶-۹۸۸-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: به مناسبت اولین همایش بین المللی میراث مشترک ایران و عراق اسفند ۱۳۹۳/مارس ۲۰۱۵.

یادداشت: کتابنامه.

عنوان عطف: سی و پنج عالم

موضوع: مجتهدان و علما -- افغانستان

رده بندی کنگره: ۲/۵۵PB / ۹م/ ۳۹۳۱ ۹

رده بندی دیویی: ۶۹۹/۷۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۲۶۲۵۹

ص: ۱

شناسنامه

سرشناسه: موسوی نژاد، محمدعارف

عنوان: سی و پنج عالم (از عالمان تأثیرگذار افغانستان در سده اخیر)

تکرار نام پدیدآور: سیدمحمدعارف موسوی نژاد

مشخصات نشر: قم: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۳۵۹ ص.: مصور، عکس، نمونه

فروست: در سایه سار همایش؛ ۷

بهاء: ۳۲۰۰۰۰ ریال

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۸-۷۸۶-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۳۵۳-۳۵۹.

یادداشت: به مناسبت اولین همایش بین المللی میراث مشترک ایران و عراق (اولین: ۱۴۳۶ ق. ۱۳۹۳: قم تهران عراق)

یادداشت: با حمایت موسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث قم نجف اشرف

موضوع: مجتهدان و علما -- افغانستان

موضوع: مجتهدان و علما -- افغانستان و سرگذشتنامه

شناسه افزوده: مجمع ذخائر اسلامی

رده کنگره: ۱۳۹۳، ۹ م ۹ ه ۹ / - ۵۴ BP

رده دیویی: ۲۹۷/۹۹

شماره مدرک: ۳۸۷/۸۶۲

ص: ۲

در سایه سار همایش / ۷

سی و پنج عالم

(از عالمان تأثیر گذار افغانستان در سدهٔ اخیر)

(برداشت نخست)

بهمن ماه ۱۳۹۳ ش

سید محمدعارف موسوی نژاد

مجمع ذخائر اسلامی

مؤسسه تاریخ علم و فرهنگ

همایش بین المللی میراث مشترک ایران و عراق

اسفند ۱۳۹۳ / مارس ۲۰۱۵

ص: ۳

کلیه حقوق این اثر تحت قانون کپی رایت بوده و ترجمه یا چاپ تمام یا بخشی از مطالب آن و نیز درج تمام یا بخشی از آنها در ضمن بانکهای اطلاعاتی و تهیه برنامه های رایانه ای یا استفاده مطالب و تصاویر در اینترنت و دیگر ابزار و ادوات، به هر نحوی، بدون اجازه قبلی ناشر بصورت کتبی، ممنوع می باشد.

MAJMA AL-DAKAAIR AL-ISLAMYYAH, ۲۰۱۵

All rights reserved, No part of this book may be reproduced or translated in any form, by print, internet, photo print, microfilm, CDs or any other means without written permission from the publisher

در سایه سار همایش / ۷

مجمع ذخائر اسلامی - قم، ایران

باهمکاری مؤسسه تاریخ علم و فرهنگ

سی و پنج عالم

از عالمان تأثیر گذار افغانستان در سده اخیر

سید محمد عارف موسوی نژاد

صفحه آرا: ده نمکی

چاپ: ظهور / صحافی: نفیس

نشر: مجمع ذخائر اسلامی - قم

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۳ ش (۲۰۱۵ م)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۸-۷۸۶-۹

ارتباط با ناشر

قم: خیابان طالقانی (آذر) - کوی ۲۳ - پلاک ۱ - مجمع ذخائر اسلامی

تلفن: ۹۸ ۲۵۳ ۷۷۱۳ ۷۴۰ + دورنگار: ۹۸ ۲۵۳ ۷۷۰ ۱۱۱۹ + همراه: ۹۱۲ ۲۵۲ ۴۳۳۵

نشانی پایگاههای اینترنتی:

www.mzi.ir www.zakhair.net

info

[mzi.ir info](mailto:mzi.ir)

zakhair.net

قیمت: ۳۲۰۰۰ تومان

ص: ۴

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٥

اواخر شهریور ماه سال ۱۳۹۳ ش، بود که به مجمع ذخایر اسلامی رفتم و فراخوان سرفصل های مقالات اولین همایش بین المللی میراث مشترک ایران و عراق را دیدم، مطالب را از نظر می گذراندم که حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید صادق حسینی اشکوری، مرا به دفترش فرا خواند، و بعد از توضیحاتی راجع به همایش، فرمودند که برای شما پیشنهادی دارم، اگر وقت دارید برای این همایش کتابی در موضوع «عالمان تأثیر گذار افغانستان بر ایران و عراق» تألیف کنید. فرصتی خواستم تا در این زمینه فکری نمایم، پس از دو روز به ایشان خبر دادم که این کار را انجام می دهم.

این کار به دلایلی سخت می نمود. یکی اینکه نگارنده این سطور در این زمینه، کاری انجام نداده بودم. دلیل دوم اینکه راجع به افغانستان منبع اندک است و مشاهیر و بزرگان این مرز و بوم ناشناخته مانده اند. سوم اینکه زمان کافی برای این کار در اختیار نبود و بنده در مدت ۳ ماه باید کار نهایی را تحویل ایشان می دادم، درحالی که مناسبت های ماه های محرم و صفر را نیز در پیش رو داشتیم.

بنابراین، در ابتدای مهرماه سال جاری، دست به کار شدم. ابتدا تصمیم بر این بود که صد تن از عالمان و بزرگان افغانستان در این اثر معرفی شوند. و سعی هم بر این بود که افرادی که تا کنون در جایی معرفی نشده و گمنام مانده اند، شناسانده شوند. لیستی از افراد آماده شد (گرچه در مدت زمان انجام کار، پنج بار این فهرست عوض شد) و فرمی هم در قالب خاصی تهیه گردید. با بعضی از افراد تماس برقرار شد، عده ای موافقت کردند و عده ای هم علاقه نشان ندادند. سفری هم در این خصوص به مشهد مقدس انجام شد که البته این سفر بسیار برای نگارنده پربار بود.

قرار بر این بود که تا ۱۵ عقرب (آبان) زندگی نامه ها به دستم برسد. درعین حال با افرادی که صحبت شده بود، برای یاد آوری تماس هم برقرار شد. اما متأسفانه تا این تاریخ جز چند مورد چیزی به دستم نرسید. وقتی با افراد برای سومین و چندمین بار تماس گرفتم، با بهانه های مختلف جواب رد شنیدم، این اتفاقات، مراحل انجام کار را بسیار سخت کرد. لذا تصمیم گرفتم از منابع موجود در زمان باقی مانده، مطالبی را جمع آوری نمایم. وقتی کار به اینجا ختم شد، تصمیم گرفتم از میان صد نفر، پنجاه نفر معرفی شوند. اما با گرفتاریهایی که در مدت باقی مانده برایم پیش آمد، عملاً معرفی پنجاه نفر هم برایم غیر ممکن شد. در نتیجه به تعداد سی و پنج نفر بسنده شد تا کار در موعد مقرر برای چاپ

در این کار هرچند زمان کافی در اختیار نبود، اما تلاش شد آن مقدار از ویژگی های این بزرگان که در منابع آمده ذکر شود و در حق کسی افراط و تفریط صورت نگیرد و نیز خصوصیات که در دستنوشته های خود نوشت افراد و یا کسانی که بستگان شان آن را نوشته اند آمده؛ چیزی حذف نشود و فقط با اندک تغییر (برای یکنواخت بودن مطالب کتاب) آورده شود.

در همه کارهایی که بشر انجام می دهد، حتی کسانی که سابقه بسیار طولانی در یک کاری دارند، باز هم کارش خالی از نقص و اشتباه نیست، این کار هم از این قاعده مستثنی نبوده و نخواهد بود. نگارنده این سطور، با کمال میل پذیرای انتقادات سازنده خوانندگان و پژوهشگران گرامی می باشد.

بر خود فرض می دانم سپاسگزار عزیزانی باشم که در خلق این اثر حقیر را یاری رساندند. از استاد ارجمند حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید صادق حسینی اشکوری که با پیشنهاد این پژوهش، روزنه جدیدی برایم گشودند تشکر می کنم. از عزیزانی که دستنوشته هایشان را برای حقیر فرستادند سپاسگزارم، از دانشمند گرامی حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید عبدالمعبود موسوی نژاد که همکاری ستودنی در سفر مشهد با نگارنده داشتند، از دوست عزیزم حجت الاسلام والمسلمین سید حمید مهری خوانساری در ویراستاری این اثر، از رفیق شفیق و یار همیشگی جناب آقای سید محمد حسینی زهانی که کارهای گرافیکی را متقبل شدند، قدردانی می کنم.

سید محمدعارف موسوی نژاد

دارالسعادة قم مؤسسه تاریخ علم و فرهنگ

۱۳۹۳/۱۰/۱۹ همزمان با ۱۷ ربیع المولود، میلاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امام صادق (علیه السلام).

فهرست مطالب

عنوان... موضوع

مقدمه... ۷

احمدی نژاد بلخی، سید حسن... ۱۱

احمدی، سید علی بابا... ۱۹

احمدی، سید محمد علی... ۲۲

افشار، محمد امین... ۳۰

انصاری مالستانی، محمد علی... ۳۷

براتی، محمد امین... ۴۰

بلخی، سید اسماعیل... ۴۸

جوادی غزنوی، سید محمد عیسی... ۶۲

حجت، میر سید علی... ۶۵

حسینی، سید حسین... ۷۹

حیدر بیگی، حسین... ۸۹

دانش، سرور... ۹۲

رضایی، علی جمعه... ۹۸

سردار کابلی، حیدر قلی... ۱۰۳

شفایی، حسین... ۱۲۶

صادقی (علیزاده)، احمد علی... ۱۳۱

صالحی ترکمنی، محمد هاشم... ۱۳۷

صدر، سيد موسى... ۱۴۲

ضياء شيرداغى، عبدالحكيم... ۱۵۰

علم الهدى نقوى كابللى، سيد محمد... ۱۵۵

علوى نژاد بلخى، سيد حيدر... ۱۷۷

فاضل بهسودى، سيد ابوالحسن... ۱۹۱

ص: ۹

فياض، محمد اسحاق... ۲۰۴

قدسى، سيد فضل الله... ۲۱۸

محسنى، محمد آصف... ۲۲۳

محقق غزنوى، عزيز الله... ۲۳۳

محقق كابلې، قربانعلې... ۲۴۶

مدرس افغانستانى، محمدعلې... ۲۵۶

مدرسى بهسودى، حيدر على... ۲۷۴

مرتضوى بلخابى، سيد محمد حسن... ۲۸۵

مزارى، عبدالعلې... ۲۹۲

ميرزاىي، امان الله... ۳۰۵

موسوى (نجفى)، سيد محسن... ۳۱۴

واعظ بهسودى، سيد محمد سرور... ۳۲۶

هاشمى ارزگانى، سيد حسين... ۳۴۲

منابع... ۳۵۳

ص: ۱۰

سید حسن احمدی نژاد بلخی فرزند سید محمود کربلا-یی در بهار سال ۱۳۳۴ ش، در مرکز بلخاب متولد شد، پدرش سید محمود کربلایی دهنه فرزند قاضی میر سید احمد ملامام بن میر سید ولایت بن میر سید عنایت از احفاد میر سید علی بن میر سید جلال الدین حسین بخارائی از اسلاف محمد بن زید بن علی بن الحسین (علیه السلام) است.

میر سید احمد جد جناب آقای سید حسن احمدی نژاد متوفی ۱۳۱۶ ش، مدفون در قبرستان قتلگاه مشهد مقدس از بزرگان نامدار بلخاب بوده که مدت ها سمت قضاوت را در دستگاه حکومتی بلخاب (نائب الحکومه) واقع در دهنه ترخوج را داشته است، وی به علاوة سمت رسمی قضاوت، روحانی و بزرگ قوم بوده که از زهد و ساده زیستی معروف به سید مَلْک بوده است.

او در مرکز بلخاب صاحب محراب و مسجدی بوده، حسینیه و مسجد فعلی در

قریه دهنه از آثار و موقوفات وی می باشد که هنوز هم علم و بیرق دوران میر سید احمد موجود است.

آغاز تحصیلات

سید حسن احمدی نژاد در سن ۸-۹ سالگی وارد مکتب خانه شد، سواد خواندن را در محضر مرحوم ملای تخشار و ملاباز محمد گرو فراگرفت.

وی از اولین کسانی بود که سال ۱۳۴۴ ش، در مکتب دولتی ثبت نام کرد. مدتی، کجدار و مریض، اوقات خویش را نزد سید صادق شیرقلعه سپری کرد. پس از آن در سال ۱۳۴۸ ش، دوباره به مکتب رفته که این بار موفق تر از قبل، چند مدتی را در سرای حاج قربان باجگاه سپری کرد. این دوره، دوران شکوفای معارف در بلخاب بوده که با حضور سر معلمی به نام عبدالغنی خان از سنگچارک آغاز گردید، تا اینکه مکتب فعلی بلخاب (لیسه سید جمال الدین افغانی) سال ۱۳۵۰ ش، افتتاح می شود. مدتی را در آنجا مشغول تحصیل شده، تا اینکه در سال ۱۳۵۲ ش، از صنف ششم فارغ شده. دو سال (۱۳۵۳ و ۱۳۵۴) در قریه هوش و تلشقان به عنوان معلم، انجام وظیفه می نماید.

حجت الاسلام سید حسن احمدی نژاد در سال ۱۳۴۹ ش، به علت رهبری تظاهرات علیه بیداد معلمان و صاحب منصبان بلخاب، مورد تهدید قرار گرفته چند ساعتی زندانی می شود، وی بارها رهبری تظاهرات علیه دستگاه حکومتی را با دوستان دیگر بعهدہ داشته است.

انجام وظیفه عسکری

سید حسن احمدی نژاد در سال ۱۳۵۵ ش، به خدمت سربازی می رود، دو سال واندی در ولسوالی چکمنی ولایت خوست به عنوان سرکاتب در بلوک مخابرات و مالی انجام وظیفه می کند. در سال ۱۳۵۷ ش، که همزمان با آغاز حکومت خلقی ها در افغانستان است، وی موفق به دریافت ترخیص می شود.

نامبرده پس از اتمام وظیفه سربازی، چند روزی را در زادگاهش می ماند. ایشان برای رسیدن به مدارج بالای علمی در ماه میزان (مهر) همان سال، به قصد عزیمت به مشهد مقدس به ولایت هرات می آید. پس از مدتی از مسیر مرز میلک وارد ایران می شود، ورود ایشان به ایران هم زمان است با اوج انقلاب اسلامی ایران؛ اوائل آبان ماه همان سال وارد شهر مقدس قم شده و مدتی در مدرسه مدینه العلم آیه الله خوئی (ره) مشغول به کار می شود. پس از چندی، انقلاب اسلامی پیروز شده و امام خمینی (ره) وارد ایران می شود.

پیوستن به صفوف مجاهدین

پس از مدتی که خیزش های اسلامی علیه تجاوز روس ها در افغانستان آغاز می گردد و احزاب جهادی شکل می گیرد، نامبرده با تعدادی از جوانان هموطنش برای آموزش دوره چریکی به یکی از پادگان های قم آمده و مشغول آموزش شده و پس از چندی برای تکمیل دوره، عازم شیراز می شوند.

در پائیز سال ۱۳۵۸ ش، جهت عملیات چریکی علیه روسها به دفتر جهادی حرکت اسلامی واقع در زابل منتقل می شوند، شبها از داخل خاک ایران وارد حوزه افغانستان شده، پس از عملیات دوباره به مقر خود باز می گردند. مدت ها جنگ های غیر منظم ادامه داشته. اواخر سال ۱۳۵۹ ش، به عنوان چریک و نماینده عام و تام حرکت اسلامی با تعدادی از جوانان چریک وارد افغانستان شده و چندین ماه در کابل، مزار، جوزجان، سرپل و بلخاب مشغول عملیات علیه خلقی ها و روس ها می شوند. در قریه گذر سنگچارک مقر سید محمد حسین قوماندان به آموزش جمعی از جوانان منطقه از جمله سرپل مشغول می شود.

سیدحسن احمدی نژاد در اواخر سال ۱۳۶۰ ش، دوباره به ایران باز می گردد. پس از چندی از مسیر اسلام قلعه وارد افغانستان شده، در بلخاب و سرپل مشغول تدارک

و تهیه نارنجک های دست ساخت شده و کارخانه باروت و نارنجک سازی در مرکز بلخاب دائر می نماید.

باز گشت مجدد به ایران و ادامه تحصیل

نامبرده در ماه میزان (مهر) ۱۳۶۱ همراه خانواده، کشور را به قصد جمهوری اسلامی ایران ترک می کند، ورود ایشان به ایران همزمان با روزهای آغازین جنگ عراق علیه ایران است. زمستان ۱۳۶۱ ش، به قصد فراگیری دروس حوزوی وارد حوزه علمیه آشتیان می شود و تا سال ۱۳۶۵ ش، در آن حوزه به فراگیری معارف حوزوی و دینی می پردازد. پس از اتمام دوره مقدمات علوم، به حوزه علمیه قم منتقل می شود. ایشان در سال ۱۳۷۵ ش، دروس سطح حوزه را نزد بزرگانی چون: آیت الله وجدانی فخر، صالحی کابلی، اعتمادی، استاد مؤمن، حسینی بوشهری و خاتمی با موفقیت به پایان می رساند.

چند سالی هم در دروس خارج آیت الله مکارم شیرازی و آیت الله سبحانی (دام عزهما) و تفسیر قرآن آیت الله جوادی آملی (دام عزه) شرکت می نماید و هم اکنون موفق به اخذ لیسانس و فوق لیسانس حوزه و لیسانس حقوق قضائی و نیز کسب اجازه روایت از برخی مراجع عظام شده است.

خدمات اجتماعی

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای احمدی نژاد در کنار کارهای علمی، خدمات اجتماعی زیادی هم انجام داده است که عبارتند از:

۱. تأسیس کتابخانه علامه بلخی، سال ۱۳۵۸ ش، در بلخاب؛

۲. تأسیس مؤسسه یحیی بن زید (علیه السلام)، سال ۱۳۶۱ ش، در قم؛

۳. برگزاری اولین نمایشگاه نسخ خطی، سال ۱۳۵۸ ش، در بلخاب؛

۴. تأسیس مرکز میراث فرهنگی اهل البیت (علیه السلام)، سال ۱۳۹۰ در شهر مزار شریف؛

ص: ۱۴

۵. ساخت پل تصدی قشلاق حاج غلام حسین ناقلین؛

۶. وقف دو هزار جلد کتاب برای مدرسه اهل بیت (علیه السلام) جوزجان.

آثار

حجت الاسلام سید حسن احمدی نژاد از بدو ورود به حوزه علمیه قم، تحقیق و نویسندگی را شروع کرده و نزدیک ۱۵ سال مستمر از محضر آقایان محدثی و دیگران بهره مند شده است، هم اکنون مجموع نوشته جات چاپ شده و نشده ایشان نزدیک به چهل اثر می رسد.

الف. چاپ شده

۱. سیمای سمرقند؛ زندگی نامه محمد مسعود عیاشی سمرقندی ۱۳۷۳؛

۲. سیمای کابل؛ تاریخ شیعه و رجال شیعی ۱۳۷۳؛

۳. مهتاب خاوران؛ زندگی نامه امامزاده یحیی بن زید (علیه السلام) ۱۳۷۴؛

۴. ستاره خاور؛ زندگی نامه علامه حیدر قلی سردار کابلی (ره) ۱۳۷۴؛

۵. سفیر آزادی؛ زندگی نامه علامه سید اسماعیل بلخی (ره) ۱۳۷۵؛

۶. سیمای مرو؛ تاریخ ورود امام هشتم (علیه السلام) به مرو و شیعیان آن دیار ۱۳۷۶؛

۷. همسفر خورشید؛ زندگی نامه حضرت ام سلمه (س) ۱۳۷۹؛

۸. آفتاب جوزجان؛ شرح حال و قیام امامزاده یحیی بن زید (علیه السلام) ۱۳۸۶؛

۹. ترجمه نزل الأبرار بماصح من مناقب اهل بیت الأطهار؛ معتمدخان البدخشی (متوفی ۱۱۲۶ هـ - ق) ۱۳۸۸؛

۱۰. دُر دری؛ مجموعه اشعار شعرای خراسان بزرگ که درباره حادثه عاشورا سال ۶۱ ق، سروده اند. ۱۳۹۰؛

ب. آماده چاپ (کتاب)

۱. فرهنگ عاشورا در افغانستان؛

۲. اندیشه سیاسی علامه بلخی؛

۳. مزارات افغانستان؛

۴. مشاهیر افغانستان؛

۵. سیمای بلخ؛

۶. سیمای بلخاب؛

۷. سیماء الشیعہ فی منظر عترہ الطاہرہ؛

۸. مسند ابو خالد کابلی؛

۹. مسند ابوصلت هروی؛

۱۰. اصطلاحات فقہی و حقوقی و...

منبع: دستنوشته حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید حسن احمدی نژاد در تاریخ ۱۳۹۳/۸/۲.

ص: ۱۶

اجازہ نامہ سید حسن احمدی نژاد از آیت اللہ صافی گلپایگانی

ص: ۱۷

اجازہ نامہ سید حسن احمدی نژاد از آیت اللہ فاضل لنکرانی.

ص: ۱۸

(قره باغ ۱۳۴۸ -)

حجت الاسلام والمسلمین سید علی بابا احمدی فرزند سید چمن در سال ۱۳۴۸ ش، در ولسوالی قره باغ ولایت غزنی به دنیا آمد، دوران کودکی را در دامان پرمهر پدر و مادر سپری نمود، خواندن و نوشتن را در مکتب خانه آغاز کرد. وی با عشق و علاقه فراوان به فراگیری علوم اسلامی پرداخته، علوم چون صرف و نحو را نزد حجج اسلام آقایان رحیمی (سرصادق جاغوری) صادق (انگوری)، در مدرسه علمیه امام باقر (علیه السلام) و نیز نزد استاد فیاض در مدرسه علمیه مهدیه (سنگ ماشه) تلمذ نمود.

حجت الاسلام سید علی بابا احمدی با آغاز قیام افتخار آفرین ملت مظلوم افغانستان بر علیه کمونیست ها به صف مجاهدان برای دفاع از آرمان، دین و میهن پیوست. نامبرده با سازمان نصر اسلامی افغانستان همکاری نموده و در جبهه های مختلف شرکت داشته است.

سفر به ایران

حجت الاسلام والمسلمین سید علی بابا احمدی در سال ۱۳۶۳ ش، به جمهوری

ص: ۱۹

اسلامی ایران مهاجرت نموده و در شهر اراک در مدرسه علمیّه حاج ابراهیم دروس حوزوی را پی گرفت. در این مدرسه از محضر استاد حجت الاسلام والمسلمین حاج آقای قاضی زاده، کتاب های مقدمات، سیوطی، مغنی، حاشیه و معالم را آموخت.

هجرت به قم

ایشان پس از آنکه دروس مقدماتی حوزه را در اراک گذراند، راهی حوزه علمیّه قم شد، در حوزه علمیّه این شهر مقدس، از محضر اساتید بزرگواری چون، حجج اسلام آقایان استاد وجدانی فخر (ره)، استاد اعتمادی، استاد محمدی خراسانی، سطوح عالیّه حوزه را به اتمام رساند.

ایشان پس از گذراندن سطوح عالی حوزه علمیه، در دروس خارج آیات عظام محقق کابلی، مکارم شیرازی، جعفر سبحانی شرکت نموده و از خرمن علم این بزرگان بهره ها برد.

فعالیت ها

حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید علی بابا احمدی برای همه طلاب افغانستانی حوزه علمیّه قم، چهره شناخته شده و فعال است، نگارنده از آن روزی که به شهر مقدس قم وارد شده، در همان ماه های اول با نامبرده آشنا شده و مجذوب وی شدم، چهره متبسم و خدماتش، او را فردی لایق و موفق در اذهان همه طلاب افغانستان جلوه داده است. بخشی از فعالیت های ایشان عبارتند از:

۱. ایشان از سال ۱۳۷۷ ش، تا کنون در دفتر مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی، بخش روابط عمومی و شهریه، مشغول خدمت بوده است.

۲. وی در سال ۱۳۸۸ ش، به دستور مرجع عالی قدر حضرت آیت الله محقق کابلی به عنوان مسئول هیئت اعزامی بررسی مدارس علمیّه افغانستان، با همراهی حضرت آیت الله صادقی (علیزاده) حوثقل جاغوری، حجج اسلام آقایان دکتر عبدالمجید ناصری داوودی، حجت الاسلام فهیمی، حجت الاسلام حبیبی،

ص: ۲۰

حجت الاسلام ناصری زاده، حجت الاسلام اسحاق امینی، حجت الاسلام حکیمی به ولایت غزنی اعزام شده و مدارس شهر غزنی، جغتو، قره باغ، ناهور، مالستان و جاغوری را مورد بررسی قرار داده و مساعده پرداخت کرده و حاصل آن سفر در کتاب حوزه های علمیة افغانستان (تألیف علی حسن زاده) به چاپ رسیده است.

۳. ایشان سالهای متمادی مشغول تبلیغ و ترویج مکتب اهل بیت (علیه السلام) در شهرهای مختلف کشور جمهوری اسلامی ایران چون؛ یزد، سیرجان، اصفهان، تهران، قم، و نیز در شهرهای کشور چون؛ مزارشریف، کابل، هرات و... بوده است که حاصلش سه جلد کتاب تحت عنوان گفتار احمدی به چاپ رسیده است.

۴. حجت الاسلام احمدی در سال ۱۳۸۲ ش، مجمع نمایندگان علما و طلاب افغانستان را در حوزه علمیة قم تأسیس نموده و در این مجمع، جهت رفع مشکلات علما و طلاب تلاشهای مثبت و خدمات فراوانی ارائه شده است.

۵. وی از سال ۱۳۸۴ ش، تا کنون به عنوان نماینده علما و طلاب افغانستان در مشاوران منطقه ای جامعه المصطفی العالمیه انتخاب شده و الحمدلله خدمات، قابل توجه بوده و در جهت رفع مشکلات، تلاشهای شبانه روزی انجام می گردد.

۶. چند سالی هم هست که ایشان روابط علما و طلاب جامعه المصطفی و سفارت جمهوری اسلامی افغانستان در خصوص کارهای پاسپورتی و اداری در سفارت جمهوری اسلامی افغانستان می باشد که وجود ارزنده ایشان واقعاً منافع زیادی برای علما و طلاب داشته است.

آثار: گفتار احمدی (سه جلد).

منبع: دستنوشته حجت الاسلام و المسلمین آقای سید علی بابا احمدی در تاریخ ۱۳۹۳/۹/۲۹.

حجت الاسلام والمسلمین استاد سید محمدعلی احمدی فرزند سید چمن، در تاریخ ۱۳۳۴/۷/۲۷ ش، در قریه آخوند خیل علیاتو از توابع ولسوالی جاغوری ولایت غزنی دیده به جهان گشود. ایشان از جانب پدر و مادر متعلق به خانواده روحانی است. مرحوم آخوند سید چمن ۴۰ روز بعد از تولد سید محمدعلی، به منطقه «قره باغ» که قبلاً آنجا ساکن بوده نقل مکان کرده و در قریه بوسنه ولسوالی قره باغ ولایت غزنی ساکن می شود. بعد از چند سال سکونت در آنجا به قریه مجاورش «دبّدی» که متشکل از چند قریه کوچک تر است و یکی از آنها قریه «کوشه» است، محل سکونت خانوادگی ایشان می شود و تا آخرین روزهای حضور در افغانستان، در همین قریه زندگی می کنند. ایشان در سن هفت سالگی به مکتب خانه رفته، تحصیلات علوم دینی را آغاز نموده و تا کتاب «هدایه فی النحو» را از محضر اساتید محلی فرا می گیرد.

استاد سید محمدعلی احمدی در اوان جوانی و بلوغ با شوق و انگیزه فوق العاده به منطقه لومان جاغوری رفته و فرا گرفتن دروس حوزوی را در حوزه علمیة این منطقه شروع می کند. اما پس از گذشت یکسال، برای اینکه ذهن جستجوگر خود را قانع کند، راهی کابل می شود.

ورود به حوزه علمیة کابل

نامبرده در سال ۱۳۵۲ ش، تصمیم می گیرد که برای ادامه تحصیل علوم دینی به کابل برود. ابتدا در تکیه خانه عرفان به مدیریت حجت الاسلام والمسلمین شهید سید عبدالحمید ناصر ساکن می شود. در آنجا با طلبه ای به نام شکیب که از طلاب چهارکنت مزار بوده هم حجره می شود. و بعدها طلبه دیگری بنام علی جان دانش از منطقه قوغذار بوسعید جاغوری به این جمع اضافه می شود. بعد از مدتی اقامت در این مدرسه، به مدرسه محمدیه که زیر نظر مرحوم شهید آیت الله سید سرور واعظ بوده می رود. در این مدرسه با خوش اقبالی (هرچند تصادفی) با شهید حجت الاسلام والمسلمین شیخ عوضعلی بصیر مالستانی و شهید ایمانی هم حجره می شود. این اتفاق، رویداد مبارکی بوده است و منشأ تحول و نگرشی تازه برای ایشان می شود.

ایشان با ورود به کابل و آشنایی با فضای پایتخت و وضعیت معیشتی مردم به این فکر می افتد که باید درس طلبگی را رها نموده و به دنبال کار و درآمد و پول باشد، زیرا از طرفی پدر ایشان پیر شده و بار زندگی بر دوشش سنگینی می نماید و از طرفی، ملک و زمین مزروعی هم نداشتند تا از آن طریق امرار معاش نمایند. لذا نزد پدر آمده این تصمیم را با وی در میان می گذارد، اما ایشان به شدت با این پیشنهاد مخالفت می کند، سه بار ایشان از کابل به قره باغ می آید تا پدر را قانع کند، در مرتبه آخر، آقای رحیمی ملای منطقه را واسطه قرار می دهد که پدر را راضی کند. والد ایشان به سختی قبول می کند، ایشان به کابل بر می گردد و در پی کار می شود.

دوست ایشان آقای شیخ اسماعیل فیاض ناهوری برایش دو مورد کار پیدا

می کند، اما ایشان نمی پذیرد. دوستش ناراحت شده می گوید که: شما از سویی دنبال کار هستید و از سوی دیگر این کارها را نمی پذیرید، استاد پاسخ می دهد که: من با دو شرط دنبال کار هستم، اولاً می خواهم کاری کنم که رابطه ام با حوزه قطع نشود و در کنار کار بتوانم بعضی درس ها را ادامه دهم و ثانیاً محیط کاری باید محیط سالم باشد و من دینم را بتوانم حفظ نمایم، بالأخره استاد در یک ظهر روز جمعه به تکیه خانه آیت الله واعظ می رود و پای منبر و روضه ایشان می نشیند و خیلی متأثر می شود، تصمیم می گیرد که به هر قیمتی شده درس را رها نکند.

سفر به مشهد مقدس

حجت الاسلام و المسلمین استاد سید محمدعلی احمدی برای ادامه تحصیل و کسب فیوضات بیشتر، کابل را به قصد مشهد مقدس ترک می کند و در تاریخ ۱۳۵۴/۳/۲۴ ش، وارد این شهر می شود. مرحوم آیت الله العظمی مصباح (ره) که نماینده آیت الله خوئی در مشهد مقدس بودند و بر اساس امتحان، طلاب را گزینش می نمودند تا برگزیدگان و نخبگان را در یک مدرسه اسکان داده و تحت پوشش قرار دهد. سید محمدعلی احمدی یکی از ۳۰ نفر طلاب برگزیده و ممتازی است که در آزمون آن سال برای پذیرش طلاب برگزار شد، موفق شد به مدرسه جعفریه راه پیدا می کند. ایشان در این مدرسه، اصول فقه و لمعه را از محضر آیت الله سید صالحی (رحمت الله علیه) فرا می گیرد و مدتی هم حاشیه ملا عبدالله را نزد آقای واعظی می خواند.

ارتباط با شخصیت های انقلابی در مشهد

از آنجایی که حجت الاسلام احمدی از کابل با تفکر انقلابی وارد مشهد مقدس شده بود، اینجا هم بطور طبیعی طلابی که تفکر انقلابی داشتند و با شرایط زمانی حاکم بر جهان آشنا شده بودند همدیگر را پیدا می کردند. ایشان در این دوره در مشهد مقدس با دوتن از شخصیت های انقلابی و مبارز (شهید واحدی و شهید رضایی

ص: ۲۴

تمکی) که از پیشتان مبارزه سیاسی و اجتماعی در افغانستان بودند آشنا می شود. گاهی در بعضی از مسافرخانه های مشهد با این دو شهید بزرگوار اطاق کرایه کرده و نوار تکثیر می کردند.

بازگشت به وطن و فعالیت های اجتماعی و انقلابی

استاد سید محمدعلی احمدی پس از دو سال تحصیل و فعالیت های انقلابی در مشهد مقدس به قصد آوردن خانواده به کشور باز می گردد. در وقت ورود به منطقه متوجه می شود که پدرش به رحمت حق رفته است. مسأله رحلت پدر و نیز تشکیل خانواده باعث می شود که استاد نتواند به ایران بازگردد. با پیشنهاد مردم منطقه، مدت دو سال ملای مکتبی آنجا را عهده دار می شود. در این مدت آقای احمدی با پیگیری انقلاب اسلامی ایران از طریق رادیو، اخبار این رویداد عظیم معاصر را برای مردم بازگو می نمود. وی می گوید اینقدر پیگیر اخبار سیاسی بودم و اوضاع را رصد می کردم که به یک تحلیلگر تبدیل شده بودم، طلابی که از ایران می آمدند و اخبار انقلاب را می گفتند، برای من تازگی نداشت. استاد در بخشی از این خاطره خود می گوید: «وقتی مرحوم امام به ایران آمد و انقلاب اسلامی پیروز شد و امام مریض شد و در بیمارستان قلب تهران بستری شد، تعداد زیادی از مردم منطقه از جمله خانواده خود ما همه روزه بودیم به خاطر سلامتی مرحوم امام، و زمانی هم که مرحوم امام، قبل از این از پاریس برگشتند، ما برجان امام احساس خطر می کردیم و مردم روزه نذری می گرفتند برای سلامتی امام».

ایشان در ادامه این خاطره زیبا، از عشق و شور مردم مؤمن و مخلص نسبت به اسلام و امام خمینی (ره) چنین می گوید: «هنگام آمدن امام به تهران حس ما این بود که ممکن است برای امام خطری پیش بیاید، بخصوص که بختیار هم تهدید کرده بود و ما بخاطر سلامتی امام که مشکلی برایش پیش نیاید در مسجد نشستیم و تصمیم گرفتیم که نذری نموده و مراسم روزه ای را برگزار نموده و برای سلامتی

آقا دعا نماییم، قرار شد که برویم گوسفند بخریم و روضه بخوانیم، در محل ما شخصی [بود] بنام محمد حسین که معروف به «عمو» بود، گوسفندان بیشتری داشت. از ایشان خواستیم که بفروشد، گفت به من ربطی ندارد و شما بروید از خانم که مادر رسول می گفتند، گوسفند را بخرید، ما دو نفر را فرستادیم که با خانمش صحبت کنند، گفته بود گوسفند [را] برای چه می خرید؟ آنها گفته بودند که برای سلامتی امام خمینی (ره) نذر کرده ایم، این عمو ۱۸ سال بود که ازدواج کرده بود و حاصل این ازدواج پسر چهار ساله ی بود بنام محمدعلی، تنها همان یک فرزند را هم داشتند، این خانم که بعد از چهارده سال انتظار، خداوند به او [یک] پسر داده بود در جواب این مردم گفته بود که برای سلامتی حضرت امام، محمدعلی پسرم را که تنها حاصل عمرم هست اگر بخواهید قربانی کنید حاضرم بدهم، [نمایندگان مردم یکی از گوسفندان را انتخاب می کنند] این گوسفند را آوردیم نذر کردیم و برای سلامتی مرحوم امام دعا کردیم».

حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید محمد علی احمدی در مدت حضورش در منطقه به احساسات دینی و مذهبی و انقلابی مردم به خوبی پاسخ داده و اذهان تشنه را از زلال معارف دینی و نیز تفکر انقلابی سیراب می کند.

در سال ۵۷ وقتی کودتای کمونیستی در افغانستان اتفاق می افتد، استاد احمدی با توجه به شناختی که از سابقه فعالیت‌های کمونیستها در افغانستان و بخصوص در کابل داشتند، با هوشمندی متوجه می شود که این جریانی بسیار خطرناکی است. ایشان می گوید: «صبح زود بود که من در حال بستن عمامه بودم و می خواستم بعدش بروم کوه برای هیزم، مرحوم شیخ جمعه را دیدم که با صدای بلند گفت که: کابل کودتا شد. من عمامه را نیچیده رها کردم و آمدم بیرون، پرسیدم چه کسانی کودتا کردند؟ گفتند: فلانی ها که چهره ها و رهبران چپی ها بودند و مردم به حسب ظاهر خوش حال شده بودند من گفتم که؛ شما خوشحال نباشید. این کودتای

کمونیستهاست، مردم نمی فهمیدند کمونیست چیست و کیست؟ می گفتم اینها ضد دین و بی دین و خطرناک اند، مدتها درگیر این مسائل با مردم بودیم که به خاطر شعارهایی مانند اصلاحات اراضی جذب حکومت نشوند، در اثر شعارهای عوام فریبانه ای که می دادند، کم کم حکومت جدید دستگیری علما و روحانیون را شروع کردند و مردم با خبر شدند و کم کم سخنان مرا پذیرفتند و به این نتیجه رسیدند که این کودتا پدیده خطرناک و ضد دین بوده است».

ایشان می گوید که: «من شب و روز غصه می خوردم و احساس تنهایی می کردم، چون سطح فکری مردم خیلی پایین بود و این مسائل را درک نمی کردند. آخوندهای مناطق ما همه فرار کرده و منطقه را ترک کرده بودند، یک سفری به منطقه جاغوری انجام دادم تا کاری انجام دهیم، اما روحانیت جاغوری هم همه فرار کرده بودند، برگشتم به منطقه خدمت آقای سعیدی تمکی رفتم و با وی صحبت کردم، ایشان هم موافق بود که باید کاری بشود، بحمدالله جرقه انقلاب زده شد و از صفحات شمال کم کم رسید به مناطق ما و جاغوری فتح شد و در قره باغ کمیته انقلابی تشکیل دادیم و من مدتها عضو آن کمیته بودم».

در این زمان است که پای احزاب و سازمان های سیاسی به منطقه باز می شود، کم کم درگیری ها میان احزاب شروع می شود، تلاش های ایشان و دیگران برای بر طرف کردن این سوء تفاهمات مؤثر واقع نشده و ایشان وقتی آنجا را برای ماندن مناسب نمی بیند، هجرت به ایران را بر می گزیند.

باز گشت مجدد به ایران و ادامه تحصیل در حوزه علمیه قم

حضرت حجت الاسلام والمسلمین سید محمدعلی احمدی وقتی می بیند اوضاع و شرایط آنگونه که باید به درستی و مطابق آن تصویری که ایشان از جهاد اسلامی داشتند پیش نمی رود، تصمیم می گیرد کشور را ترک کرده و به جمهوری اسلامی ایران برود. ایشان برای دومین بار در سال ۶۱ وارد ایران شده و از آنجا به پاکستان

می رود، از خانواده اش می خواهد که به پاکستان بیایند، وقتی خانواده ایشان به پاکستان می آیند، وی به همراه خانواده به ایران آمده و در شهر مقدس قم تحصیلات را دو باره آغاز می کند.

پس از شروع مجدد دروس در حوزه علمیّه، کتاب رسایل را از محضر استاد اعتمادی و بخشی از مکاسب را نزد مرحوم استاد ستوده فرا می گیرد. دروس کفایه را هم در محضر استاد پایانی به اتمام رسانده و همزمان، بعضی دروس مرحوم آیت الله فاضل را بصورت نوار فرا می گیرد. و همه این دروس را با حجت الاسلام و المسلمین شیخ محمد حسین احمدی شهرزایدۀ مباحثه می کرده است. پس از اتمام سطوح، هفت سال کامل در درس مرحوم آیت الله فاضل حاضر شده و مدتی هم بعد از ایشان در درس آیت الله وحید خراسانی شرکت می کند و درسهای خارج فقه را عمدتاً در درس مرحوم آیت الله شیخ جواد تبریزی و مدتی را هم در درس مرحوم آیت الله فاضل حاضر می شود و مدت کوتاهی هم در درس خارج مکاسب آیت الله مکارم شرکت می کند.

برکرسی تدریس

استاد احمدی در کنار درس ها و فعالیت های سیاسی و اجتماعی در سالهای آخر حضورش در قم، تدریس را هم شروع نمودند. وی در حوزه علمیّه قم کتابهای سیوطی، المنطق و بدایه الحکمه را تدریس می کردند.

ایشان مدت چهارده سال است که در حوزه علمیّه بندر عباس به عنوان مدرس برجسته و موفق مشغول تدریس هستند. به لطف الهی توفیقات و امتیازات زیادی را در این عرصه داشته است. وی با تمام توان این مدت را تدریس نموده و همین امر باعث شده که موقعیت وی در میان مدیران و مسئولین و امام جمعه محترم شهر بندر عباس تثبیت شود. طلاب و بزرگان این شهر و نهادهای مختلف با دید مثبت و به عنوان یک عالم دینی به ایشان می نگرند. ایشان در این شهر مورد مراجعه مردم

و اهل علم، طلاب و دانشجویان هستند.

استاد احمدی در حوزه علمیه بندرعباس تدریس را از کتاب سیوطی شروع نموده و کتابهایی چون: الموجز فی اصول الفقه آیت الله سبحانی، شرح لمعه شهیدین، رسائل و مکاسب شیخ انصاری، حلقه ثانیه و ثالثه شهید صدر و کفایه الاصول را تا کنون تدریس کرده است. ایشان همچنین مدت هفت سال است که در حوزه دانشجویی در رشته های: کلام، تفسیر و علوم قرآنی تدریس داشته است.

فعالیت های پژوهشی

حجت الاسلام و المسلمین احمدی در کنار فعالیت های آموزشی، علمی، سیاسی و اجتماعی، برخی فعالیت های پژوهشی نیز داشته است. ایشان به مدت دو سال در مرکز حزب الله قم مشغول کار پژوهش در حوزه مسائل تاریخی البته به سبک خاصی که آنها دنبال می کردند بوده. یک سال هم در بخش معارف قرآن کریم در دفتر تبلیغات همکاری پژوهشی داشته و در یکی دو جلد از تفسیر راهنما هم سهم فعال داشته است.

منبع: دستنوشته حجت الاسلام والمسلمین استاد سید محمدعلی احمدی در تاریخ ۱۳۹۳/۹/۱۶.

(کابل ۱۳۵۷ ۱۲۸۹ ش)

شهید آیت الله شیخ محمد امین افشار (ره) فرزند حاج محمد نبی (ره) در سال ۱۲۸۹ شمسی در یک خانواده تاجر مسلک در شهر کابل متولد شد. پدر شهید افشار انسان پارسا، محب اهل بیت (علیه السلام)، شیفته قرآن و عبادت بود، وی به جهت علاقه شدیدی که به فرزندش داشت، او را در سفرهای تجارتهای که غالباً به سمت شمال پایتخت انجام می شد با خود می برد. او شغل تجارت داشت و اهل کار و کسب بود، اما به علما عشق می ورزید، در یکی از این سفرها که در دوازده سالگی محمد امین انجام شد، خدمت آیت الله عالم بلخابی (ره) رسیدند. در این دیدار که برای اولین بار محمد امین دوازده ساله با مرحوم عالم روبرو می شود، آیت الله عالم به هوش و ذکاوت نوجوان کابل پی برده و از پدرش درخواست می کند که محمد امین را بگذارد نزد وی درس بخواند. این پیشنهاد مورد استقبال محمد امین و حاج محمد نبی واقع می شود. جوان با استعداد کابل در اندک زمان ممکن در میان طلاب آن مدرسه سر

آمد شده و در کنار فراگیری از خرمن علوم آیت الله عالم (ره) تدریس هم می نمود و نیز سرپرستی مدرسه هم به ایشان محول شده بود، اما این مقدار روح بلند محمد امین جوان را قانع نمی کرد، تا اینکه تصمیم گرفت به زادگاهش کابل مراجعت کند.

باز گشت به کابل

آیت الله شهید محمد امین افشار (ره) پس از مدتی که نزد آیت الله عالم بلخایی تلمذ نمود به کابل باز گشته، در منطقه افشار که یکی از محله های معروف کابل است به تبلیغ و ترویج احکام الهی و مبانی مذهب جعفری پرداخت. وی در کنار تبلیغ به کسب علوم چون فلسفه و حکمت و مبانی فقه شیعه و سنی نیز مشغول بود. اساتید وی از شیعه و سنی عبارتند از:

۱. شیخ محمد رضا مشهدی؛

۲. ملا آغا بابای شهید؛

۳. مرحوم آیت الله حجت کابلی؛

۴. عبدالحی پنجشیری؛

۵. مولوی میاجان و...

آیت الله افشار (ره) پس از سالها تبلیغ و تدریس در زادگاهش با مشورت پدر تصمیم گرفت برای رسیدن به مراتب بالای علمی، زادگاهش را به قصد نجف اشرف ترک کند.

هجرت به نجف

حوزه علمیه نجف اشرف که هزاران عالم فرهیخته را در دامن خود پرورش داده بود، محمد امین تازه وارد را مجذوب خود کرد. وی که همراه رفیق شفیق خود آیت الله شیخ عزیزالله غزنوی از کابل به این شهر آمده بود، با سعی و تلاش ستودنی به کسب علم و دانش در این دانشگاه بزرگ مشغول شد.

مرحوم محمد امین افشار در مدت ۱۲ سال اقامت در نجف اشرف پس از

گذراندن دوران سطوح عالی حوزه، در دروس خارج فقه و اصول مراجع بزرگوار آن سامان چون: آیت الله ضیاءالدین عراقی، آیت الله شیخ محمد حسین نائینی و آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی (رحمت الله علیهم) شرکت نمود. وی برای کسب فضایل اخلاقی و ملکات نفسانی و خودسازی، سالها از محضر استاد معروف اخلاق حوزه علمیه مرحوم آیت الله قاضی (ره) استفاده کرد. ایشان پس از سالها تلاش و مجاهدت برای کسب فضایل و معارف اهل بیت (علیه السلام) در حوزه علمیه نجف اشرف به مقام رفیع اجتهاد نایل آمد، بیش از ده نفر از مجتهدین نجف اجتهاد وی را تأیید کردند و اجازه اجتهاد به ایشان دادند.

بازگشت به وطن

آیت الله افشار پس از رسیدن به قله اجتهاد تصمیم گرفت به افغانستان باز گردد. در مسیر بازگشت از ایران، عده ای از علمای تهران برای تدریس در مدرسه «مروی» این شهر از آیت الله افشار دعوت به عمل آوردند تا برای تدریس و تبلیغ در این شهر ساکن شود. اما چون حضور ایشان در کابل بیشتر مورد نیاز بود، این تقاضا را رد کرد و راهی کابل شد.

ورود ایشان به کابل همزمان است با حکومت ظاهر شاه و نخست وزیری عمویش «هاشم خان» که مخالف علم و دانش و علمای دین بود، احتمال آن می رفت که دولت، وی را قبل از رسیدن به کابل دستگیر کند. لذا مرحوم آیت الله افشار مخفیانه وارد کابل شد، پس از مدتی اقامت در کابل، مردم شهر مزار شریف از حضور آیت الله محمد امین افشار مطلع شدند، لذا با احترام از ایشان در این شهر دعوت به عمل آمد و ایشان چند سالی را در شهر مزار شریف به تدریس و تبلیغ مشغول شدند.

بعد از برکناری «هاشم خان» و آزادی نسبی، مرحوم آیت الله افشار پس از ۶ سال اقامت در مزار شریف به کابل برگشت.

۱. آیت الله افشار پس از بازگشت به کابل، مجدانه برای خدمت به اسلام و تشیع در این شهر کمر همت بست، با سعی و تلاش بی نظیر، اقدام به ساخت مدرسه علمیه و حسینیه ای به نام مهدیه در منطقه شهر نو کابل «قلعه فتح الله خان» نمود. مدرسه علمیه در یک هزار متر زیر بنا، با ۱۲ حجره و اطاق های بزرگ و مدارس های متعدد ساخته شد. حسینیه در زمینی به وسعت یک هزار و پانصد متر مربع در دو قسمت تابستانی و زمستانی در دو طبقه بنا نهاده شد. در کنار این مدرسه و حسینیه کتابخانه مجهزی برای مطالعه طلاب و سایر علاقه مندان تأسیس گردید.

۲. در کنار این مدرسه برای برگزاری جلسات، نماز جماعت، قرائت قرآن، بیان احکام و برگزاری مجلس ختم و عزاداری و فاتحه خوانی زنانه، یک سالن مجهز و مجلل ایجاد کرد.

۳. از اقدامات دیگر آن عالم فرهیخته، ساخت یک واحد غسلخانه مردانه و زنانه با کاشی کاری و آب گرم و سرد برای تغسیل اموات بود، این کار قبل از این در منازل انجام می شد که بسیار ناخوشایند بود، اما شهید افشار، با ساخت این بنای خیریه و استخدام غساله های با حقوق کافی و نیز نظارت افراد بر آنها برای انجام دادن درست غسل، حنوط و کفن میت از خدمات ارزشمند ایشان است.

۳. وی به همراه برادرش مرحوم شیخ علی افشار کلاسهای بیان احکام را دایر نمودند، در این کلاس ها به ابتدایی ترین مسائل تا بحث هایی چون ازدواج و ارث پرداخته می شد، این کلاس ها در شرایطی دایر شد که مبانی تشیع بر اثر فشارها و جو خفقان و تقیه داشت به فراموشی سپرده می شد که شهید افشار و یارانش، این شعله را روشن نگهداشته و بر شعاعش افزودند.

۴. مرحوم افشار با توان علمی که داشت اقدام به برگزاری مجالس مناظره نمود، در این جلسات، مباحث کلامی و عقیدتی عمیقی مطرح می شد، این امر و نیز

برگزاری منابر و دفاع از عقائد اسلامی باعث شد که بارها از طرف حکومت احضار شود.

آثار

آیت الله افشار در کنار کارهای تبلیغی و ترویجی که داشت، آثار پربراری را نیز خلق کردند، هرچند بسیاری از این نوشتار به علت تهاجم متعدد به بیت ایشان از بین رفته است. اما آنچه باقی مانده و به صورت خطی می باشد که هنوز منتشر نشده عبارت است از:

۱. تقریرات درس خارج فقه آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی (ره)؛

۲. تقریرات درس خارج اصول حضرت آیت الله العظمی محمد باقر زنجانی (ره)؛

۳. شرح کفایه آخوند خراسانی (ره) در دو مجلد؛

۴. شرح بر مکاسب شیخ انصاری (ره)؛

۵. شرح بر لئالی منظومه؛

۶. شرح بر حکمت منظومه؛

۷. شرح بر رسائل شیخ انصاری (ره)؛

۸. مجموعه مقالات علمی و فلسفی؛

۹. رسالات در علم جفر و رمل و اعداد.

در چنگال دژخیمان کمونیست

مرحوم آیت الله محمد امین افشار (ره) از پاسداران شعایر اسلامی بود، چنانچه ذکرش رفت. در مناسبت های مختلف اسلامی با بیان شیرین و شیوای خویش، مردم را به تحصیل علم و دوری از جهل دعوت می کرد، او که سخنور قهاری نیز بود، و ید طولایی در امر تبلیغ و ترویج دین داشت، در حسینیه ای که در کابل ساخته بود به ایراد سخنرانی می پرداخت و از دیگر سخنوران این شهر برای سخنرانی در این مکان دعوت می کرد. اما کمونیست های کوردل که از آغازین روزهای دست یابی به

قدرت در کودتای ننگین هفت ثور (اردیبهشت) سال ۱۳۵۷ ش، وجود روشنفکران و عالمان را بر نمی تافتند، دستگیری، شکنجه، زندان و در نهایت محو قشر روشنگر را در سرلوحه کار خود قرار دادند.

آنان در آغاز، تبلیغات گسترده ای را بر علیه علما و مروّجین راستین اسلام از طریق رسانه های جمعی، چون تلویزیون، سینما، رادیو و تئاتر و نیز در متینگ های حزبی و ملی به راه انداخته و تصمیم به خدشه دار کردن چهره علمای دین گرفتند. پس از آن به سرعت هرچه تمامتر، اقدام به دستگیری آزاد اندیشان و علما نمودند. آیت الله محمد امین افشار جزو اولین علما بزرگوار بود که پیکان قساوت مزدوران کمونیست او را نشانه رفت. هرچند وی در زمان وقوع کودتای کمونیستی در داخل افغانستان نبود و در ایران به سر می برد، اما اخبار کشور را رصد می کرد، در چنین جو اختناق که در داخل کشور حاکم بود، وی تصمیم گرفت که به افغانستان برگردد، تلاش دوستان مبنی بر اینکه ایشان به کشور برگشته و در ایران بماند، نتیجه نداد و در پاسخ آنها فرمود: «من باید به کابل برگردم و هرچه بر سر علما آمد، من هم آن را پذیرا می شوم».

وی برای آگاهی بخشی به مردم و نجات کشور و اسلام از خطراتی که آن را تهدید می کرد به کشور مراجعت نمود. پس از بازگشت ایشان به کابل در نیمه شب ۲۸ حوت (اسفند) سال ۱۳۵۷ ش، چهار روز پس از قیام مسلحانه شهر هرات که بیش از بیست هزار نفر از مردم مسلمان آن شهر توسط مزدوران کمونیست به خاک و خون کشیده شدند، در حدود چهل نفر مسلح از مزدوران رژیم با دو عژاده تانک زرهی به منزل ایشان یورش بردند، پس از بازرسی منزل، حضرت آیت الله محمد امین افشار را باخود بردند. که تا هنوز از سرنوشت این مرد بزرگ خبری نیست.

منابع: شفایی، حسین، زندانیان روحانیت تشیع افغانستان، قم، مؤلف، ۱۳۶۸. عادلی (حسینی)، سید جعفر، شهدای نخبه و مرزداران اندیشه، کابل، نسیم حیات،

اول، ۱۳۹۳. ناصری داوودی، دکتر عبدالمجید، مشاهیر تشیع در افغانستان، ج ۱، قم، مرکز بین المللی المصطفی (صلی الله علیه و آله)، اول، ۱۳۹۰. عطاردی، شیخ عزیزالله، روایت عشق (مسافرت های علمی، تحقیق در مخطوطات آثار و تألیفات) مشهد، عطارد، اول، ۱۳۸۷.

ص: ۳۶

(ورس، در حدود ۱۳۱۸ نجف، حدود ۱۳۸۰ ش)

آیت الله محمد علی انصاری مالستانی در ورس بدنیا آمده، پدرش که اصالتاً از قریه «منار» دایه (اجرستان) ولایت غزنی است، در زمان یورش عبدالرحمان خان به مالستان و اشغال منطقه و استقرار یافتن پشتون ها در آنجا، مسکن اصلی خود را ترک و به سمت دایزنگی فرار کرده و در نزدیکی ورس ساکن می شود.

آیت الله محمد علی مالستانی مقدمات علوم اسلامی را در همانجا آموخت، خانواده وی حدود ۱۶ سال در ورس اقامت کرده، سپس عازم هرات شدند.

سفر به ایران و عراق

آیت الله محمد علی انصاری مالستانی به همراه خانواده، بعد از شش ماه توقف در شهر باستانی هرات، وارد ایران شده و در فریمان و مشهد رضوی رحل اقامت می افکند. پس از آن، خانواده مرحوم انصاری مالستانی راهی کشور عراق می شود، ولی قبل از رسیدن به نجف اشرف در شهر «خانقین»، پدر محمد علی دعوت حق را

لیک گفته و به رحمت ایزدی می پیوندند. در عین حال، محمد علی و بقیه خانواده وارد کربلای معلی شده و بعد از مدتی اقامت در آن شهر مقدس، عازم نجف اشرف شده و در آنجا ساکن می شوند.

محمدعلی انصاری با تشویق و کمک برادر، مشغول فراگیری علوم دینی شده و سطوح عالی و خارج فقه و اصول را از محضر فرزندان و بزرگان آن عصر نجف، چون آیات عظام؛ سید ابراهیم اصطهباناتی، شیخ حسین حلی، سید ابوالحسن اصفهانی، مرحوم مامقانی، و محمدحسین کاشف الغطاء استفاده نموده و اجازه اجتهاد را از این اساتید کسب می کند.

آیت الله محمدعلی انصاری مالستانی، در نجف اشرف، با مرحوم آیت الله مدرس افغانستانی هم دوره بوده، به خاطر تشابه اسمی و از جهت اینکه آیت الله مالستانی از نظر سنی و از نظر جثه، بزرگتر از مرحوم علامه مدرس بوده، به محمدعلی بزرگ و مرحوم مدرس افغانستانی، به محمدعلی کوچک مشهور می شود.

سفر به مشهد مقدس

آیت الله انصاری مالستانی، با مشورت بعضی از علما و بزرگان، بنا به درخواست خاوری های خراسان به آنجا سفر کرده و در ایستگاه راه آهن مشهد مقدس مورد استقبال اقشار مختلف مردم شهر مقدس مشهد و نواحی آن قرار گرفت. وی بنا به درخواست مردم شهرستان های اطراف مشهد مقدس و به همراه روحانیان سرشناس و بزرگان ایل خاوری، مانند حجج اسلام عابدی، اصغری، محمد یوسف ابقری، براتعلی حیدری و دیگران از مناطق مختلف فریمان، چناران، پساکو و دیگر مناطق اطراف مشهد مقدس دیدن نموده و با مردم این نواحی از نزدیک دیدار و با آنها آشنا شد. بنا به تقاضای روحانیون و مردم آنجا که خواستار چاپ رساله عملیه ایشان بودند، ایشان با این درخواست موافقت کرده و رساله عملیه اش را با نام «مصباح الأنام فی مسائل الحلال والحرام»، بخش عبادات، در سوم شعبان سال ۱۳۷۳ ق، در

ص: ۳۸

مطبعة شرکت چاپخانه خراسان منتشر کرد. ایشان در هنگام سکونت در مشهد مقدس امامت جماعت یکی از صحن های حرم مطهر رضوی را بر عهده داشت.

متأسفانه حضور آیت الله مالستانی در خراسان زیاد نبود. شور و شوق، حمایت ها و استقبال هایی که در اوایل ورود ایشان وجود داشت، جای خود را به اختلاف و دو دستگی داد. عده ای در اجتهاد وی تشکیک کرده و این مسئله را علت مخالفت خود قلمداد کردند، عده ای دیگر، مسائل قومی و منطقه ای را بهانه قرار دادند. عده ای از بزرگان خاوری مشهد، نزد آیت الله میلانی از مراجع تقلید که ریاست حوزه علمیه خراسان را به عهده داشت رفته و از اجتهاد آقای انصاری مالستانی پرسیدند. مرحوم آیت الله میلانی ضمن تأیید اجتهاد آیت الله مالستانی، به بزرگان خاوری فرموده بود که: اگر از ایشان تقلید کنید، حکمش نیز ساده است.

وفات

این اختلافات و دو دستگی میان روحانیان و مردم باعث شد که آیت الله انصاری مالستانی از اقامت در خراسان چشم پوشی کرده و دوباره به نجف اشرف مراجعت کند. ایشان تا آخر عمر در نجف به سر برد و در آن شهر مقدس هم وفات کرد. پیکر آیت الله مالستانی، با شکوه تمام در نجف، تشییع و در حجره ۵۳ حرم مطهر مولایش امیرالمؤمنین (علیه السلام) به خاک سپرده شد.

آثار: بعضی از تألیفات آیت الله مالستانی که در ایران و نجف به چاپ رسیده است به قرار ذیل است: ۱. تقریرات درس های خارج اصول در دو جلد؛

۲. ارشاد الفحول فی قواعد الاصول؛

۳. رساله عملیه با نام «مصباح الأنام فی مسائل الحلال و الحرام».

منابع: علوی، احمد، راهنمای مصور سفر زیارتی عراق، ص ۵۳۱، قم، معروف، پنجم، ۱۳۹۰. فصیحی، قربانعلی و شریفی، علی مدد، عالمان شیعه غزنی، صص ۳۶۴ ۳۶۱، تهران، عرفان، اول، ۱۳۹۳.

حجت الاسلام والمسلمین استاد محمد امین براتی فرزند غلام سخی در سال ۱۳۴۸ شمسی در شهر کابل از پدر و مادر مذهبی در یک خانواده متدین و زحمت کش به دنیا آمد. تحصیلات ابتدائی تا کلاس پنجم را در همان شهر گذراند.

سفر به ایران

حجت الاسلام والمسلمین استاد محمد امین براتی در سال ۱۳۶۱ شمسی جهت حفظ دین و خروج از سلطه حکومت مارکسیستی، کابل را به قصد ایران ترک نمود. نامبرده در سال ۱۳۶۴ در حوزه علمی مشهد مشغول به فراگیری علوم اسلامی شد. سطوح عالی را در مشهد مقدس با موفقیت به پایان رساند. وی در این شهر از محضر حجج اسلام و آیات عظام چون شیخ عباس قاسمی، آیت الله ساجدی، حجت هاشمی خراسانی، عاملی قفقازی، سید صالحی، آیت الله رضا زاده، آیت الله مرتضوی بهره مند شد. ایشان در کنار فراگیری دروس ادبیات و فقه و اصول در

مشهد مقدس، به تحصیل علم القرآن پرداخت و در رشته قرائت از قاریان ممتاز شمرده شد و در اجراء سبک استاد صدیق منشاوی توفیق فراوانی یافت.

بازگشت به افغانستان

حجت الاسلام والمسلمین استاد براتی برای حضور در جبهات حق علیه باطل در دوران سلطه حکومت مارکسیستی در سال ۶۹ به افغانستان بازگشته و اولین نماز جمعه را در مناطق آزاد شده برپا نموده و کتاب دینیات را برای مدارس مناطق تحت نفوذ تدوین می کند.

استاد براتی، با پیروزی مجاهدین برای دوّمین بار وارد کابل می شود و در روز فتح کابل توسط مجاهدین، حضور دارد. در آن روزهای پرتلاطم به دانشگاه کابل رفته و با تشکیل مجالس و همایش ها برای معرفی اسلام پس از سم پاشی های حکومت ضد دینی مارکسیستی، موفق به تشکیل جلسات پرسش و پاسخ، کلاس های اسلام شناسی و چاپ مجله انقلاب اسلامی با همکاری جمعی از مسئولین بخش نشرات دانشگاه کابل و فعالان فرهنگی می شود. همزمان با دانشگاه در مناطق قلعه فتح الله و افشار و کوته سنگی و کارته سخی به ایراد سخنرانی و کلاس های بیان حدیث و داستان های قرآنی و تفسیر می پردازد، طوری که توجه رسانه ها را جلب و فعالیت های فرهنگی از سوی مسئولین آن دوره مورد حمایت قرار می گیرد.

نامبرده در ماه های اولیة حضور در کابل از سوی آیت الله محسنی (حفظه الله) دعوت به همکاری شده و معرفی نامه خود را از دستان مبارک حضرت آیت الله محسنی در کاخ ریاست جمهوری برای تصدی یکی از ریاست های وزارت شئون اسلامی دریافت می کند، این واقعه مصادف بوده با ورود جناب قمر نماینده گلبدین حکمتیار به کاخ ریاست جمهوری جهت شرکت در مجلس صلح و خاتمه بخشیدن به جنگ های داخلی که میان احمدشاه مسعود و حزب اسلامی با هدف تحکیم

قدرت آغاز شده بود!

بازگشت مجدد به ایران

زمان زیادی از پیروزی غرور آفرین مجاهدین و ورود آنها به کابل نگذشته بود که جنگهای داخلی و خانمانسوز بین حزب اتحاد سیاف و حزب وحدت شهید عبدالعلی مزاری از یکسو و گلبدین حکمتیار و احمدشاه مسعود و دولت، از سوی دیگر شرایط را برای اجرا و هرگونه فعالیت علمی، فرهنگی و اجتماعی تنگ کرده و کشور در مرحله گذار سختی قرار می گیرد. مرحله ای که اقوام و مذاهب برای به رسمیت رساندن و تحکیم قدرت خویش، فقط راه جنگ را انتخاب کرده بودند. ایشان به ناچار دوباره با چشم های اشک بار کابل را ترک می کند.

حجت الاسلام والمسلمین استاد محمد امین براتی در سال ۱۳۷۱ شمسی، دوباره به ایران آمده و این بار در شهر مقدس قم رحل اقامت می افکند، ادامه دروس را پی گرفته، با اشتیاق تمام اولین سال را در محضر آیت الله پایانی و آیت الله اعتمادی تلمذ نمود. در دومین سال در دروس خارج فقه و اصول بزرگانی چون آیت الله العظمی وحید خراسانی، آیت الله العظمی حاج میرزا جواد آقا تبریزی و علامه عبدالله جوادی آملی شرکت نمود. روند حضور ایشان در دروس مراجع و بزرگان حوزه علمی قم ده سال به طول انجامید و در این مدت در دروس آیات عظام: منتظری، سید محمد روحانی، و آیت الله بهجت و آیت الله شیخ فاضل لنکرانی و علامه جعفری و آیت الله مصباح بطور متفرق از یک سال تا چند ماه و یا کمتر شرکت نمود. وی علاوه بر شرکت در دروس حوزه، مطالعه کتب روان شناسی را که در حوزه علمی مشهد مقدس آغاز کرده بود در شهر مقدس قم با شرکت در دروس دکتر آل اسحاق با موفقیت به پایان برده و نیز لسان فلسفه را به صورت غیر حضوری در مؤسسه عالی امام خمینی (ره) اخذ نمود.

ایشان این دوره را طلایی ترین دوره عمر خود شمرده و آن را برگ زرین

زندگی اش قلمداد می کند.

عزیمت به شیراز

حجت الاسلام و المسلمین استاد محمد امین براتی در سال ۷۴ به شیراز عزیمت و فعالیت های خود را در شهر و روستا گسترش داده که کتاب روزنه های تربیتی یا راز خوشبختی حاصل آن هجرت است، در رفت و آمدهای پیاپی و فعالیت در جمع خواهران با همکاری امام جمعه محترم آن شهر به فضل الهی انجمن فرهنگی فاطمه الزهراء را تشکیل می دهد که خواهران کلاس درس، روستاهای اطراف را تحت پوشش تربیتی قرار داده و این امر موجب پایه گذاری حوزه علمیه خواهران در شهر خرامه می گردد.

مهاجرت به آمل

حضرت حجت الاسلام والمسلمین استاد محمد امین براتی به دعوت شورای مدیریت حوزه علمیه قم در سال ۱۳۸۴ ش، عازم شهر آمل می شود. یک سال در مدرسه امیرالمؤمنین (علیه السلام) مشغول تدریس اصول فقه و لمعه شده و در سال دوم به دعوت مدرسه علمیه امام حسن عسکری علیه السلام به مدیریت حضرت استاد حجت الاسلام والمسلمین شیخ مرتضی جوادی آملی جذب آن مدرسه گردیده و به تدریس رسائل، مکاسب، کفایه، رجال، درایه، و روش تحقیق می پردازد. در این مدت به تدریس فلسفه و تفسیر در حوزه علمیه خواهران نیز می پردازد.

فعالیت های علمی، اجتماعی و فرهنگی

استاد براتی در طول عمر با برکت خویش منشأ خدمات بسیاری شده که بطور خلاصه به ادوار خدمات ایشان اشاره می شود.

الف. دوره مشهد

۱. تدریس پایه های درسی حوزوی؛

۲. مدیریت حوزه علمیه حضرت قائم (عج) به مدت یکسال؛

ص: ۴۳

۳. تأسیس مجمع حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) که فعالیت های گسترده معنوی، خدمات اجتماعی و فرهنگی را عهده دار بوده و برای اولین بار در تحوّل مراسم عروسی و زدودن گناه از چهره زیبای این سنت نبوی، طرح مؤثری را اجرا می کند، این مجمع به توسعه فرهنگ تواشیح و همخوانی قرآن و جذب جوانان برای تحصیلات حوزوی توفیقاتی کسب می نماید.

ب: دوره قم

۱. تدریس سطوح متوسطه و عالی در حوزه های علمیه شهابیه، حجّتیّه، مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی، مدرسه عالی امام خمینی (ره) به مدت پنج سال. حاصل این مرحله، تدوین شرح حلقات شهید صدر با عنوان منطق فقاہت؛ تدوین شرح کفایه الاصول و اصول فقه مقارن؛ تقریرات درس آیت الله العظمی وحید خراسانی است.

۲. شرکت در دوره تقویت بنیه مدارس خودگردان: ایشان به توفیق الهی با جمعی از دوستان فعال و دلسوز برای سامان دادن مهاجرین افغانستانی مدارس را بوجود آوردند تا جوانان مهاجر استعدادهای خود را رشد و بالنده سازند.

در این راستا دوره هایی برای اساتید آنان که مدارک دانشگاهی داشتند طراحی شده، تا آموزه های لازم دینی و علمی بطور جامع مدیریت شود، در این دوره جناب حجت الاسلام ربّانی گلپایگانی، کلام و آقایان پیشوایی، تاریخ و عبدالقیوم سجّادی، علوم سیاسی و استاد براتی، اصول روانشناسی تربیتی را تدریس می نمایند، که حاصل این دوره کتاب ۲ جلدی «اصول روانشناسی تربیتی از نگاه علم و دین» می باشد.

۳. تشکیل کمیته حمایت از مهاجرین و جنگ زده ها در دوران سخت حکومت طالبان در افغانستان.

ص: ۴۴

ج: دورهٔ آمل

در این دوره فعالیت های زیر توسط استاد انجام گرفته است:

۱. مشاور رسمی علمی و اجتماعی؛
۲. معاونت پژوهش حوزهٔ آیت الله جوادی آملی؛
۳. امامت جماعت مسجد سجادیهٔ آمل و مسجد غریب الغرباء؛
۴. تأسیس پژوهشکدهٔ معارف سجادیه؛
۵. تأسیس صندوق قرض الحسنه ویژهٔ طلاب؛
۶. تشکیل مجمع خیرین در راستای کمک به نیازمندان و دانشجویان مستضعف؛
۷. داور رسمی شورای مدیریت در پایان نامه های حوزوی؛

د: دورهٔ موقت در افغانستان

حضور استاد در ایران مانع فعالیت در افغانستان نشد، لذا سفرهای وی به افغانستان، توفیق خدمت رسانی را در ابعاد دیگر موجب شده است مانند: تأسیس صندوق خیریهٔ امین؛ اجراء طرح بیمه درمانی و صحتی در سطح فرهنگیان که مرحلهٔ نخست آن از اساتید حوزهٔ علمیه هرات شروع شده است؛ تشکیل انجمن راهیان قرآن که در راستای سامان بخشیدن به نابینایان، بنیان گذاری شده است، تأسیس مؤسسهٔ علم افزایی و سیاحتی که با هدف علم افزایی برای اقشار مؤثر جامعه از پزشکان، معلمان مدارس، کانون های قرآنی و روحانیون به صورت سفرهای کوتاه مدّت به شمال ایران و شرکت در دوره های آموزشی و تورهای تفریحی شکل گرفته است. این مؤسسه بطور کامل خصوصی و غیر دولتی می باشد و همهٔ اینها تحت عنوان مؤسسه رفعت فعالیت می کنند.

آثار

۱. اصول روانشناسی تربیتی از نگاه علم و دین (در دو جلد)؛

۲. شرح حلقات شهید صدر بعنوان «منطق فقاہت»؛

۳. احکام طلا و نقره؛

۴. غنا و موسیقی از دیدگاه علم و دین؛

۵. شرح کفایه الاصول؛

۶. اصول فقه مقارن؛

۷. تقریرات درس آیت الله العظمی وحید خراسانی؛ (این نوشته جات که خارج اصول و خارج مکاسب بیع و خیارات است به صورت فارسی و غیر مطبوع می باشد)؛

۸. گفتار امین، یا زندگی سبز (نرم افزار) بیانات استاد براتی؛

۹. بایستگی های اخلاقی و علمی در روش تحقیق؛

۱۰. رساله فی الاجتهاد و التقليد والاحتیاط .

منبع: دستنوشته حضرت حجت الاسلام و المسلمین استاد محمد امین براتی در تاریخ ۱۳۹۳/۱۰/۳ شمسی.

ص: ۴۶

استاد محمد امین براتی در کنار آیت الله جوادی آملی

ص: ۴۷

(بلخاب ۱۲۹۹ ش کابل ۱۳۴۷/۴/۲۳ ش)

علامه شهید سید اسماعیل بلخی فرزند حاج سید محمد بلخی، در بهار سال ۱۲۹۹ ه - ش، در یک خانواده علمی و مذهبی در قریه سر پل بلخاب، از توابع بلخ باستان دیده به جهان گشود، پدرش از خانواده بزرگ بلخیا و حسینی های بلخاب است که از این خاندان، علماء و شخصیت های بزرگی ظهور کرده که هر کدام خدمات علمی، فرهنگی و اجتماعی ارزنده ای داشته اند. مادرش صبیئه مرحوم سید قاسم حسینی شاعر بلخی است و آیت الله حاج سید حیدر نجفی بلخی معروف به (شمشیری) دائی علامه است. دو سال از عمر با برکتش نگذشته بود که بهترین موجود زندگی خود «مادر» را از دست داد.

چنین گفته اند که: شهید سید اسماعیل بلخی (ره) سه سال داشت که تحصیلات ابتدائی را در دامان خانواده آغاز کرد و از همان ایام تحت تعلیم پدر و دائی خود قرار گرفت، قرآن کریم، احکام و سواد خواندن و نوشتن را فرا گرفت. سن کم و هوش

سرشار وی، پدرش سید محمد را بر آن داشت که توجه جدی نسبت به سید اسماعیل داشته باشد و زمینه رشد و بالندگی فرزندش را فراهم کند.

هجرت به مشهد مقدس

پدر شهید، مرحوم سید محمد حسینی بلخی، همراه فرزندان خود سید اسماعیل و سید ابراهیم و دخترش بی بی رقیه از طریق بلخ و بخارا با تحمل سختی ها و رنجها در روز اول اردیبهشت سال ۱۳۰۴ ه - ش، وارد مشهد مقدس شدند. پس از ورود به مشهد مقدس و زیارت مرقد مطهر امام هشتم (علیه السلام) سید اسماعیل و سید ابراهیم در مدرسه بالا سر حرم مطهر امام رضا (علیه السلام) ثبت نام کرده و تحصیلات علوم دینی را آغاز نمودند. سید اسماعیل با توجه به استعداد فوق العاده ای که داشت در مدت زمان کوتاهی، مراحل کمال را طی کرد، اما برادرش سید ابراهیم در سال ۱۳۱۲ بر اثر بیماری ناشناخته ای از دنیا رفت.

شهید سید اسماعیل بلخی از سال ۱۳۰۴ تا سال ۱۳۱۴ شمسی دروس صرف، نحو، تفسیر، کلام، فلسفه، فقه، اصول و علوم متداول آن زمان را از محضر اساتید نامدار حوزه علمی مشهد مقدس فراگرفت.

شهید در کنار دروس و مطالعات تاریخی و... از آنجا که سخنوری را لازمه حیات طلبگی و روحانیت می دانستند، آموزش فن خطابه و سخنرانی را از اساتید نامدار آن روزگار آموخت. او با راهنمایی اساتید برجسته این فن چون: آیت الله حاج شیخ غلام رضا واعظ طبسی، حاج سید حسن شمس فریمانی، شیخ محمود حلبی خراسانی و حاج شیخ حسین علی راشد خراسانی، چنان در فن خطابه رشد کرد که همکلاسی هایش او را سید اسماعیل واعظ بلخی لقب دادند.

سفر به چند کشور اسلامی

ایشان در اوایل سال ۱۳۱۰ همراه پدر بزرگوار و دایی خود به کشورهای اسلامی چون: عراق، سوریه و عربستان سعودی سفر کرد. این سفر که مدت یکسال به درازا

کشید، با توجه به اینکه اولین سفر خارجی شهید بود، در تکامل و رشد فکری او تأثیری عمیقی نهاد. وی در این سفر، علاوه بر زیارت خانه خدا و قبور ائمه و پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حجاز و عراق، از مراکز علمی و فرهنگی این کشورها و نیز حوزه علمیة نجف و کربلا دیدن نمود.

بازگشت به وطن

علامه شهید سید اسماعیل بلخی در روز اول سرطان (مرداد) سال ۱۳۱۴ شمسی وارد شهر تاریخی هرات شد. ایشان در بدو ورود به این شهر، در نماز جمعه ای که در مسجد جامع اهل سنت برگزار می شد و نیز در جمع علما و بزرگان شیعه و سنی حضور پیدا کرد و به ایراد سخنرانی پرداخت که شگفتی حضار را به همراه داشت. ایشان در این سخنرانی، اقدامات ضد اسلامی رضا شاه را در کشف حجاب محکوم کرد. این سخنرانی ایشان که مورد استقبال مردم هرات واقع شده بود، سبب شد که مردم از ایشان بخواهند، برای همیشه در این شهر بماند.

سید مدت یکسال که در هرات ماند، در کنار کارهای تبلیغی و ترویجی، به تحقیق و نویسندگی نیز پرداخته و کتابهای «فلسفه الاحکام فی نصره الاسلام» و «طب از نگاه قرآن» را تألیف نمود، که کتاب دومی به زنبیل بلخی شهرت یافت.

در بهار سال ۱۳۱۵ ش، پس از اینکه خبر شهادت دایی اش آیت الله سید حیدر نجفی بلخی مشهور به (شمشیری) که به شکل مشکوکی به شهادت رسید را شنید، به بلخاب رفت تا در مراسم چهلمین روز شهادت ایشان شرکت نماید. شهید بلخی به همین مناسبت در جمع صدها تن از مردم بلخاب پیرامون شخصیت علمی، سیاسی و مبارزات و خدمات فرهنگی و اجتماعی آیت الله نجفی بلخی سخنرانی و تعزیه خوانی کرد. ایشان پس از این مراسم، به مزار شریف و کابل رفت و بعد از سه ماه برای ادامه فعالیت های فرهنگی و اجتماعی به هرات بازگشت.

شهید بلخی به منظور تکمیل فراگیری آموزش های اسلامی در اوایل سال ۱۳۱۶ ش، عازم حوزه علمیه نجف اشرف شد. ایشان پس از زیارت مرقد مطهر مولای متقیان حضرت علی (علیه السلام) به مدرسه علمیه آخوند خراسانی که مرکز طلاب و علمای افغانستانی بود، استقرار یافت. در این مدرسه بسیاری از علما و طلاب افغانستانی ساکن بودند که از علامه بلخی استقبال کردند. شهید بلخی در مدت کوتاهی با اساتید و بزرگان و برنامه های درسی حوزه علمیه نجف آشنا شد. وی مدتی در کلاس های درس بزرگانی چون: آیت الله شیخ ضیاءالدین عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی، سید محمد باقر اصطهباناتی، شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء، شیخ محمد حسین غروی کمپانی، آیت الله سید محسن طباطبائی حکیم شرکت نمود. ایشان در حین تحصیل، سخنرانی های کوبنده ای نیز داشته است.

سفر به حج و کشورهای اسلامی

مرحوم شهید بلخی در همان سال به حج مشرف شدند، پس از مراسم عبادی سیاسی حج، از کشورهای مصر اردن و سوریه بازدید کرده و دوباره به نجف اشرف بازگشتند، اما پس از ورود به عراق، فضای آنجا را خفقان آور تشخیص داده و نیز علما و مراجع حوزه علمیه نجف به ایشان یاد آور می شوند که ماندن در عراق برای ایشان مناسب نیست و او باید به ایران برود. بنابراین علامه بلخی مدت زیادی را در نجف نبوده است.

ادامه تحصیل در قم

ایشان بعد از ترک حوزه علمیه نجف اشرف، وارد قم شده و در این شهر شروع به تحصیل نمود. هرچند اقامت ایشان در قم طولانی نبود، اما اتفاق جالبی که در این دوره برای ایشان افتاد، ملاقات او با امام خمینی (ره) بود که برای دومین بار انجام می گرفت. او با شرکت در جلسات خصوصی امام به عمق اندیشه ها و زوایای

آشکار و پنهان زندگی امام آگاهی پیدا می کند.

اساتید

الف. مشهد

آیت الله شیخ محمد تقی هروی معروف به (ادیب نیشابوری)، آیت الله میرزا احمد مدرس یزدی، آیت الله حاج شیخ میرزا مهدی غروی اصفهانی، شیخ محمد هاشم قزوینی، شیخ میرزا علی اکبر نهاوندی، شیخ محمد محسن آقا بزرگ تهرانی، شیخ میرزا محمد کفائی خراسانی، شیخ میرزا احمد کفائی خراسانی، حاج سید میرزا حسین فقیه سبزواری، آیت الله حاج سید صدرالدین صدر موسوی جبل عاملی.

ب. قم

مرحوم آیت الله سید محمد حسین طباطبایی بروجردی، مرحوم حاج شیخ عباس قمی، مرحوم حاج سید حسین طباطبائی قمی، مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمد تقی خوانساری.

ج. نجف

آیت الله العظمی شیخ ضیاء الدین عراقی، آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، مرحوم سید محمد باقر اصطهباناتی، شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء، مرحوم شیخ محمد حسین غروی کمپانی، آیت الله سید محسن طباطبایی حکیم.

بازگشت به افغانستان

او که مدت ۱۸ ماه مسافرت به کشورهای عربی و اسلامی، شناخت کاملی از اوضاع منطقه پیدا کرده بود، در سال ۱۳۱۷ ش، وارد افغانستان شد و در شهر هرات استقبال بی سابقه ای از ایشان به عمل آمد. پس از ورود به افغانستان و شناخت کامل از اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور تصمیم گرفت هرچه سریعتر مبارزات اصلاحگرایانه خود را در زمینه های مختلف آغاز نماید. علامه بلخی که تا سال ۱۳۲۴ ش، در هرات اقامت داشت، شبانه روز به فعالیت های اصلاح گرایانه ادامه داد.

ص: ۵۲

نخستین گام علامه بلخی سخنرانی و تبلیغ در مجالس و محافل بود، وی که بیان سحر آمیز و عالمانه داشت، در مراکز علمی، فرهنگی و آموزشی از جمله حسینیه ها، حوزه های علمیه، دانشگاه ها و مساجد به مردم آگاهی می بخشید. دومین قدم ایشان تأسیس کانون های فرهنگی است. ایشان به این نتیجه رسیده بود که تأسیس کانون های فرهنگی، آموزشی و مراکز علمی تربیتی یکی از ضروریات جامعه مسلمان و مظلوم افغانستان است. اقدام سوم وی، احداث مراکزی چون مساجد، حسینیه و حوزه های علمیه بود. ایشان در ولایات مختلف افغانستان مخصوصاً در مناطق شیعه نشین، دست به احداث چنین مراکزی زد.

فعالیت ها و مبارزات سیاسی

علامه شهید سید اسماعیل بلخی (ره) از همان ابتدای ورود به افغانستان، گرایش مبارزه بر علیه استبداد در وجودش متبلور بود. ایشان در سال ۱۳۲۰ به منظور آغاز مبارزات سیاسی، چهارچوب و ساختار اولین حزب ملی و اسلامی را به نام «حزب ارشاد اسلامی» با همکاری جمعی از شخصیت های سیاسی، علمی و فرهنگی تأسیس کرد. این حزب که آرمان مقدسی برای خود ترسیم کرده بود، طیف وسیعی از مردم شیعه و سنی را شامل می شد که از اهداف آن؛ تشکیل یک حکومت اسلامی بر پایه اصول و مبانی دینی بود. این حزب در شهر هرات پایه ریزی شد، اما با مسافرت هایی که اعضای حزب به ولایات دیگر داشتند، به تدریج گسترش یافته و افرادی از قبایل و اقوام مختلف سراسر کشور به آن پیوستند. پس از تأسیس حزب ارشاد بود که تعدادی از احزاب و جریانات سیاسی با گرایش های اسلامی ظهور کردند و مردم استبداد زده کشور را با زندگی سیاسی جدید آشنا کرد.

شهید بلخی در سال ۱۳۲۷ به کابل رفت و مقر حزب به صورت سری در منطقه چنداول منتقل و کمیته مرکزی حزب به طور سری تشکیل شد. پس از آنکه فعالیت حزب ارشاد افشا شد، حدود پانصد تن از اعضای حزب با توجه به جایگاه اجتماعی

که داشتند، در شهرهای مختلف افغانستان از انظار حکومت مصون ماندند. اما ده تن از اعضا، شهید و دو تن مفقود الاثر شدند. و چهارده تن از اعضای رهبری به مدت ۱۵ سال در زندان مخوف ده مزنگ کابل زندانی شدند.

حرکت اصلاحگرایانه علامه بلخی با تشکیل حزب ارشاد اسلامی در شهر هرات، ابعاد تازه ای به خود گرفت. از آنجا که میان شیعیان و اهل تسنن افغانستان اختلافات دیرینه ای وجود داشت. او با ارائه راهکارهای مناسب در برابر این اختلافات محکم ایستاد. او در یکی از سخنرانی های خود در سال ۱۳۴۶ در نجف اشرف به این نقش خود اشاره کرده است: «خطابه ای را که پارسال در قندهار برای اصلاح شیعه و سنی [ارائه] دادم گفتم: برادران شیعه و سنی، اگر باران بارید به زمین شیعه و سنی می بارد و اگر خشکسالی آمد هر دوی شما گرسنه می شوید. آمریکا دارد نزاع سیاه و سفید را حل می کند. ما این قدر کوچک شده ایم که اول جنگ شیعه و سنی و از آن هم که گذشت، جنگ اسماعیلی و غیر اسماعیلی را دامن می زند» ایشان در جای دیگر می گوید: «برادران شیعه و سنی امروز اگر ما و شما وحدت نداشته باشیم، این کشور توسط اجانب و دشمنان اسلام پارچه پارچه می شود. هر قدرتی گوشه ای از آن را تسخیر کرده و به سوی خود و خاک خود ملحق می کند».

شهید سید اسماعیل بلخی برای آغاز حرکت سیاسی خود در روز نوروز سال ۱۳۲۹ ش، قیامی را با همکاری بعضی از گروه ها و احزاب و اقشار جامعه راه اندازی کرد. هدف از این قیام، سرنگونی حکومت ظاهرشاه و برپایی حکومت اسلامی با مشارکت همه مذاهب و اقوام بود. متأسفانه این قیام با خیانت دو نفر از اعضای حزب ارشاد (عوامل نفوذی دربار) ناکام ماند. پس از این اقدام، اعضای برجسته حزب ارشاد و رهبران اصلی قیام در کوتاه ترین زمان دستگیر و به زندان ده مزنگ منتقل شدند. با سرکوب این قیام توسط حاکمیت وقت، مرحله جدیدی از دوران تاریک استبداد در افغانستان آغاز شد.

پس از سرکوبی قیام، با اینکه زمینه مخفی شدن شهید بلخی وجود داشت، اما او نخواست که یارانش در زندان باشند و خودش از دیده ها مخفی شود. لذا وی در حسینیه میر اکبر آقا فرزند سید مرتضی در محله چنداول، خود را به مأموران مخفی حکومت که او را زیر نظر داشتند تسلیم نمود و از همانجا روانه زندان شد. وقتی مردم خبر دستگیری ایشان را شنیدند، به خیابان ها ریختند که می توان گفت اولین تظاهرات سیاسی اعتراض آمیز در تاریخ معاصر افغانستان بوده است.

علامه شهید بلخی تا سال ۱۳۴۳ ش، که محمد یوسف به نخست وزیری رسید، در زندان باقی ماند. ایشان در آنجا هم دست از فعالیت برداشت. اولین فعالیت او در زندان مطالعه شبانه روزی قرآن کریم و تأمل در سوره های آن بود. فعالیت دیگر ایشان سرودن اشعار حماسی و انقلابی است که حدود هفتاد و پنج هزار بیت شعر در قالب غزل، قصیده، مثنوی، مخمس و... تنظیم کردند. هرچند بخش اعظم این اشعار در دوران کمونیست ها از بین رفته است، اما حدود پنج هزار بیت از این اشعار باقی مانده است.

در سال ۱۳۴۲ ش، دکتر محمد یوسف چنداولی که فرد با سواد و دارای اندیشه آزادی خواهانه بود، به نخست وزیری انتخاب شد. در این زمان با پیشنهاد ظاهرشاه زمینه تصویب قانون اساسی جدید که در آن آزادی های مدنی و اجتماعی و آزادی فعالیت های احزاب سیاسی به شکل گزینشی فراهم شده بود. با تصویب این قانون در مجلس شورای ملی، زمینه عملیاتی شدن مواد آن نیز فراهم شد که یکی از آن، آزادی زندانیان سیاسی بود. ظاهرشاه و نخست وزیر عده ای از دولت مردان را مأمور می کنند که به زندان بروند و زمینه آزادی زندانیان سیاسی از جمله شهید بلخی را فراهم کنند. مرحوم شهید بلخی برای بیرون آمدن از زندان خواسته هایی را مطرح می کند که عبارتند از: احترام به آزادی های فکری، فرهنگی، سیاسی و مذهبی. این

شروط مورد پذیرش ظاهرشاه و نخست وزیر قرار می گیرد و شهید بلخی در ۱۳۴۳/۷/۱۱ ش، از زندان آزاد می گردد.

پرواز خونین بال

شهید بلخی پس از آزادی از زندان، فصل تازه ای از فعالیت های سیاسی و فرهنگی خود را آغاز کرد. او آزادانه به مناطق مختلف افغانستان سفر کرده و در سخنرانی های خود دولت وقت را به باد انتقاد می گرفت. وی سفر مجددی هم به کشورهای ایران، عراق و سوریه داشته است که این تحرکات، حساسیت حکومت استبدادی وقت را برانگیخت و ظاهرشاه به این نتیجه رسید که علامه بلخی را از سر راه خود بردارد. سرانجام خود کامگان و مستبدان که وجود بلخی را بر نمی تافتند، با همدستی خود فروختگان درباری و با اجیر کردن عده ای در تاریخ ۱۳۴۷/۴/۲۳ با تزریق زهر به بدن علامه بلخی در بیمارستان علی آباد کابل، این خورشید فروزان را خاموش و ملت مظلوم افغانستان را از وجود او محروم ساختند. پیکر شهید سید اسماعل بلخی در شهر کابل با حضور اقشار مختلف مردم و با شکوه تمام تشییع شد.

آری بلخی خود را فنا کرد تا ما بمانیم.

او خود فرمود:

ماجان به فنا دادیم، تا زنده شما باشید برخاک مزار ما، دایم به دعا باشید

چون شمع وجود ما، قربان شما گردید روشنگر شمع ما، شاید که شما باشید

در پیچ و شکنج دهر، نومید نباید شد مردانه در این وادی، با شور و نوا باشید

یک روز اگر آید، بر خاک مزار ما قرآن خدا خوانید، مشغول ثنا باشید

ص: ۵۶

با خُرد و بزرگ قوم، از مهر چنین گویند با سید خود «بلخی»، دایم به وفا باشید

امروز اگر طوفان، بر کشتی ما افتاد ممکن که شما فارغ، از غرق و فنا باشید

منابع: خامه یار، حسن، شاهد یاران، ماهنامه فرهنگی تاریخی، دوره جدید / شماره ۶۴ / اسفندماه ۱۳۸۹، یادمان شهید سید اسماعیل حسینی بلخی. رهبر آزادی، مجموعه اشعار عاشورایی علامه شهید بلخی (ره)، تهیه و تنظیم سید محمد حسینی، با مقدمه سید محمد قاسمی، قم، دهکده جهانی آل محمد (صلی الله علیه و آله)، اول، ۱۳۸۷. ناصری داوودی، عبدالمجید، مشاهیر تشیع در افغانستان، ج ۱، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (صلی الله علیه و آله)، اول، ۱۳۹۰.

ص: ۵۷

شهید سید اسماعیل بلخی در کنار امام خمینی (ره)

اولین عکس علامه بلخی (ره) از دوران طلبگی در سن ده سالگی به تاریخ ۱۳۱۱ ش، در مشهد مقدس و تبریز یادبود شهید بلخی به تاریخ ۱۳۶۷

ص: ۵۸

عکس دوران کودکی علامه بلخی هنگام ورود به حوزه علمیه مشهد مقدس

علامه بلخی پس از بازگشت از ایران در شهر هرات

ص: ۵۹

کتیبه بارگاه شهید بلخی

شهید بلخی در حال سخنرانی در مدرسه عباسقلی خان مشهد

ص: ۶۰

شهید بلخی پس از سخنرانی در مدرسهٔ عباسقلی خان مشهد

عکس یادگاری شهید بلخی در صحن مطهر امام هشتم شیعیان جهان علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه و الثناء

ص: ۶۱

(غزنی ۱۳۳۷ ش -)

حجت الاسلام والمسلمین، سید محمد عیسی جوادی غزنوی، فرزند سید محمد، در سال ۱۳۳۷ شمسی در ولایت غزنی چشم به جهان گشود، در هفت سالگی به مکتب رفت و دروس ابتدایی را در حوزه های همان منطقه فرا گرفت.

هجرت به ایران

حجت الاسلام والمسلمین جوادی غزنوی در سال ۱۳۵۵ شمسی، وارد ایران شد و در حوزه علمی مشهد مقدس رحل اقامت افکند، ایشان سطوح اولیه، اصول فقه و شرح لمعه را از محضر آیت الله سید صالحی مشهدی آموخت و نیز بخشی از مسائل فلسفی را نیز در آنجا فرا گرفت.

نامبرده در سال ۱۳۵۹ شمسی، وارد حوزه علمی قم شد، سطوح عالی، رسائل، مکاسب، کفایه الاصول و دروس جنبی مانند، فلسفه، تفسیر، حدیث، کلام و رجال را در آن حوزه مبارک آموخت، ایشان کتاب مکاسب را در محضر استاد پایانی و

ص: ۶۲

رسائل را از محضر استاد اعتمادی فرا گرفت. سپس در دروس خارج فقه و اصول آیات عظام ناصر مکارم شیرازی و جعفر سبحانی به مدت ده سال حضور پیدا کرده و دوره خارج را به پایان رساند. و نیز به مدت ده سال در درس تفسیر حضرت آیت الله جوادی آملی نیز شرکت نموده و دروس حکمت را هم از محضر استاد ربانی گلپایگانی فرا گرفت. وی در سال ۱۳۸۵ ش، از مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی (حجّتیّه) با معادل دکترا، فارغ التحصیل گردید.

فعالیت های فرهنگی و سیاسی

استاد جوادی غزنوی همزمان با تحصیل در علوم اسلامی، در سازمان های جهادی افغانستان مانند سازمان نصر و حرکت اسلامی حضور فعال داشته و در امور فرهنگی و تبلیغی تأثیر گذار بوده است.

از ایشان در ارگان های نشراتی احزاب جهادی افغانستان مانند: فجر امید، خط سوم، پیام مستضعفین، گفتمان نو، و... مقالات زیادی منتشر شده و کتابهایی نیز در حوزه های فرهنگ، فقه و حقوق به چاپ رسانده است.

آثار

۱. یادنامه علامه مدرّس افغانی؛

۲. روشنفکر امروز ما؛

۳. تلاقی اندیشه های دینی؛

۴. حکومت دینی یا سکولار؛

۵. نظر هستی شناسانه به حقوق؛

۶. اندیشه های کلامی، فقهی و سیاسی آیت الله محسنی؛

۷. مسئله کتب ضلال؛

۸. فقه و حقوق مهاجرت؛

۹. نقد و بررسی جنبش روشنفکری افغانستان؛

حجّت الاسلام جوادی غزنوی افزون بر فعالیت های سیاسی و فرهنگی، زبانی گویا و بیانی سحر آمیز دارد. سبک گفتاری ایشان طرفداران زیادی بین مهاجرین افغانستانی در ایران دارد، او سخنوری تواناست و در بسیاری از مجالس و محافل مهاجرین سخنرانی کرده، او با شجاعت سخنرانی می کند و مطالب را بی پرده بیان می دارد و در این زمینه، شهرتی قابل توجه دارد.

منابع: دستنوشته استاد جوادی غزنوی ۱۳۹۳/۷/۲۸، فصیحی غزنوی، قربانعلی، شریفی، علی مدد، عالمان شیعه غزنی، ص ۱۲۴
۱۲۲، تهران، عرفان، ۱۳۹۳.

(کابل حدود ۱۲۶۸ یا ۱۲۶۹ ش کابل ۱۲ ثور (اردیبهشت) ۱۳۵۳)

حضرت آیت الله العظمی سید میر علی احمد حجت (ره) فرزند سید گل شاه در تاریخ ۲۰ ماه ذی الحجه الحرام سال ۱۳۰۷ یا ۱۳۰۸ ه - ق، مطابق با ۱۲۶۸ یا ۱۲۶۹ ه - ش، در شهر کابل در قلعه هزاره های مرادخانی، در یک خانواده علمی و اهل تقوا دیده به جهان گشود. پدر ایشان از سادات گردیز بود که سالها قبل به کابل مهاجرت نموده و آنجا ساکن شده بود. در همان آغاز زندگی، در یک زمستان سرد (در حدود سالهای ۱۲۷۰ یا ۱۲۷۱) پدر، پدر بزرگ و عموهای ایشان توسط عمال رژیم خونخوار امیر عبدالرحمان خان پادشاه وقت افغانستان به شهادت رسیدند و اموالشان مصادره و به یغما برده شد.

از همان آغاز زندگی تلخی یتیمی، آوارگی، فقر و بیچارگی را لمس کرد. مادر مؤمنه و فداکار ایشان از قزلباشهای شهر غزنی بود که او هم در این راه رنج ها و سختی های فراوانی را متحمل شد. خودش می گوید: «مادرمان به شدت کار می کرد، زحمت می کشید و در منازل لباسشویی می کرد و به این قسم شب و روز را

مرحوم حضرت آیت الله حجت (ره) دو برادر و دو خواهر داشت. برادر بزرگ ایشان عالم، عارف و شاعر توانا علامه سید کاظم مشهور به بلبل (ره) و برادر کوچک ایشان حضرت آیت الله سید جلال مشهور به شریعت می باشند. نسب شریف این سه بزرگوار ابتدا به سید حسن آقا می رسد که مدفن و مرقد آن سید جلیل القدر در گردیز زیارتگاه مؤمنان است. سپس از طریق حضرت ابراهیم مرتضی به امام همام حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) می رسد. ایشان تحصیلاتش را نزد برادرش علامه بلبل آغاز کرد و تا کتاب نصاب الصبیان را از ایشان آموخت.

سفر به مشهد مقدس

حدود ۱۲ سال داشت که برادرش علامه بلبل، او را به همراه شخصی به نام ملا یوسف تاجر به مشهد مقدس فرستاد. و در ضمن، نامه ای به دوستان خود در مشهد نوشت و سفارش برادرش را به آنها نمود. ایشان به جهت کمبود امکانات و نبود مخارج سفر، مسیر کابل تا مشهد را پیاده طی نموده و با مشکلات زیاد خود را به جوار بارگاه حضرت علی ابن موسی الرضا (علیه السلام) رسانید.

حضرت آیت الله حجت (ره) زمانی که در مشهد مقدس مشغول تحصیل گردید. حوزه علمیه مشهد در علوم عقلی و ادبی از حوزه های علمیه مطرح شیعه بود. معظم له، در یکی از حجره های مدرسه ابدال خان (که در جنب قبر پیر پالاندوز قرار داشت و پس از توسعه اطراف حرم مطهر خراب شد)، ساکن گردیده و شروع به تحصیل نمود. ایشان در این حوزه مقدسه از ابتدای علوم متداول در حوزه، تحصیلات خود را آغاز نموده و ۱۷ یا ۱۸ سال تمام با جدیت و تلاش فراوان به کسب علم و دانش ادامه داد. در اندک زمان جزو افراد سرشناس آن حوزه مقدسه گردید، به طوری که خود، حوز درسی تشکیل داده و شاگردانی تربیت نمود. معظم له حکمت و فلسفه را نیز در حوزه مشهد مقدس، نزد علمای آنجا فرا گرفت. ایشان از محضر اساتید

بزرگواری هم چون مرحوم ادیب نیشابوری اول و مرحوم آیت الله میرزا محمد کفائی استفاده ها برد. بعد از اتمام یک دوره درس خارج، مدرسه ابدال خان را به قصد فراگیری و تحصیل علوم اهل بیت (علیه السلام) به طرف شهر قم ترک نمود.

هجرت به قم

حضرت آیت الله حجت به همراه برادرش مرحوم آیت الله شریعت حدود سال ۱۳۰۰ ش. روانه شهر مقدس قم گردیدند، در اثر نداشتن پول کافی، مسیر مشهد تا قم را پیاده طی نمودند و پس از ورود به این شهر مقدس، در یکی از حجره های مدرسه دارالشفاء ساکن شدند. دو برادر در مدت بیش از سه سال در کنار مرقد مطهر حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) اقامت گزیدند و از محضر مبارک عالم جلیل القدر آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و از محضر پر فیض مرجع جهان تشیع، فقیه اهل بیت عصمت و طهارت حضرت آیت الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی استفاده و بهره ها گرفتند و دوره درس خارج را به پایان رسانیدند.

هجرت به نجف اشرف

حضرت آیت الله حجت (ره) پس از مدتی تحصیل در مشهد و قم، راهی نجف اشرف شده و بعد از مدتی خود را به حرم ملکوتی امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) رسانید. ایشان پس از تشریف به زیارت حضرت امیر مؤمنان (علیه السلام) در یکی از مدارس مرحوم آیت الله العظمی سید کاظم یزدی اقامت گزیدند. وی در آنجا بدون معطلی مشغول به تحصیل می گردد و از محضر مبارک آیات عظام: مرحوم حضرت آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آیت الله العظمی آقا ضیاءالدین عراقی و مرحوم آیت الله العظمی میرزا محمد حسین نائینی که هر کدام استوانه های فقهی و اصولی در حوزه علمیه مقدس نجف اشرف بودند، استفاده های شایانی از دروس خارج این بزرگان برده و در مدت اقامت در نجف اشرف و حضور مستمر در جلسات درس

ص: ۶۷

این استوانه های علمی، مقام علمی و اخلاقی شان نزد اساتید عظیم الشان در حوزه محرز شده و مفتخر به اجازه اجتهاد از محضر مبارک آیات عظام می شود.

بازگشت به وطن

حضرت آیت الله العظمی حجت در سال (۱۳۰۷ ش) در ۳۹ سالگی در دوران حکومت امان الله خان، نجف را ترک کرده و وارد افغانستان گردید. در هنگام ورودش به محله (چنداوول) شهر کابل، از طرف دوستان و اقوام که در رأس آنها مرحوم آقای بلبل بود، مورد استقبال قرار گرفت.

حضرت آیت الله حجت (ره) بنابر دعوت علما و مردم شریف و علم دوست بهسود در سال (۱۳۱۵ ه ش) برای تدریس علوم دینی وارد منطقه علم پرور بهسود گردید و مورد استقبال بسیار گرم هزاران علاقه مند به علم و مذهب اهل بیت (علیهم السلام) قرار گرفت. ایشان پس از ورود به بهسود و ساکن شدن در یکی از خانه های مؤمنین، تدریس را آغاز کرد.

مرحوم آیت الله حجت (ره) از کتاب معالم الاصول گرفته تا رسائل، مکاسب، کفایه الاصول و منظومه سبزواری را تدریس می نمود. بعضی از این کتاب ها را به شاگردانی که پایه های تحصیلی آنها عالی بود واگذار می کرد و به این ترتیب حوزه درسی در منطقه بهسود توسط ایشان به وجود آمد.

علما و بزرگان منطقه وقتی از تدریس آقا در بهسود خبردار شدند، با شور و شوق فراوان از مناطق نزدیک و دور دست هزارجات خود را به مجلس درس ایشان می رساندند، تا بلکه استفاده کامل برده باشند. لکن این افراد از نظر کمبود جا و نداشتن مسکن در مضیقه بودند، بنابراین تصمیمی گرفته شد تا مدرسه ای در منطقه احداث گردد. لذا زمینی هم از طرف خیرین منطقه تعیین گردید و وسائل مقدماتی هم فراهم شد. اما به علت برخی از موانع، ساخته نشد.

ایشان پس از مدتی به کابل برگشت، وقتی دوباره می خواست به بهسود باز گردد،

دولت مانع شد و نگذاشت ایشان به آنجا مراجعت نمایند. ایشان وقتی از طرف دولت محبور شد در کابل بماند و به ولایات هزارجات دیگر سفر نکند، فعالیت هایی که قبل از رفتن به منطقه بهسود در کابل داشت را ادامه داد.

تشکیل حوزه علمیه در کابل

وقتی معظم له از رفتن به بهسود منع می گردد، تدریس را در کابل با جدّیت بیشتر ادامه می دهد، و در سال ۱۳۱۷ تکیه خانه عمومی چنداول را تأسیس می نماید. حسینیه عمومی چنداول علاوه بر اینکه حسینیه بود، مدرسه هم بود دارای چند اطاق که طلاب از آنها استفاده می کردند. سمت راست منبر در طبقه دوم، اطاق بزرگی بود که به عنوان مدرس از آن استفاده می گردید. معظم له تدریس را در آن اطاق برای طلاب شروع کرد؛ آنهایی که در بهسود با شوق و علاقه فراوان به درس آقای حجت شرکت می کردند، با همان شور و شوق خود را به کابل رساندند تا از محضر ایشان بهره مند گردند.

وی در تدریس تسلط کامل داشتند، دارای بیان رسا و عالی بودند. آنچنان در فهم مطالب و پیچیدگی درس و تدریس مهارت داشتند که همه شاگردان محترم شان استفاده تمام نموده و مستفیض می شدند.

آیت الله حجت و گسترش تبلیغ دینی

حضرت آیت الله العظمی حجت (ره) همان گونه که مراتب علمی را در تدریس ارتقاء بخشید، در تبلیغ هم مردم را به تمام معارف اسلامی و مزایای مذهبی آشنا ساخت؛ آن چنان روش تبلیغ را منظم ساخته بود که در همه مناطق، مجلس امام حسین علیه السلام بر پا گردیده و از هر طبقه مردم در مجلس شرکت کرده و تا پایان مجلس هم با شوق و علاقه می نشستند. روش آیت الله حجت در گسترش مجالس مذهبی در چهار گوشه کابل و تمام نواحی افغانستان به این طریق بود: ابتدا موضوع نیاز مردم و جامعه به تبلیغ و موعظه را مطرح می کرد و آن را به عنوان یک

امر مهم دینی بیان می نمود. فوائد موعظه و ضرر و زیان دوری از آن را بیان می کرد و با این روش کم کم زمینه را مساعد می ساخت و وقتی که مردم آماده می شدند، آنگاه یکی از طلاب و شاگردان خویش را برای تبلیغ و موعظه به منطقه مورد نظر می فرستاد.

فعالیت های علمی و فرهنگی

فعالیت های علمی آیت الله حجت (ره) را می توان به چند دسته طبقه بندی نمود:

الف. تشکیل حلقه درس و تربیت شاگردان

حلقه درس آیت الله حجت از همان حوزه علمیه مشهد مقدس آغاز گردید. پس از آنکه از مشهد و حوزه علمیه قم وارد حوزه علمیه نجف گردید، حلقه درس ایشان بیشتر رونق یافته و شاگردان زیادی از محضر ایشان بهره بردند، اما آنچه که بیشتر برایش حائز اهمیت بود، تشکیل حلقه درسی او در کابل بود. زیرا فقدان عالمان دینی در جامعه شیعی افغانستان از یکسو و نسبت دادن اتهامات ناروا مبنی بر کافر پنداشتن شیعه از سوی دیگر، پایه ها و ارکان عقاید مردم شیعه را سخت مورد سؤال قرار می داد. نگرش و تلاش جدی آیت الله حجت در این راستا موجب شد تا باب حوزه های علوم دینی در جهت نشر و گسترش فقه آل محمد (صلی الله علیه و آله) گشوده شده و عالمان و اندیشمندان بزرگ از محضر ایشان بهره ببرند.

ب. ارتقاء بخشیدن به عقاید دینی و مذهبی شیعیان

تا قبل از حضور آیت الله حجت در افغانستان، شناخت شیعیان به مسائل اعتقادی و فرهنگی بسیار ضعیف بود. بر این اساس یکی از کارهای آیت الله حجت شناساندن اصول و فروع دین و عقاید شیعه به مردم بود. ایشان همواره در سخنرانی هایش جریان تاریخی چون غدیر، فدک، مباحله، مسئله خلافت و مسئله مهدویت را در مراسم های مختلف مطرح می نمود و از این طریق فرهنگ شیعه را

ترویج و تقویت می نمود.

ج. مناظرات علمی با علمای اهل سنت

مباحث آیت الله حجت با مولوی های اهل سنت، در واقع زمینه درک و شناخت متقابل بین پیروان مذاهب اسلامی را فراهم می نمود، و این فرصت مناسبی در جهت نشر و گسترش فرهنگ شیعه به حساب می آمد. مناظره های علمی عمدتاً در ارگ سلطنتی در حضور محمد ظاهرشاه، مسجد خافیها، مسجد قاضی شهاب الدین واقع در چنداول و تکیه خانه عمومی چنداول صورت می گرفت. بیشترین مسائل مورد مناظره، حول چند محور عمده، از جمله حقانیت مذهب امام صادق علیه السلام، اثبات ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و برخی مسائل اعتقادی دیگر مثل سجده بر تربت و غیره می چرخید. مناظرات علمی و کلامی ایشان بسیار هوشمندانه و به موقع صورت می گرفت که در این جا به چند مورد از مناظره های ایشان اشاره می شود.

فعالیت های فرهنگی، در جهت رسمی شدن مذهب شیعه

یکی از فعالیت های آیت الله حجت برگزاری نمازهای عید سعید فطر و قربان و جمعه بود. آیت الله حجت این مراسم را آغاز نمود و حضور ایشان روز به روز به شکوهمندی این گونه مراسم می افزود. به گونه ای که فضای تکیه خانه چنداول از حضور گرم و پرشور مردم حال و هوای خاص به خود می گرفت.

تا قبل از آمدن آیت الله حجت به کابل، شیعیان حق نداشتند مراسم سوگواری حضرت اباعبدالله (علیه السلام) را به صورت علنی برگزار نمایند. بلکه همواره در حالت خفاء و پنهانی، آن هم شب ها در زیرخانه های تنگ و تاریک کابل برگزار می گردید. این محرومیت تا زمان آیت الله حجت ادامه داشت؛ اما با آمدن آیت الله حجت از حوزه های علمیه قم و نجف و حضور وی در بین مردم و تدبیر فوق العاده ایشان، مراسم سوگواری حضرت اباعبدالله (علیه السلام) و سایر مراسم مذهبی

آزادانه برگزار می گردید.

فعالیت ها علمی و فرهنگی آیت الله حجت سبب گردید تا مردم شیعه جهت مراسم دینی و مذهبی در اماکن عمومی، مساجد و تکیه خانه ها حضور یافته ضمن انجام مراسم عبادی همانند سایر شهروندان اظهار وجود نمایند.

علنی سازی مذهب تشیع توسط آیت الله حجت

علنی سازی مذهب شیعه در افغانستان از راهکارهای معروف آیت الله حجت به حساب آمده و چشم انداز ارزشمندی را در حیات سیاسی و اجتماعی شیعیان افغانستان ترسیم نمود. آیت الله حجت با به ثمر نشاندن این پدیده مبارک؛ یعنی علنی شدن مذهب شیعه در افغانستان، فصل جدیدی را در تاریخ نوین قشر محروم شیعه رقم زد.

شاگردان

مرحوم آیت الله حجت در مشهد مقدس، قم و نجف اشرف، منطقه بهسود و کابل، شاگردانی ممتاز تربیت کرد.

الف. مشهد

معظم له در حوزه علمیه مشهد مقدس در آن زمان از جمله فضلاء و نجبای حوزه به شمار می رفت و معروف به سید احمد کابلی بود. یکی از شاگردان ایشان در مشهد مقدس در سال (۱۳۳۷ ش) عالم جلیل القدر علی محمد بن محمد یزدی الاصل خراسانی مؤلف کتاب «شجره الانسان» در آداب و اخلاق می باشد. ایشان در مقدمه کتاب خود می نویسد: «من مغنی و حاشیه ملا عبدالله و قوانین را خدمت آقای حاج سید احمد کابلی که در مدرسه ابدال خان حجره داشت، تلمذ نمودم».

ب. قم

ایشان در قم با اینکه دو سه سال بیشتر نبود علاوه بر اینکه اشتغال به تحصیل داشت، به تدریس هم پرداخت و یکی از شاگردان ایشان در قم مرحوم آیت الله حاج

ص: ۷۲

آقارضا بهاء الدینی (ره) بود. وقتی از آقای بهاء الدینی در رابطه با اساتید دوره سطح و فلسفه و اخلاق ایشان سؤال شد، اساتید خود را نام برده و فرمود: «منطق را خدمت آسید احمد حجت افغانی خواندم».

ج. نجف

در نجف اشرف هم یکی از شاگردان ایشان آیت الله سید جعفر مرعشی (ره) «اخوالزوجه آیت الله سید سرور واعظ بهسودی (ره)» می باشد که شرح تجرید را خدمت معظم له تلمذ نمود.

د. افغانستان

بعضی از شاگردان ایشان با حذف القاب بدین قرارند:

۱. شهید شیخ محمد امین افشار

۲. شیخ عزیز الله غزنوی

۳. شهید سید سرور واعظ

۴. علامه شیخ محمد علی مدرس کابلی

۵. سید عبدالعظیم سر کاریز

۶. آخوند رضا زریافته

۷. شیخ محمد علی مدرس کابلی

۸. سید حسین جوادی بهسودی

۹. شیخ میر حسین صادقی پیروانی

۱۰. مرحوم سیدعلی جان علم الهدی

۱۱. مرحوم سید انور شاه صدر

۱۲. شهید علی احمد عالم

۱۳. مرحوم سید ابراهیم آقا

۱۴. مرحوم سید میر آقا

۱۵. شهید سید عبدالمجید ناصر

۱۶. مرحوم سید قاسم

۱۷. مرحوم سید شاه حسین آقا سنگ لاختی

۱۸. خطیب توانا شهید مبلغ

۱۹. مرحوم شیخ رضا بخشی رفعی

۲۰. مرحوم سید مظفرشاه قندهاری

۲۱. مرحوم سید عبدالمجید مروج

۲۲. مرحوم سید میر عبدالله وکیل

۲۳. مرحوم آقای شیخ غلام حسن مقدس

وفات

درحالی که هشتاد و چهار سال از عمر با برکت ایشان سپری شده بود، بدنش نیز ضعیف و ناتوان شده بود، نیمه شبی که جهت تهجد و خواندن قرآن و مناجات قصد رفتن به مسجد را داشت، پای مبارکش به فرش خانه گیر کرده، به زمین می افتد و پای راستش از قسمت زانو به بالا می شکند. ایشان حدود شش ماه در بستر بیماری بسر برد، سرانجام بعد از غروب روز ۱۲ ثور (اردیبهشت) سال ۱۳۵۳ ش، ساعت ۸ شب در منزل گلی و محقر، درحالی که در کنار بسترش، فرزندان ارجمندش و شاگرد گرانقدرش آیت الله مدرس و باقی دوستان بودند، نگاه های آخرین را در چشمان آن ودیعه الهی مشاهده می کردند، در حالی که زبان شریفش مشغول گفتن ذکر بود، ناگهان شهادتین را به زبان جاری نمود، روح بلندش به ملکوت اعلی عروج کرد، روحش شاد و یادش گرامی باد.

منابع: شفائی، حسین، زندانیان روحانیت تشیع افغانستان، قم، چاپخانه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۳۶۸ ش، ص ۵۳-۵۴؛ احمدی نژاد بلخابی، سید حسن، سیمای کابل، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش، ص ۱۴۵-۱۴۷؛

یزدانی، کاظم، دائره المعارف تشیع، ج ۶، ص ۹۳؛ حجت، سید محسن، زندگی نامه آیت الله العظمی میر علی احمد حجت، هفته نامه نجات، سال دوم، شماره ۴۶، ۱۳۷۷/۹/۲۹ ش، ص ۲۰-۲۳، شماره ۴۸، ص ۱۷-۲۲، شماره ۴۹، ص ۲۰-۲۲؛ جمعی از نویسندگان افغانستان، شورای ائتلاف زمینه ساز اتحاد شیعیان افغانستان، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، اول، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۰۹؛ ناصری داوودی، عبدالمجید، مشاهیر تشیع در افغانستان، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش، ج ۱، ص ۴۲۳-۴۲۸؛ حسینی فرهنگ، سید محمد، جامعه شناسی و مردم شناسی شیعیان افغانستان، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش، ص ۳۲۰-۳۲۱؛ شیوانی، محمد وحید، تشیع در کابل، سفیر، پیش شماره سوم (ویژه مسابقه راه رستگاری)، مشهد، مرکز جهانی علوم اسلامی، ص ۱۵۰-۱۵۳. حسینی، سید سجاد، نقش آیت الله سید میر علی احمد حجت کابلی، در گسترش تشیع در افغانستان (تحقیق پایانی) قم، گروه تاریخ مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره) وابسته به جامعه المصطفی العالمیه، آذر، ۱۳۹۳.

اجازة اجتهاد آیت الله حجت (ره) از آیت الله شیخ ضیاء الدین عراقی (ره)

ص: ۷۶

اجازة اجتهاد آیت الله حجت (ره) از آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی (ره)

ص: ۷۷

حضرت آیت الله حجّت در حال ورود به زیارتگاه سخی برای برافراشتن پرچم حضرت علی (علیه السلام) در روز نوروز، در عکس، یکی از علمای اهل سنت نیز دیده می شود

حضرت آیت الله حجّت در حال ورود به زیارتگاه سخی برای برافراشتن پرچم حضرت علی (علیه السلام) در روز نوروز، در عکس، والی کابل هم دیده می شود

(دره صوف ۱۳۲۹ ش فریمان ۱۳۶۶ ش)

عارف شهید حجت الاسلام والمسلمین سید حسین حسینی فرزند سید محمد تقی در سال ۱۳۲۹ هـ - ش در قریه «کمج» از روستاهای شهرستان درّه صوف، از توابع ولایت «سمنگان» به دنیا آمد. سید حسین در کودکی یتیم شد و زیر نظر عمویش، سید حسن آخوند - مؤسس مدرسه امام صادق (علیه السلام) واقع در کمج - پرورش یافت. شهید حسینی در سن یازده سالگی پس از فراگیری مقدمات از محضر سید حسن آخوند، به تحصیل علوم دینی پرداخت و به این وسیله وارد محافل علمی متعددی شد و به حوزه درسی برخی از علما راه یافت.

سفر به نجف اشرف

شهید سید حسین حسینی پس از تکمیل سطوح اولیه در سال ۱۳۴۷ هـ - ش در سن ۱۸ سالگی عازم نجف اشرف شد. ایشان پس از زیارت عتبات عالیات و مرقد مطهر امیرالمؤمنین (علیه السلام) تحصیلات خود را آغاز می کند. در همان آغاز حضور در

نجف اشرف، با امام خمینی (ره) آشنا می شود و مورد توجه حضرت امام خمینی (ره) قرار می گیرد. رفت و آمد با بیت امام باعث می شود که با شهید سید مصطفی خمینی و شهید محمد منتظری، آقای دعایی، شیخ حسن کروی و محتشمی پور و عده ای دیگر از مبارزین آشنا شود. ارتباط با بیت امام باعث می شود که شهید سید حسین حسینی در خط مبارزه قرار بگیرد و در نجف اشرف با عده ای از دوستان و طلاب افغانستانی «روحانیت مبارز» را تشکیل می دهند.

شهید حسینی از مؤسسين «سازمان نصر» افغانستان

شهید حسینی یکی از مفاخر مبارزه و مقاومت انقلاب اسلامی در افغانستان است. در دهه ۶۰ کمتر کسی پیدا می شود که شهید سید حسین حسینی را در صحنه انقلاب اسلامی افغانستان به خلوص و ایثارگری شناسد. ایشان با جمعی از دوستان همراه و صمیمی خود مثل آقای عرفانی و شیخ حسین اخلاقی و... با دیگر همفکران خود در کابل، قم و سوریه و سایر شهرها ارتباط برقرار می کنند. این فعالیت ها باعث می شود که در سال ۵۸ وقتی زمینه کار تشکیلاتی به وجود می آید، این مجموعه با همکاری و همفکری، حزب سیاسی و فعال «سازمان نصر» افغانستان را تشکیل می دهند.

شهید سید حسین حسینی که رکن اصلی این جریان بود، چنان به این جنبش سر و سامان داد که از نظر تشکیلاتی و عملکردهای سیاسی، نظامی و فرهنگی همواره حرف اول را در جهاد و مبارزه میزد و چون تربیت یافته مکتب رهبر بزرگ جهان اسلام، حضرت امام خمینی (ره) بود، حزبش نیز مبلغ افکار و آراء انقلاب اسلامی ایران بود. او هر از چندی به حضور حضرت امام می شتافت و طرح ها و برنامه هایش را با فرمان های ایشان تطبیق می داد.

شهید حسینی و انقلاب اسلامی ایران

شهید سید حسین حسینی در راستای دفاع از آرمان امام خمینی (ره) در شهر

مقدس نجف به مزدوران رضاشاه حمله ور شده و حرم حضرت امیرمؤمنان علیه السلام را از وجود آنها پاک می کند. یکی از بستگان شهید در این خصوص می گوید: «شاه ملعون، مریض شده بود. اطرافیان شاه و ساواک برای شفای او برنامه دعا، در شب جمعه، در حرم حضرت امیر مؤمنان ترتیب دادند، برای انحراف اذهان اینکه شاه به مذهب و برنامه های مذهبی پایبند است و به دعا و نیایش ایمان و اعتقاد دارد. پیروان امام هنگامی که از این جریان آگاهی یافتند، تصمیم گرفتند که جلسه های شاه پرستان را به هم بزنند. به همین منظور شهید حسینی با جمعی از دوستان به حرم مطهر رفت. تنها شهید حسینی و جناب آقای محتشمی وارد حرم می شوند.

شهید حسینی به سردهسته ی آنها می گوید: چرا در حرم حضرت علی و در خانه او برای شاه ملعون دعا می کنید که با مقاومت آنان روبرو می شود؛ لذا شهید به آن ساواکی حمله کرده و سر و صورت او را خونین ساخت. و در پی این عمل، مأمورین عراقی او را دستگیر کردند و با خود بردند. مرحوم امام، آقا مصطفی و آقای فرقانی از جریان آگاه شدند؛ لذا آقا مصطفی با افراد مؤمنی که در دستگاه کار می کردند دوست بودند، تلفنی صحبت کرده و در پی صحبت های مکرر، بعد از یک شبانه روز، حسینی را از زندان بیرون آوردند. شهید حسینی نیز به علت سخت گیری رژیم شاه نسبت به طلاب ایرانی، مدت ها رابط امام از خارج به داخل و هم سنگر مجاهدانی همچون حضرت آیت الله خامنه ای (دام ظلّه العالی) و آقای هاشمی رفسنجانی و شهید بهشتی در ایران بود.

شهید حسینی و ائتلاف هشت گروه شیعی

سید حسین حسینی برای به وجود آوردن ائتلاف در بین احزاب شیعه بی وقفه تلاش کرد. او جبهه ای واحد، تحت نام «شورای ائتلاف اسلامی افغانستان» به وجود آورد و خود به عنوان نماینده سازمان و هم چنین به عنوان «رئیس کمیسیون

فرهنگی» در آن شورا انجام وظیفه کرد. سید به این ائتلاف هشت گانه اهمیت بسیار قائل بود و می گفت: «باید همه تلاش کنیم که پایه های آن هرچه مستحکم و ریشه دار گردد.»

فعالیت‌های فرهنگی و منادی وحدت

شهید حسینی با اینکه زندگیش وقف جهاد و مبارزه علیه کفر و الحاد بود، هیچ وقت از کارهای فرهنگی غافل نماند. بارها می گفت: «زیر بنای همه کارهای اجتماعی سیاسی، کارهای فرهنگی است. رستاخیز فرهنگی، یعنی رستاخیز اجتماعی سیاسی و...»

یکی از کارهای فرهنگی ایشان برگزاری کنگره علامه شهید «سید اسماعیل بلخی» است. شهید حسینی با درک این حقیقت که شهید بلخی نقطه مشترک بین همه پندارها و نژادهای افغانستان (اعم از تاجیک، افغان، هزاره، ازبک، ترکمن) است و همه او را می ستایند، با برپایی این کنگره عظیم، در آن شرایط، مردم را به یاد مبارزه انداخت و آنان را به وحدت و همبستگی و هم یاری دعوت کرد.

گفتنی است اولین حرکت که برای وحدت مردم مؤثر افتاد، همین کنگره بود که به مدت سه روز با شرکت گسترده ای از فضلا، نویسندگان و دانشمندان افغانستان و ایران برگزار شد.

ویژگی های اخلاقی

حضور نزد بزرگانی چون حضرت امام خمینی و آیت الله میرزا حبیب الله اراکی و شهید حاج سید مصطفی خمینی تأثیری بس شگرف در وجود وی بر جای نهاد. بزرگترین ویژگی که دوستانش برای وی بیان می کنند، وارستگی شهید از دنیا است. حضرت آیت الله فرقانی، پدر خانم ایشان، می گوید:

«او خورشید بود و به دنیا علاقه نداشت. واقعاً خمینی شده بود!»

حجت الاسلام موحد بلخی از شاگردان شهید معتقد است:

«او از این آدم های معمولی نبود، تا بخواهیم با مقیاس های معمولی بسنجیم. او یک عارف بالله، یک واصل الی الله بود. او یک بدن سر تا پا شور و جذبه و اشتیاق و بزرگواری و عرفان بود.»

اساتید

اساتید شهید حسینی که در افغانستان و عراق در نزد آنها تلمذ نموده است عبارتند از: حجج اسلام؛ شیخ محمد بنی، سید حاج میرزا حسین عادل، آیت الله عبدالحسین (آخوند زواری)، مرحوم علامه شیخ محمدعلی مدرس افغانستانی، آیت الله شهید سید مصطفی خمینی، آیت الله میرزا حبیب الله اراکی (از عرفای مورد احترام امام).

فرازهایی از اندیشه سیاسی شهید

حجت الاسلام والمسلمین شهید سید محمد حسینی معتقد بود سازمان نصر برای ما یک وسیله است که از طریق آن بتوانیم نیروها را منسجم کنیم و علیه دشمن بجنگیم و خط اصیل اسلام را تقویت کنیم. خطوط اصلی تفکر سیاسی شهید در این اصول خلاصه می شود:

۱. تداوم و تشدید مبارزه مسلحانه بر ضد روس اشغالگر

۲. اجتناب و پرهیز از جنگ ها و درگیریهای داخلی

۳. تلاش در جهت فشرده تر شدن صفوف جنبش مقاومت

۴. نفی مذاکره و سازش سیاسی با دشمن

۵. حرکت در جهت خط امام و تقویت آن

۶. افشاگری و مبارزه جدی بر ضد خطوط انحرافی «ناسیونالیستی»، نژاد گرایی، منطقه گرایی و التقاط و هر نوع انحراف چپی و راستی.

در همین رابطه می گفت:

«ملت ما برای این قیام نکرد که مکتب «کاپیتالیزم» را جایگزین مکتب

ص: ۸۳

«سوسیالیسم» کند. ملت ما، با دادن یک میلیون شهید، نمی خواهد افغانستان اسلامی را از چنگال عفریت شرق رهایی داده، در چنگال عفریت غرب گرفتار سازد. ملت ما مبارزه می کند تا دست تمام جهان خواران را از افغانستان قطع نماید. عقیده ما این است که چون روسیه با زور و قدرت به افغانستان تجاوز کرده، باید با زور و قدرت خارج شود و ما هیچ گونه مذاکره سیاسی با روسیه نداریم و تاریخ نهضت های رهایی بخش در جهان به خوبی گواهی می دهد که هرگاه ملت مورد تجاوز، اسلحه را بر زمین گذاشته و پشت میز مذاکره تجاوزکارانه نشسته است، هرگز به پیروزی نرسیده و خونهای شهیدانش پایمال شده است. ما هرگز نمی خواهیم این تجربه تلخ در افغانستان تکرار شود».

همچنین شهید در آخرین مصاحبه اش که چند روز قبل از شهادتش پنخس شد، گفت: «ما با همه احزاب اسلامی که در افغانستان علیه روس صادقانه می جنگند و هیچ گونه وابستگی به هیچ یک از بلوک های شرق و غرب ندارند، با آنها همکاری صادقانه داریم.»

او هم چنین گفت: «سازمان نصر یک سازمان اسلامی است و عقیده ای اسلامی و آرمان اسلامی دارد. در این سازمان هم شیعه و هم سنی هست، اسلام برای ما اولویت دارد و برای ما مسئله نژاد، ملیت و منطقه مطرح نیست و اگر هم باشد، اول کل افغانستان مطرح است و بعد کل جهان اسلام و مستضعفین».

عروج خونین

شهید حسینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، برای تأثیرگذاری در قیام مسلمانان افغانستان علیه رژیم ترکی و ببرکت، خود شخصاً به جبهه حق علیه باطل شتافت و نقش فعالی در تشدید مبارزه علیه کمونیسم به عهده گرفت. بدین منظور در سال ۱۳۵۹ راهی افغانستان شد و تا سال ۱۳۶۰ در جبهه ها به سر برد. در اواخر سال ۱۳۶۱ برای دومین بار به افغانستان رفت و در روزهای پایانی سال ۱۳۶۳ به

جمهوری اسلامی ایران بازگشت. در راستای تحقق همین اهداف بود که در سال ۱۳۶۶ طی نشست‌هایی که اکثریت شورای مرکزی سازمان جبهه‌های خونین جهاد داشتند، طرحی را برای بازنگری عمیق و گسترده در سطح سازمان، در داخل و خارج، جهت فشرده‌تر شدن تشکیلات تصویب نمود. در همان نشست، شهید به‌عنوان مسئول سیاسی و سخنگوی سازمان در خارج، مأموریت داشت با تکی چند از علماء و مسئولین سازمان، دفاتر سازمان را بازرسی و نسبت به امور مجاهدین هماهنگی بیشتری ایجاد کند.

به همین جهت عازم مشهد شد و از آنجا به جبهه‌ی «کاکری» در هرات رفت تا مسائل نوار مرزی و مشکلات مجاهدین و پایگاه سازمان نصر در هرات را بررسی نماید. در همین مسافرت بود که کاروان شهید سید حسین حسینی و همراهانش در مسیر ماشین ایشان با یک تریلی روبرو شده و بدون آنکه تصادفی رخ بدهد ماشین آنها از کنترل خارج و واژگون شد و با کمال تأسف، سید حسینی در این حادثه در دناک، در تاریخ ۱۳۶۶/۷/۱۲ ش، به شهادت رسید. بی آنکه دیگر همراهان حتی کوچکترین آسیبی بینند. در حالی که ۳۷ سال از عمر پربارش را سپری نکرده بود، با چهره‌ای خونین در مصلاهی عشق ایستاد و به سوی معشوق حقیقی اش شتافت.

پیکر پاک شهید حسینی پس از مراسم استقبال باشکوهی در مشهد مقدس، شب ۱۳۶۶/۷/۱۶ ش، به تهران انتقال یافت. صبح روز پنجشنبه ۱۶ مهرماه پس از تشییع با حضور صدها تن از نمایندگان گروه‌های مجاهدین (اعم از تشیع و تسنن) مسئولین جمهوری اسلامی ایران و همراهی مردم عزادار که بیش از صد اتوبوس بودند، به قم آورده شد و بعد از تشییع باشکوه و انجام مراسم عزاداری و اقامه‌ی نماز به امامت آیت الله العظمی محقق کابلی - دام ظلّه العالی - در ضلع جنوبی صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) در حجره ۲۵ به خاک سپرده شد.

روحش شاد و آرامش گرامی باد که خود بارها فرمود: «ما اگر کشته شویم،

آرمان ما باقی است».

منبع: حسینی ترکستانی، سید امیر حسین، ستارگان حرم، (زندگینامه عارف شهید سید حسین حسینی دره صوفی) ج ۶، صص ۲۱۸، ۲۰۳، قم، توحید، اول، پائیز ۱۳۷۸.

ص: ۸۶

امام خمینی (ره) و حجت الاسلام شیخ محی الدین مامقانی و شهید حسینی در مسیر ملاقات علامه بلخی در نجف اشرف
تصویری دیگر از امام خمینی (ره) و حجت الاسلام شیخ محی الدین مامقانی و شهید حسینی در مسیر ملاقات علامه بلخی در
نجف اشرف

ص: ۸۷

تصویر سنگ قبر شهید سید حسین حسینی.

ص: ۸۸

حجت الاسلام والمسلمین حسین حیدر بیگی در سال ۱۳۵۵ هجری شمسی در ولایت ارزگان متولد شد. تحصیلات ابتدایی و مقدماتی حوزوی را در افغانستان فرا گرفت.

سفر به ایران

حجت الاسلام حیدر بیگی در سال ۱۳۶۹ به جمهوری اسلامی ایران آمد و در حوزه علمیه مشهد به تحصیل علم و کسب دانش پرداخت، دروس سطح را در همان حوزه به پایان برد. وی هم اکنون در حوزه علمیه مشهد مقدس مشغول فراگیری دروس خارج می باشد.

آقای حیدر بیگی علاوه بر تحصیلات در سطوح عالی حوزه، مدرک کارشناسی را از مرکز جهانی علوم اسلامی در رشته "فقه و معارف اسلامی" گرفته و دوره کارشناسی ارشد خود را نیز در جامعه المصطفی العالمیه در رشته "فقه و معارف

اسلامی، گرایش کلام" به پایان برده است.

جناب آقای حیدر بیگی علاوه بر تحصیل، از سال ۷۷ به فعالیت های فرهنگی نیز رو آورده؛ در داستان نویسی و شعر به موفقیت های چشمگیری دست پیدا کرده است. از ایشان تا کنون سه مجموعه و یک رمان به چاپ رسیده است.

فعالیت ها

استاد حیدر بیگی عضو مؤسسه فرهنگی درّ دری و عضو هیأت تحریریه مجله خط سوم و فصلنامه درّ دری نیز می باشد.

تا کنون تعدادی مقاله در حوزه نقد ادبی در مجلات "فرخار، درّ دری، خط سوم، مشارکت ملی - در داخل افغانستان -، گلبانگ و سایت درّ دری و... از وی به چاپ رسیده است.

جوایز

۱. نفر اول شعر، در هشتمین کنگره شعر و قصه طلاب - قم و خمین - با شرکت شعرای کشورهای اسلامی، ویژه بزرگداشت امام راحل (ره) سال ۷۸.

۲. مقام دوم داستان در اولین همایش «قند پارسی» سال ۸۲ تهران.

۳. مقام دوم داستان در نهمین کنگره شعر و قصه طلاب ۸۳ قم.

۴. مقام دوم داستان در دومین همایش «قند پارسی» تهران.

۵. برگزیده در کنگره شعر امام رضا (علیه السلام) ۸۶.

۶. کتاب برتر داستان مجموعه داستان «سنگ و سیب» در اولین نمایشگاه دست آوردهای طلاب مرکز جهانی علوم اسلامی سال ۸۵.

۷. مقام سوم شعر، در اولین همایش ادبی هنری حوزه، مشهد ۸۷.

۸. مقام سوم داستان، در اولین همایش ادبی هنری حوزه، مشهد ۸۷.

۹. مقام سوم داستان در دومین همایش «هنر آسمانی» قم ۸۷.

۱۰. تقدیر در کنگره شعر بندرعباس ۸۶.

۱۱. تقدیر در جشنواره بین المللی طوبی، قم ۸۷.

۱۲. رتبه اول داستان در جشنواره بین المللی طوبی ۸۸.

۱۳. رتبه اول داستان در جشنواره بین المللی طوبی ۹۱

۱۴. رمان «انتحاری» آماده چاپ.

آثار

۱. مجموعه داستان، به نام «سنگ و سیب» سال ۸۲.

۲. مجموعه شعر به نام «آهوپی همیشه دویده در من» سال ۸۶ از طرف انتشارات عرفان - تهران.

۳. رمانی به نام «گردابی» از طرف انتشارات افراز - تهران ۱۳۸۸.

۴. مجموعه داستان «شورش» کابل، تاک، ۱۳۹۱، منتشر شده است.

منبع: دستنوشته حجت الاسلام والمسلمین حسین حیدریگی در تاریخ ۱۳۹۳/۸/۱۲.

ص: ۹۱

(دایکندی ۱۳۴۰ ش -)

حجت الاسلام والمسلمین سرور دانش فرزند محمد علی، در سال ۱۳۴۰ خورشیدی، در ولایت دایکندی چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را نزد ملاهای محل در زادگاهش گذراند.

سفر به عراق و سوریه

یازده ساله بود که راهی عراق شد، ادبیات، صرف و نحو عربی را نزد مرحوم علامه مدرس افغانستانی خواند، بعد به سوریه رفت و در حوزه علمیّه زینیه سطوح حوزه را فرا گرفت.

سفر به ایران

ایشان در سال ۱۳۶۱ به جمهوری اسلامی ایران رفت و در حوزه علمیّه قم مشغول به تحصیل شد، دروس خارج و اصول و نیز فلسفه را در حوزه علمیّه قم آموخت، همزمان با تحصیلات حوزوی، دوره لیسانس حقوق را در مجتمع آموزشی شهید بلخی به پایان برد. ایشان به زبان عربی تسلط کامل دارد.

ص: ۹۲

ایشان از معدود سیاست مداران فرهنگی در افغانستان است که هم سیاست را تجربه کرده است و با رموز و راه های آن آشناست، هم در متلاطم ترین روزگار این سرزمین، به تأسیس و مدیریت نهادهای تأثیرگذار فرهنگی پرداخته است. فعالیت های فرهنگی را با مسئولیت بخش فرهنگی «سازمان نصر» آغاز کرد. در سال ۱۳۶۹ به عضویت حزب وحدت اسلامی در آمد و فعالیت های فرهنگی را در حزب وحدت اسلامی نیز ادامه داد. در سال ۱۳۷۱ مرکز فرهنگی ارزگان را دایر کرد و در سال ۱۳۷۲ با همکاری جمعی از محققین و نویسندگان افغانستانی، «مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان» را بنیان نهاد و ریاست این مرکز را از آغاز تا دهه هشتاد به عهده داشت و به عنوان رئیس و مدیرمسئول فصلنامه های (سراج و دُرّدری) کار کرده است. دُرّدری و سراج، در تاریخ مطبوعات افغانستان، از معدود رسانه های مکتوب تأثیرگذار و ماندگار به شمار می روند.

او علاوه بر این دو نشریه معتبر، مدیرمسئولی نشریات زیر را در کارنامه فعالیت های خود دارد:

۱. مدیر مسئول مجله پیام مستضعفین، (نشریه سازمان نصر افغانستان) از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۸ ش؛

۲. مدیر مسئول هفته نامه وحدت (نشریه حزب وحدت اسلامی افغانستان) از شماره ۱ تا ۲۴۰؛

۳. مدیر مسئول ماهنامه میثاق وحدت (از شماره ۲ تا ۴)؛

۴. مدیر مسئول مجله صراط؛

۵. مدیر مسئول مجله اخوت؛

۶. مدیر مسئول مجله نگاه معاصر.

۷. مدیریت بولتون خبری پیک که طی سه سال هر روز منتشر می شد.

آثار و تألیفات

حاصل سال ها کارنامه علمی وی، تألیف و نشر بیش از بیست و یک عنوان کتاب است که در زمینه های حقوق، سیاست و معارف اسلامی نگاشته است. او یکی از معدود صاحب نظران در زمینه قانون اساسی است که آثارش در دانشگاه های معتبر افغانستان و ایران تدریس می شود.

در دوران فعالیت های فرهنگی، نشر منقح و چاپ انتقادی میراث مکتوب کشور، یکی از علائق همیشگی او بوده است. حاصل این کوشش ها، چاپ مجدد این آثار است: سراج التواریخ، نوشته فیض محمد کاتب هزاره، افغانستان در مسیر تاریخ، میر غلام محمد غبار، تاریخ سیاسی افغانستان، سیدمهدی فرخ، جنبش مشروطیت در افغانستان، عبدالحی حبیبی، فرهنگ و رجال هزاره جات، حسین نایل، تحقیقی درباره هزاره ها و هزارستان، ساختار طبیعی هزاره جات، دین و سیاست، مجموعه کامل قوانین اساسی افغانستان، فهرست تاریخ وار جریده رسمی افغانستان و مرامنامه و اساسنامه احزاب سیاسی افغانستان و... وی به پاس خدمات علمی اش، از سوی وزارت عدلیه، رتبه علمی «قانون پوه» را دریافت کرده است.

الف: کتاب

۱. حقوق اساسی افغانستان، دانشگاه ابن سینا، کابل ۱۳۸۹.

۲. حقوق اداری افغانستان، دانشگاه ابن سینا، کابل ۱۳۹۲.

۳. مجموعه کامل قوانین اساسی افغانستان، مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۷۴.

۴. کلیاتی در باره قانون اساسی، (ترجمه) انتشارات سلسال، ایران ۱۳۸۰.

۵. درآمدی بر وضع و تصویب قانون اساسی جدید افغانستان، مرکز فرهنگی

۶. زن در سیاست و اجتماع (ترجمه) مترجم، کابل ۱۳۸۵.

۷. قرائت های معاصر از: اندیشه سیاسی اسلام (ترجمه) مؤسسه فرهنگی ثقلین، ایران ۱۳۷۶.

۸. جایگاه زن در نظام سیاسی اسلام (ترجمه) انتشارات عرفان، ۱۳۹۰.

۹. افغانستان سقف جهان (ترجمه)، مالک اشتر، ایران ۱۳۶۴.

۱۰. پنهانکاری در اسلام (ترجمه)، ۱۳۶۳.

۱۱. رهبری انقلاب در اسلام (ترجمه) انتشارات جبل الله

۱۲. درآمدی بر حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه ابن سینا، کابل ۱۳۹۲.

۱۳. مسائل طبی از نگاه فقه اسلامی (ترجمه) کنگره بزرگداشت آیت الله العظمی فیاض، ۱۳۹۲؛

۱۴. حقوق مالکیت فکری از نگاه فقهی، (ترجمه) کنگره بزرگداشت آیت الله العظمی فیاض، ۱۳۹۲؛

۱۵. یادنامه شهید عبدالخالق، مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۷۲؛

۱۶. زندگی نامه استاد شهید عبدالعلی مزاری (با همکاری بصیر احمد دولت آبادی) مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان،

۱۳۷۳؛

۱۷. احکام جهاد و امر به معروف و نهی از منکر، (ترجمه) انتشارات محبان الحسین، تهران؛

۱۸. احکام زکات و فقه صدقات، (ترجمه) انتشارات محبان الحسین، تهران؛

۱۹. احکام نماز (ترجمه) انتشارات محبان الحسین، تهران؛

۲۰. آداب بیماری و احکام وفات، (ترجمه) انتشارات محبان الحسین، تهران؛

۲۱. احکام پاکیزگی و آداب آرایش، (ترجمه) انتشارات محبان الحسین، تهران؛

۲۲. احکام مقدمات نماز، (ترجمه) انتشارات محبان الحسین، تهران.

ب. مقالات:

از جناب آقای دانش تا کنون بیش از ۴۰۰ مقاله در نشریات داخلی و خارجی به چاپ رسیده است.

مناصب و فعالیت های سیاسی:

در نظام سیاسی افغانستان بعد از سقوط طالبان و روی کار آمدن حکومت کرزای، نقطه کانونی فعالیت های سیاسی حجت الاسلام والمسلمین سرور دانش را قانون تشکیل می دهد، فعالیت های وی در این دوره عبارتند از:

۱. عضویت در لویه جرگه اضطراری (۱۳۸۱)؛

۲. عضویت در کمیسیون تسوید و تدوین قانون اساسی (۱۳۸۱)؛

۳. عضویت در کمیسیون تدقیق قانون اساسی (۱۳۸۲)؛

۴. شرکت در لویه جرگه تصویب قانون اساسی (۱۳۸۲)؛

۵. نخستین والی ولایت دایکندی؛

۶. وزیر عدلیه؛ (رئیس قوه قضائیه)؛

۷. معاون کمیته قوانین شورای وزیران؛

۸. سرپرستی وزارت تحصیلات عالی.

۹. ریاست بورد مشورتی در امور عدلی و حقوقی ریاست جمهوری.

۱۰. در حال حاضر به عنوان معاون دوم رئیس جمهور افغانستان ایفای وظیفه می کند.

سرور دانش در تمام دوران فعالیت های اجرایی، رابطه اش با درس و دانشگاه قطع نشد و وی، هم اکنون عضو هیأت علمی مؤسسه تحصیلات عالی ابن سینا و رئیس هیأت امنای این مؤسسه می باشد.

منبع: سایت شخصی سرور دانش، فصلنامه ادبی، هنری، فرهنگی، دژدري، شماره ۱۳، ص ۳۱، خزان ۱۳۸۰.

حجت الاسلام سرور دانش در حال سخنرانی در اولین گنگره آیت الله العظمی فیاض (زیده عزه)

ص: ۹۷

(دره صوف ۱۳۲۴ ش -)

آیت الله حاج علی جمعه رضایی در بهار سال ۱۳۲۴ ه - ش در خانواده ای سرشناس و دوستدار علم و دانش در روستای شباشک ولسوالی دره صوف ولایت سمنگان چشم به جهان گشود. یازده ساله بود که تحصیلات علوم دینی را در مکتب خانه محلی قریه دروازه نزد استاد آخوند طهماسب آغاز نمود. سپس دروس مقدماتی را تا کتاب حاشیه ملا عبدالله به مدت چهار سال نزد آخوند زوّار در مدرسه حسنی ادامه داد.

هجرت به نجف

وی ۱۸ سال داشت که به کابل آمده و از آنجا در بهار ۱۳۴۲ ه - ش رهسپار نجف اشرف گردید. در نجف اشرف با مشکلات عدیده ی مواجه شد، اما ذره ای خلل در سعی و استقامت ایشان در تحصیل علوم به وجود نیامد. اوقاتی بر ایشان گذشته بود که مجبور شده بود ماه ها در اتاق های صحن مقدس امیرالمؤمنین بگذرانند.

ص: ۹۸

ایشان پس از ورود به نجف مراتب علمی و دروس پایه و سطح را نزد برجسته ترین اساتید زمان خود به شرح ذیل گذراند:
حاشیه و معالم را از شیخ عیسی محقق خراسانی و شیخ موسی اخلاقی دره صوفی؛ مطول را از محضر مرحوم استاد مدرس
افغانستانی و شیخ موسی بامیانی؛

قوانین را از محضر مدرس افغانی و آیت الله سید کاظم سرابی؛

لمعتین را نزد شیخ موسی اخلاقی و آیت الله سید اسدالله مدنی شهید محراب؛

رسائل را از محضر آیت الله مدنی و آیت الله شیخ مجتبی لنکرانی؛

مکاسب را در محضر آیت الله شیخ میرزا جواد تبریزی؛

کفایتین و مکاسب را از محضر آیت الله صدرا بادکوبه ای و استاد شهید محمد باقر صدر؛

منظومه را در محضر شیخ عباس قوچانی وصی حضرت آیت الله حاج سید علی آقا قاضی؛

بعد از اتمام دروس سطح، درس خارج اصول را نزد آیت الله خوئی و آیت الله صدر گذراند و درس خارج فقه را نزد امام
خمینی (ره) تلمذ نمود.

فعالیت های سیاسی

آیت الله رضایی در خلال تحصیل علم، به فعالیت های سیاسی خود برای به ثمر نشستن انقلاب اسلامی ایران نیز مشغول
بودند. حزب بعث عراق با اطلاع از این فعالیت ها ایشان را زندانی نموده و تمامی کتاب ها، دست نویس ها، و کالت نامه ها و
تقریرات دروس مراجع آن روز نجف، از جمله تقریر درس آیت الله العظمی فیاض که زیر نظر خود ایشان کتابت شده بود را
از میان بردند.

بر اثر فشارهای شدید حزب بعث، سید محمود دعائی سفیر ایران در عراق طی دستوری به سر قنصل، مراتب تهیه ویزای ایشان
را به ایران صادر می کند.

ایشان پس از هجرت به ایران در دروس خارج فقه آیت الله میرزا جواد تبریزی، آیت الله سید محمد مفتی الشیعه و آیت الله مظاهری شرکت نمودند. بارها شده بود که آیت الله میرزا جواد تبریزی از ایشان خواسته بودند که در دارالافتاء ایشان شرکت کنند، ولی به خاطر کسالتی که بر ایشان عارض شده بود نتوانسته بود این کار را انجام بدهد.

دست آوردهای علمی

از میان دست آوردهای علمی ایشان مواردی همچون جزوه های دروس کفایه و مکاسب آیت الله صدر و جزوه های درس خارج فقه آیت الله میرزا جواد تبریزی موجود است، ولی به دلایل مختلف به چاپ نرسیده است. بخشی از دست نویس ها و تقریرات دروس ایشان از جمله تقریرات درس آیت الله فیاض که زیر نظر خود ایشان کتابت شده بود به دست عمال حزب بعث از میان رفته است.

تدریس و تبلیغ

ایشان بر این باور هستند که وظیفه یک طالب علم تنها یادگیری علم نیست، بلکه می بایست این زحمات به بار نشسته و دیگران از ثمره آن بهره مند شوند. وی مدت هفت سال در نجف اشرف مشغول تدریس مطول، لمعتین و معالم بودند، ولی به خاطر فشار شدید حزب بعث عراق، تدریس ایشان در عراق تعطیل شد. بعد از مهاجرت به ایران نیز به تدریس خود ادامه دادند، اما در این زمان با احساس وظیفه نسبت به ایجاد اتحاد بین احزاب افغانستان تدریس را تعطیل و برای ایجاد این امر خطیر قدم جلو نهادند.

مدت زمانی که در ایران به سر می بردند، در مناطق مختلف همچون هرمزگان، بندر عباس، شیراز، ورامین و... مشغول تبلیغ بودند و در ایام جنگ ایران و عراق، در پشت جبهه نیز حضور داشتند.

ایشان علاوه بر مجاهدت های علمی خستگی ناپذیر در تحصیل، تدریس و اشاعه معارف اهل بیت (علیه السلام)، در دیگر عرصه ها نیز احساس وظیفه می نمودند. وی ایجاد اتحاد بین احزاب شیعه افغانستان را وظیفه دینی خود می دانست.

احساس وظیفه از یک طرف و ارتباط با انقلابیون ایران از طرفی دیگر، وی را بر آن داشت تا تمام تلاش خود را برای ایجاد اتحاد متمرکز کند. سال ها تلمذ در محضر امام راحل او را چهره ای آشنا نزد شخص امام و دیگر انقلابیون ایران در نجف همچون آیت الله رضوانی عضو شورای خبرگان، آیت الله مدنی شهید محراب حجت الاسلام و المسلمین متقی، شهید محمد منتظری، سید محمد دعایی و محتشمی وزیر کشور ایران در زمان ریاست جمهوری آیت الله خامنه ای. و دیگران نموده بود.

ایشان با داشتن شخصیت ممتاز، نافذ و فرا جناحی خود توانست مجمع علمای مصلح را در راستای تحقق اتحاد پایه گذاری کند. از جمله علمای این مجمع، مرحوم آیت الله ناصری، آیت الله صالحی ترکمنی، آیت الله سجادی مزاری، آیت الله صمدی جاغوری، حجت الاسلام و المسلمین میرزائی جاغوری، حجت الاسلام و المسلمین سید عبدالعظیم حسینی، مرحوم حجت الاسلام و المسلمین صابری بهسودی، حجت الاسلام و المسلمین جبرائیلی هراتی، حجت الاسلام و المسلمین مصباح هراتی، مرحوم آیت الله سید فاضل بهسودی کابلی و... را می توان نام برد. این مجمع در سالهای ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۹ شمسی توانست قدم های مثبتی در تحقق اتحاد بین احزاب شیعه افغانستان بر دارد.

ملاقات های مکرر با سران احزاب (همچون آیت الله آصف محسنی از حزب حرکت اسلامی، شهید عبدالعلی مزاری از سازمان نصر، سید ظاهر محقق رئیس سازمان نیرو، شیخ زاده رئیس دعوت اسلامی، افتخاری رئیس نهضت اسلامی،

عالمی بلخی رئیس جبهه اسلامی، و دیگر سران احزاب و مقامات جمهوری اسلامی ایران (همچون آیت الله رفسنجانی، محتشمی وزیر کشور وقت، آیت الله رضوانی عضو شورای نگهبان و...) و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (همچون آیات عظام جوادی آملی، مظاهری، مؤمن، ناصر مکارم شیرازی و...) در راستای تحقق اتحاد انجام شد.

بخشی از این تلاش ها همچون صلح بین حزب حرکت و وحدت در سال ۱۳۷۵ در ولسوالی دره صوف به ثمر نشست.

تأیید طلاب افغانستان

ایشان بین سال های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ ش، عهده دار تأیید طلاب افغانستان به دفتر تبلیغات اسلامی بودند که بیش از دو هزار تأییدیه از ایشان در آن دفتر موجود است.

نظارت بر مدارس علمیه شمال افغانستان

ایشان بین سال های ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۸ ش، از طرف نماینده مقام معظم رهبری عضو شورای نظارت بر مدارس علمیه شمال افغانستان بودند.

کمک در تعمیر مساجد و زیارت یحیی بن زید

از خدمات ایشان در راستای کارهای عام المنفعه عبارت است از مساجدی در منطقه دره صوف که با کمک ایشان احداث و تعمیر شده و نیز در مرمت بارگاه یحیی بن زید در منطقه جوزجان ولایت سرپل نقش داشتند.

منبع: دستنوشته حجت الاسلام سالم قاسمی (داماد آیت الله رضایی) در تاریخ ۱۳۹۳/۸/۷.

سردار کابلی، حیدر قلی

(کابل ۱۲۵۳ ش ۱۳۳۱ ش)

آیت الله حیدرقلی سردار کابلی فرزند نور محمدخان، فقیه، مفسر، شاعر، ریاضیدان، حکیم، محدث و مترجم افغانستانی در شب شنبه هجدهم ماه محرم ۱۲۵۳ ش، در محله چنداول شهر کابل از پدر قزلباش و مادر بلخی به دنیا آمد.

تبعید به هندوستان

نور محمد خان پدر سردار کابلی از جمله سرداران امیر شیر علی خان و پسرش امیر یعقوب خان بود که در تاریخ ۱۲۹۷ ق، پس از برکناری یعقوب خان از امارت توسط انگلیسی ها و روی کار آمدن امیر عبدالرحمان خان، از کابل به هند تبعید شد. سردار کابلی در چهارسالگی همراه پدر به لاهور رفت و مدت هفت سال در آن جا زندگی کرد. حیدرقلی در همان جا از سن پنج سالگی به تحصیل علم پرداخت و علاوه بر مدرسه، از معلمین خصوصی استفاده نمود. سید سلامت علی مرد بسیار فاضلی بود که نور محمد خان وی را برای تربیت فرزندش حیدرقلی استخدام کرد،

ص: ۱۰۳

زبان انگلیسی و یک دوره ریاضیات را با روش جدید از همین طریق آموخت و در این مدت زبان هندی را که زبان آموزش و کتابت بود، فرا گرفت.

سفر به عراق

سردار نورمحمدخان که از طرفداران امیر یعقوب خان بود به دستور امیر عبدالرحمان خان در لاهور ممنوع الخروج و زیر نظر نایب السلطنه انگلستان زندگانی می کرد. سال ۱۳۰۴ ق نورمحمدخان پدر سردار کابلی موافقت مقامات انگلیس را کسب نموده و از لاهور به عراق مهاجرت کرد، سردار کابلی، زمان ترک هندوستان یازده سال داشت که همراه پدر از هند به عراق رفت. سید سلامت علی معلم خصوصی سردار بنا به درخواست نورمحمدخان، آنان را در این سفر همراهی کرد و در عراق نیز به تربیت و آموزش سردار پرداخت و آموزش های انگلیسی و ریاضیات سردار را تکمیل کرد. پدر سردار در نجف از استاد دیگری برای آموزش فرزندش دعوت کرد، او عالم وارسته، متکلم و فقیه بزرگوار شیخ علی اصغر تبریزی بود، که مدت شش سال به سردار کابلی ادبیات عرب، فقه، اصول، علم کلام و عقاید را آموزش داد، مدتی هم نزد عالم بزرگوار شیخ عبدالرحمان مکی که بر فقه و اصول خصوصاً فقه مذاهب چهارگانه حنفی، حنبلی، مالکی و شافعی و به ادبیات و علوم غریبه تسلط داشت، تلمذ کرد و علوم غریبه را از قبیل اعداد، جفر و رمل و... از ایشان آموخت.

شخصیت های دیگری که سردار کابلی افتخار شاگردی آنها را دارند، مرحوم محدث نوری و آیت الله سید حسن صدر هستند. که سردار، اجازه نامه اجتهاد خود را از فقیه اخیر دریافت کرد و مرحوم صدر به مراتب علمی و فقهی سردار گواهی داده است.

بزرگان دیگر که سردار از آنها اجازه روایت دارد عبارتند از: میرزا محمد علی رشتی نجفی، سید عباس لاری، شیخ عباس قمی، سید یحیی خراسانی، سید محسن

ص: ۱۰۴

امین عاملی و علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی.

بزرگانی که از سردار کابلی اجازه روایت دارند عبارتند از: شیخ محمد علی اردوبادی، مرتضی مدرس گیلانی و سید شهاب الدین مرعشی نجفی.

هجرت از عراق به ایران

سردار کابلی پس از رسیدن به قلّه بلند اجتهاد و احاطه کامل بر کلام، حدیث، رجال، ادبیات عرب، فلسفه، عرفان، علوم غریبه و نیز کسب مهارت در ریاضیات و تسلط بر زبانهای انگلیسی، عربی، اردو، هندی، سانسکریت و پشتو و نیز آشنایی با زبانهای فرانسوی و لاتین، تصمیم گرفت نجف را ترک نمایند.

هرچند دوران تبعید وی به پایان رسیده بود و عبدالرحمان خان نیز در افغانستان نبود، اما افرادی که از حکومت عبدالرحمان خان باقی مانده بودند، بازماندگان شهدای شیعه که توسط دژخیمان به خاک و خون کشیده شده بودند را به عنوان برده در بازارها می فروختند، کشور هم بر اثر تحمیل جنگهای متعدد از طرف استعمار انگلیس تبدیل به ویرانه شده بود، حبیب الله خان فرزند عبدالرحمان خان یکی دیگر از عمال انگلیس، مجری سیاست انگلستان بعد از پدرش بود و آزادی خواهان با بیرحمانه ترین شکل شکنجه به جوخه های اعدام سپرده می شدند، لذا سردار کابلی پس از اینکه حوزه علمی نجف را ترک کرد، به افغانستان رفت، با توجه به آشنایی وی و پدرش با اهالی کرمانشاه و نیز نزدیکی این شهر به عتبات، در سال ۱۳۱۰ قمری به همراه پدر از عراق به ایران آمد و در شهر کرمانشاه تا پایان عمر ماندگار شد.

وی پس از ورود به کرمانشاه و اقامت در آن شهر، به تحصیل و کسب علم ادامه داد، سفرهای طولانی و زیادی به شهرهایی چون تهران، قم و مشهد داشت و به اندوخته های خود افزود و با توجه به توانایی علمی که داشت، کرمانشاه را به دانشگاه اسلامی تبدیل کرد.

ص: ۱۰۵

کیوان سمیعی که زندگینامه مرحوم سردار کابلی را نوشته، در باره وی می گوید:

«سردار کابلی بدون شک یکی از فضیلتی درجه اول اسلام و یکی از مفاخر علمی مذهب شیعه بود و اگر این مرد در مراکز علمی اقامت داشت و موجباتی برای اظهار معلوماتش نزد اهل فن فراهم می آمد، به یقین معلوم می شد کمتر کسی به جامعیت علمی او در عصر ما به عرصه وجود آمده است...».

و در جای دیگر می گوید:

«سردار کابلی جامع علوم معقول و منقول و ریاضیدان بزرگ بود و جز دوران کودکی، همه عمر طولانی او صرف اکتساب علم و تحقیق و تتبع شد، او انسانی شریف، نجیب، اصیل، وارسته و به تمام معنا دانشمند و علامه بود. اما من همیشه افسوس می خوردم که او تحت تأثیر محیط زندگی نمی تواند از معلومات ریاضی خود بهره ای شایسته گیرد و اندیشه اش را در حل مسائل مورد احتیاج جامعه امروز به کار اندازد تا به پیشبرد و تمدن نوین جهان کمکی کند... اگر استاد ما با اطلاعات وسیعی که در همه شعب علوم ریاضی در سطح بسیار عالی آن داشت در محیط علمی و در میان جوامع پیشرفته جهان غرب زندگی می کرد، بدون شک تحقیقات دقیق و عمیق او هم صرف موضوعاتی می شد که دانشمندان ریاضیدان آن محیطها و جوامع بدانها نشان داده و مثلاً از ریاضیات در برنامه های فضایی و پیشبرد و تمدن جهان و مسائلی از این قبیل بهره گرفته اند، به کار گیرد. او همچنین، در علوم و معارف اسلامی از اکابر علما و فضلا به شمار می رفت. فقیه، متکلم، محدث، مفسر، رجالی، ادیب، لغوی و بالأخره جامع علوم معقول و منقول بود...»

آقای میرزا محمدعلی مدرس تبریزی درباره او می نویسد:

«... سردار کابلی از اکابر عصر حاضر ما است... جامع فنون عدیده، علوم متنوعه، در علوم متداول قدیم و جدید، از فقه و اصول و حدیث و کلام و حکمت و

ریاضیات و غیره، متبحر بلکه در علوم حروف و رمل و دیگر علوم غریبه نیز دارای ید طولاست. در زبان سانسکریت و لاتینی و انگلیسی و عبری نیز دست توانا دارد. از سید محسن امین، سید حسن صدر و میرزا محمد علی دشتی دارای اجازهٔ اجتهاد و تألیفات ظریفه و نفیسه دارد...».

آیت الله سید محمد حجت، مؤسس مدرسهٔ حجتیه می نویسد:

«(سردار کابلی) آن طور که باید، شناختهٔ جهان علم و فضیلت نشد، جز معدودی از خواص اهل علم نمی دانستند که شیخ بهاء الدین ثانی «ومن لیس له الثانی» در گوشهٔ شهر ساکت و آرام کرمانشاه قرار دارد».

محمد شریف رازی دربارهٔ سردار کابلی می گوید:

«مرحوم سردار کابلی از نوابغ عصر و نوادر زمان خود و از او تعبیر به شیخ بهایی ثانی (ومن لیس له الثانی) می نمود و آن مرحوم با این اشتغالات بسیار، مواظب فرائض و نوافل و ادعیه و اوراد و اذکار خود بوده...».

آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی از رهبران نهضت ملی صنعت نفت و از روحانیون نامی ایران در تقریظی بر کتاب مهم قبله شناسی سردار، چنین نوشته است:

«کتاب مستطاب تحفه الأجله در معرفت قبله... که از بدایع و ودایع افکار فاضل فرزانه، دانشمند گرانمایه، عالم نحیر و کامل قلیل النظر... آقای حیدرقلی سردار کابلی به خامهٔ شریف شان نگارش یافته و اهل نظر را مفتون خود ساخته، شایان تمجید فراوان و تقریر بی پایان و کاشف از تبحر مصنف معظم آن است...».

علامه محمد محسن امین مؤلف اعیان الشیعه دربارهٔ کتاب یادشدهٔ سردار نوشته است:

«کتاب وی در مورد قبله، بهترین تألیفی است که تاکنون در این موضوع نوشته شده است، اصطلاحات مورد نیاز ریاضی و غیره را آورده، طول و عرض شهرهای مشهور را بیان داشته است... وی اشعار فراوان به زبان عربی دارد... او واقعاً از

افاضل علما بود».

آیت الله حسن زاده آملی در باره وی گفته است:

«ایشان ملای عجیبی بود، ملای مجهول القدری بود؛ در زمان ما جایشان خیلی خیلی در حوزه خالی است؛ رضوان الله تعالی علیه».

آثار

از سردار آثار زیادی باقی مانده است، غیر از تعلیقات و حواشی بر کتب مختلف که به بیش از ۲۰ جلد می رسد، آثار مدوّن وی از این قرار است:

۱. الأربعین فی فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام) در چهار جلد؛

۲. گردآوری و تحقیق دیوان ابوطالب؛

۳. غایه التعدیل فی معرفه الأوزان و المکاییل؛

۴. تبصره الحر فی تحقیق الکر؛

۵. شرح خطبه حضرت زینب (س) در کوفه؛

۶. العلم الشاخص فی اسرار ظل الشاخص؛

۷. شرح قصیده لامیه ابی طالب؛

۸. تحفه الأجله فی معرفه القبله؛

۹. کشف القناع فی تحقیق المیل و الذراع؛

۱۰. شرح تهذیب المنطق؛

۱۱. تحفه الاحباب فی بیان آیات الکتاب؛

۱۲. درالنشیر در سه جلد؛

۱۳. رساله ای در نقد تفسیر طنطاوی؛

۱۴. ترجمه کتاب التحصین فی صفات العارفین از عربی؛

۱۵. ترجمه کتاب هندسه دنانتر در مساحت ابتدائی از انگلیسی؛

۱۶. ترجمه الكنز المبدول للغنی و الفقیر از عربی؛

ص: ۱۰۸

۱۷. ترجمه انجیل برنابا از انگلیسی و عربی؛

۱۸. ترجمه و شرح دعای ندبه؛

۱۹. شرح حدیث امیرالمؤمنین در بیان قطر و محیط شمس و قمر؛

۲۰. مناظرات که ترجمه المراجعات علامه شرف الدین عاملی است؛

۲۱. قبله شناسی؛

۲۲. مصباح القواعد در ریاضیات جدید؛

۲۳. مناهج العرفان فی علم الآفاق؛

۲۴. رساله ای در استخراج اوزان مرکب؛

۲۵. رساله الجفر؛

۲۶. رساله ای در معرفت چو؛

۲۷. شرح دعای صباح؛

۲۸. العلق النفیس فیما یطرب به الجلیس؛

۲۹. نظم باب حادی عشر؛

۳۰. رساله ای فارسی در معرفت تاریخ های مشهور؛

۳۱. الأرجوزه در کلام؛

۳۲. دیوان شعر، عربی؛

۳۳. دیوان شعر، فارسی.

وفات

سردار در سن هفتاد و نه سالگی در ۱۳۳۱ ش دار فانی را وداع گفت و طبق وصیت ایشان در نجف، کنار قبر پدرش در وادی السلام دفن گردید.

آقابزرگ تهرانی، نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، بخش دوم از جلد اول، ص ۶۹۳-۶۹۹، مشهد، دارالمرتضی، ۱۴۰۴ ق؛ همان، الذریعه الی تصانیف الشیعه،

ج ۳، ص ۴۰۸، بیروت، دارالأضواء؛ انوشه، حسن، دانشنامه ادب فارسی، ج ۳، ص ۵۱۱-۵۱۲، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸؛ امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱-۳۲، بیروت ۱۴۲۰؛ رازی، محمد شریف، گنجینه دانشمندان، ج ۶، ص ۲۲۵-۲۲۷، قم، پیروز، ۱۳۵۴؛ سمیعی، کیوان، زندگانی سردار کابلی، تهران، زوار، ۱۳۶۳؛ صدر حاج سید جوادی، احمد، دایره المعارف تشیع، ج ۹، ص ۱۴۰، تهران، نشر شهید سعید محبی، ۱۳۸۱ ش؛ مدرس تبریزی، محمدعلی، ریحانه الأدب؛ ج ۳، ص ۱۳-۱۵، انتشارات خیام، ۱۳۷۴ ش؛ ناصری داوودی، عبدالمجید، مشاهیر تشیع افغانستان، ج ۱، ص ۸۳-۹۱، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹ ش،

مد و در شهر کرمانشاه تا پایا احمدی نژاد، سید حسن، ستاره خاور، تهران سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳؛ ص ۱۰۰ ۹۹، زنگنه، ابراهیم، مشاهیر مدفون در نجف اشرف، ص ۲۷۵ ۲۷۴، بی جا، خورشید شرق، اول، ۱۳۸۹، مدرسی گیلانی، مرتضی، تاریخ نجف یا دانشگاه بزرگ اسلامی (خطی)، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۲، ص ۱۳۶ ۱۳۴.

نامه علامه حیدرقلی سردار کابلی (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره) به تاریخ ۲ ربیع الثانی ۱۳۵۸ ق

ص: ۱۱۱

آغاز نامه علامه حیدرقلی سردار کابلی (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره) به تاریخ ۸ شوال ۱۳۵۸ ق

ص: ۱۱۲

انجام نامه علامه حیدرقلی سردار کابلی (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره) به تاریخ ۸ شوال ۱۳۵۸ ق

ص: ۱۱۳

آغاز نامه علامه حیدرقلی سردار کابلی (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره) به تاریخ ۱۱ ربیع الاول ۱۳۶۱ ق

ص: ۱۱۴

انجام نامه علامه حیدرقلی سردار کابلی (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره) به تاریخ ۱۱ ربیع الاول ۱۳۶۱ ق

ص: ۱۱۵

نامه علامه حیدرقلی سردار کابلی (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره) به تاریخ ۲۴ شعبان المعظم ۱۳۶۲ ق

ص: ۱۱۶

نامه علامه حیدرقلی سردار کابلی (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره) به تاریخ ۱۷ شوال ۱۳ [۶۵] ق

ص: ۱۱۷

نامه علامه حیدرقلی سردار کابلی (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره) به تاریخ ۱۳ محرم ۱۳۶۶ ق

ص: ۱۱۸

ليست كتب خطي علامه حيدرقلي سردار كابلې (ره) كه به محضر آيت الله مرعشي نجفي (ره) ارائه شده است (۱)

ص: ۱۱۹

۱- (۱). اين سند ضميمه سند قبلي است به تاريخ ۸ شوال ۱۳۵۸ ق.

ليست كتب خطي علامه حيدرقلي سردار كابلې (ره) كه به محضر آيت الله مرعشي نجفي (ره) ارائه شده است

ص: ۱۲۰

نامه علامه حیدرقلی سردار کابلی (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره) به تاریخ چهارشنبه ۴ جمادی الاولی ۱۳ [۶۸] ق

ص: ۱۲۱

نامه علامه حیدرقلی سردار کابلی (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره) به تاریخ چهارشنبه ۱۶ صفر ۱۳۷۲ ق

ص: ۱۲۲

آغاز اجازة علامه حيدرقلی سردار کابلی (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره) به تاریخ ۱۲ ذی قعدة ۱۳۵۶ ق

ص: ۱۲۳

انجام اجازة علامه حيدرقلی سردار کابلی (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره) به تاریخ ۱۲ ذی قعدة ۱۳۵۶ ق

ص: ۱۲۴

از راست به چپ: سردار نور محمدخان، شیر آقا ناظر خرج، علامه سردار کابلی

پنج نفر ردیف اول، از راست به چپ: مرحوم علامه سردار کابلی، آیت الله شیخ حسن علامی، آیت الله حاج سید جواد نجومی، آیت الله حاج سید جواد میبدی، آیت الله حاج سید رضا واحدی قمی

ص: ۱۲۵

(قول خویش بهسود ۱۳۳۹ ش - قم ۱۳۸۹/۷/۲ ش)

حجت الاسلام والمسلمین حاج حسین شفایی، فرزند حاجی عبدالعلی خیاط، در سال ۱۳۳۹ هجری شمسی، در منطقه قول خویش ولسوالی، حسه اول بهسود، ولایت میدان وردک در خانواده ای متدین چشم به جهان گشود. چند سالی از بهار عمرش نگذشته بود که همراه خانواده به کابل کوچیدند، دروس ابتدائیه را در مکاتب آن شهر فرا گرفت، و در همانجا به فراگیری علوم دینی مبادرت ورزید، در همین زمان بود که با تعدادی از روحانیون مبارز، نو اندیش و جوان آشنا شد که برگ زرین زندگی اش را رقم زد، فعالیت های سیاسی و تشکیلاتی خود را در خطرناکترین ایام با هدف افشای چهره رژیم حاکم در ولایت های کابل، میدان وردک و بلخ پی گرفت. منزل شخصی وی محل تجمع مبارزان و مجاهدان راستین بود. بسیاری از عملیات ها از آنجا علیه رژیم کمونیستی طراحی و اجرا می شد.

فعالیت های آقای شفایی و دوستانش در کابل و سایر ولایات باعث شد که

حکومت کمونیستی تصمیم به شناسایی و دستگیری شخصیت های برجسته این تشکیلات بگیرد و توان سازماندهی و عملیاتی آنها را نابود کند. گرچند عده ای از یاران و همسنگران دستگیر و خود نیز مجبور به ترک کشور گردید، اما هرگز این تشکیلات از بین نرفت، بلکه در سالهای بعد به یکی از کانون های اصلی مبارزه بر علیه رژیم تبدیل شد.

سفر به عراق

حجت الاسلام استاد شفایی پس از ترک وطن، به کشور عراق رفت و برای کسب مدارج بالاتر علمی، دروس خود را در حوزه علمیة نجف پی گرفت، پس از چندی اقامت در عراق، وضعیت اختناق و خفقان بر حوزه های علمیة، وی را مجبور کرد که به ایران رفته و در حوزه علمیة قم سکنی گزیند، وی دروس عالی را در قم به پایان رساند و در ادامه کسب علم در دروس خارج شرکت نمود، ایشان در قم و نجف علاوه بر تحصیل، با نو اندیشان مذهبی در ارتباط بود و در سازماندهی خط مبارزه و جهاد بر علیه بی عدالتی و استبداد نقش به سزایی ایفا می کرد.

فعالیت های فرهنگی

مرحوم حجت الاسلام حسین شفایی در کنار درس و بحث از فعالیت های فرهنگی غافل نشده و با بیان و قلم به یاری مبارزان و مجاهدان شتافت وی مشوق مهاجرین برای پیوستن به جبهه های جهاد بر علیه دشمنان بود و در این کار لحظه ای کوتاهی نکرد.

مرحوم شفایی کارهای اجتماعی و فرهنگی را در دو بخش (فردی و گروهی) پی گرفت، از ایشان آثار و تألیفات زیادی در موضوعات دینی، سیاسی، اخلاقی و نیز صدها مقاله در بخش های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به یادگار مانده است.

ایشان از چهره های فرهنگی فعالی است که حضورش در نشریه ها و مجلات کشور بی نظیر بود، تمام سمت ها و مسئولیت هایی را که از سوی مراکز به وی واگذار

ص: ۱۲۷

می شد، به زیبا ترین شکل به انجام می رسید. توانایی و لیاقت وی را در این عرصه به وضوح می توان مشاهده کرد، کارهای فکری و مسئولیت های ایشان در مجله های سراج، دژ درّی، نگاه معاصر، هفته نامه وحدت و هفته نامه مشارکت ملی قابل ستایش و قدردانی است.

آقای شفایی از اعضای هیأت مؤسس مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان و نیز مسئول مالی مرکز و عضو هیأت تحریریه فصلنامه سراج و نگاه معاصر بود. مرحوم شفایی از میان نویسندگان و محققان ۳۶ کشور در سال ۱۳۸۶ در حوزه علمی قم به عنوان محقق برتر شناخته شد، از دیگر فعالیت های وی، عضویت در شورای علما و حضور مؤثر ایشان در هیأت اجرایی شورا است. مرحوم شفایی در سال ۱۳۸۸ ش، در انتخابات پارلمانی برای کسب کرسی به رقابت پرداخت، اما متأسفانه اجل مهلت نداد که برگ زرین دیگری در دفتر خدمات وی افزوده شود.

آثار

۱. زندانیان روحانیت تشیع افغانستان

۲. جنگ و جهاد در نهج البلاغه

۳. اسلام و حکومت

۴. امتحان؛ عامل تکامل

۵. حکومت و مردم سالاری دینی

۶. صلاحیت مجلس و معیار و کالت

۷. علی (علیه السلام) در نهج البلاغه

۸. مجموعه مقالات

۹. معجزه انقلاب

۱۰. نهضت عاشورا قیام پیروز

افزون بر این، ده ها مقاله و دستنوشته دیگر از ایشان به جا مانده است.

ص: ۱۲۸

سرانجام این عالم فرهیخته و پارسا، دانشمند درد آشنا، محقق توانا، پس از سالها تلاش و خدمت در راه دین و آرمان مذهب تشیع در تاریخ ۱۳۸۹/۷/۲ بر اثر بیماری، دارفانی را وداع گفت و در شهر مقدس قم تشییع جنازه با شکوهی شد، حضرت آیت الله شیخ محمد جواد فاضل لنکرانی در صحن حضرت معصومه (س) بر بدنش نماز خواند، پس از تشییع در قم، پیکرش به کابل منتقل و در صحن مسجدی که خودش آن را ساخته بود به خاک سپرده شد.

منابع: آشنایی با استاد حسین شفقایی، کاندیدای ولسی جرگه از ولایت کابل (پوستر تبلیغاتی استاد شفقایی)، مختصری از زندگینامه شادروان حسین شفقایی (خواننده شده در مراسم فاتحه آن مرحوم)، هفته نامه مشارکت ملی، ارگان نشراتی حزب وحدت اسلامی افغانستان، سال نهم، سه شنبه ۱۳ میزان ۱۳۸۹، ۲۶ شوال ۱۴۳۱، شماره ۳۷۸. ناصری داوودی، عبدالمجید، مشاهیر تشیع در افغانستان، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، اول، ۱۳۹۰، ج ۲ صص ۲۲۸-۲۲۳.

آرامگاه مرحوم حسین شفاعی در صحن مسجدی که خودش در شهر کابل ساخته است

ص: ۱۳۰

(جاغوری ۱۳۴۱ ش -)

حجت الاسلام احمدعلی صادقی، مشهور به علیزاده، فرزند صادق علی، در سال ۱۳۴۱ شمسی، در جاغوری متولد شد. دروس مقدماتی را در مکتب خانه نزد روحانیون محل آموخت. در سال ۱۳۵۷ ش، به مدرسه علمیة آیت الله وحیدی رفت و مدت یکسال در این مدرسه به کسب علوم دینی پرداخت. اساتیدی که ایشان در این مقطع از محضرشان استفاده کرد عبارتند از: آیت الله وحیدی، استاد عظیمی، استاد رحیمی و استاد توسلی. نامبرده در سال ۱۳۵۸، برای ادامه تحصیل به منطقه «دهمرد» رفت و در نزد استاد آخوند کربلایی و استاد برهانی تلمذ نمود. البته حضور ایشان در «دهمرد» چند ماهی بیش نبود.

هجرت به پاکستان و ایران

حجت الاسلام والمسلمین احمد علی صادقی در سال ۱۳۵۸ ش، برای ادامه تحصیل عازم کشور پاکستان شد و در حوزه علمیة شهر کویته بلوچستان، در مدرسه

ص: ۱۳۱

«جامعه امامیه» از محضر استاد اسدی و استاد اخلاقی و استاد رفیعی تا بهار سال ۱۳۵۹ ش، کسب فیض نمود.

پس از آن در بهار سال ۱۳۵۹ ش، وارد کشور جمهوری اسلامی ایران گردید. مدتی به علت مشکلات معیشتی مشغول کار می‌شود. در سال ۱۳۶۰ ش، وارد شهر مقدس قم شده و تحصیلات خود را آغاز نمود.

دوران تحصیل در قم

حجت الاسلام احمدعلی صادقی پس از ورود به شهر مقدس قم، دروس رایج حوزه علمیه را، نزد استادانی چون؛ مرحوم آیت الله مدرس افغانستانی، آیت الله وجدانی فخر، مرحوم استاد عرفانیان، مرحوم آیت الله ستوده، مرحوم آیت الله پایانی، آیت الله صالحی ترکمنی، آیت الله مصباح یزدی، آیت الله فیاضی، آیت الله اعتمادی و بزرگان دیگر به پایان رساند.

ایشان مدت ۸ سال در دروس آیات عظام؛ فاضل لنکرانی، جعفر سبحانی، وحید خراسانی و مکارم شیرازی شرکت نمودند، پنج بار در مصاحبه علمی بحث خارج فقه و اصول شرکت کرده و با نمره قبولی، فارغ التحصیل شدند.

حجت الاسلام صادقی همزمان با گذراندن دروس حوزوی، در دوره های تخصصی، حوزوی و غیر حوزوی نیز شرکت نموده اند. این دوره ها عبارتند از:

۱. دوره آموزشی معارف اسلامی، در سال ۱۳۶۰، که از سوی دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، برگزار گردیده بود؛

۲. دوره کارشناسی حقوق در مجتمع آموزش عالی شهید بلخی، زیر نظر مجتمع آموزش عالی قم، با هزینه مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۳ ۱۳۶۹؛

۳. دوره آموزشی علوم اسلامی، به صورت مقارن در مؤسسه آموزشی پژوهشی مذاهب اسلامی حوزه علمیه قم؛

۴. دوره تخصصی تفسیر و علوم قرآن سطح ۴، در سالهای ۱۳۸۲ ۱۳۷۸، در

ص: ۱۳۲

۵. سطح پنج، دوره اجتهاد، در جامعه المصطفی العالمیه، پس از شرکت در آزمون ورودی و قبولی در این دوره، با موفقیت این دوره را به پایان رسانده و هم اکنون در حال تدوین پایان نامه می باشند.

حجت الاسلام صادقی، همچنین در مدت تحصیل، فعالیت های تبلیغی و تدریسی نیز داشته و افزون بر این، در عرصه قلم و پژوهش هم، چه به صورت آزاد و چه به شکل همکاری با مراکز فرهنگی و مؤسسات تحقیقاتی ایرانی، افغانستانی و مطبوعات، فعالیت داشته است.

آثار

الف. کتاب

۱. افغانستان از مقاومت تا پیروزی، قم: مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، ۱۳۷۳؛

۲. ضرورت مرجعیت در افغانستان، قم: جامعه روحانیت افغانستان، ۱۳۷۲؛

۳. فرایند شکل گیری آخرین قانون اساسی افغانستان؛ موضع گیریها، تفاهمات و تصمیم گیری ها در لویه جرگه قانون اساسی افغانستان، منتشره از سوی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، کابل، ۱۳۸۳؛

ب. مقالات

۱. مشترکات کلامی ادیان ابراهیمی، فصلنامه اخوت، تهران؛

۲. کتابشناسی تفاسیر اهل سنت در قرن ۱۴ ه - ق، فصلنامه اخوت، تهران؛

۳. تفسیر و تأویل، فصلنامه اخوت، تهران. ۱۳۸۰؛

۴. تفسیر چند سوره کوچک از قرآن کریم، مجله بشارت، قم، ۱۳۸۳؛

۵. ویژگیهای مبارزه مکتبی از دیدگاه قرآن، ماهنامه میثاق وحدت، ۱۳۷۰؛

۶. تز منفی گرایی در نهضت ها و انقلاب اسلامی افغانستان، ۷ قسمت، پیام

۷. اسرار و فلسفه حج، فصلنامه اخوت، تهران، ۱۳۷۷؛

۸. افغانستان از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۶ ش، شماره های مسلسل هفته نامه وحدت، ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۰؛

۹. اتحاد بنیادی نیروهای مبارز، مجله حبل الله شماره ۱۲، ۱۳۶۴؛

۱۰. انتظار و عصر انتظار، مجله حبل الله، قم، ۱۳۷۷؛

۱۱. نگاهی به پدیده غربزدگی و احیای جنبش اسلامی، ۱۶ قسمت، هفته نامه وحدت، قم، ۱۳۷۱ تا ۱۳۶۹؛

۱۲. تجاوز روس ها و مقاومت اسلامی در افغانستان، ماهنامه میثاق وحدت، قم، ۱۳۷۰؛

۱۳. نقش شیعیان، در انقلاب اسلامی افغانستان، مجله میثاق وحدت، قم، ۱۳۷۰ تا ۱۳۶۹؛

۱۴. جایگاه عرف در منابع استنباط، فصلنامه سراج، ش ۱۳ و ۱۴، قم، ۱۳۷۶؛

۱۵. فلسفه قیام امام حسین علیه السلام، در فصلنامه سراج، شماره ۷؛

۱۶. نگاهی به تاریخ پیدایش و تحوّل جنبش چپ در افغانستان، فصلنامه طرح نو، قم، ۱۳۸۵؛

۱۷. قانون اساسی افغانستان و دموکراسی، فصلنامه سراج، شماره ۲۸؛

۱۸. راهی بسوی معنا، فصلنامه سراج، شماره ۳۰؛

۱۹. دین ورزی و دین گریزی؛ علل و ریشه ها، مجموعه مقالات همایش دین و دینداری در عصر جدید، مجمع علما و طلاب

جاغوری، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۸؛

۲۰. ریشه های بحران داخلی در افغانستان، راه حل ها و مواضع ما، ۱۴ قسمت، هفته نامه وحدت، ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۰؛

۲۱. زنان افغانستان، فرصتها، چالشها و راهکارها، ویژه نامه نگاه، در مورد زنان، قم، ۱۳۸۸؛

۲۲. شهید عبدالعلی مزاری، تجسم عینی ارزشهای اسلامی، هفته نامه وحدت، شمارگان متعدد، قم، ۱۳۷۶؛

۲۳. شهید مزاری و نهضت عدالت خواهی، ویژه نامه شهید مزاری، قم، ۱۳۷۴؛

ترجمه ها

۱. نگاهی گذرا به مسئله اجتهاد، ترجمه رساله آیت الله العظمی فیاض با عنوان: نظره خاطفه فی الاجتهاد، فصلنامه فقه اهل بیت (علیه السلام)، فصلنامه سراج، قم؛

۲. تطبیق نظام حقوقی اسلام با حقوق وضعی معاصر، ترجمه مقاله ای است از استاد آیت الله عباس کعبی؛

۳. آشنایی با دایره المعارف فقه اسلامی، ترجمه مقدمه نخستین جلد از موسوعه الفقه الاسلامی؛

۴. آزادی اندیشه و بیان در نگاه ادیان و تمدن ها. ترجمه مقاله دکتر وهبه الزحیلی؛

۵. سیره و مراحل پیشرفت مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی فیاض، ترجمه مقاله مرحوم سید عبدالمجید خویی، فصلنامه سراج، قم؛

۶. نقاط پیوند مذاهب اسلامی، ترجمه مقاله دکتر وهبه الزحیلی، فصلنامه سراج، قم؛

۷. شاخه های دانش حقوق در نگاه تطبیقی، ترجمه مقاله استاد آیت الله عباس کعبی، فصلنامه سراج، قم؛

همکاری با مراکز فرهنگی

۱. عضو هیأت تحریریه نشریه سازمان نصر افغانستان؛

۲. از مؤسسين مرکز فرهنگي نويسندگان افغانستان، دو سال رئيس اين مرکز؛ و

ص: ۱۳۵

چند سال مدیر مسئول فصلنامه سراج، عضو هیئت تحریریه فصلنامه نگاه معاصر، کابل ۱۳۸۲ ۱۳۸۱؛

۳. فعالیت پژوهشی در مؤسسه تحقیقات اجتماعی، کابل؛

۴. همکاری پژوهشی با مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی اهل بیت (علیه السلام)؛

۵. فعالیت پژوهشی با مؤسسه فرهنگی ثقلین؛

۶. عضو هیئت تحریریه نشریه حزب وحدت اسلامی افغانستان؛

۷. از مؤسسين مجمع فرهنگي علما و طلاب جاغوري، دو سال مسئول فرهنگي و يك سال دبیر این مجمع.

منبع: فصیحی، قربانعلی و شریفی، علی مدد، عالمان شیعه غزنی، صص ۲۱۷ ۲۱۱، تهران، عرفان، اول، ۱۳۹۳.

ص: ۱۳۶

(دره ترکمن ۱۳۲۵)

آیت الله محمد هاشم صالحی ترکمنی فرزند حاج قنبرعلی در سال ۱۳۲۵ شمسی در قریه دهنه خاکریز دره ترکمن از توابع ولایت پروان به دنیا آمد. ایشان تحصیلات ابتدایی را در مکتب خانه های سنتی شروع کرده و چند سالی را در زادگاه خود برخی متون فارسی و عربی را نزد علما و اهل فن فرا گرفت.

سفر به کابل

نامبرده برای رسیدن به مدارج بالاتر علمی، زادگاه خود را ترک و در سال ۱۳۴۲ ش، وارد کابل شد. محمد هاشم صالحی ترکمنی حاشیه ملا عبداللّه و معالم الاصول را نزد آیت الله محمد امین افشار، قوانین الاصول را در محضر حجت الاسلام و المسلمین تقدسی، کتاب مکاسب، کفایه و قسمتی از خارج کفایه الاصول را در محضر آیت الله عزیز الله غزنوی، قسمتی از منظومه را نزد حجت الاسلام میر احمد تلمذ نمود.

ص: ۱۳۷

آیت الله صالحی ترکمنی برای بر طرف کردن عطش علمی و رسیدن به مدارج بالاتر در سال ۱۳۴۶ شمسی، کابل را به قصد نجف اشرف ترک کرد. ایشان در آن حوزه مقدس تحصیلات خود را پی گرفت. دروس مکاسب و کفایه الاصول را مجدداً نزد آیت الله صدر باادکوبه ای، شیخ مجتبی لنگرانی، میرزا علی غروی و آیت الله محمد اسحاق فیاض مالستانی فراگرفت. خارج فقه و اصول را در درس های آیت الله خوئی (ره) آغاز کرد، در درسهای خارج فقه و اصول آیت الله شهید سید محمد باقر صدر مجدداً حضور داشت. در سال ۱۳۵۳ ش، در درس خارج فقه (خارج مکاسب) آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی شرکت نمود. نامبرده در کنار دروس یاد شده، کتابهای فلسفی را نزد شیخ عباس قوچانی و آیت الله رضوانی تلمذ کرد. همزمان با فراگیری این دروس در سال ۱۳۵۰ ش، از طرف بیت آیت الله حکیم، برای همکاری در مدرسه «دارالحکمه» دعوت شد، در این مرکز، دروس شرح لمعه، قوانین و کفایه الاصول را تدریس می کرد و نیز به عنوان ممتحن این دروس، ایفای نقش می کرد.

عزیمت از نجف و ورود به ایران

دهه پنجاه برای علما و طلاب ساکن عراق سالهای بسیار سخت و دشواری بود، بسیاری از علما طعم زندان و شکنجه را چشیدند، صالحی ترکمنی هم از جمله کسانی بود که توسط حزب بعث دستگیر و زندانی و سپس از این کشور اخراج و وارد ایران شد.

بر قله اجتهاد

آیت الله محمد هاشم صالحی ترکمنی از مراجع و علمای متعدد اجازه اجتهاد دارد، عالمان بزرگواری چون آیت الله شیخ مرتضی حائری، آیت الله محمد فاضل لنگرانی، آیت الله ناصر مکارم شیرازی و... که به ایشان اجازه اجتهاد داده اند.

آیت الله صالحی ترکمنی از عالمان معروف و شناخته شده در کشورهای ایران، افغانستان و عراق است، شهرت وی بیشتر در تدریس می باشد، سالهای متمادی در این حوزه فعالیت های ستودنی داشته است. چنانچه ذکر شد چند سال در نجف و در دارالحکمه مشغول تدریس بود، نامبرده در سال ۱۳۵۷ ش، وارد کشور ایران و در شهر مقدس قم ساکن شد. از همان ابتدای ورود به قم، تدریس علوم اسلامی را آغاز کرده و کتابهای اصول فقه، رسائل، مکاسب و کفایه الاصول را در حوزه مقدسه قم تدریس می کرد. دروس خارج فقه و برخی تحقیقات فقهی را از سال ۱۳۷۱ شروع کرده و سالها ادامه داشت.

خدمات دیگر

۱. آیت الله شیخ محمد هاشم صالحی ترکمنی از شخصیت های فعال حوزوی است، وی در این راستا خدمات ارزشمندی انجام داده است. در سال ۱۳۷۲ ش، مدرسه علمیه و حسینیه رسالت را در شهر کابل تأسیس کرد و در سال ۱۳۷۵ ش، مدرسه علمیه خاتم الانبیاء را در دره ترکمن در ولایت پروان افغانستان بنا نهاد و در گسترش علوم اسلامی و معارف اهل بیت پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و سازندگی منطقه پس از سقوط رژیم کمونیستی نقش فعالی داشت.

۲. ایشان عضویت هیچیک از احزاب جهادی را نپذیرفت و با هیچکدام تعهدی نداشت. اما این عدم تعهد به معنی این نیست که وی با این احزاب همکاری نداشته است. ایشان با اینکه همه این احزاب را بدون اشتباه و لغزش نمی دید، اما بر اساس وظیفه اسلامی و ملی با همه این احزاب همکاری می کرد. نامبرده پس از انحلال احزاب مختلف شیعه و تأسیس حزب وحدت به عضویت آن حزب در آمد و از اعضای شورای عالی نظارت گردید و با سفرهای مختلف به خارج و داخل کشور، کوشید تا صلح و آشتی میان احزاب برقرار و جنگ های خانمان سوز داخلی پایان

۳. ایشان پس از سقوط رژیم متحجر طالبان در سال ۱۳۸۰ ش، در کابل اقامت گزید و مدرسه علمیة رسالت را بازگشایی کرده، تدریس و مدیریت آن را به عهده گرفت. وی علاوه بر تدریس به کارهای سیاسی و اجتماعی نیز پرداخت، مدت کوتاهی از اعضای سترمحکمه (شورای عالی قضایی) افغانستان بود. و مدتی هم از سوی حامد کرزای رئیس جمهور پیشین، به عنوان مشاور دینی رئیس جمهور ایفای نقش می کرد. ایشان همچنین از اعضای «شورای علمای شیعه افغانستان» به رهبری آیت الله محمد آصف محسنی قندهاری است.

آثار

آیت الله صالحی ترکمنی علاوه بر فعالیت های اجتماعی و تدریس، آثاری را در علوم اسلامی و شرح کتب درسی حوزه علمیة تشیع خلق کرده که متأسفانه هنوز چاپ نشده است. عناوین زیر از تألیفات ایشان می باشد:

۱. تقریرات درس های اصول شهید آیت الله سید محمد باقر صدر به زبان عربی (در ۶ جلد)؛

۲. شرح رسائل (در ۲ جلد)؛

۳. شرح مکاسب (در ۴ جلد)؛

۴. شرح کفایه الاصول (در ۳ جلد)؛

نامبرده دست نوشته های دیگری هم در باب اجتهاد و تقلید دارد.

منبع: ناصری داوودی، دکتر عبدالمجید، مشاهیر تشیع در افغانستان، ج ۲، صص ۲۶۶-۲۶۳، قم، مرکز بین المللی و نشر المصطفی (صلی الله علیه و آله)، اول، ۱۳۹۰ ش.

عکس دوران جوانی آیت الله صالحی

از چپ به راست؛ آیت الله محقق کابلی، آیت الله صالحی، حاج محمد محقق

ص: ۱۴۱

حجت الاسلام و المسلمین سید موسی صدر، فرزند سید محمد، در سال ۱۳۴۷ ش، در قریه نوقلعه ولسوالی ناهور ولایت غزنی به دنیا آمد. دروس مقدماتی را نزد آقای شیخ اصغر توکلی از سال ۱۳۵۷ ش، به مدت دو سال آموخت.

سفر به ایران

سید موسی صدر در سال ۱۳۵۹ ش، برای ادامه تحصیل وارد ایران شد و در شهر مقدس مشهد رحل اقامت افکند، کتاب حاشیه و سیوطی را نزد استاد حجّت هاشمی خراسانی آموخت و بخشی از کتاب معالم را نزد استاد فهیمی ترکمنی و کتاب اصول فقه و جلد اول لمعه را در محضر آقای الهی خراسانی فرا گرفت. جلد دوم شرح لمعه را محضر آیت الله سید میرزا حسن صالحی به اتمام رسانید و در درس رسائل شیخ اسماعیل محقق و آیت الله سیبویه شرکت کرد، کتاب مکاسب را نزد آیت الله مرتضوی تلمذ کرد و کفایه را از درس آیت الله رضا زاده، استفاده نمود.

ص: ۱۴۲

دروس خارج فقه و اصول را در خدمت آیت الله فلسفی و آیت الله مرتضوی کسب کرد.

تدریس و فعالیت های آموزشی

حضرت حجت الاسلام والمسلمین استاد صدر، در حالی که تحصیل علوم حوزوی می کرد، به تدریس و فعالیت های آموزشی نیز پرداخته است. از سال ۱۳۶۳ ش، به بعد، از کتاب منطق مرحوم مظفر تا کفایه مرحوم آخوند را تدریس نموده است، ایشان در حال حاضر کتاب مکاسب و کفایه را در مدرسه عالی نواب شهر مقدس مشهد تدریس می کنند. فعالیت های آموزشی ایشان عبارتند از:

۱. مدت ۱۵ سال، تدریس سطوح عالی فقه و اصول، مکاسب و کفایه؛

۲. تدریس سطوح متوسط، به مدت ۵ سال؛

۳. تدریس کلام ماتریدیه؛

۴. تدریس فلسفه دین.

کارهای اجرایی

جناب استاد صدر، هشت سال است که مدیر اجرایی مجله پژوهش های قرآنی است و مدتی را هم به عنوان مدیر گروه دفتر تبلیغات اسلامی مشهد مقدس فعالیت کرده است.

در حال حاضر، سردبیر مجله آفاق است و مدتی هم سر دبیر مجله کوثر بوده و نیز عضو هیئت امنای مدرسه علمی خاتم النبیین کابل است.

فعالیت های علمی

۱. ارزیابی علمی برخی مقالات، مجلات علمی پژوهشی مثل پژوهش های قرآنی، مطالعات اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی دانشکده الهیات مشهد؛

۲. راهنمایی تعداد ۱۰ پایان نامه در مدرسه نواب و جامعه المصطفی العالمیه و شورای مدیریت و مشاوره تعداد ۱۰ پایان نامه در این مراکز؛

ص: ۱۴۳

۳. سرپرستی برخی پروژه های کلامی، تبارشناسی مسائل کلامی جدید در کلام اسلامی، در دفتر تبلیغات اسلامی؛

۴. سردبیری فصلنامه پژوهشی آفاق، کابل، افغانستان؛

۵. سردبیری فصلنامه کوثر، کابل، افغانستان تا ۲۲ شماره؛

۶. عضویت در گروه علمی و برنامه ریزی فقه و اصول مدرسه عالی نواب؛

۷. مشاوره علمی در برخی پروژه های تحقیقی قرآنی، کلامی؛

تحقیق و پژوهش

جناب آقای صدر، از سال ۱۳۶۳ ش، به بعد با دفتر تبلیغات اسلامی همکاری داشته و با جدیت و پشتکار در بخش علوم قرآنی به پژوهش اشتغال داشته است. وی در حوزه فلسفه و کلام نیز تحقیقاتی دارد، نتیجه سالها تلاش و پژوهش در این دو رشته، تألیف مقالات زیادی است که در نشریات مختلف به چاپ رسیده است. البته ایشان به فقه و اصول دلبستگی خاصی دارند و کتابهای این دو رشته را محور تدریس خود قرار داده اند.

آثار

الف. کتاب

۱. تفسیر راهنما ۱۷ ۱۶، کنترل نهایی، سید موسی صدر، علی عزیزاده؛

۲. فرهنگ واژگان قرآن، همکاری با گروه قرآن دفتر تبلیغات اسلامی؛

۳. فرهنگ موضوعی تفاسیر، همکاری با گروه قرآن دفتر تبلیغات اسلامی خراسان؛

۴. نمایه نامه موضوعی صحیفه سجادیه، مصطفی درایتی، عباس عزیزاده و سید موسی صدر، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۷.

ص: ۱۴۴

ب. مقالات

فصلنامه پژوهش های قرآنی، دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی

۱. جعل و تحریف در اسباب نزول، ش ۱۲؛

۲. بررسی آماری اسباب نزول، ش ۱؛

۳. با ترجمه قرآن استاد مجتبی، ش ۱؛

۴. سیر پژوهش در فرهنگ واژگان قرآن، ش ۲؛

۵. پویایی فقه قرآنی، ش ۳۴؛

۶. نقش علوم قرآنی در فقه القرآن، ش ۴،

۷. همگرایی معارف قرآن و سنت، ش ۵۶؛

۸. تحولات تفسیر نگاری در قرن چهارده، ش ۷۸؛

۹. گرایش علمی در تفاسیر معاصر، ش ۷۸؛

۱۰. اصول و مبانی تفسیر الفرقان، ش ۷۸،

۱۱. المیزان و مسئله انتظار از دین، ش ۹۱۰؛

۱۲. پژوهش های بایسته در زمینه مبادی فهم قرآن، ش ۱۱۱۲؛

۱۳. پژوهش های بایسته در زمینه تفسیر قرآن به قرآن، ش ۱۱۱۲؛

۱۴. معیار تمایز مفاهیم اخلاقی از غیر اخلاقی، ش ۱۳۱۴؛

۱۵. ابزارهای ادراک در قرآن، ش ۱۵۱۶؛

۱۶. فهم قرآن از دیدگاه شهید مطهری، ش ۱۷۱۸؛

۱۷. دین و جامعه از نگاه شهید مطهری، ش ۱۷۱۸؛

۱۸. اندیشه های کلامی قرآنی امام خمینی، ش ۱۹۲۰؛

۱۹. راز و رمز ژرفای قرآن، ش ۲۱ ۲۲؛

۲۰. وحيانی بودن الفاظ قرآن، ش ۲۱ ۲۲؛

۲۱. تأثیر قرآن در اندیشه امام علی (علیه السلام)، ش ۲۳ ۲۴؛

ص: ۱۴۵

۲۲. فلسفه مردانه بودن گفتمان قرآن، ش ۲۶ ۲۵؛
۲۳. دیدگاه قرآن درباره مشارکت سیاسی زنان، ش ۲۶ ۲۵؛
۲۴. تنبیه بدنی زن در نگاه های گوناگون، ش ۲۸ ۲۷؛
۲۵. کاوشی در مباحث کلامی مجمع البیان، ش ۳۰ ۲۹؛
۲۶. زیرساخت های تفسیر المیزان (۱)، ش ۳۰ ۲۹؛
۲۷. گوهر ادیان در گزارش قرآن، ش ۳۱؛
۲۸. قرآن و عهدین نقاط همسو و نا همسو، ش ۳۲؛
۲۹. زیر ساخت های تفسیر المیزان (۲)، ش ۳۲؛
۳۰. نجات بخشی ادیان در ترازوی نقد، ش ۳۳؛
۳۱. قرآن و مبنای حقوق، ش ۳۴؛
۳۲. ارتداد و آزادی عقیده از نگاه قرآن، ش ۳۴؛
۳۳. مبانی حقوق بشر در ترازوی قرآن، ش ۳۶ ۳۵؛
۳۴. قرآن و پدیده انحراف در جامعه، ش ۳۸ ۳۷؛
۳۵. فلسفه شریعت در نگاه علامه طباطبائی، ش ۳۸ ۳۷؛
۳۶. نگاهی تطبیقی به روض الجنان و مجمع البیان، ش ۴۰؛
۳۷. ترجمه قرآن در ترازوی تعادل، ش ۴۳ ۴۲؛
۳۸. عیار نبوت، ش ۴۷ ۴۶؛
۳۹. درنگی در آیه امامت ابراهیم، ش ۵۰ ۴۹؛
۴۰. حجب یا حجاب، ش ۵۲ ۵۱؛
۴۱. قرآن و شیوه اصلاح فرهنگ، ش ۵۴؛

۴۲. نقش مربی در تربیت، ش ۵۹ ۶۰؛

۴۳. روش تزکیه از نگاه قرآن، ش ۶۱؛

۴۴. سنجش ادله موافقان و مخالفان تفسیر بر اساس ترتیب نزول، ش ۶۲

ص: ۱۴۶

۴۵. بلاغت محوری در شیوه تفسیری علامه فضل الله، ش ۶۴؛
۴۶. بررسی تطبیقی دیدگاه کلامی طباطبایی و فضل الله، ش ۶۵ ۶۶؛
۴۷. رابطه ایمان و فضایل اخلاقی، ش ۶۷؛
۴۸. جایگزینی فضایل اخلاقی نسبت به ایمان، ش ۶۷؛
۴۹. فقدان ارزش اخلاقی عواطف و احساسات، ش ۶۸؛
۵۰. نقش نیت در ارزش فعل اخلاقی، ش ۶۷؛
۵۱. زبان دین، پروژه بخش کلام دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی.
فصلنامه کوثر؛ مجمع جهانی اهل البیت، افغانستان، کابل.
۱. سلسله مباحث فلسفه دین، تعریف دین، ش ۱؛
۲. دینداری گزینشی، ش ۱؛
۳. سلسله مباحث فلسفه دین، دین و دنیا، ش ۲؛
۴. سلسله مباحث فلسفه دین، علم و دین، ش ۳؛
۵. قرآن و مسئله آزادی، ش ۳؛
۶. سلسله مباحث فلسفه دین، فهم دین، ش ۴؛
۷. مردم سالاری، یا مردم سالاری دینی، ش ۴؛
۸. سلسله مباحث فلسفه دین، عقل و باورهای دینی، ش ۵؛
۹. سلسله مباحث فلسفه دین، در باره عقل، ش ۶؛
۱۰. کدام یک، تعصب یا تساهل؟ ش ۶؛
۱۱. سلسله مباحث فلسفه دین، دین و انسان، ش ۷؛

۱۲. سلسله مباحث فلسفه دین، فلسفه تکلیف، ش ۸؛

۱۳. راز رستگاری، ش ۹؛

۱۴. فلسفه شرور، ش ۱۰؛

ص: ۱۴۷

۱۵. هویت دینی، ش ۱۱؛
 ۱۶. چندگانگی زندگی، ش ۱۲؛
 ۱۷. پیامبر در عصر ما، ش ۱۳؛
 ۱۸. استقلال عقلی و ضرورت رهبری، ش ۱۴؛
 ۱۹. گونه گونی نگاه ها، ش ۱۵؛
 ۲۰. درنگی در چندوچون ایمان، ش ۱۶؛
 ۲۱. دگرگونی دین، ش ۱۷؛
 ۲۲. دین و فرهنگ، ش ۱۸؛
 ۲۳. حق و باطل؛ ویژگی ها و کارکردها، ش ۱۹؛
 ۲۴. انسان های آرمانی، ش ۲۱ ۲۰؛
 ۲۵. عوامل دین گریزی، ش ۲۳ ۲۲؛
 ۲۶. بدعت در سنت، ش ۲۴.
- فصلنامه آفاق، افغانستان، کابل ۱۳۸۴.
۱. سکولاریسم در نگاه مسلمانان، ش ۱؛
 ۲. نقد مقاله سکولاریسم، ش ۲؛
 ۳. دین و سیاست در نگاه و رفتار مسلمانان، ش ۲؛
 ۴. دموکراسی در نگاه امام خمینی، ش ۴ ۳؛
 ۵. اسارت آزادی، ش ۶ ۵؛
 ۶. دین و خشونت، ش ۸ ۷؛
 ۷. قوم گرایی در منظر عقل و دین، ش ۱۰ ۹؛

۸. فرهنگ؛ آسیب‌ها و راه‌حل‌ها، ش ۱۴ ۱۳؛

۹. سرمقاله آفاق، از ش ۲۶ ۱.

ص: ۱۴۸

۱. گلستان قرآن، دو مقاله، و زارت ارشاد؛
۲. زائر، دو مقاله، آستان قدس رضوی؛
۳. بلاغ، یک مقاله، افغانستان، کابل؛
۴. ویژه نامه وحدت اسلامی، رویکرد عقلی به انسجام اسلامی، مرکز جهانی، ویژه نامه وحدت اسلامی در افغانستان؛
۵. دانشنامه قرآن پژوهان شیعه، ویژگی های تفسیر المیزان، لندن؛
۶. عزت و ذلت، سفیر کلمه الله؛
۷. دوست یابی و دشمن شناسی (۲)، سفیر کلمه الله؛
۸. آزمایش الهی، سفیر کلمه الله.

ترجمه

۱. روش تفسیری امام خمینی، پژوهش های قرآنی ۱۹۲۰، عبدالسلام زین العابدین؛
 ۲. رویکرد ادبی تفسیری مجمع البیان، پژوهش های قرآنی ۲۹۳۰، دکتر مرتضی ابروانی.
- منبع: قربانعلی فصیحی و علی مدد شریفی، عالمان شیعه غزنی، ص ۲۲۷-۲۲۰، تهران، عرفان، اول، ۱۳۹۳.

حجت الاسلام والمسلمین استاد ضیاء، در قریه زردگ مرادینه مالستان از توابع ولایت غزنی چشم به جهان گشود، علوم مقدماتی را در زادگاهش فرا گرفت، پس از آن وارد مدرسه علمیة شیرداغ شده و خدمت مرحوم استاد ملا براتعلی، آخوند بزرگ شیرداغ، تلمذ کرد.

مرحوم استاد ضیاء در سال ۱۳۴۴ ش، در قریه چکتمور شیرداغ مشغول تدریس و تبلیغ احکام و معارف اسلامی شد. وی در سال ۱۳۴۶ ش، به خدمت عسکری رفته و در کابل مشغول خدمت گردید. علاقه وافرو وی به فراگیری علوم و معارف اسلامی باعث شد که در حین خدمت عسکری، منطق و اصول فقه را نیز از محضر مرحوم استاد محقق افشار فرا بگیرد. مرحوم استاد ضیاء بعد از اتمام دوره عسکری، به مدرسه علمیة زیرک جاغوری رفته و تحصیلاتش را پی گرفت و کتاب شرح لمعه را نزد حجت الاسلام استاد عبدالصمد اکبری فرا گرفت.

مرحوم استاد ضیاء، در سال ۱۳۵۰، جهت ادامه تحصیل، افغانستان را به قصد نجف اشرف ترک کرد، و در حوزه هزار سائۀ نجف اشرف رحل اقامت افکند. وی در مدت سه سال سطوح عالیۀ حوزه را به پایان رسانده و خارج فقه و اصول را از محضر آیت الله العظمی خوئی (ره) و اقتصاد اسلامی را نزد آیت الله شهید محمد باقر صدر فرا گرفت. همزمان با فراگیری دروس خارج، به تدریس کفایه الاصول نیز مبادرت ورزید.

بازگشت به وطن

حجت الاسلام والمسلمین استاد ضیاء در سال ۱۳۵۶ به زادگاه خود بازگشت و در مدرسۀ علمیۀ شیرداغ به تدریس و نیز ارشاد و تبلیغ مردم پرداخت. یک سال بیشتر از حضور استاد در زادگاه خویش نگذشته بود که کمونیست ها بر افغانستان مسلط شدند، مرحوم استاد وظیفۀ خود را که همانا بسیج عمومی و قیام علیه کمونیست ها بود به خوبی انجام داده و به مبارزه با آنها پرداخت. در سال ۱۳۵۸ ش، بعضی از ولسوالی ها از لوٹ کمونیست ها توسط مجاهدین پاکسازی شده و مناطق توسط کمیته محلی اداره می شد. در آن موقعیت حساس، وی مسئولیت کمیته اسلامی منطقۀ شیرداغ را به عهده گرفت.

سفر به ایران

حجت الاسلام والمسلمین استاد ضیاء پس از مدتی از این مسئولیت فاصله گرفته و عازم جمهوری اسلامی ایران شد و در شهر مشهد مقدس ساکن گردید.

او در این شهر علاوه بر فراگیری درس خارج فقه و اصول، به تدریس در رشته های فقه، اصول، فلسفه و کلام پرداخت و شاگردان زیادی را تربیت نمود. مرحوم استاد ضیاء ضمن تدریس، به تحقیق و پژوهش در رشته های یادشده مبادرت ورزیده، متون مختلفی را تصحیح و مقالات زیادی را به رشته تحریر در آورد.

۱. شرح کشف المراد، دو جلد؛

۲. نظام اقتصادی صدر اسلام؛

۳. تصحیح و تعلیق تمهید القواعد؛

۴. تصحیح و تعلیق اقتصادنا؛

۵. تصحیح و تحقیق کتاب کشف الغطاء؛

۶. همکاری در تألیف تفسیر راهنما؛

۷. همکاری در تألیف کتاب خمس، چالش ها و راهکارها.

ویژگی های اخلاقی

افزون بر بعد علمی استاد، وی دارای ویژگی های برجسته اخلاقی نیز بوده، او در میان عوام و خواص به ساده زیستی، تواضع، صداقت و پارسایی معروف بود.

سرانجام این عالم فرزانه در بامداد روز یکشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۸۷ هجری شمسی مطابق با ۱۱ جمادی الثانی ۱۴۲۹ هجری قمری بر اثر عارضه قلبی روحش به ملکوت اعلی پیوست.

منابع: دست نوشته حاج عوضعلی اعتمادی، محمدعلی فیاضی، و اسحاق عارفی «زندگی نامه استاد ضیاء» ۱۳۸۷ ش؛ سید ابوطالب مظفری، دریغی ماند و فریادی و یادی، خط سؤم، ش ۱۲ و ۱۳، ص ۱۴۵ ۱۴۲، ۱۳۸۷ ش، عالمان شیعه غزنی، قربانعلی فصیحی، علی مدد شریفی، ص ۲۳۵ ۲۳۴، تهران، عرفان، ۱۳۹۳.

استاد ضیاء در جمع دوستان

استاد ضیاء در جمع شاگردان

ص: ۱۵۳

تصویر سنگ قبر استاد ضیاء

ص: ۱۵۴

(کابل ۱۲۸۸ ق تهران ۱۳۶۸ ق)

آیت الله سید محمد نقوی کابلی، معروف به «علم الهدی» فرزند سید شمس الدین، در یک خانواده مذهبی و متدین در کابل متولد شد. زمان زیادی از تولدش نگذشته بود که پدر را از دست داد^(۱) و غبار یتیمی بر چهره اش نشست، مادرش که بانویی فهیم و آگاه بود، سرپرستی فرزندش را به عهده گرفت، در شش سالگی بود که بر اثر مرض آبله، از نعمت بینایی محروم گشت، مادر مهربانش که شاهد از دست دادن بینائی فرزندش بود، با همت و صبر ستودنی، به مقابله با نابسامانی روزگار برخاست، فقر و مشکلات اقتصادی و سنگینی داغ نایبنا شدن فرزند، بر اراده پولادین او خللی وارد نساخت.

هجرت به سامرا

تا سن دوازده سالگی از مکتب، مدرسه، تحصیلات و اساتید سید محمد اطلاعی در دست نیست. دوازده سال داشت که مادر فدا کارش با آن همت عالی که داشت،

ص: ۱۵۵

۱- (۱). آقای سید جعفر عادل «حسینی» در کوثر النبی معتقد است که پدرش زنده بوده و ایشان فرزندش را به عتبات برده است، نه مادرش!

برای رشد و تربیت فرزندش راه زینب گونه را برگزید، او که دغدغه اش فقط تعلیم و تربیت فرزندش بود، سختی ها و رنج ها را با آغوش باز پذیرا شده و با چند نفر از بستگان و ارحام، کابل را به قصد عتبات عالیات ترک نمود. این بانوی مجلله به همراه فرزندش سید محمد در سال ۱۳۰۰ ق، وارد شهر مقدس سامرا شدند. مادر مضطرب که آرزو داشت سید محمد در آینده یکی از ستارگان پرفروغ جهان اسلام شود و همه فکر و نگرانی اش تربیت فرزند و شکوفایی اندیشه او بود، در این شهر غریب به تکاپو افتاد. همت عالی و وقار این مادر، او را نزد یکی از بزرگترین عالمان شهر کشاند، آن عالم نامدار مرجع بزرگوار عالم تشیع مرحوم میرزا محمد حسن شیرازی بود که فتوای تاریخی اش دنیا را متوجه قدرت مرجعیت شیعه کرد مادر سید محمد با اصرار از ایشان خواست تا استادی برای تربیت فرزندش معین نماید.

مرحوم میرزای شیرازی وقتی نگرانی و دغدغه فکری و آرزوی این مادر را نسبت به تربیت فرزندش دید، از میان شاگردانش استادانی برای تربیت سید محمد انتخاب کرد. بنابراین، سید محمد تحصیلات مقدماتی را در این شهر شروع کرد.

نوجوان نابینای سرزمین کابل که همت عالی را از مادر اندوخته بود، با جدیت و صبر در مسیر علم آموزی قدم نهاد، وی در اندک زمان ممکن علوم مقدماتی را فرا گرفته و خود را برای کسب مدارج بالای علم و عرفان آماده ساخت. پس از چهارده سال اقامت در شهر سامرا جوان ۲۶ ساله کابلی، دریای علم و عرفان سامرا را برای خود کوچک دید، در جستجوی اقیانوس عظیم برای رفع عطش علمی خود شد.

در اقیانوس بیکران نجف

آیت الله سید محمد علم الهدی نقوی کابلی پس از سالها تلاش و استفاده از محضر اساتید معروف و مشهور شهر سامرا، در سال ۱۳۱۴ ق، از این شهر به همراه زوار حرم علوی، خودش را به اقیانوس بیکران علم و معرفت شهر مقدس نجف رساند، پس از زیارت مرقد مطهر جدش امیرالمؤمنین (علیه السلام)، برای رفع عطش علمی،

به جستجوی استاد پرداخت. پس از مدتی تلمذ در نزد عالمان نامدار شهر نجف، شیخ المحدثین علامه حاج میرزا حسین نوری و جمال السالکین سید مرتضی کشمیری را به عنوان استاد انتخاب و با سعی و تلاش بی وقفه، از خرمن علم و فضل آن بزرگواران استفاده کرد و در کوتاه ترین زمان، از شاگردان خصوصی و مقربان آن دو قرار گرفت.

مرحوم علم الهدی پس از سالها مجاهدت، سعی و تلاش، جهت عمل سنت نبوی، تصمیم به تشکیل خانواده گرفت. وی به علت مشکلات مالی و جسمی نمی توانست این کار را انجام دهد، لذا با اساتید خود مرحوم آیت الله سید مرتضی کشمیری و مرحوم محدث نوری مسئله را در میان گذاشت. با مشورت آن دو بزرگوار و راهنمایی آنها با دختری یکی از ثروتمندان ازدواج کرد. پدرخانم مرحوم علم الهدی یکی از تاجران معروف شهر نجف بود. همسر وی با پذیرش تقاضای شوهرش، درس فراموش نشدنی به تمام دوشیزگانی داد که برای دستیابی به منافع دنیایی، فضایل و کمالات انسانی را نادیده می گیرند.

اساتید

مرحوم علم الهدی که بعد از دوازده سالگی از محضر اساتید بزرگ و ذی فنون استفاده کرد. مهم ترین اساتید وی عبارتند از:

۱. سید مرتضی رضوی کشمیری نجفی، که سید علم الهدی نقوی کابلی، در اخلاق، عرفان، تهذیب و تزکیه بیشتر از ایشان متأثر است.

۲. حاج میرزا حسین محدث نوری؛

۳. سید میر حامد حسین نقوی لکهنوی؛

۴. آیت الله العظمی حاج فتح الله شیخ الشریعة اصفهانی؛

۵. شیخ محمد طه نجف؛

۶. شیخ محمد رضا معزی دزفولی؛

ص: ۱۵۷

۷. سید عدنان بحرانی؛

۸. سید محمد حسین مرعشی شهرستانی؛

۹. سید هبه الدین شهرستانی؛

۱۰. سید حسن صدر موسوی.

هجرت از نجف به ایران

مرحوم سید محمد علم الهدی پس از گذراندن مراحل علوم، شناخت عرفان و سلوک، نجف اشرف را به قصد مهاجرت به کشور ایران ترک کرد. هرچند تاریخ دقیق ورود وی به ایران مشخص نیست، ولی شواهد نشان می دهد که وی پس از فوت استادش مرحوم سید مرتضی کشمیری (۱۳۲۳ ق) به ایران آمده است. ایشان پس از ورود به ایران، منطقه سلطان آباد (اراک) را برای زندگی انتخاب نمود. با توجه به اینکه ایشان دارای مقامات بلند عرفانی و اخلاقی بود، بسیار سریع بین مردم این دیار شهرت پیدا کرده و به انجام وظایف دینی و تبلیغی پرداخت.

یکی از بزرگان و متمولین شهر به نام «حاج سهام الملک بیات» که پایگاه سیاسی و اجتماعی خوبی داشت، از شیفتگان و عاشقان او بود، تاجر متدین با پرداخت مخارج زندگی آن سید بزرگوار، وی را در تبلیغ و ارشاد دین مبین یاری می کرد. شهرت وی آنچنان زیاد بود که همه مردم آن منطقه از کوچک و بزرگ، خاص و عام، عاشق و شیفته آن سالک الی الله شده بودند.

حضور آیت الله سید محمد علم الهدی در اراک همزمان است با حضور آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی (ره)، مرحوم آیت الله حائری که از مقامات علمی و عرفانی سید وقوف کامل داشت، او را به عنوان وکیل خود در شهر ملایر منصوب کرد. سید محمد علم الهدی نقوی کابلی که حکم وکالت آیت الله حائری را با خود داشت وقتی وارد ملایر شد، با استقبال پرشور مردم آن منطقه مواجه شد. نام و آوازه آن عالم بزرگوار در تمام ملایر پیچید، سعی و کوشش آن مجاهد خستگی ناپذیر و

ص: ۱۵۸

سالک الی الله، مردم آن سامان را مجذوب وی ساخت.

خدمات وی در ملایر

ایشان در ملایر به ارشاد و تبلیغ مردم پرداخت، به مسائل شرعی مردم اهمیت زیادی قائل بود، به اقامه نماز جماعت می پرداخت، اختلافات و دعاوی مردم را حل و فصل می کرد، در امور حسبه و عقود اسلامی آنها را یاری می کرد. کلاس های درس وی دایر بود و مشتاقان زیادی در حلقه های درس آن عالم روشن ضمیر شرکت می کردند و از خرمن علمش بهره مند می شدند، وی شاگردان زیادی تحویل جامعه آن روز داد.

آیت الله علم الهدی کابلی از منظر شاگردان

متأسفانه بیش از یکی دو تن از علما برجستگی ها و فضایل آن نابغه دوران را باز گو نکرده اند. شخصیتی که بیشتر به معرفی استادش پرداخته، مرحوم آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی (ره) است. وی در باره استاد نابینای روشن ضمیرش چنین می نویسد:

«کان هذا السید الجلیل من نوابغ الزمان و أعاجیب العصر، فی الحفظ و سرعه الأنتقال، و کان یضرب المثل بكثره حفظه و ضبطه، کان حافظاً لتمام القرآن الکریم و الصحیفه الکامله السجادیه و أراجیز و قصائد کثیره و عشره آلاف من الأحادیث المسنده سوی المراسیل، و لعمری کان من أظهر مظاهر قدره الباری جلّ شأنه، اجتمعت به مراراً و استفدتُ من قدسی انفاسه و برکاته، و هو من المجیزین لی فی قراءه دعاء السیفی...؛ این سید جلیل القدر از نوابغ زمان و عجایب روزگار در حفظ و سرعت انتقال بود. در حفظ، ضرب المثل بود. حافظ کل قرآن کریم، صحیفه سجادیه، رجزها و قصیده های زیاد بود. ده هزار حدیث مسند (غیر از مرسل) را از حفظ داشت. به جانم قسم! وی از روشن ترین مظاهر قدرت خداوند متعال بود. بارها به محضرش شرفیاب شدم و از انفاس قدسی و برکاتش استفاده بردم، او از

ص: ۱۵۹

کسانی بود که به من در خواندن دعای سیفی اجازه داد...».

قابل یاد آوری است که آیت الله مرعشی نجفی، اجازه روایت از آیت الله سید محمد علم الهدی نقوی کابلی دارد. و مرحوم علم الهدی، شیخ اجازه وی می باشد.

آثار

آیت الله سید محمد علم الهدی کابلی با اینکه نابینا بود و نمی توانست چیزی بنویسد، اما با جدیت و همت عالی که داشت، با کمک بعضی از شاگردانش که به آنها املا می کرد، آثار زیادی خلق کرده است. آثار آن مرحوم عبارتند از:

۱. دستورالعمل - مسائل زنان (چاپ شده)؛

۲. تجوید القرآن الکریم؛

۳. تعلیقه علی منهج المقال للأسترآبادی؛

۴. تنبیه الغافلات، فی الأخبار الراجعة الی النساء، (در بیان خصال نیک و بد زنان)؛

۵. حقوق الأخوان؛

۶. درایه الحدیث؛

۷. الکشکول؛

۸. محاسبه النفس.

سید علم الهدی نقوی کابلی (ره) کتاب ارزشمند «جمال الأسبوع» سید ابن طاووس را پس از حاشیه و تعلیقه، در سال ۱۳۳۰ ق. منتشر کرده است.

آثار مخطوط مرحوم علم الهدی طبق وصیت آن مرحوم، پس از وفاتش به کتابخانه مدرسه علمیة فیضیه منتقل شده است.

پرواز به ملکوت

آیت الله سید علم الهدی نقوی کابلی پس از سالها خدمت، در ملایر مبتلا به دردی شد که برای معالجه آن به تهران رفت. معالجات وی ثمر بخش نبود،

ص: ۱۶۰

سرانجام روح بلند و ملکوتی آن عالم وارسته، در اوایل محرم سال ۱۳۶۸ ق، به سوی معبودش پر کشید. پیکر مطهر آن عالم بزرگوار از تهران به قم منتقل شد. شاگرد نامدارش مرحوم آیت الله العظمی مرعشی نجفی امور کفن و دفن استادش را عهده دار بود. پس از غسل و نماز میت بر آن بدن مطهر، وی داخل قبر استادش رفت و با دیدگان اشک آلود جسم آموزگارش را درون قبر نهاد، و با حسرت و اندوه فراوان، با او وداع کرد و و پیکر استاد را در قبرستان سکوئیه «قبرستان نو» به خاک سپرد.

منابع: میرحسینی سید علی نقی، ستاره کابل (زندگینامه سید محمد علم الهدی نقوی کابلی) ستارگان حرم، ج ۱۶، صص ۱۱۵-۸۲، قم، انتشارات زائر آستانه مقدسه قم - اول، بهار ۱۳۸۵ ش. عادل «حسینی» سید جعفر، کوثر النبی، پژوهشی در تاریخ سادات افغانستان، کابل، مؤسسه فرهنگی صبح امید، دوم (ویراست جدید) زمستان ۱۳۸۹. مرعشی نجفی، سید محمود، المسلسلات فی الاجازات، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۱۶ ه - ق، صص ۲۲۹-۲۱۵. جواهر کلام، عبدالحسین، تربت پاکان قم، ج ۲، قم، انتشارات انصاریان، اول، ۱۳۸۲.

اجازة خواندن دعای سیفی از سید علم الهدی نقوی کابلی (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره)

ص: ۱۶۲

نامه آیت الله سید علم الهدی نقوی کابلی (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره) به تاریخ ذی قعدة ۱۳۵۲ ق

ص: ۱۶۳

نامه آیت الله سید علم الهدی نقوی کابلی (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره) به تاریخ ذی قعدة ۱۳۵۲ ق

ص: ۱۶۴

نامه دیگری از آیت الله سید علم الهدی نقوی کابلی (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره) بدون تاریخ

ص: ۱۶۵

نامه دیگری از آیت الله سید علم الهدی نقوی کابلی (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره) بدون تاریخ

ص: ۱۶۶

نامه دیگری از آیت الله سید علم الهدی نقوی کابلی (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره) بدون تاریخ

ص: ۱۶۷

نامه دیگری از آیت الله سید علم الهدی نقوی کابلی (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره) بدون تاریخ

ص: ۱۶۸

نامه دیگری از آیت الله سید علم الهدی نقوی کابلی (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره) در خصوص شجره نامه ها به تاریخ

۱۳ [۵۲] ق

ص: ۱۶۹

نامه دیگری از آیت الله سید علم الهدی نقوی کابلی (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره) در خصوص شجره نامه ها به تاریخ

۱۳ [۵۲] ق

ص: ۱۷۰

نامه دیگری از آیت الله سید علم الهدی نقوی کابلی (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره) در خصوص شجره نامه ها به تاریخ

۱۳ [۵۲] ق

ص: ۱۷۱

نامه دیگری از آیت الله سید علم الهدی نقوی کابلی (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره) در خصوص شجره نامه ها به تاریخ

۱۳ [۵۲] ق

ص: ۱۷۲

نامه آیت الله سید علم الهدی نقوی کابلی (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره) در خصوص شجره نامه ها به تاریخ
۱۳/۱۰/۸ [۱۲] ش

ص: ۱۷۳

نامه آیت الله سید علم الهدی نقوی کابلی (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره) در خصوص شجره نامه ها به تاریخ
۱۳/۱۰/۸ [۱۲] ش

ص: ۱۷۴

شرح حالی مختصر از مرحوم سید علم الهدی نقوی کابلی (ره) به قلم آیت الله مرعشی نجفی (ره)

ص: ۱۷۵

تصوير سنگ قبر مرحوم علم الهدى نقوى كابلې (ره)

ص: ۱۷۶

آیت الله سید حیدر علوی نژاد، فرزند سید ابراهیم در تاریخ ۱۳۳۷/۲/۵ شمسی، در خانوادهای مذهبی و متدین در شهر مزار شریف، مرکز ولایت بلخ، در شمال افغانستان، به دنیا آمد. پدر بزرگ پدری اش سید عباس کربلایی، یازده بار با وسایل قدیمی سفر، به کربلای معلی سفر کرده بود، وی از نمایندگان مرجع بزرگ شیعه، مرحوم آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی (ره) بود.

پدر بزرگ مادری اش مرحوم سید یمین، از مرثیه خوانهای معروف منطقه خود بوده است. سید ابراهیم، پدر سید حیدر، اگر چه روحانی نبود، ولی با روحانیون و شخصیتهای مذهبی و علمی زیادی دوست و آشنا بود، روابط دوستانه ای با تعدادی از علما و شخصیت های اجتماعی و سیاسی در کابل داشت، در یک زمان، از میان وکلای مجلس و سناتورها، ۱۶ نفر از دوستان خوب ایشان بودند.

استاد علوی نژاد می گوید: پدرم بسیار به علم و علما علاقه داشت و بر همین

اساس، طلبه شدن و درس خواندن من، به صورت بزرگترین آرزوی او در آمده بود.

سفر نافرجام به ایران

او بیش از شش ماه نداشت، که خانواده وی به شوق زیارت امام رضا (علیه السلام)، مزار شریف را به قصد ایران ترک کردند، دو سه خانواده دیگر نیز به همراه آنها بودند. این سفر با اقامت های چند ماهه در کابل و قندهار و هرات همراه بود. متأسفانه هنگام سفر به سوی ایران، ماشین واژگون و پدر خانواده به شدت مصدوم شده و به هرات بر می گردند. اما خانواده های دیگر که همراه آنان بودند، به سفر ادامه داده و پس از رسیدن به ایران درخواست تابعیت کرده و در آنجا ماندگار می شوند. ولی خانواده علوی نژاد، مدتی مجبور به کار و اقامت در هرات می شوند، پس از مدتی به قندهار برگشته، و سپس به غزنی، و از آن جا به کابل می روند. در این هنگام او حدود چهار و نیم یا پنج سال بیشتر نداشت.

آغاز تحصیلات

او در کابل، هفت سال داشت که به مکتب خانه رفت. استعدادش او را از همه همدرسی هایش در مکتب خانه جلو انداخته بود؛ بعد از خواندن چند صفحه از قرآن کریم به هجی، قرآن را خودخوان شد و بعد از خواندن چند صفحه قرآن کریم به روانی، باز خودخوان شد و بسیار زود کتابهای فارسی معمول مثل: پنج کتاب، حافظ و نیز کتاب حلیه المتقین را در مکتب خانه خوانده و به کفتان (مُبَصِّر) و استاد یار (!) مکتب خانه مبدل گشت. و مورد توجه خاص استاد قرار گرفت.

پس از گذراندن دوره مکتب برای فراگیری مقدمات علوم حوزوی به حوزه علمیه کابل نزد آیت الله حجت کابلی رفته و مدتی را به کسب علم پرداخت.

اساتید ایشان در کابل عبارتند از:

استاد مرحوم حجت الاسلام و المسلمین عرفانی (ره)، نصاب الصبیان.

استاد حجت الاسلام و المسلمین سید علی آقا حجت: شرح امثله، صرف میر.

ص: ۱۷۸

استادان دیگری نیز در خواندن کتابهای جامع المقدمات در مدرسه آیت الله واعظ داشته است. کتابهای سیوطی و شرح جامی را تا سال ۱۳۵۲ ش، نزد استادانی در کابل گذراند.

سفر به ایران

استاد سید حیدر علوی نژاد، اواخر سال ۱۳۵۲ شمسی برای کسب مدارج بالاتر علمی تصمیم گرفت به حوزه های علمیه ایران برود، نامبرده اوایل سال ۱۳۵۳ به حوزه علمیه مشهد مقدس پیوست. در اولین امتحان ورودی، با نمره عالی قبول شده و علاوه بر شهریه، جایزه نمرات عالی را، که به نمرات بالای ۱۸ تعلق می گرفت، دریافت کرد. و هیچگاه نمره ای کمتر از ۱۸ نگرفت، بیشترین امتحانات را او با نمرات ۱۹ و ۲۰ گذرانده است، در سال ۱۳۵۴ لیستی از طرفی حوزه علمیه اعلام شد که شامل افراد ممتاز بود (کسانی که نمره زیر هیچده نداشتند) نام سید حیدر علوی نژاد در آن لیست قرار داشت. به همین علت جوایزی دریافت کرد که شامل اقلام ضروری برای منزل و لباس بود، از جمله عبایی زمستانی، که هنوز آن را دارد.

اساتید ایشان در مشهد مقدس عبارتند از: استاد مبشری، استاد حجت هاشمی خراسانی، استاد شیخ یعقوب واعظی، استاد آیت الله صالحی، استاد الهی خراسانی، استاد عباسپور، استاد شهید سید عبدالکریم هاشمی نژاد، استاد آیت الله رضا زاده، استاد آیت الله فلسفی ره، استاد آیت الله سید حسن مرتضوی شاهرودی (مدظله). وی کتابهای سیوطی، حاشیه، مغنی، شرح لمعه، رسائل، مکاسب، کفایه، و خارج فقه و اصول را نزد این اساتید تلمذ نمود.

استاد الهی خراسانی، ریاست بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی و استاد آیت الله صالحی به ایشان عنایت ویژه داشتند و تشویقهای مؤثری فرمودند. بخصوص استادش، آیت الله مرتضوی به ایشان بسیار عنایت داشتند، علوی نژاد علاوه بر

چهارده سال تلمذ در درسهای خارج فقه و اصول، مکاسب محرمه و مقصداری از بیع را هم خدمت ایشان خوانده است. استاد مرتضوی، برای اخذ مدرک دکترای فقه و معارف اسلامی (۱۳۷۰)، مراتب علمی او را تأیید کرد، که پس از امتحان و مراحل علمی و قانونی، این مدرک تحصیلی در سال ۱۳۷۱ ش، صادر شد.

نامبرده در سال ۱۳۷۵ فارغ التحصیل شده و در همان سال، استادش آیت الله العظمی مرتضوی اجتهاد ایشان را صریحاً، در حضور جمعی از دوستان تأیید فرمودند، این تأیید و آیت الله خطاب کردن ایشان بر روی منبر، از سوی مرحوم علامه آیت الله جوهری، سبب شد بیشتر دوستان، و شاگردان، علی رغم مخالفت خودشان، باز از ایشان به عنوان آیت الله یاد کنند.

تحصیلات غیر حوزوی

آیت الله سید حیدر علوی نژاد، علاوه بر دروس رسمی حوزه، برخی از درسهای دیگر را نیز گذرانده است، که عبارتند از:

داستان نویسی: سازمان تبلیغات اسلامی خراسان. غلامرضا عیدان و برخی اساتید فن؛

لیسانس فشرده جامعه شناسی: آموزش ضمن همکاری با بخش معارف قرآنی، دفتر تبلیغات اسلامی: استاد خانم دکتر هما زنجانی زاده. استاد برجسته و صاحب آثار و ترجمه هایی در جامعه شناسی.

زبان عربی تخصصی: سه سال، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، تا سال ۶۷، اساتید عرب، استاد ناصر میرزا علی، و قیس العطار، و دکتر ایروانی

و نیز دو ترم دوره عالی زبان عربی، دفتر تبلیغات اسلامی خراسان.

ایشان زبان انگلیسی را سه سال در کلاسهای عمومی و خصوصی زبان به همراه ریاست محترم دفتر تبلیغات اسلامی، و چند نفر محدود از همکاران شرکت کردند. اساتید این دوره: استاد دکتر جهانگیری، استاد دستیار، که دوران دانشجویی را در

لندن گذرانده است.

آموزشهای ضمن خدمت تفسیر و علوم قرآن: آیت الله معرفت و اساتید پروازی.

استفاده از کنفرانسها و کلاسهای متعدد متخصص ترین استادان داخلی و خارجی، که برای محققان دفتر تبلیغات اسلامی دعوت می شدند، و مطالب علمی و به روزی داشتند.

شرکت در کلاسها و کارهای عملی شش ماهه آموزش محقق: بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی با ۱۱ استاد، اساتید برجسته ای مانند: دکتر محمد مهدی ناصح، دکتر محمد جعفر یاحقی، استاد نجیب مایل هروی، استاد خیامی استاد دکتر اشرف زاده و... با عناوین:

زبان شناسی، ادبیات، تصحیح متون، روشهای تحقیق و پژوهش و نگارش، اصول ویرایش و...

او در سخنرانیها، کنفرانسهای علمی، و جلسات مهم علمای اثر گذار حضور فعال داشته، و با شرکت مستمر و پیگیر در این جلسات و سخنرانیها، در مدرسه نواب و صحن امام، مطالب علمی زیادی فراگرفته، و با به روزترین مسایل سیاسی، اجتماعی، تفسیری و کلامی در ارتباط بوده است.

ماشین نویسی: سال ۱۳۵۹، سازمان هلال احمر جمهوری اسلامی ایران. مشهد. (ماشین تحریر)

زمانی که به ندرت کامپیوتر در ایران به منازل شخصی راه یافت، او با شرکت در کلاسهای آموزشهای ضمن خدمت، با کامپیوتر آشنا شد. آشنایی با رایانه و فضای مجازی، بطور طبیعی، سبب سرعت بیشتر در کارهای پژوهش و نگارش ایشان شد.

مواردی که ذکر شد، تنها برخی از عناوین آموخته های ایشان است...

بر کرسی تدریس

ایشان از سال ۱۳۵۹ به تدریس علوم حوزوی پرداخته و علاوه بر تدریس کتب

ص: ۱۸۱

معمول درسی در حوزه، کتابهای جدید را هم تدریس کرده است.

مثلاً- در علم اصول، علاوه بر معالم، رسایل و کفایه، همچنین اصول فقه مرحوم مظفر و حلقات اصول شهید صدر را نیز مکرر تدریس کرده و علاوه بر تدریس حاشیه ملا عبدالله، کتاب منطق صوری خوانساری و منطق مظفر را نیز درس گفته است.

علوم قرآن، تفسیر، داستان نویسی، آموزش شعر، و تدریس فلسفه اسلامی، بخصوص بدایه الحکمه و نهایه الحکمه علامه طباطبایی را تدریس کرده است.

ایشان در جامعه المصطفی العالمیه نیز از بدو تأسیس تدریس کرده و فعلاً به عنوان استاد همکار مشغول تدریس است. برخی از درسهایی که تدریس کرده و اکنون نیز تدریس می کن. د:

دوره کارشناسی

نیازهای منطقه ای (کلام)، آشنایی با فلسفه اسلامی، فقه، آیات کلامی، تفسیر ترتیبی ۱، ۲، ۳، ۴، و ۵ که تفاسیر اجتماعی، جامع، اجتهادی، روایی، و ادبی را شامل می شود، و آشنایی با علم رجال، آشنایی با تاریخ حدیث، آشنایی با منابع حدیثی شیعه و سنی، تاریخ حدیث، علم درایه، روشهای ترجمه قرآن کریم و فقه الحدیث و...

دوره کارشناسی ارشد

تفسیر ترتیبی ۱، اجتماعی، تفسیر ترتیبی ۲، کلامی، تفسیر ترتیبی ۳، فلسفی، تفسیر ترتیبی ۴، تفسیر عرفانی. و نقد ترجمه های معروف فارسی، روشها و گرایشهای تفسیر و...

استاد علوم حدیث، رجال، درایه، فقه الحدیث و فلسفه اسلامی را نیز تدریس می کنند، حدود ۱۲ سال است که خارج فقه، خارج اصول، و فقه الحدیث را در حوزه تدریس می کنند.

ص: ۱۸۲

نامبرده از سال ۱۳۵۹، تا کنون، در مدرسه علمیّه سجادیه، درسهای اسلام شناسی و تفسیر می گوید که هر صبح جمعه، برای ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفر و در شبهای خاص رمضان، تا هزار نفر در کلاس درس ایشان حضور دارند.

شاگردان

حضرت آیت الله علوی نژاد بلخی، شاگردان زیادی تربیت کرده، که بعضی از آنها در پست های مدیریتی قرار گرفته و برخی در کارهای اجتماعی فعال و موفق هستند. شاگردانی در زمینه های علوم اسلامی و حوزه، داستان نویسی و کلاسهای روان شناسی موفقیت، که اعضای این کلاس اخیر خاص بوده و ۱۰۰٪ آنان امروزه موفق هستند، در کارهای بسیار جدی، و برخی از آنان، بسیار مشهور شده اند...

دست آوردهای علمی

آیت الله سید حیدر علوی نژاد بلخی، بسیار پرکار بوده و اهل مطالعه و تحقیق هستند، بطوری که در مجالس دعوت، مسافرتها شهرهای با اتوبوس، و فرصتهای این گونه، کتابی همراه داشته و مشغول مطالعه می شوند و به قول خود ایشان، بسیاری از شعرهای خود را در فرصت رفتن از منزل به محل کار و برگشتن، داخل تاکسی و اتوبوس سروده یا سوژه های پژوهشها، مقالات اجتماعی و... را در این فرصتها یاد داشت کرده است. به همین دلیل آثار بسیار زیادی دارند، که مشارکت در تألیف چند کتاب بسیار جدی، بیش از هفتاد مقاله تخصصی مفصل، و بیش از ۲۰۰ مقاله متوسط و کوتاه تفسیری، دینی، اجتماعی و نیز داستان و شعرهای متعددی از ایشان در کتابها، مجلات و نشریات فراوان، (بیش از ۵۰ نشریه، مجله، جنگ و کتاب) چاپ شده است. بیش از ۱۵ کتاب آماده چاپ، و چند کتاب مستقل چاپ شده دارند.

برخی از مجلاتی که اثری از استاد علوی نژاد در آنها چاپ شده است (کتب مطبوعات و مجلات) عبارتند از: فریاد عاشورا، - مقاله استقلال در قانون گذاری و

ص: ۱۸۳

قانونگذاری برای استقلال -، در سه قسمت یا بیشتر. پژوهشهای قرآنی، صفا (صفا در بهشت راستان، شماره ۲ زمستان ۱۳۷۳)، سفیر، طلعه، گلستان قرآن، فصلنامه حسنا (تأویل از دیدگاه اهل بیت (علیه السلام))، نگاه حوزه (مکرر)، زائر، هفته نامه وحدت، بنیاد وحدت، پیک، بصیرت، مستقیم، راه نجات، نجات، انیس، هیواد، سفینه، توس، قدس، جمهوری اسلامی، کار و کارگر، اطلاعات هفتگی، غربال، انصاف، کتاب: شانه های زخمی پیامبر. کتاب: فصل سبز. کتاب: دست سبز دعا. کتاب: نعت های شاعران برای رسول اکرم (آمریکا). کتاب: شعر مقاومت اول. کتاب: شعر مقاومت دوم. کتاب: این همه شیدایی. کتاب: مشرق گلهای فروزان. کتاب: آینه در کربلا است. کتاب: سبوی کربلا. کتاب: صبح در زنجیر و کتابها و جنگهای دیگر، اشعار و مطالبی از ایشان در آنها هست. مطالب و اشعار و مقالات استاد در این جنگها و نشریه ها بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ اثر است.

برخی از فعالیتهای قرآنی

آنچه در پی می آید، هرچند اکثر فعالیتهای قرآنی آیت الله سید حیدر علوی نژاد را در بر می گیرد، اما همه فعالیتهای ایشان را منعکس نمی کند. در این نوشتار، به اختصار، فعالیتهای قرآنی ایشان در چهار بخش، آثار قرآنی، نظریات قرآنی، تدریس های قرآنی، و برنامه های تلویزیونی و رادیویی قرآنی. بیان می شود:

آثار قرآنی

آثار قرآنی ایشان در دو بخش، آثار جمعی و آثار مستقل می باشد.

آثار جمعی: کارهای مشترک مانند تفسیر راهنما و فرهنگ موضوعی تفاسیر.

آثار مستقل مانند: افق های کمال، میدان معنایی ولایت، و مقالات فراوان قرآنی در فصلنامه پژوهشهای قرآنی، گلستان قرآن، روزنامه قدس، هفته نامه فریاد عاشورا، ماهنامه مستقیم و...

تدریس تفسیر و علوم قرآن، در مدرسه علوم قرآنی، جامعه المصطفی العالمیه،

ص: ۱۸۴

برنامه های تلویزیونی: تلویزیون تمدن، ولایت، نور، الهادی و برخی از شبکه های تلویزیونی دیگر، از جمله برنامه های تلویزیونی، برنامه آیات خطاب به مؤمنان است، که حدود ۹۰ برنامه کوتاه بوده است، و برنامه دیگر، کمی مفصل تر، آیاتی است که در آنها دوستان خدا معرفی شده است، و نیز تفسیر ترتیبی سوره علق که برنامه های متعددی را در بر گرفته است و...

برنامه های رادیویی: رادیوی دری، تعداد این برنامه بسیار زیاد است، مثلاً تعداد برنامه های قرآنی تفسیری از رادیو دری در یک برنامه، تفسیر حدود ۱۲ جزء از قرآن به صورت یک آیه یک درس بوده است، و این غیر از برنامه های قرآنی، اجتماعی، ادبی، تاریخی و سیاسی در این رادیو بوده است.

تفسیر راهنما:

عضو گروه چهار نفره و رئیس گروه

چندین گروه چهار نفره، اصل کار تفسیر را انجام می دادند، که مطالعه ده تفسیر الزامی بوده است، مطالعات به صورت جمله هایی کامل، مستقل، و معنی دار ارائه می شد، در سه رأی، تصویب می شد. استاد علوی نژاد عضو و رئیس یک گروه چهار نفره بوده است. ریاست گروه از سوی مرکز معارف قرآنی تعیین نمی شد، بلکه خود افراد گروه یکی را به عنوان رئیس گروه انتخاب می کردند، گرداننده جلسه، ثبت فیشهای تحقیقاتی، و ارائه آنها بوده است.

عضو گروه دو نفره کنترل

گروه دو نفره کنترل، وظیفه داشته که مطالب تفسیری مصوبه گروهها را مطالعه و مواردی را که ناصواب تشخیص می دهد، خط بزند، یا مواردی را اصلاح کند.

گروه کنترل ممکن بود در مواردی با گروه تفسیری اختلاف پیدا کند، در این صورت نیاز به تشکیل گروه داوری بود، که گروه تفسیر (گروه چهار نفره) و گروه

کنترل (گروه دو نفره) و یک داور جلسه مشترک تشکیل داده و مسایل را حل و فصل می کردند. داوران هم دو نفر از بزرگان، مرحوم آیت الله معرفت، و مرحوم استاد صالحی نجف آبادی بودند.

فرهنگ موضوعی تفاسیر. در سه جلد.

استاد علوی نژاد در تألیف فرهنگ موضوعی تفاسیر جزو مؤلفان اصلی بوده است، این کار را پس از اتمام تفسیر راهنما، انجام دادند. این کتاب فهرست موضوعی تفاسیر مهم و پرکاربرد شیعه و سنی است که برای محققان و پژوهشگران تألیف شده و از سوی بوستان کتاب قم چاپ و منتشر شده است.

مجله تخصصی پژوهش های قرآنی

محققان دست اندر کار تفسیر راهنما و فرهنگ موضوعی تفاسیر در مشهد مقدس، طرح یک فصلنامه تخصصی قرآنی به نام پژوهشهای قرآنی ریختند که بیش از هفتاد فصل است که منتشر می شود. تا کنون بیش از هفتاد شماره آن چاپ شده و اخیراً هم رتبه علمی پژوهشی به دست آورده است. استاد علوی نژاد دهها مقاله تحقیقی و تخصصی در این فصلنامه وزین و تخصصی نوشته است، این فصلنامه در نمایشگاه کتاب، در همان سالهای اول انتشار، فصلنامه اول قرآنی کشور شناخته شد. استاد در این فصلنامه، مقالات تخصصی در زمینه های نقد ترجمه، روشهای ترجمه، نظریات ترجمه، تأثیر قرآن بر زبان و ادب فارسی، تفسیر جامعه شناختی یک آیه از قرآن: پیامبر شاعر نیست، تفسیر معنی شناختی قرآن: میدان معنایی ولایت در قرآن کریم، نظریات معنی شناختی و هرمنوتیکال، فهم متن در افق تاریخی آن، معنی شناسی و فهم متن، انتظار از قرآن در تفاسیر قرآن چهاردهم، انتظار از قرآن در تفسیر من وحی القرآن، اصول تفسیر متون مقدس در تفسیر فی ظلال القرآن، روش های تربیتی در تفسیر فی ظلال، روشهای تربیتی در تفسیر من وحی القرآن.

ص: ۱۸۶

علوم قرآن: تأویل از منظر اهل بیت، ظهر و بطن از نظر اهل بیت، سهم امامان در علوم قرآن، روش شناسی تفسیر اهل بیت در آیات الاحکام و...

لیست مقالات پژوهشهای قرآنی:

ص: ۱۸۷

استاد علوی نژاد در شماره های بعد پژوهشهای قرآنی نیز مقالات تخصصی دارد، مانند بررسی روش تربیتی در من وحی القرآن، روان شناسی و قرآن و...

مدارج علمی

اجتهاد ایشان از سوی استاد بزرگوارشان حضرت آی - ت الله العظمی مرتضوی شاهرودی (مدظله العالی) و برخی از بزرگان دیگر تأیید شده است، و اجازات روایی نیز دارند، از جمله کسانی که به ایشان اجازه روایت داده است، حضرت آیت الله العظمی محمد آصف محسنی قندهاری (مدظله العالی) است، که اگر متخصص ترین رجالی معاصر نباشد، دست کم یکی از آشناترین علمای معاصر به علم رجال، و رجال حدیث می باشد.

منبع: دستنوشته آیت الله سید حیدر علوی نژاد در تاریخ ۱۳۹۳/۸/۲۵.

ص: ۱۹۰

آیت الله سید ابوالحسن فاضل بهسودی فرزند سید محسن مصطفوی در سال ۱۳۱۹ شمسی در یک خانواده علمی و مذهبی در منطقه کجاب بهسود، دیده به جهان گشود. مرحوم حجت الاسلام والمسلمین سید محسن مصطفوی (ره) پدر آیت الله فاضل، در سن ۲۰ سالگی قبل از تولد فرزندش دارفانی را وداع گفته بود. مرحوم فاضل از بدو تولد تحت سرپرستی عمویش مرحوم علامه سید حسن مصطفوی معروف به «سید آخوند» قرار گرفت.

مرحوم سید ابوالحسن فاضل تحصیلات ابتدائی، دروس مقدماتی و قسمتی از قوانین را در زادگاه خود نزد عمویش سید حسن مصطفوی فراگرفت، پس از فوت عمویش، قسمت دیگری از قوانین و نیز رسائل را نزد مرحوم شیخ خان علی خواتی (مشهور به حاج شیخ) تلمذ کرد.

با عزیمت حضرت آیت الله العظمی واعظ بهسودی به کابل و احداث مدرسه مبارکه محمدیه در آن شهر، نامبرده برای ادامه تحصیل در سطوح عالی به کابل سفر نمود و ادامه سطوح عالی را نزد آن عالم بزرگ فرا گرفته و در اندک زمان ممکن، جزو چهره های علمی مدرسه علمیه محمدیه مطرح گردید.

سفر به نجف

آیت الله العظمی فاضل بهسودی در سال ۱۳۴۹ شمسی، برای رسیدن به مدارج بالاتر علمی کابل را به مقصد نجف ترک کرد، با ورود به نجف در دروس اساتید نامدار این حوزه مبارک شرکت نمود، ایشان کتاب مکاسب را از دروس آیت الله شیخ حسین لنکرانی و کتاب کفایه را از محضر آیت الله شیخ صدرا بادکوبه ای فرا گرفت. از سال ۱۳۵۱ به مدت ده سال در دروس خارج آیات عظام خوئی (ره) و آیت الله صدر تلمذ کرده و نیز تحصیلات خود را در رشته فلسفه و کلام در این حوزه پربار پی گرفت.

سفر به عربستان، سوریه، ایران و افغانستان

مرحوم آیت الله فاضل در سال ۱۳۶۲ شمسی، کشور عراق را به قصد انجام حج بیت الله الحرام ترک کرد و وارد کشور عربستان سعودی شدند. پس از انجام مراسم حج به سوریه رفت و مدتی را در آن کشور بود و بعد از آن به جمهوری اسلامی ایران آمده و در شهر مقدس قم فعالیت های علمی و فرهنگی خود را ادامه داد. ایشان در سال ۱۳۶۴ برای برقراری و ایجاد صلح میان گروه های متخاصم (شیعه و سنی) افغانستان در رأس یک هیئت بلند پایه وارد کشور شد. ایشان با درایتی که داشت و از طرفی شخصیتی موجه و برای همگان قابل قبول بود، مجدانه برای برقراری آتش بس میان احزاب تلاش کرد، زحمات ایشان نتیجه داده و کشمکش های نظامی و گروهی در بسیاری از مناطق به پایان رسید.

حضرت آیت الله فاضل (ره) با پیروی از اسلاف پیشین حوزه که پس از گذراندن هر درس، آن درس را نیز تدریس می کردند. ایشان هم تدریس را از همان آوان طلبگی در بهسود آغاز نموده و در کابل هم این کار را ادامه داد. در دوران تحصیل در شهر مقدس نجف هم علاوه بر شرکت در دروس اساتید آن حوزه، به گفته پسر عمویش جناب آقای سید محمد مصطفوی، درس های سطوح عالی از جمله کفایه، مکاسب، رسائل، حلقات شهید صدر (ره) و درس های عقاید را تدریس می کردند، در کلاس درس ایشان، طلاب فاضل و با استعدادی از کشورهای مختلفی چون افغانستان، ایران، پاکستان، لبنان و عراق شرکت می نمودند.

معظم له در مدرسه زینبیه دمشق مدت کوتاهی که در آنجا حضور داشتند، دروس سطوح عالی کلام و معارف اسلامی را تدریس می کردند. ایشان پس از آنکه به کشور جمهوری اسلامی ایران آمدند و اقامت در شهر مقدس قم را برگزیدند، بنا به درخواست جمعی از طلاب و فضلاء افغانستانی حوزه علمی قم در سال ۱۳۶۵ تدریس خارج فقه و اصول را آغاز کرد. جلسات درس خارج ایشان ابتدا در مدرسه توحید که شخص ایشان آن را تأسیس کرده بود، برگزار می شد. از سال ۱۳۶۹ شمسی، به بعد به سالن شماره ۳۱ مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی برپا بود تا اینکه از سال ۱۳۷۵ شمسی، در دفتر ایشان دایر شده و تا قبل از رحلت ایشان ادامه داشت.

خدمات فرهنگی سیاسی

۱. مرحوم آیت الله سید ابوالحسن فاضل (ره) از شخصیت های تأثیر گذار، خدوم، با درایت و با کفایت کشور افغانستان بود که با تفکرات عالمانه خویش موجب خدمات ارزنده ای برای کشور شد. وی وحدت و همبستگی میان احزاب شیعه و سنی را گامی بلند در راه رسیدن به اتحاد می دانست. ایشان با تلاشهای مجدانه خود،

زمینه ایجاد وحدت میان احزاب شیعی را فراهم کرد. پس از تأسیس حزب وحدت اسلامی در سال ۱۳۶۸ شمسی، بر اثر لیاقت و شایستگی که داشت، به عنوان رئیس شورای عالی نظارت حزب برگزیده شد. پس از تصرف کابل در ۸ ثور (اردیبهشت) سال ۱۳۷۱ توسط مجاهدین، آیت الله فاضل به عنوان یکی از شخصیت های برجسته دینی و سیاسی مردم شیعه، در جلسات منطقه ای، ملی و حزبی حضور داشته و از شیعیان مظلوم و دردکشیده در مسائل مختلف، حمایت و نمایندگی می کرد. نامبرده در بهار ۱۳۷۳ برای ایجاد صلح و همبستگی و رفع کدورت های حزبی و سیاسی از کابل به منطقه جاغوری سفر کرد، پس از ورود به جاغوری مورد استقبال گرم مردم، فرهنگیان، علما و دانشمندان آن ناحیه قرار گرفت. وی در این سفر با سخنرانی های خود که در اجتماعات مناطق مختلف جاغوری ایراد کرد، همه را به صلح و همدلی دعوت نمود.

۲. آیت الله فاضل با توجه به ساختار فرهنگی و سیاسی افغانستان و تعدد مذاهب اسلامی، برای ایجاد اتحاد و اتفاق بین مذاهب مختلف اقدامات لازم را برای طرح تقریب مذاهب اسلامی به عمل آورد. در همین زمینه باشخصیت های تأثیر گذار مذهبی در خارج از کشور تماس برقرار کرد. شخصیت های چون، شیخ سعید شعبان (لبنان) قاضی حسین احمد (پاکستان) سید برکه (فلسطین) دکتر حسن ترابی (سودان) و مولوی نصرالله منصور، در افغانستان.

۳. از خدمات ارزنده ایشان، احداث پروژه خاتم الأنبياء با مساحت یک صد هزار متر مربع در شهر کابل است. این پروژه شامل خوابگاه طلاب، کتابخانه، مسجد، حسینیه، حمام، باشگاه ورزشی و بازارچه بود. هدف مرحوم آیت الله فاضل از ایجاد این پروژه بزرگ در شهر کابل، سامان بخشیدن به وضعیت طلاب افغانستان بود. او با احداث این مجتمع عظیم قصد داشت هجرت طلاب افغانستان به خارج از کشور تقلیل پیدا کند.

۴. از خدمات دیگر ایشان تأسیس مدرسه علمیّه توحید در سال ۱۳۶۴ در شهر مقدس قم است، این مدرسه علمیّه با برنامه های آموزشی مناسب به پرورش طلابی مشغول بود که از مناطقی که شیعیان در آنجا در اقلیت بودند می آمدند. از اقدامات مؤثر ایشان، تأسیس مدرسه علمیّه خاتم الانبیاء در مشهد مقدس است که با برنامه های متنوع، تعداد بسیاری از جوانان را به معارف اسلامی آشنا نمود.

۵. مرحوم آیت الله فاضل لحظه ای از خدمت به محرومان، خانواده های شهدای مظلوم افغانستان، و ایتم غفلت نکرد. یکی از خدمات ارزنده و شاهکارهای ایشان، تأسیس دارالایتم بود. ایشان در راستای دستگیری از ایتم، مؤسسه خیریه خاتم الانبیاء و دارالایتم را در کابل و بعضی از شهرهای ایران بوجود آورده و کمکهای شایانی به این قشر محروم انجام دادند.

ویژگی ها

۱. از ویژگی های ارزنده ایشان تقوی و پایبندی به دستورات دینی و اسلامی است. این خصوصیت از آغاز جوانی در وی تبلوری خاص داشت، سید محمد باقر صمیمی پسر عموی ایشان در این خصوص می گوید: «در همان دوران جوانی که بیش از بیست سال از عمر شریفش نگذشته بود، تقید خاصی به برنامه های دینی داشت، در هیچ شرایط غسل جمعه و نماز شب او ترک نمی شد». او اسوه تقوی و فضیلت بود، بسیاری از ادعیه را از حفظ داشت و زیاد قرآن تلاوت می کرد.

۲. مرحوم آیت الله فاضل قلبش مالا مال از محبت اهل بیت (علیه السلام) بود، همه را نسبت به محبت این خاندان توصیه می کرد. ایشان می گفت: «فرزندان من و اخوی آیت الله مصطفوی می دانند که از اول زندگی با ولایت شروع نمودم و از اول اهل ولایت بودم. من در نجف در دوران حکومت بعث اذعان داشتم، ماندن در جوار مولی علی (علیه السلام) بستگی به عنایت خود مولا دارد. با تمام فشارهایی که از سوی بعثی های از خدا بی خبر، بر حوزه علمیّه می رفت، آن ولایت بود که سالیان دراز از

ص: ۱۹۵

هرگونه آسیب و گزند برای من امان داد و تا پایان دوران تحصیلات در آن حوزه بزرگ در پناه ولایت، پناه داده شدم و از درسهای مراجع بزرگ بهره کافی گرفتم، به شما و هرکس دیگر توصیه می کنم که یگانه راه رسیدن به پیروزی، ولایت و توسلات به اهل بیت می باشد».

۳. ایشان بسیار فروتن و متواضع بود، در برخوردهای اجتماعی نرم خو بود و در برابر تنیدی دیگران گذشت داشت. آیت الله عالمی بلخابی می فرماید: «آیت الله فاضل (ره) گذشته از شخصیت علمی که داشت، مردی آرام، فکور، دلسوز جامعه، خوش گفتار و در رفتار اجتماعی با وقار بود و در دفاع از حقوق فرهنگی و سیاسی تشیع، عظمت و اقتدار خود را حفظ می نمود. در برخوردها با اخلاق نیکویش همه را مجذوب می ساخت، حتی کسانی را که دید مثبت نسبت به علما نداشتند». شیخ محمد محقق نیز در این باره می گوید: «اخلاق او کمتر از جنبه های دیگر شخصیتی وی نبود، او به حق مجسمه تواضع، بردباری، احسان، وقار و حلم بود. ظاهر متبسم، جذاب و آرام او حکایت از روح متین، منطقی، سلامت روحی و مهربانی اش داشت».

۴. او روحیه ای شکست ناپذیر داشت، در مواقع حساس و خطرناک قدم استوار داشت، فرزند عزیز ایشان درباره این خصوصیت وی می گوید: «روز ۱۳ محرم الحرام ۱۳۷۱ ش، حاج آقا، با تعدادی از نیروهای شیعه که من هم جزو آنها بودم، عازم، انستیتوی علوم اجتماعی (مرکز حزب وحدت اسلامی) شدیم و پس از طی نمودن قسمتی از راه، صدای چند انفجار را شنیدیم. بدون اعتنا پیش می رفتیم. ناگهان متوجه شدیم که توسط نیروهای وهابی حزب سیاف محاصره شده ایم. به دستور حاج آقا کلیه سلاح ها به زمین گذاشته شد. ما را از ماشین پیاده کرده و طرف مقر فرماندهی خود هدایت کردند. حاج آقای فاضل (ره) با خونسردی به پیش می رفت. مؤمنانی که ایشان را می شناختند گمان می کردند که ماشین وی خراب شده و پیاده می رود. این حرکت آرام و حساب شده باعث شد نیروهای شیعه از

دستگیری حاج آقا اطلاع یابند. وقتی ما را [به] داخل پایگاه خود انتقال دادند، همه را کنار دیوار به صف کردند و آماده تیرباران نمودند. همینکه داشتند نشانه می رفتند، پدرم سینه خود را سپر کرد. جلو آمد و ما را در پناه خویش گرفت و با فصاحت و قاطعیتی که خاص ایشان بود، آنها را تهدید و از عواقب این عمل غیر منطقی آگاه ساخت. در همین اثنا، یکی از علمای اهل سنت که حاج آقا را می شناخت سر رسید و ایشان را در آغوش گرفت و پس از عذر خواهی ما را رها ساخت».

آثار

فقید سعید مرحوم آیت الله سید ابوالحسن فاضل (ره) در دوران اقامت در نجف، علاوه بر تحصیل و تدریس در آن دیار آثار قلمی ارزشمندی را نیز خلق کردند که تعدادی از این آثار ارزشمند منتشر شده است. این آثار عبارتند از:

۱. آراء الذرین، حول الذره و الحرکه، این اثر که در رد اندیشه های مارکسیسم تدوین شده است در سال ۱۳۵۶ توسط یکی از شاگردان ایشان، حجت الاسلام و المسلمین سید عبدالله فضل الله در لبنان چاپ شده است.

۲. حول المعتقدات

۳. حوار حول المهدي الفاطمي

۴. منتهی المطالب فی شرح المكاسب (در دو جلد)

آثاری که هنوز چاپ نشده است عبارتند از:

۱. تقریرات دروس خارج اصول (مرحوم خوبی)؛

۲. تقریرات دروس خارج فقه (مرحوم خوبی)؛

۳. تقریرات دروس خارج اصول (شهید صدر)؛

۴. تقریرات دروس خارج فقه (شهید صدر)؛

۵. تفسیر موضوعی قرآن کریم (سلسله درسهای شهید صدر)؛

۶. خاطرات دوران جهاد.

ص: ۱۹۷

مرحوم آیت الله فاضل در دوران تدریس در نجف اشرف و سپس در قم، شاگردان زیادی را تربیت کردند که به جهت اختصار به ذکر چند تن از آنها بسنده می کنیم

۱. شیخ علی اکبر محقق

۲. سید محمد باقر زکی

۳. شیخ محمد محقق

۴. شیخ ابو احمد ساعدی

۵. سید عبدالله فضل الله لبنانی

۶. شیخ گردی حسین توکلی

۷. سید باقر علوی (مقیم نجف اشرف)

۸. شیخ علی حسن رفیعی (از اساتید جامعه در نجف اشرف).

پرواز به سوی معبود

سرانجام این عالم عامل، فقیه نامدار، مجاهد نستوه، انسان خدوم، دانشمند روشن ضمیر، پس از یک عمر تلاش خستگی ناپذیر بر اثر بیماری سرطان خون که بدان مبتلا شده بود، در سپیده دم ۱۳۷۷/۷/۲۳ شمسی در سن ۵۸ سالگی بدرود حیات گفته و روحش به ملکوت اعلی پیوست. حوزه های علمی قم و نجف در سوگ این عالم بزرگ به سوگ نشستند، پیکر پاکش با حضور هزاران نفر از شخصیت های علمی سیاسی، آیات عظام، مدرسین حوزه علمی قم، طلاب، مهاجرین مقیم ایران و برادران انصار در شهر مقدس قم از مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام) بسوی حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) تشییع شد. حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی بر پیکر آن فقیه اقامه نماز کرد، پس از آن پیکر آن مرحوم به سمت قبرستان شیخان حرکت داده شده و در کنار تربت پاک حضرت زکریا بن آدم و

میرزای قمی به خاک سپرده شد.

خبر ارتحال این عالم بزرگ در جراید مختلف انعکاس پیدا کرد. رسانه های چون: روزنامه جمهوری اسلامی، روزنامه کار و کارگر، روزنامه کیهان، هفته نامه نجات، مجله امین، مجله آریانا، هفته نامه عربی جهاد، بنیاد وحدت، روزنامه های چاپ پاکستان و رسانه های عده ی از کشورهای جهان.

و نیز پیام های تسلیتی از طرف شخصیت ها و ارگان های مختلف صادر شد. که عبارتند از: پیام تسلیت از طرف مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدّ ظلّه العالی)، مجمع جهانی اهل بیت (علیه السلام)، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سازمان مدارس خارج از کشور، مرکز جهانی علوم اسلامی، علامه سید حسین فضل الله (لبنان)، علماء حوزه علمیه نجف اشرف، حزب الدّعوه (عراق)، مجتمع فرهنگی و تحقیقاتی اسلامی افغانستان و پاکستان (پیشاور)، اعضای شورای عالی نظارت شورای مرکزی مسئولین حزب وحدت اسلامی افغانستان، مقیم ایران، مؤمنین و مسلمانان مقیم آلمان، مؤمنین مقیم آمریکا، حوزه علمیه زینبیه (سوریه) و...

مجالس ترحیم از طرف بیت آن مرحوم در مسجد اعظم قم، از طرف مرکز جهانی علوم اسلامی و مدارس خارج از کشور در مسجد محمدیه، و نیز در کشورهای چون آلمان، آمریکا، لبنان، سوریه، پاکستان، هندوستان و... برگزار شد.

منابع: صادقی، سید غلامحسین، ستارگان حرم، شماره ۶، انتشارات زائر آستانه مقدسه قم، توحید، پائیز ۱۳۷۸. ناصری داوودی، عبدالمجید، مشاهیر تشیع در افغانستان ج ۲، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (صلی الله علیه و آله)، چاپ کوثر، اول، ۱۳۹۰. عادل «حسینی»، سید جعفر، کوثر النبی (پژوهشی در تاریخ سادات افغانستان)، کابل، مؤسسه فرهنگی صبح امید، دوم (ویراست جدید) زمستان ۱۳۸۹.

آیت الله وحید خراسانی در حال خواندن نماز بر جنازه آیت الله فاضل بهسودی

ص: ۲۰۰

اقامه نماز وحدت توسط آیت الله فاضل بهسودی جهت اتحاد شیعیان و اهل سنت

آیت الله فاضل بهسودی با دو تن از دوستان

ص: ۲۰۱

نمونه خط آیت الله فاضل بهسودی

ص: ۲۰۲

تصویر سنگ قبر آیت الله فاضل بهسودی

ص: ۲۰۳

مرجع عالیقدر، فقیه اصولی، آیت الله العظمی محمد اسحاق فیاض، فرزند محمدرضا در منطقه «شیرداغ» مالستان از طایفه «جعفرعلی» قوم «چوره»، در یک خانواده متدین به دنیا آمد.

پنج سال از بهار عمرش گذشته بود که به مکتب خانه سنتی رفت و با الفبای علوم، خواندن و نوشتن و خواندن قرآن آشنا شد. پس از دوره مکتب، برای ارتقای سطح علمی و مدارج بالاتر، راهی حوزه های علمیه شد.

مرحوم ملا برات آخوند بزرگ، مدیر و پایه گذار حوزه علمیه شیرداغ، اولین کسی است که حضرت آیت الله فیاض نزد وی تلمذ کرد. ایشان در تکوین شخصیت دینی، فکری، علمی و اخلاقی آیت الله فیاض نقش برجسته و مهم داشته است.

آیت الله محمد اسحاق فیاض پس از تحصیل در حوزه علمیه آخوند شیرداغ، حدود ۱۵ سال داشت که برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه شیخ قربانعلی وحیدی

(ره) در منطقه حوتقول جاغوری رفت. مرحوم شیخ قربانعلی وحیدی خود از دانش آموختگان حوزه علمیه نجف اشرف بود که شاگردان زیادی را تربیت کرد و تحویل جامعه داد که از جمله آنها آیت الله العظمی فیاض و آیت الله العظمی محسنی است، که این دو بزرگوار بخشی از علوم مقدماتی حوزه را نزد وی آموخته اند.

مدتی که آیت الله العظمی فیاض در حوزه علمیه حوتقول مشغول تحصیل بود، پدر بزرگوارش بر اثر بیماری در گذشت، مصیبت از دست دادن پدر نتوانست محمد اسحاق جوان را از ادامه تحصیل باز دارد.

سفر به مشهد مقدس

علامه فیاض اندکی پس از درگذشت پدر، به ایران سفر کرد و به مدت یک سال در شهر مقدس مشهد در مدرسه «حاج حسن» واقع در بالا-خیابان، که در حال حاضر به علت توسعه حرم مطهر رضوی خراب شده است، ساکن گردید. ایشان در مدت زمان اندک «حاشیه ملاً عبدالله» و بخشی از کتاب «المطول» سعدالدین تفتازانی، در علم معانی، بیان و بدیع را، نزد استاد شهیر شیخ محمدحسین ادیب نیشابوری (ره) آموخت.

سفر به نجف اشرف

آیت الله العظمی فیاض (مدظله) پس از اقامتی اندک در شهر مقدس مشهد، در حالی که بیش از ۱۸ بهار از عمرش نگذشته بود، راهی عراق شده و وارد شهر مقدس نجف گردید، ایشان در جوار حرم مطهر علوی (علیه السلام) ساکن شده و با توسل به مولا-یش، ادامه تحصیلش را پی گرفت. آیت الله فیاض با استعداد سرشاری که داشت با استفاده از دروس مراجع و بزرگان ساکن نجف در مدت دو سال، باقی مانده دروس سطح را به پایان رسانده و خود را مهیای شرکت در درس خارج می کند.

۲۰ سال داشت که در دروس خارج حوزه علمیه نجف شرکت کرد، پس از شرکت در حلقات درس اساتید حوزه علمیه، درس های خارج استادش مرحوم آیت

ص: ۲۰۵

اللّه خوئی را پسندید. ایشان مدت ۳۵ سال از فیض وجود مرجع بزرگوار حضرت آیت اللّه خوئی بهره منده بود، ایشان در باره علامه محقق محمد اسحاق فیاض چنین فرموده اند: «... از میان کسانی که توفیق یافت حرمت علم را رعایت کند و بحث های عالی، درس های خارج را در فقه و اصول حاضر شده و تنقیح کرد، نور چشمانم علامه محقق و فاضل، شیخ محمد اسحاق فیاض است».

رسیدن به قله اجتهاد

پس از آنکه علامه شیخ محمد اسحاق فیاض، دروس خارج را از محضر استادش آیت اللّه خوئی با موفقیت به پایان رساند، از جانب مراجع برجسته نجف و استادش آقای خوئی (ره) رسماً به عنوان مجتهد معرفی گردیده و به قوه اجتهاد و فقاہت دست می یابد. اما وی با تاسی به اسلاف صالح حوزه، زیر بار درخواست اقشار گوناگون مردم، خصوصاً عرب زبانهایی که در ممالک عربی بودند و نیز مردم افغانستان و شبه قاره و... مبنی بر پذیرش مقام خطیر مرجعیت و چاپ رساله نرفته و مردم را به تقلید از مرحوم خوئی (ره) و سایر مراجع زنده نجف سفارش می نمود، تا اینکه با اصرار زیاد و درخواست های مکرر مردم «توضیح المسائل» خود را برای اولین بار تدوین نموده و در اسلام آباد پاکستان به چاپ می رساند که زود نیاب شده، چاپهای مجدد آن در کابل و قم انجام می شود، بلافاصله در شهرهای کوفه، نجف، قم، کابل، اسلام آباد، کویت و... دفتر دایر می کند و مردم از ملیت های مختلف، به جرگه مقلدینش پیوندند.

تدریس

آیت اللّه فیاض، در زمان استادش مرحوم آیت اللّه خوئی و پس از آن و هنگام نوشتن تقریرات و قبل و بعد از آن، از اساتید صاحب نام و برجسته حوزه علمیه نجف اشرف بوده است، کتب سطوح عالی حوزه، رسائل و مکاسب شیخ انصاری (ره) و کفایه آخوند خراسانی را در مسجد معروف به «هندی» درس می داد و در کلاس

ص: ۲۰۶

درس ایشان، حضور بسیاری از طلاب فاضل، چشمگیر بود. همین مرحله را بیش از ده سال در «جامعه النجف الدینیه» تدریس نمود، تا اینکه در سال ۱۳۹۸ ق/ ۱۳۵۷ ش / ۱۹۷۸ م، در محله «العماره» در مدرسه یزدی کوچک، درس خارج خویش را آغاز کرد. بعد از اینکه مدرسه معروف به «دارالعلم» در سال ۱۳۵۹ ش، توسط آیت الله العظمی خوئی (ره) تأسیس شد، درس آیت الله فیاض به این مکان منتقل شده که تا زمان تخریب ادامه داشت.

در حال حاضر نیز، حضرت آیت الله العظمی فیاض (مدظله) یکی از سه مرجع بزرگ حوزه کهن نجف و یکی از مراجع نامدار جهان تشیع محسوب شده و از مفاخر و سرمایه های فکری و معنوی جهان اسلام و افغانستان بشمار می روند.

ویژگی ها

۱. نبوغ فکری و استعداد درخشان

آیت الله العظمی فیاض (مدظله) یکی از برجستگان حوزه علمیه نجف اشرف در دوران کنونی است. نبوغ فکری وی از آنجا آشکار می شود که پس از ملحق شدن علامه فیاض در جمع شاگردان حضرت آیت الله خوئی (ره) وی مورد توجه خاص استادش قرار گرفته و آیت الله خوئی (ره) از میان ده ها، بلکه صدها تن از شاگردان فاضلی که نزدش تلمذ می کردند، تنها قلم و روش علامه فیاض (مدظله) را برای تقریر مطالب درسی خود انتخاب کرد، و دست نوشته هایش را به عنوان تقریرات درس خارج اصول خود به نام «محاضرات» اجازه چاپ داد. چنین نقل شده وقتی که علامه فیاض تقریرات درس آیت الله خوئی (ره) را برای اجازه چاپ به ایشان تقدیم نمود با مخالفت و اعتراض شدید برخی افراد، بر مرحوم آیت الله خوئی مواجه شد و علت این مخالفت ها و اعتراض های واهی این بود که شیخ محمد اسحاق فیاض افغانی است، اما ایشان (آیت الله خوئی) در جواب آن عده فرمود که: معیار تقوا و فضیلت و علمیت طلبه است.

ص: ۲۰۷

تقریرات علامه فیاض (مد ظله) نشان دهنده این است که او پرتلاش، کوشا، دارای نبوغ فکری و قدرت استنباط است، و فرمود: این اعتراض و مخالفت ها بر خود من هم شده، زمانی که تقریرات دروس استاد آیت الله نائینی (اجود التقریرات) را تقریر نمودم، عده ای با آقای نائینی مخالفت نمودند تا اجازه چاپ و نشر تقریراتش را ندهد، اما مرحوم نائینی به خاطر رعایت انصاف و دادن حق به صاحب حق، اجازه چاپ و نشر تقریرات را به من داد.

۲. تسلط و جامعیت علمی

از خصوصیات دیگر علامه فیاض، جامعیت علمی و تسلط ایشان بر علوم اسلامی است. اشراف وی بر علوم اسلامی به قسمی است که استادش آیت الله خوئی زمانی حیات خویش، چندین بار آیت الله فیاض را به عنوان نماینده خود به مراسم عبادی - سیاسی حج فرستاد و استفتائات و پاسخ به مقلدان خود را به وی سپرد و همچنین در شهر مقدس نجف اشرف، مسئول پاسخگویی به سؤالات مقلدان این مرجع بزرگ در سراسر دنیا بوده است، علامه فیاض با مبانی علمی استادش آشنائی کامل داشت و فتاوی استادش را با قلمی روان نوشته، به استادش تقدیم کرده و استاد با ملاحظه صحت آنها و دقت نظر علامه فیاض، آنها را تأیید و امضاء می کرد. پس از در گذشت مرحوم آیت الله خوئی (ره) در حال حاضر عده زیادی از علما و برجستگان حوزه های علمیه، علامه فیاض را اعلم می دانند. پس از رحلت آیت الله خوئی (ره) درس خارج آیت الله فیاض (دامت برکاته) بدون وقفه و به صورت مستمر بر گزار بوده و تا کنون ادامه یافته است. مطالب مطرح شده در درس خارج معظم له، به صورت مستقیم از طریق شبکه جهانی اینترنت پخش و در بعدازظهر روز درسی، در سایت ایشان قرار داده می شود.

۳. پاسداری از حوزه علمیه هزارساله نجف

حضرت آیت الله العظمی فیاض (مد ظله) حدود شصت سال با صداقت و

استقامت مثال زدنی با تمام وجود خود را وقف خدمت به طلاب، دانشجویان و مردم شهر مقدس نجف نموده است. شخصیت استواری که در زمان حکومت بعثی ها و ظلمی که این رژیم به شیعه و حوزه های علمیة روا می داشتند، سنگر دفاع از کیان تشیع را خالی نکرده و تمام خطرات را به جان خرید، در آن حوزه علمیة ماندگار شد. در عصر پر مخاطره ای که بزرگترین سرمایه های علمی و فرهنگی حوزه های علمیة شیعه مانند شهید آیت الله سید محمد باقر صدر و خواهرش بنت الهدی صدر و ده ها روحانی و دانشمند دیگر از خاندان آیت الله حکیم (ره) توسط رژیم بعث از جامعه بزرگ علمی تشیع محو شدند، اما علامه فیاض (مد ظله) و عالمان بزرگی چون آیت الله العظمی سیستانی (دام ظلّه) و... تمام مشکلات و خطرات را به جان خرید و از حریم تشیع مدبرانه دفاع کردند.

دیدگاه ها درباره شخصیت آیت الله العظمی فیاض

در مورد شخصیت ممتاز آیت الله العظمی فیاض (حفظه الله) نظرات و دیدگاه های فراوانی از سوی شخصیت های نامدار علمی، مراجع بزرگوار و اساتید نامدار حوزه ابراز شده است که همگی در ستایش از مقام علمی این شخصیت ارزشمند و شناخته شده است. چنانچه ذکر شد، ستایش و تمجید آیت الله العظمی خوئی (ره) از ایشان به «نور چشمانم علامه محقق و فاضل...» حاکی از مقام والای علمی، فقهی، اصولی و معنوی حضرت آیت الله فیاض (مد ظله) است.

فرزند آیت الله خوئی (ره) شهید عبدالمجید خوئی (ره) با توجه به شناخت دیرینه و آشنائی کامل و درستی که از آیت الله العظمی فیاض (مد ظله) داشته است، در اولین زندگینامه ای که برای علامه فیاض تدوین کرده است می گوید: «عالم بزرگ و دانشمند محقق حضرت آیت الله حاج شیخ محمد اسحاق فیاض (دام ظلّه) یکی از علمای برجسته و بزرگ افغانستان و از مراجع نامدار نجف است». و در جای دیگر چنین می گوید: «علامه بزرگ، محقق بی مانند حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد

اسحاق فیاض (دام ظلّه) از نوایغ روزگار است».

آقای خراسانی نیز راجع به مقام و شأن ایشان می نویسند: «حضرت علامه، فاضل محقق شیخ محمد اسحاق فیاض (دام ظلّه العالی) از نوایغ روزگار است. وی با هیچ یک از فضلاء افغانستان اعم از قدما و متأخرین قابل مقایسه نیست. وی هم اکنون از مفاخر حوزه علمیه است، چنانکه در آینده از مراجع عظام تقلید خواهد بود. آینده وی بس روشن و امید بخش است... ایشان عالم فاضل و جلیل از اساتید فقه و اصول بوده، در بحث، تحقیق، و مطالعه پرکار و فعال است و در درس خارج فقه و اصول حضرت آیت الله خوئی (ره) شرکت کرده و مقام بلندی در فضل و کمال به دست آورده، اکنون نیز مشغول تألیف و تدریس می باشد و از اصحاب خاص و ملازم آقای خوئی است...».

برگزاری اولین کنگره بزرگداشت از مقام علمی آیت الله فیاض

اولین کنگره بزرگداشت از آثار و مقام علمی فقهی آیت الله العظمی فیاض (دام ظلّه العالی)، در تاریخ جمعه ۲۴ اسد / مرداد ۹۳ در کابل برگزار شد.

در این جلسه که مقامات دولتی، رهبران سیاسی، اعضای مجلس نمایندگان و مجلس سنا، علما و دانشجویان شرکت کرده بودند، حامد کرزی رئیس جمهور کشور از برگزاری این کنگره ابراز خرسندی کرده و آیت الله العظمی فیاض را از علمای بزرگ جهان اسلام و افتخار بزرگ برای ملت افغانستان دانست.

محمد کریم خلیلی معاون دوم رئیس جمهور افغانستان آیت الله العظمی فیاض را از افتخارات افغانستان و وی را شخصیتی برای همه جهان اسلام دانست.

آثار و تألیفات

۱. محاضرات فی اصول الفقه، در ۱۰ جلد، ۵ جلد آن چاپ شده است؛

۲. الاراضی؛

۳. منهاج الصالحین، در ۳ جلد؛

ص: ۲۱۰

۴. تعالیک مبسوط علی العروه الوثقی در ۱۵ جلد، که دوره کامل فقه شیعه را در بردارد و ۱۰ جلد آن چاپ شده است؛
۵. احکام البنوک؛
۶. النظره الخاطفه فی الاجتهاد؛
۷. المباحث الاصولیه در ۱۴ جلد؛
۸. مناسک حج؛
۹. مختصر مناسک حج؛
۱۰. اجوبه المسائل الطیبه؛
۱۱. موقع المرأه فی النظام السیاسی الاسلامی؛
۱۲. المختصر فی حیاه العلمیه لسید خویی؛
۱۳. مأه سؤال و سؤال حول الكتابه و الكتاب و المكتبات و جوابها؛
۱۴. المسائل المستحدثه؛
۱۵. بیانات و توجیها؛
۱۶. الانموذج فی الحکومه الاسلامیه؛
۱۷. المختصر فی احکام المعاملات القسم الاول و الثانی؛
۱۸. الرضاع؛
۱۹. توضیح المسائل و...

منابع: حاج عوضعلی اعتمادی، شیرداغ قطعه ای از هزاره جات، ص ۲؛ علی مدد شریفی، مالستان سرزمین حماسه سازان، هفته نامه بنیاد وحدت، ش ۱۶، ۸۹، ۱۳۷۶ ش، ص ۳؛ عبدالمجید خویی، نذره مختصره من حیاه الشیخ الفیاض (دام ظلّه)، ص ۱۲، ۱۳، ناصری داوودی، عبدالمجید، مشاهیر تشیع در افغانستان، ج ۱، ص ۱۳۳، ۱۳۱؛ قم مرکز بین المللی و نشر المصطفی، اول، ۱۳۹۰. عبدعلی عادل، فصلنامه نگاه فردا، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۰، ص ۲۴۲، ۲۲۳، روح الله

فرهنگ، (گزارش کنگره بزرگداشت آیت الله محمد اسحاق فیاض) کتابچه مرداد ۹۳، (ماهنامه) ویژه نامه اولین همایش بین المللی میراث مشترک ایران و عراق، شماره ۲۳، ص ۲۰۳ ۱۹۹، قم، مجمع ذخایر اسلامی، اول، زمستان ۱۳۹۳. محمد علی الفاضلی، حسین، المرشد، (مجله دوریه تعنی بالثقافه و التراث و الآثار) شماره ۲۸ ۲۷، سوریه، دمشق، (۲۰۱۲ م / ۱۴۳۳ هـ -).

ص: ۲۱۲

تقریظ آیت الله خویی بر کتاب المحاضرات آیت الله فیاض

تقریظ دیگری از آیت الله خویی بر کتاب المحاضرات آیت الله فیاض

ص: ۲۱۳

آیت اللہ فیاض بہ ہمراہ استادش آیت اللہ خوئی (ره)

آیت اللہ فیاض، آیت اللہ سیستانی، آیت اللہ حکیم و شیخ نجفی

ص: ۲۱۴

علامه فیاض و آیت الله سید محمد سعید حکیم

عکس نادری از علامه فیاض، آیت الله سیستانی، شیخ مرتضی بروجردی، شهید سید محمد تقی خویی، شیخ جعفر نائینی

ص: ۲۱۵

علامہ فیاض و آیت اللہ سیستانی

علامہ فیاض و سید مرتضیٰ خلخالی و شیخ نائینی

ص: ۲۱۶

تصویری از برگزاری اولین کنگره علامه فیاض در کابل

ص: ۲۱۷

عالم سخنور، ادیب، شاعر و مبارز، حجت الاسلام والمسلمین سید فضل الله قدسی فرزند سید مهدی، در سال ۱۳۳۹ شمسی در فرمانداری شولگره در شهر مزار شریف متولد شد، وی پس از گذراندن مقطع متوسطه مکتب (مدرسه) در سن ۱۴ سالگی وارد حوزه علمیه شد، تا سال ۱۳۵۷ که مقارن است با کودتای کمونیست ها به تحصیل ادامه داد، همزمان با کودتای کمونیستها در افغانستان و دستگیری عده زیادی از علما و شخصیت های اجتماعی توسط کمونیست ها، قدسی مدرسه علمیه را ترک گفته، در جبهه های نبرد حق علیه باطل به صف مجاهدان پیوست، در این مسیر مقدس هفت تن از بستگان دور و نزدیک ایشان شربت شهادت نوشیدند.

سفر به ایران

حجت الاسلام سید فضل الله قدسی در ابتدای سال ۱۳۶۴ وارد ایران شد و تا آخر سال ۱۳۶۶ ش، به تحصیل علوم دینی ادامه داد. ایشان مدت سه سال در حوزه

ص: ۲۱۸

علمیه مشهد مقدس، دروس حوزه را تا پایان رسائل و مکاسب ادامه داده و از محضر بزرگانی چون آیت الله مرتضوی و آیت الله صالحی بهره مند شدند.

نامبرده در سال ۱۳۷۰ برای ارتقاء سطح علمی، دوباره به حوزه علمیه برگشت و تحصیلات را در مقطع سطوح عالی در حوز G علمیه مشهد مقدس ادامه داد و سطح چهارم را در حوزه علمیه آن شهر مقدس به پایان رساندند. ایشان کفایه را در محضر آیت الله رضا زاده به پایان رسانده و دروس خارج را در محضر آیت الله مرتضوی و مرحوم آیت الله فلسفی گذراندند. همزمان با دروس حوزوی از تحصیلات آکادمیک نیز غافل نشده، در سال ۱۳۷۵ را در رشته علوم قرآن از دانشگاه رضوی مشهد موفق به اخذ مدرک لیسانس شد. در سال ۱۳۷۸ مجدداً به صف مقاومت علیه تروریسم بین المللی و حکومت متحجر طالبان پیوست.

در عرصه ادبیات

قدسی، شاعر متعهد و درد آشناست. زجر و آلام دوران جهاد و مقاومت، وی را به عرصه ادبیات کشاند و در اثر تلاش فراوان، جزو پیشگامان ادبیات مقاومت مطرح شد و بارها در مسابقات کشوری و بین المللی مقام اول را در ادبیات مقاومت کسب کرد. قدسی مرد مرکب است و باروت، وی با چیندار (۱)، داشک (۲) و هاوان قره نی (۳) چنان آشناست که با قافیه غزلها و مثنویهایش در آویخته است. وی سالها توفیق سرودن شعر آیینی و عاشورایی را دارد و دو بار در کنگره بین المللی پیر غلامان امام حسین (علیه السلام) در سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۳ در جمهوری اسلامی ایران دعوت شده و به عنوان شاعر اهلیت (علیه السلام) مورد تقدیر و تجلیل قرار گرفت.

ص: ۲۱۹

۱- (۱). تانک

۲- (۲). دوشیکا

۳- (۳). خمپاره انداز یکصد و بیست میلی متری

ایشان علاوه بر آنچه که ذکر شد، خدمات دیگری نیز داشته است:

۱. در سال ۱۳۶۶ اقدام به تأسیس مدرسه علمیة صادقیه در مناطق آزاد شده توسط مجاهدین در فرمانداری شولگره از مربوطات استان بلخ نمود. با تشکیل حزب وحدت اسلامی در سال ۱۳۶۸ مدارس علمیه ای که به صورت غیر متمرکز و پراکنده در مناطق مجاهدین فعالیت داشتند، در یک مدرسه علمیة به نام صادقیه تجمیع گردیده و مسئولیت و مدیریت آن به عهده ایشان گذاشته شد. هم اکنون ده ها تن از طلاب این مدرسه در حوزه های علمیة قم، مشهد، اصفهان و زاهدان به عنوان مجموعه طلاب نخبه و چهره های علمی حضور دارند.

۲. با سقوط رژیم متحجر طالبان، وی به عنوان رئیس کتابخانه ملی جمهوری اسلامی افغانستان توسط رئیس جمهور وقت انتخاب شد.

۳. ایشان در سال ۱۳۸۱ به عضویت پیوسته فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی در جمهوری اسلامی ایران در آمد.

۴. در سال ۱۳۸۳ در کنار تدریس در مدارس شهر مزار شریف، بر اساس نیاز و جبران خلأ در فعالیت های قرآنی اقدام به تأسیس مؤسسه قرآنی تقوا نمود. با توجه به اینکه سیستم آموزش و پرورش افغانستان به گونه ای است که یک متعلم تا ختم دوره دبیرستان قادر به خواندن قرآن کریم نمی باشد. روی همین نیاز، اقدام به ثبت و راجستر کردن مؤسسه علوم قرآنی تقوا نمود. در حال حاضر ده ها هزار تن از فرزندان مسلمان مزار شریف در کنار یادگیری قرآن کریم به احکام اسلامی، آداب اسلامی و عقاید دینی شان آشنا شده اند. هم اکنون در سطح شهر مزار شریف، ده مرکز قرآنی با حداقل دو هزار دانش آموز تحت مدیریت جناب قدسی مشغول به فعالیت می باشند.

۵. در سال ۱۳۹۰ اقدام به تأسیس مدرسه معارف و حفظ قرآن کریم تقوا نمود،

طلاب این مدرسه، در کنار تحصیل علوم حوزوی، ملزم به حفظ قرآن کریم نیز می باشند. تا کنون ۱۲ تن از طلاب این مدرسه، حافظ کل قرآن کریم گردیده؛ تا پایان سال ۹۳ تعداد حافظان این مدرسه به ۲۰ نفر خواهد رسید.

۶. از سال ۱۳۸۹ از اقدام اهالی حومه جنوبی شهر مزار شریف مبنی بر ساخت مسجد جامع حضرت محمد رسول الله (صلی الله علیه و آله) حمایت نمود و در کنار آنها تا ختم و تکمیل دو طبقه از مسجد یاد شده باقی ماند و در سال ۱۳۹۲ با هماهنگی امام جمعه شهر مزار شریف به عنوان امام جمعه این مسجد منصوب شد که نماز جمعه این مسجد، یکی از پرجمعیت ترین جلسات مذهبی استان بلخ می باشد.

۷. در سال ۱۳۷۸ بر اثر اصرار ریاست محترم نمایندگی جامعه المصطفی در افغانستان، در کنار مدیریت مرکز قرآنی و مدیریت مدرسه تقوا، مسئولیت جامعه المصطفی در سطح شش استان شمال افغانستان را به عهده گرفت، در حال حاضر در سمت شمال افغانستان چهارده باب مدرسه با بیش از یک هزار طلبه خواهر و برادر به عنوان مدارس همکار و پیوسته نمایندگی جامعه المصطفی العالمیه تحت نظارت جناب قدسی به فعالیتهای علمی و آموزشی خود ادامه می دهند.

آثار

از حجت الاسلام و المسلمین سید فضل الله قدسی تا کنون ده ها مقاله علمی و تحقیقی در رشته های مختلف مخصوصاً زبان و ادبیات فارسی به چاپ رسیده است. که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. خاکستر صدا (مجموعه شعر)؛

۲. دستهای خالی (مجموعه شعر)؛

۳. خاطرات.

منابع: دست نوشته حجت الاسلام سید فضل الله قدسی، در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۱۶، قدسی، سید فضل الله، خاکستر صدا (مجموعه شعر) مؤسسه انتشارات سوره، اول ۱۳۸۵.

از بالا به پایین و از چپ به راست:

ردیف اول: مرحوم دکتر حسن حبیبی، دکتر حسن انوری، دکتر علی رواقی، دکتر فتح الله مجتبایی، دکتر مهدی محقق؛

ردیف دوم: دکتر محمدعلی موحد، مرحوم دکتر قیصر امین پور، دکتر علی اشرف صادقی، دکتر سلیم نیساری، ابوالحسن نجفی، عبدالمحمد آیتی؛

ردیف سوم: دکتر حسین معصومی همدانی، سید فضل الله قدسی، کامران فانی، دکتر نصر الله پورجوادی، بهاءالدین خرمشاهی؛

ردیف چهارم: هوشنگ مرادی کرمانی، اسماعیل سعادت، دکتر حمید فرزام، دکتر یدالله ثمره، خانم دکتر بدرالزمان قریب، دکتر محمد خوانساری، احمد سمیعی گیلانی، دکتر غلامعلی حداد عادل (رئیس)، مهندس احمد ارژمند (دبیر)

آیت الله العظمی محمد آصف محسنی (مدظله العالی) فرزند حاج محمد میرزا محسنی، فرزند محمد محسن، در ۶ برج ثور (اردیبهشت) ۱۳۱۴ شمسی در شهر قندهار و در محله علی زایی به دنیا آمد، تعلیمات ابتدایی را در همان شهر آموخت. سپس به پیروی از شغل جد و پدر در یکی از اطاق های تجارت (بازرگانی) مشغول به کار شد، اما شغل دولتی به مذاق وی سازگار نمی افتد، لذا توانست با اصرار زیاد و اعتصاب غذای شبانه روزی، رضایت پدر را در خصوص اشتغال وی به تحصیلات علوم دینی کسب نماید. بنابراین، سال ۱۳۳۱ ش، شغل دولتی را ترک نموده و در قندهار مشغول تحصیل علوم حوزوی می شود.

سفر به حوتقول

حضرت آیت الله محسنی بعد از اینکه شغل دولتی را رها کرد و در شهر قندهار مقداری از علوم ادبی را فراگرفت، در منطقه حوتقول جاغوری (یکی از

ولسوالی های پر جمعیت ولایت غزنی) رفته و نزد آیت الله شیخ قربانعلی وحیدی (ره) و حجت الاسلام شیخ عبدالکریم عظیمی دروس حوزوی را پی گرفت و سطح متوسطه را از اساتید یاد شده فرا گرفت.

سفر به نجف

آیت الله محسنی در سال ۱۳۳۵ در زمان پادشاهی فیصل، از قندهار رهسپار نجف اشرف گردید، از معالم الاصول و مطول و شرح لمعه شروع کرده و به مدت سه سال درس های سطوح حوزه را به پایان رساند و در دروس خارج آن حوزه پربار شرکت می کند.

اساتید دروس خارج ایشان در حوزه علمیه نجف اشرف عبارتند از: آیت الله العظمی حکیم، آیت الله العظمی خویی، آیت الله العظمی میرزا باقر زنجانی و آیت الله العظمی شیخ حسین حلّی رحمه الله علیهم اجمعین اما بیشترین استفاده را از محضر آیت الله العظمی خوئی نموده است که از آن عالم بزرگ؛ فقه، اصول و رجال را فرا گرفته است.

وی در حوزه علمیه نجف اشرف همزمان با فراگیری فقه و اصول، به یادگیری فلسفه و کلام نیز همت گماشته و علم رجال و حدیث و درایه را نیز فرا گرفت.

بازگشت به وطن

آیت الله العظمی محسنی (زید عزه) پس از سیزده سال تحصیل و تحقیق در علوم یادشده و فراگیری معارف اهلبیت (علیه السلام) در حوزه علمیه نجف اشرف، در سال ۱۳۴۷ شمسی به زادگاه خود شهر قندهار مراجعت کرده و فصل جدیدی از زندگی وی شروع می شود.

آیت الله محسنی پس از ورود به شهر قندهار، مورد استقبال بی سابقه شیعیان و مردم این شهر قرار گرفته و از حمایت بی دریغ مردم این شهر برخوردار شد، ایشان با توانایی علمی و مساعدت مالی آنان مدرسه علمیه و حسینیه ای جنب منزل خود

ص: ۲۲۴

بنا کرد که پس از تکمیل ساختمان آن، اقدام به جذب محصلان و طلاب علوم دینی کرده و خود سگان تربیت و تدریس طلاب و تبلیغ و ترویج دین را به عهده گرفت.

برنامه ریزی خوب، شهرت علمی آیت الله محسنی و موقعیت مهمی که شهر قندهار داشت تشنه گان علوم و معارف اسلامی را به سوی قندهار سرازیر کرد. طلاب و محصلین علوم دینی از مناطق و ولایات مختلف کشور چون بامیان، غزنی، جاغوری، مالستان، قره باغ و... بسوی قندهار شتافتند و در حوزه علمیه ای که آقای محسنی تأسیس کرده بود مشغول به تحصیل شدند.

علامه محسنی در کنار تدریس و مدیریت مدرسه علمیه و آموزش طلاب، برنامه های دیگری را نیز دنبال کرد. برنامه هایی چون: تبلیغ و ارشاد مؤمنین، مصالحه و قضاوت، اخذ وجوهات شرعی، کمک به فقرا و مستحقین، پیشنمازی، مطالعه و تألیفات مورد علاقه و...

سفر حج و رفتن به سوریه و ایران

در سال ۱۳۵۷ شمسی که کودتای سیاه کمونیست ها با پشتیبانی شوروی، کشور را به آشوب و نا امنی کشاند، آیت الله محسنی مانند بسیاری از اهل علم و مؤمنین، در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۸ افغانستان را ترک و به مکه مکرمه مشرف و پس از موسم حج، در ۱۲ محرم ۱۳۹۹ ق، وارد سوریه شده و چند ماهی در آن کشور اقامت کرده و در حوزه علمیه زینبیه به تدریس می پردازد.

تمام سعی و تلاش آیت الله محسنی، این بود که از سوریه به پاکستان سفر کند، اما موفق به اخذ ویزای پاکستان نشده و اجازه سفر به این کشور را به ایشان نمی دهند، لذا ویزای ایران را گرفته وارد ایران شده و در شهر مقدس قم مستقر می گردد. در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۱۹ به کمک جمعی از اهل علم و طلاب افغانستانی، حزب «حرکت اسلامی» را تشکیل داده و مبارزه نظامی و سیاسی و فرهنگی را علیه

کمونست‌ها برای آزادی کشور و حفظ اسلام و اقامه حکومت اسلامی آغاز می‌کند. به گفته آیت الله محسنی (زید عزه) حرکت اسلامی اولین مرجعی است که مردم شیعه و هزاره را تشویق به قیام کرد، این حزب در ۱۹ ولایت افغانستان کارهای سیاسی، نظامی و فرهنگی انجام می‌داد.

آیت الله محسنی در دوران حکومت مجاهدین

آیت الله محسنی پس از پیروزی مجاهدین در سال ۱۳۷۱، به عضویت شورای ۹ نفری رهبری (مجلس قیادی) در آمد و به عنوان منشی و سخنگوی رسمی این تشکل، مشغول به کار شد و حزب حرکت اسلامی به رهبری آیت الله محسنی تا تصرف کابل توسط طالبان در سال ۱۳۷۵ در دولت مجاهدین عضویت داشت.

سفرهای خارجی، کنفرانسها، و فعالیت‌ها

آیت الله محسنی عالمی روشن ضمیر است که مقتضیات زمان را درک کرده و به اوضاع عصر خود آشناست، تا کنون به کشورهای زیادی سفر نموده، ممالکی چون: عربستان، اردن، عراق، ایران، پاکستان، سوریه، لبنان، هندوستان، کویت، امارات، انگلستان، آلمان، فرانسه، سنگال، روسیه و...

ایشان در چندین کنفرانس سیاسی و علمی، از جمله در سومین کنفرانس سران کشورهای اسلامی در «طایف» شرکت داشته همچنین در لندن و بن و هامبورگ و غیره، چندین سخنرانی اخلاقی و سیاسی ایراد کرده اند. در مذاکرات مجاهدین با روس‌ها در مسکو سهیم و در کنفرانس پاریس سخنگو بوده است، ایشان صدها مصاحبه و سخنرانی با خبرگزاری، مجلات، رادیوها و تلویزیون‌های کشورهای اسلامی و اروپایی نموده است و مقالاتش در نشریات حرکت اسلامی و غیره فراوان به چاپ رسیده است.

آیت الله محسنی نشان علمی آکادمی علوم کابل (آکادمیسین) را نیز دریافت نموده است، عضویت در شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و عضو

شورای عالی مجمع جهانی اهل البیت (علیه السلام) را در کارنامه خود دارد.

کارهای اساسی و زیربنایی زیادی از ایشان صورت گرفته است که بعضی از خدمات ایشان عبارتند از:

۱. تلاش برای درج و گنجاندن نام «اسلام» در پسوندها «جمهوری» در قانون اساسی (جمهوری اسلامی افغانستان)؛

۲. از کارهای مهم ایشان با همکاری بقیه علمای تلاش برای رسمیت یافتن مذهب شیعه جعفری در کنار مذهب حنفی در قانون اساسی کشور و نیز به عنوان مذهب رسمی در احوال شخصی است؛

۳. تلاش برای تدوین، تلفیق و نشر کتب درسی بر اساس احکام و عقاید شیعه جهت اجرا و تدریس در مکاتب و مدارس و حوزه ها؛

۴. برقراری اتحاد، انسجام و هماهنگی میان شیعه و سنی؛

۵. تأسیس بنیاد و حوزه خاتم النبیین (صلی الله علیه و آله) در کابل؛

۶. تأسیس شبکه تلویزیونی تمدن؛

۷. تأسیس شورای علمای شیعه افغانستان که در شصت و چند مرکز ولایات و ولسوالیها نمایندگی دارد؛

۸. ایجاد شورای اخوت اسلامی؛

۹. تأسیس دانشگاه علوم انسانی خاتم النبیین (صلی الله علیه و آله).

تألیفات

آیت الله محسنی در کنار کارهای اجرایی و تدریس، به نوشتن هم علاقه وافری دارد، تعداد تألیفات این عالم بزرگ به بیش از صد عنوان می رسد که نزدیک هفتاد اثر از ایشان به چاپ رسیده و برخی از تألیفات ایشان هم مکرر به چاپ رسیده است. بخشی از آثار هم به زبان های دیگر ترجمه شده است.

از مهم ترین تألیفات ایشان می توان به عناوین زیر اشاره کرد:

۱. کتاب صراط الحق، در سه جلد در علم کلام؛
۲. کتاب حدود الشریعه فی محرّماتھا و واجباتھا، در چهار جلد مربوط به علم فقه؛
۳. عقاید اسلامی؛
۴. فوائد رجالیه؛
۵. متافیزیک؛
۶. قرآن یا سند اسلام؛
۷. فوائد دین در زندگانی؛
۸. اقتصاد معتدل؛
۹. معجم الاحادیث المعتمره، در شش جلد؛
۱۰. الفقه و مسائل طبیه، در دو جلد؛
۱۱. حکومت اسلامی؛
۱۲. مشرعه بحار الانوار، در دو جلد؛
۱۳. الضمانات الفقهیه و اسبابھا؛
۱۴. القواعد الاصولیه و الفقهیه؛
۱۵. روح از نظر دین؛
۱۶. عقل و علم روحی جدید؛
۱۷. بحوث فی علم الرجال؛
۱۸. تقریب مذاهب از نظر تا عمل؛
۱۹. روش جدید اخلاق اسلامی؛
۱۷. مباحثی درباره حکومت اسلامی؛

۱۸. فواید دمشقیه؛

۱۹. (قسمتی از تاریخ سیاسی حکومت مجاهدین) مصوبات شورای رهبری مجاهدین؛

۲۰. دین و زندگی؛

ص: ۲۲۸

۲۱. عقاید اسلامی از نظر علم و فلسفه؛

۲۲. دین و اقتصاد؛

۲۳. روابط انسان؛

۲۴. راه ترقی ما؛

۲۵. خداشناسی منهای دین؛

۲۶. جوان و دوره جوانی؛

۲۷. عقاید برای همه؛

۲۸. قضاء و شهادت؛

۲۹. جهاد اسلامی، در دو جلد؛

۳۰. تصویب قانون اساسی؛

۳۱. زن در شریعت اسلامی؛

۳۲. توضیح المسائل جنگی؛

۳۳. توضیح المسائل طبی (پزشکی)؛

۳۴. عدالت الصحابه؛

۳۵. جنگ در تاریکی (شیعه و سنی چه فرقی دارند.)؛

۳۶. مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

۳۷. عقاید، فقه و اخلاق؛

۳۸. گوناگون، در دو جلد؛

۳۹. حل ۶۶ سؤال دینی؛

۴۰. تسنیم؛

۴۱. وظیفهٔ علمای دینی ما؛

۴۲. دفاع و حرکت؛

۴۳. تصویری از حکومت اسلامی؛

۴۴. خود را بسازیم؛

۴۵. نظم مفید؛

ص: ۲۲۹

۴۶. مسائل لندن؛

۴۷. مسائل کابل؛

۴۸. تفسیر سوره شمس؛

۴۹. حجت؛

۵۰. وحدت امت؛

۵۱. الارض فی الفقه؛

۵۲. نظره عابره؛

۵۳. خواست شیعیان افغانی؛

۵۴. تحقق اتحاد امت اسلامی؛

۵۵. مقالات؛

۵۶. توحید نظری؛

۵۷. وظایف اعضای بدن؛

۵۸. همبستگی اسلامی؛

۵۹. مسایل پاراچنار.

و...

منابع: سایت دانشنامه اسلامی، محسنی قندهاری، محمد آصف، نظریات، علمی، اخلاقی، اجتماعی، بی جا، انتشارات ولادت، ۱۳۷۲. محقق خراسانی، محمد عیسی، المؤلفون الافغانیون المعاصرون، نجف، نعمان، ۱۳۹۰ ق. ناصری داوودی، عبدالمجید، مشاهیر تشیع در افغانستان، ج ۳، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (صلی الله علیه و آله)، اول، ۱۳۹۰ ش. جوادی غزنوی، سید محمد عیسی، اندیشه های کلامی، فقهی و سیاسی آیه الله محسنی، انتشارات وحدت بخش، اول، ۱۳۸۷ ش.

نمایی از مسجد مدرسه خاتم النبیین (صلی الله علیه و آله)

نمای درونی از مدرسه خاتم النبیین (صلی الله علیه و آله)

ص: ۲۳۱

از راست به چپ: دکتر سید عبدالقیوم سجادی، آیت الله محسنی، دکتر فاروق انصاری، حجت الاسلام سید عبداللطیف
سجادی

نمایی دیگر از مدرسه خاتم النبیین (صلی الله علیه و آله)

ص: ۲۳۲

حجت الاسلام والمسلمین شیخ عزیزالله محقق غزنوی فرزند علی جمعه در ماه عقرب (آبان) سال ۱۳۳۳ ش، در یک خانواده متدین در ده «دهن ولی» از مناطق علاءالدین ولایت غزنی متولد شد. سواد آموزی را در مکتب خانۀ محل آغاز کرد، قرآن کریم و بعضی از متون فارسی را نزد ملا محسن فرا گرفت و در ادامه، علوم اسلامی خصوصاً ادبیات عرب و مقدمات را نزد ملا میرزاعلی که ملای مکتبی آن منطقه را به عهده داشت شروع نمود. و مدتی هم نزد حاجی مختار تلمذ کرد.

وی از سال ۱۳۴۷ شمسی برای ادامۀ تحصیل راهی حوزه علمیه منطقۀ علاءالدین (که اکنون به نام مدرسۀ علمیه امام صادق (علیه السلام) معروف است) شد. مدت دو سال، بخشی از کتاب حاشیۀ ملا عبدالله، معالم الاصول و شرح لمعه را از آقای شیخ کاظم و آقای توکلی در آن مرکز فراگرفت.

سفر به پاکستان

حجت الاسلام محقق غزنوی در اوایل سال ۱۳۵۰ به کشور پاکستان رفت، تا

سال ۱۳۵۲ ش، در مدسه علمیه جعفریه در منطقه پاراچنار ادامه شرح لمعه و معالم الاصول را نزد مرحوم شیخ رجب علی پاکستانی فراگرفت.

سفر به عراق و سوریه

ایشان اوایل سال ۱۳۵۲ ش، برای رسیدن به مدارج بالاتر علمی، راهی کشور عراق شد و در حوزه علمیه نجف رحل اقامت افکنده و در مدرسه وسطای مرحوم آخوند هروی خراسانی ساکن شد. نامبرده بعضی از کتب ادبی مثل سیوطی، حاشیه، جامی، قوانین و مطول را مکرراً نزد ادیب مشهور مرحوم مدرس افغانستانی خواند، و شرح لمعه را نزد آقای اشرفی شاهرودی و آقای زاهدی اصفهانی و رسائل را نیز از محضر آقای اشرفی شاهرودی فراگرفت.

در سال ۱۳۵۵ به علت اقدامات سخت گیرانه حزب بعث، عرصه بر علما و طلاب تنگ شد، نامبرده مجبور شد کشور عراق را ترک کند و به سوریه برود. به گفته وی حوزه علمیه زینبیه سوریه در همین زمان به همت مرحوم آیت الله سید حسن شیرازی و تلاش چشمگیر علما و طلاب رانده شده از عراق که اغلب افغانستانی بودند، تأسیس گردید.

حجت الاسلام محقق غزنوی با توجه به شایستگی که در کارهای اجتماعی از خود نشان داده بود از سوی علما و طلاب به عنوان نماینده در کنار نمایندگان دیگر به محضر مرحوم سید حسن شیرازی معرفی گردید. ایشان با توجه به صداقت و فعالیت هایی که داشت اعتماد مرحوم شیرازی را جلب کرد و مورد محبت وی واقع شده و در بخش اداری حوزه علمیه زینبیه و پس از آن به دفتر مرحوم شیرازی راه یافته و به عنوان شخص مؤثر در آنجا به ایفای نقش پرداخت.

آقای محقق در عین حالی که در بخش اداری مدرسه زینبیه فعالیت می کرد، در درسهای رسائل و مکاسب آقایان محمدی بامیانی و واحدی و درسهای کفایه الاصول شیخ فاضل نیز شرکت می کرد. در سال ۱۳۵۷ ش که در کشور اسلامی

افغانستان رژیم دموکراتیک خلق روی کار آمد، پس از زندانی نمودن و کشتار بسیاری از علما، تعدادی هم موفق شدند کشور را ترک کنند. آیت الله العظمی محسنی نیز کشور را ترک کرده و به حج مشرف شد. پس از انجام مناسک حج، از سوی علما و طلاب افغانستانی مقیم سوریه به آن کشور دعوت شد و تدریس علوم اسلامی را در حوزه علمیّه زینیه آغاز کرد. محقق که نزد مرحوم سید حسن شیرازی شناخته شده بود، در دعوت از آقای محسنی نقش برجسته ای داشت. پس از ورود آیت الله محسنی به دمشق و دایر نمودن کلاس درس، آقای محقق غزنوی از جمله کسانی بود که در دروسهای شرح منظومه آیت الله محسنی شرکت کرده و آن را به پایان برد.

وی پس از اتمام سطوح عالیّه، وارد مباحث تخصصی فقه و اصول گردید و در دروسهای خارج فقه و اصول شهید سید حسن شیرازی شرکت کرد. نامبرده علاوه بر امور اداری مدرسه علمیّه زینیه و دفتر سید حسن شیرازی، در سه تا چهار سفر حج نیز او را همراهی کرده و امور بعثه اش را مدیریت نمود.

پس از کودتای مارکسیستی در افغانستان و کشتار بی سابقه علما و روشنفکران دینی توسط مارکسیست ها، طلاب و علمای افغانستانی ساکن سوریه عکس العمل نشان دادند. بر این اساس که آنان در نزدیکی لبنان که یک کشور آزاد و دارای فضای باز سیاسی و مطبوعاتی بی نظیر در سطح منطقه و بین الملل بود، به آن کشور رفته اطلاعیه ها و بیانیه ها، برگزار می کردند. با رسانه های آن کشور، اوضاع افغانستان را تشریح می کردند و تبلیغات گسترده ای بر علیه دست نشانده های مسکو انجام می دادند. آقای محقق یکی از طلاب فعالی بود که در این عرصه گام نهاد، وی و دوستان همفکرش با سازمانهای فلسطینی و دولت سوریه و لبنان ارتباط برقرار کرده و در راه پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی افغانستان به انقلابیون و مردم مسلمان افغانستان خط و مشی سیاسی ارائه می داد.

محقق در سال ۱۳۵۹ ش، برای ملاقات با رهبران جهادی، علما و طلاب افغانستانی مقیم حوزه علمیه قم و مشهد به جمهوری اسلامی ایران آمد، در این سفر پس از زیارت اماکن متبرکه قم و مشهد به طور پیشبینی نشده، با عالم روشن ضمیر و مجتهد زمان مرحوم آیت الله بهاء‌الدینی ملاقات می‌کند که پس از آشنایی، زمینه ازدواج آقای محقق با صبیئه ایشان فراهم می‌شود.

این رخداد و نیز علاقه وی بر ادامه تحصیل در حوزه پربار قم و نیز شهادت شهید آیت الله سید حسن شیرازی در لبنان که پس از ۲۰ روز از خروج آقای محقق از سوریه اتفاق افتاد، باعث شد که ایشان در قم ماندگار شود. نامبرده هیچگاه به عضویت احزاب سیاسی افغانستان درنیامد، اما با توجه به آشنایی و شاگردی ایشان نزد آیت الله محسنی قندهاری، با حرکت اسلامی همکاری نموده و با حضور میان مهاجران با ایراد سخنرانی و آگاهی بخشی، کمکهای آنان را جهت جبهه های مقاومت جمع آوری و به افغانستان ارسال می‌کرد. با توجه به سابقه آشنایی ایشان با بیت شهید آیت الله سید حسن شیرازی در سوریه، در ایران هم با بیت آیت الله سید محمد شیرازی به همکاری پرداخته و در حد امکان به جذب کمکها جهت احزاب اسلامی مقیم ایران تلاش کرده و توجه آیت الله سید محمد شیرازی را به مسأله افغانستان جلب کرد.

ایشان علاوه بر فعالیتهای اجتماعی، در درسهای خارج فقه و اصول سید محمد شیرازی نیز شرکت می‌کرد. همچنین نزد آیت الله بهاء‌الدینی حضوری مخلصانه داشت و از محضر وی بهره های معنوی و اخلاقی فراوانی کسب کرده و توجه ایشان را به خود جلب نمود که از توفیقات آقای محقق به حساب می‌آید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی افغانستان علیه روسها و شروع جنگهای داخلی، ایشان از احزاب سیاسی کناره گیری کرده و کارهای تبلیغی ترویجی در حوزه معارف

اسلامی و تحصیل علوم دینی و نیز امور مربوط به دفاتر مراجع عظام را عهده دار بود، ولی از فعالیت های فرهنگی برای شیعیان افغانستان که به گفته وی مظلوم ترین شیعیان دنیا هستند لحظه ای فروگذار نکرد.

تأسیس مؤسسه خیریه امام هادی (علیه السلام)

پس از تسلط و حاکمیت طالبان بر اکثر خاک افغانستان و تعصب آنان نسبت به شیعیان که با کشتار عمومی و قتل عام های فجیع همراه بود، عالمان و فرماندهان جهادی مجبور به ترک کشور شدند، و نیز با توجه به خدشه های وارده واهی و هابیت و طالبان نسبت به شیعیان در کم توجهی به قرآن کریم و عدم حضور در مساجد، آقای محقق آستین همت را بالا زده مؤسسه قرآنی امام هادی (علیه السلام) را به قصد بازسازی و ساخت مساجد شیعیان و ترویج قرآن آموزی و برگزاری محافل قرآنی در سال ۱۳۷۹ ش، در سالروز ولادت بانوی نور و عظمت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (س) در شهر مقدس قم تأسیس کرد. وی میان مهاجرین مقیم ایران حضور یافت و مسافرت های زیادی به شهرهای مختلف انجام داد و آنها را به شرکت در کلاسهای قرآنی تشویق کرد. با توجه به فعالیت های ایشان، محافل متعدد قرآنی در شهرهای مختلف تشکیل شد. مشتاقان قرآن اعم از زن و مرد، کوچک و بزرگ در این محافل گردهم می آمدند و آقای محقق قرآن های مورد نیاز محافل را تأمین نموده و پرداخت حقوق ماهیانه آموزگاران قرآنی را خود شخصاً عهده دار بود.

هرچند مهاجرین با مشکلات بسیاری مواجه بودند، طبق همان مثل معروف (که از یک سوار گرد بر نمی خیزد) اما این اقدامات از جانب آقای محقق تأثیری بسیار مثبتی در میان شیعیان افغانستان داشت. محافل قرآنی ابتدا در کشور جمهوری اسلامی ایران در کارگاه ها و محله های مختلف حتی سنگبری ها جهت مهاجرین افغانستانی دایر شد و مهاجرین مسلمان افغانستان با اشتیاق تمام به فراگیری قرآن پرداختند، در ادامه، برنامه های قرآنی به داخل افغانستان گسترش پیدا کرد و حتی به

شهر کویتۀ پاکستان هم این کلاس ها دایر شد.

برنامه های قرآنی مؤسسه خیریه امام هادی (علیه السلام) با راه اندازی چهارده محفل قرآنی در سال ۱۳۷۹ با اهدای قرآن کریم و وایت برد و رحل مورد نیاز آغاز به کار کرد، ولی تا سال ۱۳۸۴ ش، به بیش از هزار محفل قرآنی در ایران، افغانستان و پاکستان گسترش پیدا کرد. ایشان در این راه، بسیار موفق بوده و افراد خیر در اهدای مبالغ نقد و تأمین قرآن های مورد نیاز و رحل های مورد استفاده به ایشان کمک نموده اند. این مؤسسه خیریه تا سال ۱۳۸۴ حدود ۲۷ هزار جلد قرآن مجید را به این محافل و حتی خارج از برنامه های این مؤسسه در کشورهای آفریقایی و آذربایجان اهدا نموده است. در سفری که جناب آقای محقق به کشور کویت انجام داده همکاری خیرین و افراد نیکوکار آن سامان را جلب نموده و هم اکنون از مساعدت آنها در پیشبرد برنامه های مؤسسه برخوردار است.

حجت الاسلام محقق غزنوی، مؤسسه یاد شده را در افغانستان به صورت رسمی ثبت نموده و دفاتر نمایندگی مؤسسه در شهرهای کابل، مزار شریف، غزنی مشغول فعالیت هستند. این مؤسسه اهداف زیر را مد نظر دارد:

۱. برگزاری محافل قرآنی و تشویق قرآن آموزی.

بخشی از فعالیت های کانون آموزشی در این بخش:

۱.۱. دایر شدن بیش از ۴۰۰ محفل قرآنی در افغانستان؛

۲.۱. دایر نمودن بیش از ۶۰۰ محفل قرآنی در ایران؛

۳.۱. توزیع و پخش قرآن کریم به تعداد بیست و هفت هزار جلد؛ و...

۲. یکی از اهداف مؤسسه کمک به نیازمندان است، این برنامه از اوایل تأسیس مؤسسه جریان داشته و هر ساله مقدار قابل توجهی آرد و برنج و روغن و... برای نیازمندان پخش و توزیع شده است.

۳. از سال ۱۳۸۲ ش، بخش امور ایتم مؤسسه آغاز به کار کرده است. تا کنون

بیش از ۵۴۰ نفر از ایتمام تحت سرپرستی مؤسسۀ امام هادی (علیه السلام) قرار گرفته اند. مبلغ مستمری هریک از ایتمام ۲۵۰۰۰ تومان است که ماهیانه در اختیار آنها قرار می گیرد.

۴. ایجاد سایت؛ پایگاه اطلاع رسانی مؤسسه امام هادی (علیه السلام)، ویژگیهای این پایگاه:

۱.۴. جمع آوری و ارائه مطالب ارزنده راجع به امام هادی (علیه السلام)؛

۲.۴. منعکس نمودن فعالیت های مؤسسۀ امام هادی (علیه السلام)؛

۳.۴. معرفی بعضی از شخصیت های بزرگ، بویژه شخصیت برجسته علمی، عرفانی حضرت آیت الله العظمی بهاءالدینی (ره) و...

۵. انتشار نشریات:

۱.۵. «مجله هادی» که مجوز انتشار آن توسط دفتر کابل گرفته شده است. این مجله با رویکردی کاملاً دینی و مذهبی است که بین اقشار متدین، جایگاه ویژه ای پیدا کرده است.

۲.۵. «هفته نامه نسیم» نشریه خبری در حیطه جهان اسلام و بیشتر با رویکرد به مسائل افغانستان می باشد.

۶. تأسیس کتابخانه عمومی امام حسین (علیه السلام)، در کابل، از دیگر فعالیت های بخش مرکزی مؤسسه می باشد که هم اکنون محلی برای تحقیق و مطالعه علاقه مندان می باشد. انتشار چندین کتاب نیز محصول همین بخش می باشد که «عقاید اسلامی»، «جزوات احکام»، «جزوه عقاید»، «جزوه اخلاق»، «آموزش روخوانی قرآن کریم» و... از آن جمله است.

۷. ساخت مسجد و حسینیه

لیست مساجد و حسینیه هایی که تا کنون توسط مؤسسۀ امام هادی (علیه السلام) ساخته شده است از این قرار است:

۱. مسجد امام مهدی (عج)، ولایت غزنی، ولسوالی علاء الدین، قریه دهن ولی،

۲. مسجد الرسول الاعظم (صلی الله علیه و آله)، ولایت غزنی، ولسوالی علاء الدین، قریه شنیه، سال ۱۳۷۷؛
 ۳. مسجد فاطمه الزهرا (س)، قریه گدول (۱)، سال ۱۳۷۷؛
 ۴. مسجد محسن بن علی (علیه السلام)، قریه دهن سای، سال ۱۳۷۷؛
 ۵. مسجد امام حسن مجتبی (علیه السلام)، قریه قرغه، سال ۱۳۷۸؛
 ۶. مسجد امام محمد باقر (علیه السلام)، قریه شیونه قلعه، سال ۱۳۷۸؛
 ۷. مسجد فاطمه الزهرا (س)، ولایت غزنی، ولسوالی ناهور، قرناله، قریه زردسنگ، سال ۱۳۷۹؛
 ۸. مسجد ابی الفضل العباس (علیه السلام)، ولایت غزنی، ولسوالی علاء الدین، قریه زیربوم، سال ۱۳۸۱؛
 ۹. مسجد و حسینیہ امام جواد (علیه السلام)، دایمرداد، قریه ناهورجوی، سال ۱۳۷۹؛
 ۱۰. مسجد امام صادق (علیه السلام)، ولایت غزنی، ولسوالی علاء الدین، قریه لنگر، سال ۱۳۷۸؛
 ۱۱. مسجد امام زین العابدین (علیه السلام)، قریه آکاخیل، سال ۱۳۷۸؛
 ۱۲. مسجد امام موسی بن جعفر (علیه السلام) قریه بالای ولی، سال ۱۳۷۸؛
 ۱۳. مسجد امام علی النقی الهادی (علیه السلام)، ولایت غزنی، ولسوالی ناهور، قریه هوکک، سال ۱۳۷۸؛
 ۱۴. مسجد امام حسین (علیه السلام)، ولایت غزنی، ولسوالی ناهور، قریه تکریک، سال ۱۳۷۸؛
 ۱۵. مسجد دامنه راه بغلو، ولایت غزنی، ولسوالی ناهور، خوات کنار زیارت، سال
- ص: ۲۴۰

۱۶. مسجد امام زمان (عج)، ولایت غزنی، ولسوالی ناهور، قریه قرغه پابین، سال ۱۳۸۳؛
۱۷. مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام)، ولایت غزنی، ولسوالی ناهور، قریه دو آبی، سال ۱۳۸۳؛
۱۸. مسجد قمر بنی هاشم (علیه السلام)، ولایت غزنی، ولسوالی ناهور، قریه عمران بالا، سال ۱۳۷۹؛
۱۹. مسجد امام حسین (علیه السلام)، ولایت غزنی، ولسوالی ناهور، قریه خوجه غریبان، سال ۱۳۷۸؛
۲۰. مسجد امام مهدی (عج)، ولایت غزنی، ولسوالی علاء الدین، قریه ده جانیک، سال ۱۳۷۸؛
۲۱. مسجد امام علی (علیه السلام)، ولایت غزنی، ولسوالی علاء الدین، قریه میانہ، سال ۱۳۷۹؛
۲۲. مسجد قمر بنی هاشم (علیه السلام) ولایت غزنی، ولسوالی علاء الدین، قریه آخوند، سال ۱۳۸۱؛
۲۳. مسجد الرسول الاعظم (صلی الله علیه و آله)، ولایت غزنی، ولسوالی جغتو، قریه لاغری جلگه، سال ۱۳۷۸؛
۲۴. مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام)، ولایت غزنی، ولسوالی جغتو، قریه حیدرا سراب، سال ۱۳۷۹؛
۲۵. مسجد امام رضا (علیه السلام)، ولایت غزنی، ولسوالی جغتو، قریه خوشعلی سراب، سال ۱۳۷۹؛
۲۶. مسجد امام جواد (علیه السلام)، ولایت غزنی، ولسوالی مالستان، بازار جوادیه «خاکریزک»، سال ۱۳۷۹؛

۲۷. مسجد امام سجاد (علیه السلام)، ولایت غزنی، ولسوالی مالستان، بازار سجادیه «بیوا»، سال ۱۳۷۹؛
۲۸. مسجد امام حسین (علیه السلام)، ولایت غزنی، ولسوالی خواجه عمری، قریه آقاسی، سال ۱۳۸۱؛
۲۹. مسجد امام المهدی (عج)، ولایت غزنی، شهر نوآباد، سال ۱۳۷۹؛
۳۰. مسجد امام علی (علیه السلام)، ولایت غزنی، مرکز شهر غزنی، سال ۱۳۷۸؛
۳۱. مسجد امام حسن مجتبی (علیه السلام) (چهارده معصوم)، مرکز شهر غزنی، قرباگی بازار، سال ۱۳۷۹؛
۳۲. مسجد خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله)، ولایت غزنی، ولسوالی قره باغ، قریه میرک، سال ۱۳۷۹؛
۳۳. مسجد حضرت زینب (س)، ولایت غزنی، ولسوالی قره باغ، قریه بلدرغان، سال ۱۳۷۹؛
۳۴. مسجد امام علی (علیه السلام)، ولایت غزنی، ولسوالی قره باغ، بازار تمکی، سال ۱۳۸۱؛
۳۵. مسجد ولی عصر (عج)، ولایت غزنی، ولسوالی مقر، مرکز شهر مقر، سال ۱۳۷۹؛
۳۶. مسجد امام جواد (علیه السلام)، لعل و سرجنگل، سال ۱۳۷۸؛
۳۷. مسجد امام سجاد (علیه السلام)، لعل و سرجنگل، سال ۱۳۷۸؛
۳۸. مسجد حضرت خدیجه کبری، ولسوالی هلمند، منطقه کجران، سال ۱۳۷۹؛
۳۹. مسجد امام هادی (علیه السلام)، ولایت بامیان، ولسوالی ورس، قریه لیگان، سال ۱۳۸۱؛
۴۰. مسجد امام رضا (علیه السلام)، ولایت بامیان، ولسوالی ورس، قریه چچین، سال ۱۳۸۱؛

۴۱. مسجد محمد امين (صلى الله عليه و آله)، ولايت باميان، ولسوالی ورس، منطقه تخت ورس، سال ۱۳۸۱؛
۴۲. مسجد ابوالفضل العباس (عليه السلام)، ولايت سر پل، ولسوالی بلخاب، سال ۱۳۸۱؛
۴۳. مسجد يا حسين (عليه السلام)، ولايت سمنگان، ولسوالی دره صوف، سال ۱۳۷۹؛
۴۴. مسجد فاطمه زهرا (س)، ولايت غزني، ولسوالی قره باغ، منطقه لنگر، سال ۱۳۸۱؛
۴۵. مسجد موسى بن جعفر (عليه السلام)، ولايت ميدان وردك، منطقه سنگلاخت، سال ۱۳۸۲؛
۴۶. مسجد امام زمان (عج)، شهر كابل، دشت برچی، سال ۱۳۸۱؛
۴۷. مسجد خديجه الكبرى (باقر العلوم)، شهر كابل، دشت برچی، سال ۱۳۸۲؛
۴۸. مسجد فاطمه الزهرا (س) (امام حسين ع)، شهر كابل، دشت برچی، سال ۱۳۸۲؛
۴۹. مسجد رسول اكرم (صلى الله عليه و آله)، شهر كابل، قلعه جبارخان، سال ۱۳۸۲؛
۵۰. مسجد امام هادي (عليه السلام)، شهر كابل، كارته سخی، سال ۱۳۸۱؛
۵۱. مسجد امام علي (عليه السلام)، شهر كابل، قلعه خمدان، سال ۱۳۸۲؛
۵۲. مسجد فاطمه الزهرا (س)، شهر كابل، منطقه ديوان بيگي، سال ۱۳۸۲؛
۵۳. مسجد امام حسن عسكري (عليه السلام)، شهر كابل، كارته نو، سال ۱۳۸۲؛
۵۴. مسجد حضرت نرجس (س)، شهر كابل، شهرك صفا (ريگ ريشن) سال ۱۳۸۴؛
۵۵. مسجد امام حسن مجتبي كريم اهل بيت (عليه السلام)، ولايت سمنگان، ولسوالی دره صوف، سال ۱۳۸۳؛
۵۶. مسجد حضرت ابوالفضل العباس (عليه السلام)، شهر غزني، نو آباد، سال ۱۳۸۳؛
۵۷. حسنيه امام رضا (عليه السلام)، شهر غزني، نو آباد، سال ۱۳۸۳؛

۵۸. مسجد حضرت حجت ابن الحسن (عج)، ولایت غزنی، ولسوالی ناهور، منطقه عمران، سال ۱۳۸۴؛
۵۹. حسینیه کریم اهل بیت امام حسن مجتبی (علیه السلام)، ولایت بامیان، سه قلعه بامسرای، سال ۱۳۸۳؛
۶۰. مسجد چهارده معصوم (علیه السلام)، شهرستان جنب زیارت شاه تراب، سال ۱۳۸۳؛
۶۱. مسجد امام علی (علیه السلام)، ولایت بدخشان، سال ۱۳۸۳؛
۶۲. مسجد فاطمه الزهرا (س)، ولایت غزنی، ولسوالی ناهور، سال ۱۳۸۴؛
۶۳. مسجد حضرت زهرا (س)، ولایت میدان وردک، ولسوالی بهسود، منطقه آب شیروم، سال ۱۳۸۴؛
۶۴. مسجد حضرت امام جواد (علیه السلام)، شهر کابل دشت برچی، سال ۱۳۸۴؛
۶۵. مسجد امام مهدی (علیه السلام)، شهر کابل، قلعه قاضی، سال ۱۳۸۴؛
۶۶. مسجد حضرت خدیجه (س)، ولایت قندوز، سال ۱۳۸۴؛
۶۷. حسینیه حضرت ابوالفضل (علیه السلام)، ولایت بامیان، قریه خشکک، سال ۱۳۸۴؛
۶۸. مسجد فاطمه الزهرا (س)، شهر کابل، شهرک محمدیه، سال...؛
۶۹. مسجد عسکریین (علیه السلام)، شهر کابل، شهرک خراسان (ده خدیداد) سال...؛
۷۰. مسجد امام زمان (عج)، ولایت کابل، پغمان، سال...؛
۷۱. مسجد اهل البيت (علیه السلام)، ولایت دایکندی، شهرستان اولقان،...؛
۷۲. مسجد اهل البيت (علیه السلام)، ولایت سر پل، چهار باغ، سال ۱۳۸۵؛
۷۳. مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام)، شهر هرات، شهرک جبرئیل، سال ۱۳۸۵؛
۷۴. مسجد اصحاب کساء، شهر غزنی، شهرک نوآباد، سال ۱۳۸۵؛
۷۵. مسجد اصحاب کساء، ولایت غزنی، ولسوالی علاءالدین، منطقه زیر بوم، سال ۱۳۸۵؛
۷۶. مسجد حضرت ولی عصر (عج)، ولایت غزنی، ولسوالی ناهور، جرجی، شتر

۷۷. مسجد محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله)، ولایت تخار، سال ۱۳۸۶؛

۷۸. مسجد حضرت حمزه سید الشهداء (علیه السلام)، شهر کابل، شهرک دوازده امام، سال ۱۳۸۶؛

۷۹. مسجد حضرت امام مهدی (عج)، شهر کابل، شهرک صفا، سال ۱۳۸۶؛

۸۰. مسجد حضرت عبدالله الرضیع (علی اصغر «ع»)، مرکز ولایت بامیان، سال ۱۳۸۶؛

۸۱. مسجد حضرت امام سجاد (علیه السلام)، ولایت دایکندی، ولسوالی شهرستان، سال ۱۳۸۶؛

۸۲. مسجد حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، شهر غزنی، نوآباد، سال ۱۳۸۶؛

۷. از دیگر فعالیت های این مؤسسه، کارهای عمرانی و خدماتی زیر است:

۱. ساخت مجتمع الایتام فاطمه الزهرا (س) «مسجد مدرسه دارالایتام» شهر کابل، شهرک امید سبز، سال ۱۳۸۶؛

۲. دارالقرآن سید الشهداء (علیه السلام)، شهر کابل، دشت برجی، پل خشک، سال ۱۳۸۵؛

۳. مدرسه علمیة توحید، مرکز شهر غزنی، سال ۱۳۸۱؛

۴. مدرسه علمیة فاطمه الزهرا (علیه السلام)، شهر کابل، دیوان بیگی، سال ۱۳۸۲؛

از دیگر فعالیت های وی، تولید حدود ۳۰ حلقه CD حاوی مسائل مذهبی، سخنرانی های علما و خطبای افغانستان و نیز اماکن دینی این کشور را می توان نام برد.

منابع: ناصری داوودی، عبدالمجید، مشاهیر تشیع در افغانستان، ج ۳، قم، مرکز بین المللی و نشر المصطفی (صلی الله علیه و آله)، اول، ۱۳۹۰ ش. بروشور مؤسسه امام هادی (علیه السلام).

(درّۀ ترکمن ۱۳۰۷/۳/۸ ش -)

حضرت آیت الله العظمی قربانعلی محقق کابلی (مدظله العالی) فرزند محمد رضا در سال ۱۳۰۷ شمسی (۱۳۴۹ ق) در قریه دهنه کاریزک، نزدیکی کابل در یک خانواده متدین و مذهبی چشم به جهان گشود. در سن هفت سالگی قرآن را از برادرش نوراحمد فرا گرفت. سپس نزد روحانیون محل به یادگیری عقاید اسلامی، احکام شرعی و علوم مقدماتی چون: ادبیات (صرف، نحو، معانی، بیان) منطق، فقه و اصول پرداخت.

سفر به کابل

ایشان پس از فراگیری دروس مقدماتی راهی کابل شد و در این شهر، با تلاش و جدّیت به فراگیری و تحصیل علوم دینی پرداخت. وی در حوزه علمیّه کابل در کوتاه ترین زمان ممکن، کتب درسی رایج در حوزه علمیّه آن سامان مانند: جامع المقدمات، شرح جامی، مغنی، مطول، حاشیّه ملا عبدالله، معالم الاصول، قوانین،

ص: ۲۴۶

شرح لمعه و... را نزد مدرسین نامدار کابل تلمذ نمود. دلایل مختلفی چون نبود نظام درسی کارآمد، خفقان شدید سیاسی، فرهنگی و مذهبی حاکم بر جامعه، و نیز انگیزه قوی برای رسیدن به مدارج علمی بالاتر، باعث شد که ایشان در کابل ماندگار نشود.

سفر به نجف اشرف

حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی (مدظله العالی) به قصد تحصیل در نجف اشرف، کابل و زادگاه خویش را ترک نمود. با کاروانی که به منظور زیارت عتبات عالیات عازم ایران و عراق بود، بعد از عبور از ایران در سال ۱۳۳۲ ش، خود را کنار مرقد مطهر حضرت مولی الموحدین امیرالمؤمنین (علیه السلام) رساند.

ایشان پس از ورود به نجف اشرف، با توکل به خداوند منان و توسل به حضرات معصومین (علیهم السلام) تحصیلات علوم دینی را در آن حوزه بابرکت پی گرفت، معظم له پس از شروع تحصیل در نجف اشرف، دو درس رسائل و مکاسب را نزد بزرگانی چون: آیت الله سید عبدالاعلی سبزواری، آیت الله شیخ کاظم تبریزی، آیت الله سید عبدالحسین رشتی، آیت الله شیخ محمد تقی آل رازی، تلمذ کرد. کتاب کفایه الاصول را از محضر شیخ صدرا و مرحوم شیخ مجتبی فرا گرفت. شرح منظومه ملاهادی سبزواری را از محضر شیخ عباس قوچانی بهره مند شد. ایشان مدتی هم در درسهای حضرت امام خمینی (ره) حضور پیدا کرده و از آن عالم بزرگ کسب فیض نمود.

از زمستان سال ۱۳۳۴ شمسی به بعد در درس خارج اصول حضرت آیت الله العظمی خوئی (ره) شرکت مستمر داشت. و نیز در درس خارج فقه آیت الله شیخ محمد باقر زنجانی، و درس خارج فقه آیت الله العظمی حکیم (ره) و درس خارج فقه آیت الله سید حسین حمای و درس خارج اصول آیت الله شیخ حسین حلی شرکت نمود. حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی (حفظه الله) حدود بیست سال تحصیل، تحقیق و تدریس، در حوزه علمیه نجف، خود را در قله بلند اجتهاد دیده و اجازات

ص: ۲۴۷

اجتهاد خود را کسب نمود.

بازگشت به وطن

حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی (مدظله العالی) پس از سالها تلاش و مجاهدت در راه کسب علوم و معارف اهل بیت (علیه السلام) در تاریخ ۱۳۵۱/۱۲/۲۲ با کوله باری از علم و معرفت و اندوخته های عظیم علوم اسلامی و دینی عازم افغانستان شد.

پس از ورود معظم له به کشور، به محض اینکه خبر ورود ایشان به کشور منتشر شد، مردم قدر شناس و دوستدار علم و علما با ۱۵۰ دستگاه موتر (ماشین) از شهر کابل تا غزنی و از آنجا تا شهر قندهار به استقبال ایشان شتافتند. بعد از ورود ایشان به کشور، چنان استقبال باشکوهی شد که همه مردم کابل و نیز دولت وقت افغانستان را به تعجب واداشت.

ایشان پس از ورود به کابل در همان شهر رحل اقامت افکند و فعالیت های خود را در زمینه تدریس علوم دینی، تبلیغ معارف اسلامی، تأسیس مراکز آموزشی، فرهنگی و مذهبی آغاز نمود. در کنار این فعالیت ها به مشکلات اجتماعی و امور مذهبی و حل دعاوی مردم نیز می پرداخت. با حضور ایشان در کابل شیعیان این شهر جان تازه ای به خود گرفتند و هویت مذهبی آنان دو باره زنده شد. معظم له به مدت هفت سال تمام در کابل به تحقیق، تبلیغ و تدریس پرداخت. و نسبت به مناسبت های دینی و زنده نگهداشتن شعائر اسلامی توجه و عنایت خاص داشت. در آن زمان با حضور ایشان در کابل محافل با شکوهی در ایام محرم، صفر، روزهای جمعه و ماه مبارک رمضان برگزار می گردید. از این طریق فرهنگ و معارف ناب اسلامی در جامعه افغانستان به خصوص در شهر کابل تبلیغ می شد. مردم مسلمان و متدین کابل، محبان و عاشقان اهل بیت (علیهم السلام) روز به روز شناخت بیشتر و آگاهی عمیقتری نسبت به اعتقادات و باورهای دینی پیدا می کردند.

ص: ۲۴۸

حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی (زید توفیقاته) در عین حالی که به تدریس، تبلیغ و حل و فصل دعاوی مردم می پرداخت. خدمات ارزشمندی نیز انجام داد.

۱. تأسیس مدرسه علمیة جامعه الاسلام در شهر کابل که بستر تعلیم و تربیت اسلامی را برای طلاب علوم دینی فراهم نمود.

۲. تأسیس مسجد امام خمینی (ره) که در اثر کودتای کمونیستی ناتمام مانده و بعداً ساختمان این مسجد تکمیل شد.

۳. ساخت مسجد جامع شهرک المهدی (جبرئیل) در شهر هرات.

۴. مدرسه علمیة خاتم الأنبياء در شهر هرات؛

۵. مدرسه جامعه الاسلام در شهر هرات.

هجرت اجباری

پس از کودتای هفت ثور (اردیبهشت) سال ۵۷ که بسیاری از شخصیت های علمی و مذهبی دستگیر و یا اعدام شدند، خوشبختانه عده ای از این شخصیت ها توانستند کشور را ترک کنند و در خارج از کشور، هسته های مقاومت را تشکیل داده و به مبارزه با رژیم مزدور کمونیستی پردازند از جمله این شخصیت ها، حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی بود که توانست به سلامتی از کشور خارج شود. ایشان مجبور شد که کابل را ترک نماید و از آنجا به قندهار، سپس از مرز (اسپین بُلدک) از افغانستان خارج شده، وارد پاکستان شود. به محض ورود ایشان به پاکستان، احزاب جهادی افغانستان، مقیم پاکستان مانند حزب اسلامی، جمعیت اسلامی و... هر کدام جداگانه از ایشان دعوت به همکاری کردند، برخی اشخاص پیشنهاد اقامت در کویته را دادند، ولی هیچ کدام از اینها مورد پذیرش معظم له قرار نگرفت، از آنجایی که ایشان به قیام و جهاد مردم افغانستان اهمیت می داد، در مدت زمان اقامت کوتاه

خود در شهر کویته، با همکاری عده ای از مهاجرین افغانستانی «سازمان دفاع از حریم اسلامی» را تأسیس نمود. ایشان پس از توقف کوتاهی در شهر کویته پاکستان، در نهایت تصمیم گرفت که به جمهوری اسلامی ایران هجرت نماید.

ایشان پس از ورود به جمهوری اسلامی ایران در شهر مشهد مقدس، با استقبال مهاجرین و رهبران جهادی افغانستان مقیم ایران قرار گرفت و هر کدام به نحوی از ایشان تقاضای همکاری نمودند، از جمله آیت الله العظمی محسنی (رهبر حرکت اسلامی)، اما معظم له به دنبال اهداف عالی تری بود و تلاش می کرد تا کاری انجام دهد که به خیر و صلاح تمام فعالان جهادی باشد و آن ایجاد وحدت و هماهنگی در میان نیروهای جهادی بود. از این رو به محض ورود در شهر مقدس قم تلاش های وحدت طلبانه خود را آغاز نمود. معظم له به این منظور «سازمان دفاع از حریم اسلام» را که در شهر کویته پاکستان تأسیس کرده بود، به «اتحادیه ی علماء» تبدیل نمود، و همراه با عده ی زیادی از علماء، گروه ها و احزاب را به وحدت و انسجام دعوت نمود و پس از ده ها جلسه و گفتگو بین مسئولین و رهبران جهادی، در نهایت «حزب اتحاد انقلاب اسلامی» را پایه گذاری نمود، گروه های جهادی تشکیل دهنده این اتحاد عبارت بودند از: ۱ سازمان نصر ۲ حرکت اسلامی ۳ نهضت اسلامی ۴ شورای اتفاق اسلامی ۵ نیروی اسلامی ۶ جنبش مستضعفین ۷ اتحادیه ی علمای افغانستان.

حزب اتحاد انقلاب اسلامی، حدوداً مدت دو ماه با این عنوان به فعالیتهای جهادی خود ادامه داد، اما این حزب به دلیل آنکه اولاً ساختار تشکیلاتی مناسب نداشت و ثانیاً برخی از گروه های جهادی مانند: اسلام مکتب توحید، سازمان رعد و سازمان مجاهدین خلق افغانستان در آن شرکت نداشتند، منحل شد.

در اوائل دهه ۶۰ جریان جهادی جدیدی بنام «پاسداران جهاد اسلامی» به رهبری عده ای از علما و روحانیون مبارز در عرصه مقاومت اسلامی شکل گرفت،

حضرت آیه الله العظمی محقق «اتحادیة علماء» را به «پاسداران جهاد اسلامی» ادغام نمود و تا سال ها ایشان در سطح شخصیت اول «پاسداران جهاد اسلامی» در افغانستان را همراهی و بلکه رهبری می نمود و همگام با مجاهدین، روحانیون و ملت شریف و مقاوم خویش در خط اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) فعالیت و مبارزه می کرد. بعد از سالها همراه با سایر رهبران جهادی، یک جریان ائتلافی جدید مرکب از گروه های جهادی شیعه در ایران بنام «شورای ائتلاف انقلاب اسلامی افغانستان» تشکیل داد و مدتها تحت این عنوان، به کار و فعالیت های جهادی خود ادامه داد.

در سال ۱۳۶۸ پس از تأسیس «حزب وحدت اسلامی»، در شهر باستانی بامیان، معظم له حزب وحدت اسلامی افغانستان را مورد تأیید قرار داد. ایشان در سال ۱۳۷۰ به منظور شرکت در نخستین کنگره حزب وحدت اسلامی افغانستان، با تحمل مشکلات فراوان، همراه با جمعی دیگر از رهبران جهادی و اعضاء شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی افغانستان، عازم بامیان مرکز حزب وحدت اسلامی شد و تا منطقه (موسی قلعه) در داخل افغانستان به سفر ادامه داد، با تمام مشکلات و خطرات موجود، تصمیم به ادامه مسافرت داشت تا خود را به بامیان محل برگزاری کنگره برساند، اما با تقاضای مکرر همراهان، از ادامه سفر منصرف گردید و به جمهوری اسلامی ایران برگشت. حضرت آیت الله العظمی محقق (مد ظله) در حمل (فروردین) ۱۳۷۱ از سوی حزب وحدت اسلامی افغانستان به عنوان دبیر شورای عالی نظارت بر حزب وحدت اسلامی انتخاب شد.

بازگشت به کابل

بعد از پیروزی مجاهدین، معظم له در تاریخ (۱۳۷۱/۲/۲۰) عازم کابل می گردند و قریب به یکسال در کابل، در خطرناک ترین و حساس ترین شرایط، مشغول به خدمت می شود. ایشان در مدت حضور در کابل نماز با شکوه جمعه را اقامه می کنند و در راه برپائی این فریضة عبادی - سیاسی اسلام، از هر خطری استقبال نموده،

حتی زمانی که دشمن منطقه و مسیرهای عبور و مرور را موشک باران می کردند، ایشان این فریضه الهی را برپا می نمودند.

مسجدی که نماز جمعه در آن اقامه می شد، دقیقاً در تیررس دشمن بوده و دائماً مورد حملات موشکی قرار می گرفت. منزل محل اقامت ایشان دائماً هدف گلوله های دشمن قرار می گیرد و قسمتی از منزل ایشان خراب می شود. موشک هایی در مجاورت منزل ایشان اصابت نموده و عده ای از مردان و زنان مسلمان و شیعیان بی گناه به شهادت می رسند.

عزیمت به ایران و پذیرش مرجعیت

حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی (مدظله العالی) پس از اقامت یکساله در کابل، بهار سال ۱۳۷۲ به کشور جمهوری اسلامی ایران مراجعت نمودند. پس از بازگشت ایشان به ایران در شهرهای مختلف از طرف مهاجرین مقیم ایران استقبال باشکوهی از معظم له صورت گرفت. ایشان که در اخلاص، صداقت، تقوا، تعهد، فضل و علم زبانزد است و شیعیان افغانستان به ایشان اعتقاد و اطمینان راسخ داشتند و دارند. لذا مجدداً از ایشان تقاضا نمودند که رسالت سنگین و خطیر مرجعیت شیعیان افغانستان را بپذیرند. با توجه به این درخواست شیعیان و خصوصاً روحانیت، مدرسین و طلاب، معظم له احساس وظیفه شرعی نموده و در تاریخ ۱۳۷۳/۶/۲۳ هجری شمسی، این رسالت سنگین را پذیرا شدند و توضیح المسائل ایشان در ۶۶۴ صفحه و ۳۱۰۳ مسأله به چاپ رسید.

این تصمیم ایشان از سوی اقشار مختلف مردم شیعه افغانستان مورد استقبال واقع شده و رساله عملیه معظم له به منازل شیعیان سراسر کشور راه پیدا کرد. ایشان پس از مدتی نه چندان طولانی، حمایت مالی از طلاب و علمای افغانستان را با اعطای شهریه در ایران، افغانستان و پاکستان آغاز نمود. دفاتر معظم له در سالهای اخیر در شهرهایی چون: مزار شریف، کابل، هرات، کویته و... افتتاح شد.

ص: ۲۵۲

پس از مرجعیت ایشان، هزاران استفتاء از طرف مهاجرین افغانستانی مقیم جمهوری اسلامی ایران، پاکستان، کشورهای عربی، اروپایی، شرق آسیا و... همچنین از داخل افغانستان صورت گرفته و توسط واحد پاسخ به سؤالات دفتر ایشان با نظارت مستقیم معظم له پاسخ داده شده و از این طریق، بسیاری از ابهامات و مسائل شرعی حل گردید و مؤمنین به وظایف شرعی خود آگاه شدند.

بر کرسی تدریس

یکی از ویژگی های بارز حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی (مدظله العالی) نظم دقیق در کارها است. ایشان علاوه بر خدمات ارزشمندی که در دوران هجرت برای کمک به جبهه های جهاد و اتحاد بین احزاب و نیز کارهای پژوهشی که داشتند، از تدریس نیز غفلت نکردند و با نظم خاصی، به تدریس پرداختند.

معظم له در حوزه علمیة نجف اشرف در شرایطی که در حلقات درس خارج اساتید حوزه علمیة نجف شرکت می نمود، به تحقیق و تدریس نیز مشغول بود. ایشان کتابهایی چون: شرح لمعه شهیدین، قوانین، رسائل و مکاسب شیخ انصاری و کفایه الاصول را برای طلاب علوم دینی تدریس می نمود.

در دوره اول حضور در ایران، نیمی از وقت خود را به تحقیق و تدریس در حوزه علمیة قم اختصاص داده و در سالهای آغازین ورود به قم کتابهای رسائل و مکاسب را تدریس می نمودند.

حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی (مدظله العالی) پس از پذیرش مسئولیت خطیر مرجعیت، درس خارج فقه خود را در حوزه علمیة قم، از اول کتاب خمس در حسینیة نجفی ها شروع نمودند که با استقبال گرم علماء، طلاب، فضلاء و مدرسین حوزه علمیة قم مواجه گردید. با توجه به اینکه ایشان در رشته های مختلف علمی چون: ادبیات عرب، اصول، فقه، رجال و کلام تسلط و ید طولایی دارند، لذا در تدریس، نخست نظرات و دیدگاه های دیگران را با دقت و قدرت علمی بررسی و

تحلیل نموده، سپس دیدگاه خویش را بیان می کنند. معظم له بعد از پذیرش مقام مرجعیت، بدون وقفه (غیر از ایام تعطیلی حوزه) مشغول تدریس فقه می باشند و تا کنون کتاب های خمس، اجتهاد و تقلید، و کتاب طهارت و... را تدریس نموده و بنا به اقتضاء شرایط افغانستان و ضرورت قضاوت در آنجا کتاب قضاء را نیز تدریس نموده اند.

آثار

۱. رساله عملیه (توضیح المسائل)؛

۲. مباحث الفقهیه (جلد ۴)؛

۳. کتاب الخمس؛

۴. استفتائات جدید؛

۵. وظیفه القضاء؛

۶. منهاج الصلحاء؛

۷. تحریر العروه؛

۸. نصایح اخلاقی؛

۹. آموزش احکام بانوان؛

۱۰. مناسک حج.

منابع: سایت اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی، ناصرری داوودی، دکتر عبدالمجید، مشاهیر تشیع در افغانستان، ج ۳، مرکز بین المللی و نشر المصطفی، اول، ۱۳۹۰. جامعه روحانیت مبارز افغانستان، مرجعیت رمز بقاء تشیع، (نگاهی به شخصیت علمی و جهادی حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی «مدظله العالی») بیجا، جامعه روحانیت، تابستان ۱۳۷۴.

ص: ۲۵۴

تقریظ آیت اللہ خوئی بر کتاب شریف «تحریر العروہ» آیت اللہ محقق کابلی

ص: ۲۵۵

(جاغوری ۱۲۸۴ ش - قم ۱۳۶۵ ش)

آیت الله علامه محمدعلی مدرس افغانستانی، فرزند مرادعلی، در قریة «خاربید» از توابع ولسوالی جاغوری، متولد شد. مرحوم مرادعلی، فردی متدین بود که شغل نظامی گری داشت. در رابطه با ایشان چنین گفته اند که: در مسافرتی که جمعی از صاحب منصبان، عده ای زندانی را همراهی می کرده اند، به نهری می رسند که بر روی آن پلی وجود نداشته است. افسری دستور می دهد که مردها زنان را بر پشت خود حمل کرده از آب بگذرند. «مرادعلی» این دستور را قبول نکرده و می گوید: یا زنان را آزاد نمایید، یا وسیله ی عبور آنها را از آب فراهم نمایید، درست نیست که مردان به زنان نامحرم تماس بگیرند.

اطاعت نکردن از فرمان مافوق، باعث گردید که میان «مرادعلی» و افسر مافوق، درگیری لفظی صورت گیرد، و مرادعلی بر روی افسر مافوق خود اسلحه بکشد.

به خاطر این اقدام مرادعلی، وی را در دادگاه نظامی محاکمه و محکوم به اعدام

می کنند، تا فرارسیدن روز اجرای حکم وی را در قلعه ای حبس می کنند، دوستان و نزدیکان مرادعلی وقتی که از محکومیت ایشان مطلع می شوند، با ترفند خاصی ایشان را فراری می دهند، وی پس از نجات از حبس، مخفیانه به خانواده خود سری می زند، تا به همراه همسر و فرزندش کشور را ترک کند، اما کمی پیشتر همسرش به رحمت حق رفته، وی فرزندش محمدعلی را که هنوز شیرخوار بوده، برداشته به روسیه می رود.

وقتی وارد روسیه می شود، انقلاب کمونیستی در آنجا رخ می دهد، کار بر مرادعلی سخت تر می شود، برای ماندن در روسیه و رفتن از آنجا متحیر می شود که چکار کند؟ در آنجا بماند جان خود را نجات دهد، یا از آنجا رفته و عقاید فرزندش را که اگر بزرگ شود به خطر می افتد نجات دهد. پس از مدتی اقامت در روسیه، سفری دیگر آغاز می کند، به قصد اقامت در جوار امام رئوف و زیارت آن حضرت از مرز «سرخس» وارد ایران شده و در مشهد مقدس سکنی می گزیند.

علامه مدرس، در پانزده سالگی تحصیل علوم را آغاز کرد، با استعداد سرشاری که داشت در مدت سه سال، در حوزه علمیه مشهد مقدس، علوم صرف، نحو و منطق را نزد مرحوم ادیب نیشابوری اول و دوم آموخت.

بیش از ۱۸ سال از عمرش نگذشته بود که پدرش را از دست داد، یک سال بعد از این اتفاق به قصد تحصیل در نجف اشرف، راهی عراق شد. مرحوم مدرس قصد خود را با یکی از طلاب که از دوستانش بوده در میان می گذارد، وی نیز ابراز می کند که می خواهد در این سفر همراهش باشد.

استاد در راه نجف

علامه مدرّس نذر می کند که با پای پیاده به کربلا برود. در روز اربعین حسینی همراه با رفیقش مشهد مقدس را به قصد عراق ترک می کند. بعد از چند روز پیاده روی، به شهر نیشابور می رسند، هم سفر استاد با توجه به سختی های مسیر و نبود

اراده مستحکم، نظرش عوض می شود و به مشهد مقدس بازمی گردد، مرحوم استاد مدرس رفیقش را تا مشهد همراهی می کند و خود دوباره عازم سفر می شود.

علامه در این سفر، قبل از آنکه به شهر مقدس قم برسد، در سی کیلومتری این شهر، در کاروانسرای مریض می شود، پس از گذشتن چند هفته از این اتفاق، مرحوم آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری (ره) از این اتفاق با خبر می گردد، مرحوم آیت الله حائری علامه مدرس را به قم آورده و در مدرسه دارالشفای جای داده و تحت درمان قرار می دهد.

پس از بهبودی کامل استاد، از آیت الله حائری و طلابی که در این مدت به ایشان کمک کرده بودند، قدردانی نموده راهی نجف اشرف می شود.

وقتی به مرز عراق می رسد، سه بار توسط مرزبانان عراقی دستگیر و به مرزبانان ایرانی سپرده می شود، در مرتبه چهارم استاد موفق می شود که از مرز بگذرد و خود را به کاظمین برساند، یک ماه در شهر کاظمین مشغول به کار می شود. سپس عازم دیار محبوب، کربلای معلی شده، سرانجام بعد از یک سال تحمل درد و رنج و گرسنگی و مریضی، در روز اربعین سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) خود را در کنار حرم با صفای مولایش می بیند، سه روز بیشتر در آنجا توقف نمی کند، بعد از زیارت مرقد مطهر امام حسین (علیه السلام) و ابوالفضل العباس (علیه السلام) عازم نجف اشرف می شود.

ایام نجف

مرحوم علامه مدرس، با ورود به شهر مقدس نجف تحصیلات خود را آغاز نمود، در حدود دو سال، شبها را در گوشه های صحن حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به صبح می رساند، برای استحمام و شستن لباس هایش، جمعه ها بعد از نماز صبح، بسوی کوفه در حدود پانزده کیلومتری نجف می رفت و در نهر فرات خود و لباس هایش را شستشو می کرد. یک مرتبه وقتی لباس خود را می شسته به علت کهنگی و مندرس

بودن لباس در حین فشار دادن، لباس ها، از چند جا پاره می شود. به ناچار خود را درون عبا پیچیده و به نجف باز می گردد. شخصی ملتفت حال استاد شده چند متر کرباس به وی می دهد تا برای خود لباس بدوزد.

در این دو سال، حقوق استاد دو قرص نان بوده، غذایش همان آب و نان بوده است. در این مدت جز در مجالس دعوت و نذورات غذای پخته تناول نکرده است. مرحوم مدرس مدتها کتاب درسی نداشته و در هر کلاسی که می رفته، از کتاب دیگران استفاده می نموده است.

اساتید

علامه مدرس افغانستانی، با تلاش و سخت کوشی فراوان به مدارج علمی بالایی رسید و در مدت تحصیل در حوزه علمیّه نجف، از اساتید و شخصیت های بزرگ آن سامان بهره برد، عالمان بزرگی چون حضرات آیات؛ شیخ محمد رشتی، بادکوبه ای، آقا ضیا عراقی، نائینی، شیخ محمد حسین کاشف الغطاء، سید ابوالحسن اصفهانی، محمدعلی کاظمی، سید محسن حکیم، و سید ابوالقاسم خویی، که در حوزه پربار نجف، نور افشانی می کردند و مرحوم مدرس هم از آنها خوشه چینی می نمود.

مقام علمی استاد

مرحوم علامه مدرس، با تقوا و پرهیزکاری همراه با استقامت و پایداری و تحمل سختی ها و مشقّت ها موفق شد در سطح بالای از علم و دانش دست یابد، و در زمان خودش زبانزد شود، از بزرگان و مراجع بزرگ شیعه، اجتهاد نامه ها و اجازه نامه هایی را دریافت کند. شخصیت های بزرگی چون آیت الله آقا ضیا عراقی، آیت الله العظمی نائینی، آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی، آیت الله العظمی محمدعلی کاظمی، شیخ آقا بزرگ تهرانی، آیت الله العظمی خوئی و آیت الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر، از اساتید اجازه مرحوم علامه مدرس افغانستانی است.

ص: ۲۵۹

مرحوم علامه مدرّس، پس از سال‌ها فراگیری و تدریس در حوزه نجف اشرف، به دستور مرجع تقلید شیعیان جهان، حضرت آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، در سال ۱۳۱۷ ش، برای تحول و سر و سامان دادن مدارس افغانستان به موطن اصلی اش بازمی‌گردد، حوزه علمیه ای در زادگاهش تأسیس کرد و مدت پنج سال در آنجا به تربیت و آموزش طلاب جوان مشغول شد.

اقامت علامه مدرس در افغانستان پنج سال طول کشید، سپس به نجف بازگشت. این بار به دستور مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی برای تدریس به سامرا رفت، مدت اقامت و تدریس استاد در سامرا دو سال طول کشید. بعد از دو سال تدریس در سامرا، این بار به عنوان وکیل تام‌الاختیار مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی (ره) عازم افغانستان شد. یک سال از اقامت استاد در افغانستان گذشته بود که مرحوم آیت الله اصفهانی به رحمت حق پیوست، مرحوم علامه مدرس یکسال دیگر در افغانستان ماند و در سال ۱۳۲۶ ش، به نجف اشرف مراجعت کرد و به تدریس مشغول شد.

در زندان رژیم بعث عراق

از سال ۱۳۵۰ ش، به بعد بود که رژیم بعثی حاکم بر عراق، به بهانه های مختلف، دست به آزار و اذیت طلاب و روحانیون زد، عده ای را دستگیر و زندانی کرد. مرحوم مدرس هم از آزار و اذیت رژیم حاکم در امان نماند. در سال ۱۳۵۳ ش، شبانگاه به خانه استاد مدرّس هجوم برده، ایشان را با بخشی از اجازه نامه های اجتهاد و دستنوشته ها با خود بردند، چند روزی را در زندان بعثی گذراند و بعد از آزادی بازهم به تدریس ادامه داد.

چند ماهی از این اتفاق نگذشته بود، که نیروهای بعثی، برای بار دوم استاد را دستگیر و به زندان انداختند، بعد از چندین روز شکنجه و آزار، استاد را مجبور کردند

که از عراق خارج شود، مرحوم مدرس پس از رهایی از دست بعثی ها در سال ۱۳۵۴ ش، وارد کشور ایران شد.

استقرار در قم

با ورود آیت الله مدرس به ایران، عده ای از علمای مشهد که با توان و بیان استثنایی علامه مدرس آشنایی داشتند و نیز بستگان علامه اصرار داشتند که مرحوم علامه در مشهد ساکن شود تا طلاب حوزه علمیه مشهد از وجود ذیجودش مستفیض شوند. اما به علت تقاضای علما و مراجع قم، آیت الله مدرس در شهر مقدس قم ساکن شد و از سال ۱۳۵۴ ش، تا زمانی که بدرود حیات گفت، در شهر مقدس قم به تدریس اشتغال داشت. در هر روز نزدیک به ۱۰ درس برای طلاب تدریس می کرد.

ویژگی های استاد

مرحوم علامه مدرس افغانستانی، از ویژگی ها و سجایای اخلاقی بسیاری بهره مند بود که برای نمونه به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف. اراده قوی

آیت الله مدرس از اراده فوق العاده ای برخوردار بود، وقتی تصمیم می گرفت کاری را انجام دهد، آن را با جدیت و پشتکار مثال زدنی ادامه می داد، تا به نتیجه برسد و هیچ کاری را نا تمام رها نمی کرد.

ب. بلند همتی

آیت الله مدرس دارای همت بسیار بلندی بود، سختی و مشقت را به جان می خرید، اما از کسی در خواست نمی کرد.

ج. تقوا و ساده زیستی

حقیقتاً مرحوم علامه، همه تلاشش برای رضای خداوند بود، هیچگاه برای خوشنودی کسی غیر از خداوند چیزی نگفت و نوشت، پارسایی پیشه کرد، برای

ص: ۲۶۱

جمع آوری اموال دنیا خود را به زحمت نینداخت، زندگی عارفانه و زاهدانه را انتخاب کرد.

د. حفظ هویت

از ویژگی های مهم و برجسته استاد، حفظ هویت خویش است، وی ملقب به مدرس افغانستانی بود، ایشان به این لقب افتخار می کرد.

ه. - نظم و انضباط

راز موفقیت هرکسی در پایبندی و به برنامه است، از ویژگی های مرحوم مدرس، داشتن نظم در کارها است، چه در زمان تحصیل و چه در هنگام تدریس، گرفتاری ها برنامه هایش را مختل نمی کرد. ایشان سر وقت برای تدریس حاضر می شد و سر وقت هم درس را تمام می کرد.

و. تواضع و فروتنی

علامه مدرس با اینکه از نظر علم و دانش در اوج بود، بیش از نیم قرن سابقه تدریس داشت، خودش را وقف خدمت به حوزه و جامعه کرده بود، قلم بسیار توانایی داشت، به علاوه در حوزه ها و مراکز علمی از احترام خاصی برخوردار، اما متواضع و فروتن بود. وقتی در مجالس عمومی شرکت می کرد، هر جا جای خالی وجود داشت می نشست. در برخوردها با همه، اخلاص و صمیمیت داشت، در مهمانی ها اگر با برنامه درسی اش تقارن نداشت شرکت می کرد، در مجالس ترحیم و تشییع آشنایان تا جایی که برایش مقدور بود، حضور پیدا می کرد.

ز. بیان استثنایی

یکی از موهبت های الهی به انسان بیان خوب است، بیان و قدرت انتقال مطلب و تفهیم علامه مدرس، استثنایی و منحصر به خودش است، ایشان با بیان عالی و شیرینش مشکل ترین مطالب درسی را به شکلی به شاگردان منتقل می کرد که همه فکر می کردند مطلب بسیار ساده و راحت است و نیاز به مطالعه و مباحثه ندارد،

ص: ۲۶۲

همین ویژگی باعث شده بود که جلسه درس ایشان پر رونق شود.

آثار

از مرحوم آیت الله مدرس، آثار چاپ شده و چاپ نشده به جا مانده است که عبارتند از:

۱. مکررات المدرس، شرح سیوطی، چهار جلد؛

۲. الکلام المفید للمدرس والمستفید فی شرح صمدیه؛

۳. المدرس الافضل فی المطول، هفت جلد؛

۴. شواهد المنتخبه؛

۵. رفع الغاشیه من غوامض الحاشیه؛

۶. اعراب سوره الغاتحه؛

۷. تصحیح و تعلیقه جامع المقدمات، دو جلد؛

۸. شرح شواهد سیوطی؛

۹. تکمله المکررات؛

۱۰. اعراب تمام قرآن (مخطوط)؛

۱۱. القواعد الادبیه فی توضیح شرح عوامل فی النحو؛

۱۲. القواعد النحویه در شرح عوامل ملاً محسن؛

شاگردان بعد از وفات

آیت الله علامه مدرس افغانستانی با اینکه در طول چندین سال تدریس در حوزه های علمیه نجف اشرف، سامرا، افغانستان، قم و مشهد چندین هزار طلبه، افغانی، ایرانی، پاکستانی، هندی، تبتی، بنگلادشی، عراقی، بحرینی، لبنانی، سعودی، و آفریقایی و... از وجود نورانی اش بهره ها بردند، خوشبختانه در حدود چهار هزار نوار کاست درسی از ایشان در نوارخانه ها و کاست فروشی ها موجود است که به طور یقین در طول سال های آتی این کاست ها ده ها هزار شاگرد دیگر را تربیت و تحویل

اجتماع خواهد داد و آوازه علمی آیت الله مدرس افغانستانی در مسند تدریس و انتقال علم در تاریخ جاودانه خواهد ماند.

وفات

سر انجام مرحوم علامه مدرس در اثر بیماری تنفسی، در سن ۸۱ سالگی در تاریخ ۱۳۶۵/۶/۵ ش، در شهر مقدس قم در جوار کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (س) دار فانی را وداع گفت و به دیار باقی شتافت، روحش شاد.

منابع: جوادی غزنوی، سید محمد عیسی، زندگی نامه استاد علامه مدرس افغانی، (یادنامه استاد ادبیات عرب علامه مدرس افغانی)، ص ۴۷ ۲۳؛ قم، دفتر تبلیغات اسلامی، تابستان ۱۳۶۶؛ شفائی، حسین، معجزه انقلاب و فرهیختگان، صص ۹۱ ۷۳، بیجا، انتشارات عرش اندیشه، اول، تابستان ۱۳۸۲؛ امینی، محمد هادی، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف خلال الف عام، ج ۳، ص ۱۱۸۱؛ محمد شریف رازی، گنجینه دانشمندان، ج ۸، ص ۲۳۹ ۲۳۷؛ حسینعلی یزدانی، دایره المعارف الاسلامیه الشیعیه، محسن امین، جلد ۵، ص ۳۲۰؛ فاضلی، حسین، افغانستان، تاریخها، رجالاتها، ص ۲۹۸ ۲۸۸؛ محمد سرور جوادی، اختران علم و دانش، هفته نامه وحدت، ش ۱۲۳ ۱۲۰، ۱۳۷۲ ش، ص ۸ و ۹؛ ناصری داوودی، عبدالمجید، مشاهیر تشیع در افغانستان، ج ۱، ص ۱۸۱ ۱۷۳؛ قربانعلی فصیحی و علی مدد شریفی، عالمان شیعه غزنی، ج ۳، ص ۳۹۱ ۳۸۴؛ تهران، عرفان، اول، ۱۳۹۳؛ فرهنگ، سید محمد حسین، جامعه شناسی و مردم شناسی شیعیان افغانستان، صص ۳۲۵ ۳۲۴؛ معصومی، جوادی، گوهر ادب، ۱۳۸۳ ش؛ پایگاه اطلاع رسانی جاغوری.

ص: ۲۶۴

تصویری از استاد علامه مدرس افغانستانی در جمع علما

تصویری دیگر از استاد علامه مدرس افغانستانی در جمع علما

ص: ۲۶۵

انعکاس خبر رحلت علامهٔ مدرس در جرید اردو زبان

ص: ۲۶۶

اجازة آيت الله محمدعلي كاظمي خراساني (ره) به علامه محمدعلي مدرس افغانستاني به تاريخ ۱۱ جمادى الاولى ۱۳۶۴ ق

ص: ۲۶۷

اجازة دیگری از آیت الله محمدعلی کاظمی خراسانی (ره) به علامه محمدعلی مدرس افغانستانی به تاریخ ۸ جمادی الاولی

۱۳۶۴ ق

ص: ۲۶۸

اجازة روایی آیت الله خوئی به علامه مدرس افغانستانی به تاریخ ۳ جمادی الثانی ۱۳۸۸ ق

ص: ۲۶۹

اجازة شيخ آقا بزرگ به علامه مدرس افغانستانی به تاریخ ۲۵ شعبان ۱۳۸۸ ق

ص: ۲۷۰

اجازة آيت الله سيد محمد باقر صدر به علامه مدرس افغانستانى به تاريخ ۲ رمضان ۱۳۹۴ ق

ص: ۲۷۱

نمونه از دستخط استاد علامه مدرس افغانستانی به تاریخ جمادی الثانی ۱۳۹۱ ق

ص: ۲۷۲

تصویری از سنگ قبر استاد علامه مدرس افغانستانی

ص: ۲۷۳

(بہسود ۱۳۱۲ کاشان ۲۹ آبان ۱۳۷۷ ش)

مرحوم آیت اللہ حیدرعلی مدرسہ بهسودی فرزند سیفعلی در یکی از روزهای سال ۱۳۱۲ شمسی در روستای «حلواقل» بهسود از توابع ولایت «میدان وردک» در یک خانواده فقیر اما متدین چشم به جهان گشود. ایشان پس از رسیدن به سن تحصیل، به مکتب خانہ محل رفت، حیدرعلی نزد آخوند محل، قاعدہ بغدادی، قرآن مجید و برخی کتابهای فارسی مثل پنج کتاب و دیوان حافظ را فرا گرفت. پس از این مرحله به فراگیری ادبیات عرب پرداخته و با آموختن صرف و نحو نزد مدرسان آن زمان، خود را به ساحل بی پایان علوم اہلبیت (علیہ السلام) نزدیک کرد. استادش مرحوم «حاج سید حسین علی حسینی» یکی از کسانی است کہ در این مدت بر وی تأثیر گذاشت.

سفر به کابل

روستای حلواقل پاسخگوی ذہن جویا و فکر خلاق وی نبود، حیدرعلی آوازہ

ص: ۲۷۴

حوزه علمیه کابل را شنیده بود، لذا راهی آن دیار شده و سطوح متوسط و عالی حوزه را نزد اساتید بنام آن سامان فرا گرفت. ایشان رسائل و مکاسب را از محضر آیت الله شیخ عزیزالله غزنوی بهره برد. منظومه سبزواری را در محضر آیت الله سید احمد عالم تلمذ کرد و کفایه را از مرحوم آیت الله شهید سید سرور واعظ بهسودی و مرحوم آیت الله سید میر علی احمد حجت کابلی (ره) استفاده کرد.

سفر به مشهد رضوی

مرحوم حیدرعلی مدرسی در سن ۲۰ سالگی از کابل به حوزه علمیه مشهد مقدس هجرت کرد و مدت ۶ سال در آن حوزه رحل اقامت افکند. راجع به اینکه آن مرحوم چه درس هایی را در مشهد گذرانده، اطلاع دقیقی در دست نیست، اما گفته شده که ایشان از شاگردان خصوصی ادیب نیشابوری بود. و نیز در این مدت شش سال، مسافرت هایی که منافات با تحصیل داشته برای وی پیش آمده است.

سفر به مشهد علوی

آیت الله مدرسی بهسودی (ره) در سال ۱۳۴۰ شمسی مشهد مقدس را به قصد نجف اشرف ترک کرد، پس از ورود به شهر مقدس نجف، تحصیلات عالی خویش را پی گرفت، وی با جدیت تمام به کسب معارف اهل بیت (علیه السلام) پرداخت. ایشان بعضی از دروسی را که در کابل گذرانده بود، مجدداً در نجف آنها را تثبیت کرد. اساتیدی که ایشان از محضر آنها در این شهر کسب فیض کرده است عبارتند از:

۱. آیت الله شیخ صدرا بادکوبه ای (مکاسب و کفایه الاصول)

۲. شیخ حسن لبنانی (رسائل به مدت چهار سال)

۳. آیت الله میرزا باقر زنجانی (خارج اصول، خارج کفایه)

۴. امام خمینی (ره) (خارج فقه و مکاسب)

۵. سید محمد باقر صدر (جلد اول کفایه و خارج اصول) به مدت یازده سال.

۶. آیت الله سید ابوالقاسم خویی، (جلد دوم کفایه و خارج فقه)

ایشان علاوه بر دروس اصلی حوزه، در نجف اشرف علوم دیگری چون فلسفه، تفسیر قرآن و عقاید را نیز فرا گرفت.

حکمت و فلسفه را از محضر بزرگانی چون شیخ صدرا بادکوبه ای و شیخ عباس قوچانی و سید عباس خاتم یزدی آموخت.

شرح منظومه را از محضر آیت الله شیخ هاتف قوچانی و تفسیر قرآن را از سید مصطفی خمینی و سید محمدعلی لبنانی و عقاید را نزد آیت الله سید محسن طباطبایی حکیم تلمذ نمود.

برقله اجتهاد

مرحوم آیت الله مدرسی پس از سالها تلاش و تحقیق و تتبع، به مقام بلند اجتهاد نائل آمد. بزرگانی چون آیت الله شیخ صدرا بادکوبه ای و آیت الله مدرسی به ایشان اجازه اجتهاد دادند. علاوه بر این، بزرگان دیگر نیز به ایشان اجازاتی در «نقل حدیث» و «امور حسبیه» داده اند که متأسفانه در سال ۱۳۵۷ شمسی که کمونیستهای جنایتکار در افغانستان علما را شکنجه و اعدام می کردند، این مدارک در جای خاصی دفن شده بود که به مرور زمان در اثر رسیدن آب و رطوبت از بین رفته است.

بازگشت به کابل و هجرت دوباره به ایران

در دورانی که فشار حزب بعث بر علما و طلاب نجف شدت گرفت و ماندن در آنجا برای علما سخت شد، آیت الله مدرسی بهسودی هم نجف را ترک کرد و به کشور بازگشته و شهر کابل را برای فعالیت های علمی و فرهنگی خود برگزید. مرحوم مدرسی با استقرار در کابل با همکاری دو تن از دوستانش، حجه الاسلام سید عابدین هاشمی و شیخ غلام نبی فاضل، مدرسه علمی «مهدویه» را در سال ۱۳۵۵ ه - ش، تأسیس کرد. ایشان در کنار همین مدرسه، مسجدی نیز به همین نام ساخت که خود در آن به تدریس و تربیت فرزندان مسلمان مشغول بود. در سال

۱۳۵۷ شمسی که کشور در آتش فتنه کمونیست ها گرفتار شد، وی مجبور به ترک کشور، و پس از آن، وارد کشور جمهوری اسلامی ایران گردید، فعالیت های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اش را در حوزه علمیة قم پی گرفت.

بر کرسی تدریس

یکی از ویژگی های برجسته مرحوم آیت الله مدرسی بهسودی تدریس علوم دینی بود. آن مرحوم آموخته های خود را با بیانی شیرین، شیوا، ساده و ستودنی به دیگران منتقل می کرد، ایشان در حوزه ها و مناطق مختلف برای تشنه گان معارف اهل بیت (علیه السلام) کلاس درس دایر نمود.

۱. حوزه علمیة کابل، آن مرحوم در دوران اقامتش در حوزه علمیة آن شهر، کتابهای شرح لمعه، مکاسب و کفایه را تدریس نمودند.

۲. در حوزه علمیة نجف اشرف کتابهای حاشیه ملا عبدالله، اصول فقه، شرح لمعه و رسائل را تدریس می کرد.

۳. در حوزه علمیة قم و در مدرسه مبارکه فیضیه دروسی چون: منطق (حاشیه ملا عبدالله)؛ معالم الاصول، اصول فقه، و شرح لمعه را برای طلاب جوان و جویای علم درس می گفتند.

۴. مرحوم مدرسی با پیشنهاد شورای مدیریت حوزه علمیة قم و تقاضای عده ای از علما و طلاب، در سالهای ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۲ ش، در حوزه علمیة گلباف به تدریس و تربیت طلاب مشغول بودند.

۵. حوزه علمیة بم

زمانی که مرحوم مدرسی بهسودی در شهرستان گلباف به ایفای وظیفه مشغول بود، شورای مدیریت حوزه علمیة قم پیشنهاد جدیدی به ایشان مطرح کرد، به وی پیشنهاد شد که برای اداره امور طلاب در رأس حوزه علمیة شهرستان بم قرار گیرد. وی در سال ۱۳۶۳ ه - ش، به شهرستان بم رهسپار شده و سالها در این شهر به

ص: ۲۷۷

تدریس، تربیت و ارشاد پرداخت. ایشان در حوزه علمیّه شهرستان بم دروسی چون: اصول فقه و شرح لمعه را برای طلاب جوان، رسائل، مکاسب و کفایه را برای علمای شاغل، حکمت و فلسفه را برای اساتید دانشگاه این شهر تدریس می کرد. ایشان درسهایی در زمینه اخلاق و عقاید هم داشتند.

فعالیت های مرحوم مدرسی در شهرستان بم، بیشتر در حوزه علمیّه قائمیه و مکتب الزهرا (س) و همچنین در دو مسجد «جامع صاحب الزمان» و «امام خمینی» انجام می شد. حاصل حضور چهارده ساله ایشان در این شهرستان، پرورش و تربیت ده ها طلبه فاضل و فعّالی است که بسیاری از این افراد در این شهرستان و شهرستانهای دیگر به فعالیت های فرهنگی و دینی مشغول هستند. و تعدادی از آنها هم اکنون در حوزه علمیّه قم مشغول کسب مدارج بالای علمی می باشند.

آن مرحوم در شهرستان بم علاوه بر فعالیت های یاد شده؛ به اقامه نماز جماعت، پاسخگویی به مسائل شرعی؛ ایراد سخنرانی و تبلیغ معارف دینی؛ حل و فصل دعاوی و راه اندازی مجالس عزاداری نیز پرداختند.

ویژگی ها

۱. تواضع و فروتنی

آیت الله مدرسی از عالمان متدین و متواضع بود، ایشان با اینکه انسان فاضل و از توانایی علمی بالایی برخوردار بود، هیچ گاه تکبر و غرور به وی دست نداد. این ویژگی را آن عالم بزرگ عملاً در رفتار ثابت کرد.

هر زمان از ایشان خواسته می شد که به حوزه علمیّه ای رفته و تدریس نماید، وی بدون توجه به دوری راه، سختی و دشواری خدمت در آن منطقه، اعلام آمادگی می کرد و با عشق و پشتکار تحسین بر انگیزی به انجام وظیفه می پرداخت.

هنگامی که آن عالم بزرگ در حوزه علمیّه نجف اشرف مشغول به تحصیل بود، وقتی می شنید که فلاخن مرد کشاورز و کارگر یا طلبه ای که قبلاً در افغانستان

شاگردش بوده و حالا برای زیارت به کربلا آمده، خودش را از نجف به کربلا می‌رساند و آن شخص را پیدا کرده و از او به گرمی پذیرایی می‌کند.

از خصوصیات دیگر ایشان این بود که با فروتنی کارهایش را خود انجام دهد و به عهده کسی دیگر نگذارد، فرزند ایشان در این مورد چنین می‌گوید: «بارها دیده بودم که خود لباس هایش را می‌شست و در صورت لزوم، پارگی آنها را می‌دوخت. می‌گفتم: به اهل منزل بدهید؛ شستن و دوختن وظیفه آنهاست. در پاسخ می‌گفت: «فعلاً خودم می‌توانم لباس هایش را بشویم و بدوزم».

۲. محبت اهل بیت (علیه السلام)

مرحوم آیت الله مدرسی عاشق اهل بیت (علیه السلام) بود، دلدادگی او به آن خاندان مکرم باعث شده بود که روزهای جمعه در منزلش عزای امام حسین (علیه السلام) را برپا کند و نیز در ایام ولادت ائمه (علیه السلام) جشن می‌گرفت و در ایام شهادت آن بزرگواران مجلس روضه برگزار می‌کرد. ایشان در مداومت خواندن زیارت عاشورا تأکید داشت، فرزندش در این باره می‌گوید: «یکی از برنامه‌های دائم مرحوم والد در شهر بم، خواندن زیارت عاشورا قبل از اذان صبح بود. وی به طور حتم خصوصیات شگفت این زیارت را لمس کرده بود و به ما نیز سفارش می‌کرد تا قرائت آن را ترک نکنیم».

نامبرده ارادت خاصی به آستان مقدس حضرت معصومه (صلی الله علیه و آله) داشت. فرزندش می‌گوید: «مرحوم والد هنگامی که ساکن قم بود، هر روز قبل از اذان صبح راه نسبتاً طولانی خانه تا حرم را می‌پیمود و به حرم حضرت معصومه (س) مشرف می‌شد».

وی به امام زمانش عشق می‌ورزید. فرزند ارجمندش می‌گوید: «به امام زمان (علیه السلام) علاقه عجیبی داشت. حتی عصر روز جمعه ای که برای آخرین بار، به سوی شهرستان بم می‌رفت؛ از امام زمانش غافل نبود. در همان ساعت حرکت، یکی از

اعضای خانواده اش خواهش کرده بود مسافرت را به روز بعد موکول نماید. اما او گفته بود: «اکنون عصر جمعه است و متعلق به امام زمان است. من باید در این روز بروم» درحالی که ذکر امام عصر را زیر لب داشت، از منزل خارج شد. هنوز ساعاتی نگذشته بود که آن حادثه تلخ را شنیدیم».

۳. صبر و پشتکار مثال زدنی

مرحوم آیت الله حیدرعلی مدرسوی بهسودی تحملی عجیب داشت، فرزندش از قول یکی از دوستان پدرش نقل کرده است: «از آقای سید آقا حسن که در ایام تحصیل، همراه مرحوم پدرم بود؛ شنیدم: با اینکه استاد مدرسوی از نبود امکانات رنج می برد؛ اما چنان صابر و شکیب در شب های سرد زمستان به مطالعه و تحقیق می پرداخت که باور کردنی نبود. گاه مطالعاتش از سر شب تا صبح ادامه می یافت. در یکی از شب ها، هنگامی از مطالعه سر برداشت که همسرش برای نماز صبح برخاسته بود. استاد با دیدن او با تعجب پرسیده بود: «مگر صبح شده؟!».

ارتباط با امام خمینی (ره)

وی از شاگردان قابل اعتماد امام خمینی (ره) بود، ارتباط مکرر وی با امام (ره) توجه حضرت امام را جلب کرده بود. ایشان به امام عشق می ورزید و این عشق را با شرکت در جلسات و ملاقات های حضوری با امام خمینی (ره) بروز می داد. وی نماینده تام الاختیار و مورد اعتماد حضرت امام بود.

آثار

مرحوم مدرسوی بهسودی با اینکه از مدرسین بنام حوزه علمیه بود و سال ها در این سنگر مجدانه تلاش کرد، ولی در عین حال یک محقق برجسته هم بود، ایشان آثار ارزشمندی خلق کردند، مهم ترین آثار آن عالم بزرگوار چنین است:

۱. هدایه الاصول فی شرح کفایه الاصول (چهار جلد) این اثر وزین که بالغ بر ۱۸۰۰ صفحه است، تقریرات درس اصول استادش آیت الله شیخ صدرا بادکوبه ای

است. ایشان پس از ورود به حوزه علمیه قم، در حدود سالهای ۱۴۱۵ ق، تا ۱۴۱۸ ق، پس از تحقیق و بازنگری، این اثر را منتشر کرده است.

۲. توضیح الحاشیه در علم منطق، این اثر شرحی بر حاشیه ملا- عبدالله است که مرحوم مؤلف در زمان حضورش در نجف اشرف تألیف و منتشر کرده است.

آثاری که هنوز منتشر نشده است:

۱. شرح کتاب فرائد الاصول (رسائل شیخ مرتضی انصاری) در چند جلد؛

۲. تقریرات درس مکاسب حضرت امام (خارج فقه)؛

۳. تقریرات درس مکاسب آیت الله شیخ صدرا بادکوبه ای؛

۴. توضیح مشکلات فی اللمعه؛

۵. تقریرات جلد اول کفایه آیت الله سید محمد باقر صدر؛

۶. تقریرات جلد دوم کفایه آیت الله سید ابوالقاسم خویی؛

۷. شرح بر منظومه ملاهادی سبزواری؛

۸. علل پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ ش؛

۹. توضیح المسائل یا رساله عملیه؛

۱۰. احوالات علما از گذشته تا کنون؛

۱۱. یادداشت های مختصر در فقه، اصول، تفسیر، اقتصاد و... به صورت متفرقه.

سفر به ملکوت

زندگی پر بار این استاد فرزانه حوزه های علمیه سرانجام تلخی داشت، دفتر زندگی آن عالم خود ساخته عصر روز جمعه ۳۰ رجب المرجب ۱۴۱۹ ق، (۲۹ آبان ۱۳۷۷ ش) بسته شد. وی که برای تدریس و اداره طلاب بمی از شهر مقدس قم عازم آنجا بود. هنوز به شهرستان کاشان نرسیده بود که بر اثر حادثه تصادف رانندگی در سن ۶۵ سالگی از این دنیای فانی رخت بر بست و به سوی معبود خویش شتافت. پیکر پاکش، صبح روز سه شنبه چهارم شعبان المعظم ۱۴۱۹ ق، در شهر مقدس قم بر

تصویر سنگ قبر آیت الله مدرسی بهسودی

ص: ۲۸۳

اقامه نماز میت بر جنازه آیت الله مدرسی بهسودی توسط آیت الله شبیری زنجانی

ص: ۲۸۴

(بلخاب ۱۳۳۳ ش بلخاب ۱۳۸۷ ش)

مرحوم آیت الله سید محمدحسن مرتضوی بلخابی فرزند سید ابوالحسن معروف به شاه پیوند در سال ۱۳۳۳ ش، در قریه گورد، ولسوالی بلخاب، ولایت سرپل افغانستان در یک خانواده متدین و اهل علم به دنیا آمد. نسب ایشان با ۳۴ واسطه به امام زین العابدین علیه السلام می رسد. سید محمدحسن در سن شش سالگی خواندن و نوشتن را نزد پدر آغاز کرد و مقداری از ادبیات عرب را هم از ایشان فرا گرفت. در سن ده سالگی وارد حوزه علمیه عالمیه بلخاب شد و نزد آیت الله بلخابی و حجت الاسلام شیخ اسماعیل یکاولنگی و مرحوم استاد شیخ محمد حسین جوادی ادبیات و بعضی از علوم عربی را فرا گرفت. پس از مدتی برای تکمیل ادبیات عرب به حوزه علمیه شیخ محمد درّه صوفی رفت.

سفر به مشهد مقدس

نامبرده پس از مدتی که در حوزه های علمیه بلخاب و درّه صوف ادبیات عرب و مقدمات دروس حوزوی را فرا گرفت، برای رسیدن به مدارج بالاتر علمی راهی حوزه

ص: ۲۸۵

علمیه مشهد مقدس شد. پس از ورود به مشهد و حوزه علمیه این شهر، در درس های اساتید نامدار این سامان چون مرحوم ادیب نیشابوری و استاد حجت هاشمی خراسانی شرکت نموده و دروس سطح را به پایان رساند.

سفر به نجف اشرف

مرحوم سید حسن مرتضوی پس از اتمام دروس سطح در حوزه علمیه مشهد مقدس برای فراگیری سطوح عالیّه فقه و اصول و دروس خارج آن، در سال ۱۳۴۶ ه - ش، راهی نجف شد. نامبرده در حوزه علمیه نجف اشرف در دروس عالمان نامداری چون آیات عظام آیت الله خویی، آیت الله العظمی امام خمینی (ره) آیت الله العظمی شهید سید محمد باقر صدر، آیت الله فیاض افغانستانی و شیخ علی هروسه شرکت نمود. ایشان در سال ۱۳۵۴ ش، همانند بقیه علما به علت فشارهای حزب حاکم بعث عراق، حوزه علمیه نجف را ترک نمود.

اسکان موقت در قم

استاد مرتضوی پس از ترک عراق، وارد کشور ایران شد و در شهر مقدس قم سکنی گزید و در حوزه علمیه این شهر مشغول تدریس و تحقیق شد، پس از گذشت یکسال سکونت و فعالیت در قم، با کوله باری از علم و دانش به زادگاهش افغانستان مراجعت نمود.

بر کرسی تدریس

۱. بلخاب: مرحوم مرتضوی اواخر سال ۱۳۵۵ ش، حوزه علمیه قم را به قصد زادگاهش بلخاب ترک نمود. استاد مرتضوی قبل از مراجعت به وطن، در حوزه علمیه نجف و سپس در قم، ضمن فراگیری علم به تدریس نیز مشغول بود و از اواخر سال ۱۳۵۵ تا سال ۱۳۶۹ ه - ش، در حوزه علمیه بلخاب به تدریس پرداختند. به گواهی بزرگان اهل علم آن خطه، دوران حضور استاد در حوزه علمیه بلخاب از دوران پربار آن حوزه بشمار می رود. مرحوم استاد، در مدت اقامتش در بلخاب،

ص: ۲۸۶

شاگردان زیادی تربیت نمودند.

۲. استاد مرتضوی در سال ۱۳۶۹ ش، برای دومین بار به حوزه علمیه قم آمده و سالهای متمادی را در کنار تحقیق و تحصیل به تدریس پرداختند. ایشان یکی از اساتید رسمی سطوح عالی حوزه علمیه قم بودند که سنوات مختلف در مدرسه آیت الله گلپایگانی (ره)، یکی از حجره های حرم مطهر، مدرسه خان، مدرسه امام عصر (عج)، مرقد ابن بابویه و... مشغول به تدریس بودند. نگارنده خود افتخار شاگردی ایشان را دارد که کتاب میراث و کتاب قضاء کتاب شرح لمعه را در مدرسه دارالحسین نزد ایشان تلمذ نمودم.

استاد مرتضوی مدت ۳۴ سال از عمر بابرکت خود را به تدریس علوم دینی و تربیت شاگردان و پویندگان علوم اهل بیت (علیه السلام) سپری نمودند. استاد بزرگوار، چنانچه نگارنده خود شاهد بوده است، هیچ گاه از مقام استادی سوء استفاده نکردند، ایشان با آنکه مقام علمی بس ارزنده ای داشت، اما انسانی متواضع و فروتن بودند و همیشه خودشان را یک طلبه معمولی می پنداشتند.

فعالیت های سیاسی و اجتماعی

مرحوم استاد مرتضوی در کنار تدریس و تحقیق، از اوضاع و شرایط سیاسی - اجتماعی روز غافل نبود. همواره به این مسائل اهمیت می داد و توجهی خاص داشت و در مواقع لازم تصمیمی دست اتخاذ می نمودند.

۱. در سال ۱۳۵۸ ش، که انقلاب عظیم مردم متدین افغانستان بر علیه رژیم کمونیستی حاکم در مناطق مرکزی و صفحات شمال به رهبری حضرت آیت الله عالمی بلخابی آغاز شد، آیت الله مرتضوی بلخابی نیز یکی از شخصیت های محوری این قیام بود، وی می گفت: پیش از آغاز انقلاب، به درستی و نادرستی آن شک داشتم، تا شبی حضرت نوح (علیه السلام) را در خواب دیدم که در مکان بلندی ایستاده، خطاب به من فرمود: حکم قیام را از قرآن برایم بگو تا من حکم آن را از تورات و

زبور برایت بخوانم که قیام لازم است. از خواب بیدار شدم و پی به حقانیت این قیام بردم.

۲. ایشان در سال ۱۳۵۹ ش، پس از گسترش قیام، به ولایات دیگر و نیازمندی مردمان آنجا به قاضی جامع الشرایط، امر خطیر قضاوت را به مدت سه سال از سوی رئیس سابق دیوان عالی کشور جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله شهید دکتر بهشتی (ره) دریافت نمود، این حکم پس از شهادت شهید بهشتی به فرمان امام خمینی (ره) توسط حضرت آیت الله العظمی موسوی اردبیلی تنفیذ گردید، احتمالاً این حکم نخستین و آخرین حکم حکومتی حضرت امام (ره) در امر قضاوت در خارج از ایران باشد.

۳. وی مدت سه سال مسئولیت نمایندگی طلاب شمال افغانستان را در جامعه المصطفی العالمیه به عهده داشت.

۴. مرحوم مرتضوی در کشمکش ها و نزاعها با بی طرفی کامل، برای ایجاد صلح میان احزاب تلاش می کرد. سران و بزرگان احزاب سیاسی همواره با دید احترام به وی نگریسته و نظرات ایشان را به عنوان مصلح قبول می کردند. نقش برجسته او در صلحی که در جنگ عبدالکان و آب کلان به وقوع پیوست. بسیار روشن است و نیز در سال ۱۳۸۲ دو جناح از حزب وحدت اسلامی در بلخاب رو در روی هم صف آرای کرده بودند و ایشان آنها را از یک جنگ خونین برحذر داشت.

۵. از خدمات ایشان، ساخت مسجدی در زادگاهش به نام مسجد صاحب الزمان (عج) هست، و نیز ساخت راههای متعدد در قریه گورد و جاهای دیگر، همچنین تأسیس مسجد جامع در پای مزار میر سید علی که چهار روز قبل از وفاتش کلنگش را زدند که متأسفانه اجل مهلت تکمیل آن را نداد.

ویژگی ها

مرحوم مرتضوی شخصیت شناخته شده و دارای مقام علمی، جهادی و قضایی

ص: ۲۸۸

در صفحات شمال افغانستان بود، زمانی هم مسئولیت ولسوالی را به عهده داشت، ولی با همه این موقعیت های اجتماعی، زندگی ساده طلبگی را فراموش نکرد و به آن افتخار می کرد. زرق و برق دنیا او را فریفته خودش نکرد و هرگز از تواضع و فروتنی اش کاسته نشد.

به گفته حجت الاسلام مروّج درّه صوفی که از دوستان و هم دوره های ایشان در نجف هستند، وی با همه کمبودها و نیازها، شهریه خود را بین طلاب نیازمند و بدون شهریه قسمت می کرد. وقتی به ایشان گفته شده بود؛ شما خودت نیازمند شهریه هستی، چرا شهریه ات را به طلبه های دیگر می دهی؟ فرموده بود: «شاید آنها از من نیازمندتر باشند».

استاد مرتضوی نه تنها از محرمات و مکروهات به شدت دوری می کردند، که از شبهات نیز اجتناب داشتند.

وی هیچ گاه برای شهرت تلاش نکرد، هرگز دیده و شنیده نشد که آن مرحوم از خود تعریف کرده باشد، بلکه به تعریف و تمجید دیگران نیز راضی نبود. وی مقید به خواندن زیارت عاشورا و نماز شب بود که در سخت ترین شرایط، نماز شب و زیارت عاشورای ایشان ترک نمی شد. همیشه دایم الذکر بود و به خواندن و تلاوت قرآن اهتمام خاصی داشت، مخصوصاً بعد از نماز صبح، نه تنها خود بلکه اهل خانه را هم به این کار امر می کرد. در مباحثات و گفتگوها اغلب به آیات قرآن استناد می نمود.

به حق، استاد مرتضوی در علم و تقوی، اخلاص و بندگی، زهد و پارسایی، تلاش و کوشش، قاطعیت در اجرای حدود و دستورات الهی، کوتاه نیامدن در مقابل عناصر پلید، عشق خدمت به مردم، تربیت شاگردان علوم دینی، کم نظیر بود، این موارد همگی نمایانگر شکوه و عظمت این استاد گرانقدر است.

آثار

مرحوم استاد مرتضوی علاوه بر تدریس و کارهای اجرایی، تألیفات ارزشمندی

ص: ۲۸۹

نیز داشته است. ایشان دو کتاب معالم الاصول و کفایه الاصول را به صورت شعر آورده که قابل ذکر است این آثار منظوم و گرانسنگ توسط حضرت آیت الله صافی گلپایگانی (مدظله العالی) مورد ستایش و تقدیر قرار گرفته شده است. و نیز کتاب دیگری دارد به نام آیات الاحکام که پانصد آیه را گرد آوری کرده و حکم آن را با روایت تطبیق داده است که این اثر نشانه تسلط ایشان بر فقه و اصول می باشد و همچنین دو کتاب ارزشمند دیگری به نامهای فضیلت جمعه و جماعات و کتاب الحج دارند.

وفات

سرانجام این استاد عالیقدر در سال ۱۳۸۷ ش، که برای تدریس در مرکز فقهی ائمه اطهار (علیه السلام) حضرت آیت الله فاضل لنکرانی (ره) به شهر کابل دعوت شده بود، پس از پایان دوره تدریس هنگام بازگشت به زادگاهش بلخاب، شب چهاردهم ماه مبارک رمضان به رحمت ایزدی پیوست. پیکرش با تجلیل بی سابقه در کنار مزار جد بزرگوارش مرحوم میر سید مراد به خاک سپرده شد.

منبع: دستنوشته برادر ارجمند استاد مرتضوی، (مختصری از زندگی نامه مرحوم آیت الله حاج سید محمد حسن مرتضوی)، در تاریخ ۱۳۹۳/۹/۱.

آیت الله مرتضوی در کنار آیت الله محمد اسحاق فیاض

ص: ۲۹۱

(بلخ ۱۳۲۶ - غزنی ۱۳۷۳/۱۲/۲۲)

حجت الاسلام و المسلمین شهید عبدالعلی مزاری فرزند حاج خداداد در سال ۱۳۲۶ ش، در روستای نانوائی از نواحی چهارکنت از توابع ولایت بلخ دیده به جهان گشود، دوران کودکی را در محیط گرم خانواده سپری کرد. از آنجایی که شغل پدر کشاورزی بود، از کوچکی مشکلات جامعه را لمس کرد. دورانی که عبدالعلی مزاری پا به این عالم گذاشت، خانواده وی همانند بسیاری از ساکنان منطقه، تابستانها به ییلاق و زمستانها به قشلاق می رفتند، عبدالعلی مزاری نیز در کشاورزی و دامداری به خانواده کمک می کرد.

فصل زمستان به مدرسه ابتدایی روستای نانوائی می رفت. بعد از سپری نمودن دوره ابتدایی، به صورت جدی و تمام وقت در مدرسه چهارکنت و مزار شریف به فراگیری علوم دینی پرداخت.

ص: ۲۹۲

شهید مزاری انسانی وارسته، بلند همت، پرشور و شجاع بود، در همان سالهای آغاز جوانی، با علامه شهید سید اسماعیل بخلی از نزدیک آشنا می شود و علامه بلخی، عبدالعلی جوان را به خواندن درس و رفتن به خدمت عسکری (سربازی) تشویق می کند. شهید مزاری پس از آشنایی با خورشید شعر و عرفان و روحانی زمان شناس، در نشست ها و سخنرانی های وی تا آخرین سالهای عمر شهید بلخی شرکت می کرد. و تحت تأثیر ایشان به دریای بیکران جهاد و عدالت خواهی پیوست. در این باره شهید مزاری می گوید: «بلخی مرا به درس خواندن و عزیمت به خدمت سربازی تشویق می کرد. من به دستور و تشویق بلخی به سربازی رفتم. او به من می گفت که: اگر ملاً می شوی باید مجتهد شوی و اگر روضه خوان می شوی باید واعظ و خطیب شوی و اگر سیاستمدار می شوی، باید رئیس و وزیر شوی نه مأمور».

دیدارهای شهید مزاری با علامه شهید بلخی میان سالهای ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۷ بوده که این دیدارها و نشست ها گاهی در شهر مزار شریف و گاهی در شهر کابل برگزار می شد.

رفتن به عسکری

شهید مزاری بر خلاف نظر سایر خانواده و نزدیکان، به طور داوطلبانه تصمیم گرفت به خدمت عسکری برود، شهید مزاری در این باره چنین گفته است: «سال ۱۳۴۸ به خدمت سربازی احضار شدم و جای خدمتم در ژاندارمری شبرغان تعیین شده بود ولی به خاطر رشوه ستانی که در هنگ ژاندارمری مزار پیش آمد و در وقت اعزام میان ما دعوا پیش آمد، مرا به کابل فرستادند. و... آنجا (کابل) به قسمت فراشوت افتادم ولی آنجا هم مرا اضافه بست کشیده به خوست فرستادند که در آن زمان یکی از بدترین جاهایی بود که سربازان سرشوخ از باقی جاها را جهت تنبیه به آنجا می فرستادند. چون هوا خیلی گرم بود لذا با در نظر گرفتن عدم امکانات

زندگی در خوست خیلی دشوار به نظر می رسید. مدت یک سال در خوست خدمت کردم و بعد از آن به گردیز و سرانجام در سال ۱۳۵۰ از سربازی ترخیص شده و راهی منطقه شدم».

سفر به خارج از کشور

دوران سربازی برای شهید عبدالعلی مزاری بسیار آموزنده بود، شهید پس از بازگشت به شهر مزار شریف برای دومین بار برای فراگیری علوم دینی به مدرسه شیخ سلطان که در آن زمان رونق و شکوه خاصی داشت، شتافت و ادامه تحصیل را پی گرفت. اما این مقدار تحصیل، وی را راضی نمی کرد. به همین علت بود که بهار سال ۱۳۵۱ برای خوشه چینی از معارف اسلامی، به خارج از کشور عزیمت کرد. وی پس از مسافرت به عراق و زیارت عتبات مقدسه در نجف و کربلا، به ایران آمده و تا سال ۱۳۵۵ بدون وقفه به تحصیل ادامه داد.

وی علاقه خاصی به حوزه علمیه قم داشت، طوری که خودش گفته است؛ قم تنها محل تحصیل درس های رایج حوزه ای نبود، بلکه علاوه بر آن، قم و محیط آن کانون مخفی مبارزات به حساب می آمد و از این جهت جذبه خاصی را برای وی بوجود آورده بود.

شهید مزاری پس از استقرار در قم، با تلاش و عشق فراوان تحصیلات حوزوی را آغاز کرد و در کمترین زمان، مدت پنج سال در سهای سطوح را به پایان رساند. در سالهایی که استاد در قم مشغول تحصیل بود، با همکاری جمعی از دوستان و طلاب، کتابخانه جوادیه بلخ را تأسیس نمود، این کتابخانه در دوران جهاد تا سال ۱۳۶۸ تقریباً تعطیل بود و در سالهای اخیر دوباره بازگشایی شده است.

استاد مزاری در حین تحصیل، آثار و کتابهای متفکرین مسلمان را بین طلاب جوان توزیع و آنان را به مطالعه تشویق می کرد. و نیز آنان را برای انجام سخنرانی در میان مردم و بیان احکام و افکار اسلامی و انجام امور تبلیغی تشویق می نمود. وی

می گفت این کار باعث می شود که طلاب با روحیات اقشار مختلف مردم آشنا شده و روش برقراری ارتباط با مردم را تجربه نموده و نیز در فن تبلیغ و سخنوری تجربه کسب نمایند.

شهید مزاری در سال ۱۳۵۵ برای انجام مناسک حج به همراه برادر، راهی دیار محبوب می شود و به سوریه می رود، اما در آنجا موفق به دریافت ویزای عربستان نمی شود. برادرش به مکه رفته و ایشان به عراق رفته و چند روزی که در آنجا معطل می شود، با مقدار کتابی که تهیه کرده بوده عازم ایران می شود.

زندانی و اخراج از ایران

شهید مزاری در حین ورود به ایران کتابهایش به دست ساواک می افتد و خودش هم بیش از چهار ماه زندانی شده و بعد به افغانستان فرستاده می شود. استاد در افغانستان در منطقه شمالی و در مدارس مزار شریف و چهار کنت، یک سلسله برنامه هایی را با طلاب هماهنگ می کنند. در این زمان در ایران مبارزات مردم ضد نظام ستم شاهی به رهبری امام خمینی (ره) به اوج رسیده بود، فضای سیاسی و فکری حوزه علمیه قم که شهید مزاری چند سالی در آن تنفس کرده بود، وی را بیش از گذشته به فعالیت های سیاسی و جریان های انقلابی علاقمند ساخته بود.

در حقیقت، شخصیت سیاسی و فکری شهید مزاری پس از اتمام تحصیلات در حوزه علمیه قم آن هم در سال هایی که مبارزات اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) به اوج خود رسیده بود، تبلور یافت و ابعاد تازه ای به خود گرفت.

شهید مزاری سفری به عراق انجام می دهد و در آنجا با امام خمینی (ره) و بعضی دیگر از شخصیت های مبارز ایرانی دیدار می کند. در این زمینه برخی از منابع جنبش اسلامی با استناد به خاطرات شهید مزاری نقل کرده اند که ایشان هنگام بازگشت از عراق در مرز خسروی توسط مأموران ساواک دستگیر، زندانی و تحت شکنجه قرار می گیرد و در زندان با شهید رجایی از نزدیک آشنا می شود.

پاییز سال ۱۳۵۶ برای سومین بار با هویت جعلی و مخفیانه به ایران آمد. برای اینکه ساواک او را شناسایی و بازداشت نکند، جای ثابتی برای اقامت در ایران نداشت.

آغاز مبارزات مسلحانه

در سال ۱۳۵۷ تحولات بزرگی در منطقه روی داد. در افغانستان کودتای کمونیستی هفتم ثور (اردیبهشت) به رهبری ببرک کارمل روی داد. در ایران، انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسید. در پی کودتای مارکسیستی و متعاقب آن قیام مردم چهار کنت در روز سوم اسفند سال ۱۳۵۸ شهید مزاری به جنگ مسلحانه با دولت کمونیستی خلق و پرچم و متجاوزین شوروی پرداخت. او با همکاری و هماهنگی جمع کثیری از علما و مبارزان شیعه هزاره جات، موجودیت رسمی و علنی سازمان نصر افغانستان را اعلام کرد.

شهید مزاری در سال ۱۳۶۰ شمسی به منظور تهیه امکانات و تدارکات برای جبهه های جنگ و سازماندهی مجاهدان، دوباره به ایران آمد و تا سال ۱۳۶۵ در حال رفت و آمد بین افغانستان و ایران و پاکستان بود. ولی در اواخر همان سال به کشور بازگشت تا برای همیشه در بین مردم و مجاهدین افغانستان بماند. او پس از بازگشت به افغانستان تلاش کرد تا سازمان ها و گروه های گوناگون مجاهدین و بعضاً متخاصم را متحد سازد. در این راستا از اغلب جبهه های جنگ در مناطق هزاره جات بازدید به عمل آورد.

در سال ۱۳۶۸ در نتیجه تلاش های شهید مزاری و بسیاری از فرماندهان و رهبران جامعه هزاره، اغلب احزاب و سازمان های سیاسی و جهادی شیعه در بامیان با امضای میثاق وحدت، حزب وحدت اسلامی افغانستان را بنیانگذاری کردند.

چگونگی تشکیل حزب وحدت اسلامی

شهید مزاری، اوایل سال ۱۳۶۵ به منظور بازدید از جبهه های داخلی و بازنگری

اوضاع سیاسی و نظامی، تصمیم گرفت که به داخل افغانستان سفر کند. در این سفر، جمعی از شخصیت های انقلابی وی را همراهی می کردند. او پس از ارزیابی روحیه مجاهدان و بررسی تحولات داخلی و موقعیت قوای اشغالگر روس و رژیم دست نشاندۀ خلقی و وضعیت برتری طلبی و انحصار گرایانه گروه های سیاسی مقیم پشاور به این نتیجه رسید که هیچ راه دیگری برای احزاب شیعی جز اتحاد کامل سیاسی برای ادامه حیات و حفظ موقعیت مردم خود وجود ندارد.

با توجه به این ارزیابی، شهید مزاری تلاش گسترده ای برای تحقق بخشیدن این اهداف آغاز کرد، کنگره ها، سیمینارها و نشست های متعدد در مناطق مختلفی چون پنجاب، لعل، بهسود و جاغوری برگزار شد تا سرانجام با بررسی دیدگاه های مسئولان جهادی و احزاب سیاسی در سراسر مناطق شیعه نشین، گروه های سیاسی در روز ۱۳۶۸/۴/۲۵ جلسات تاریخی و سرنوشت ساز خود را در مرکز ولایت بامیان آغاز کردند.

این جلسات ۹ روز طول کشید و نمایندگان شرکت کننده در این جلسات، تصمیم نهایی خود را مبنی بر اتحاد کامل احزاب و سازمان های جهادی شیعه اتخاذ کردند. این اعضا کمیسیونی را مأمور کردند تا قطعنامه ای تحت عنوان «میثاق وحدت» تنظیم کنند. این منشور در ۲۰ ماده تهیه شد و در یک مراسم باشکوهی به امضای همه اعضا رسید. حاضرین در جلسه سپس دست روی قرآن گذاشتند و به خداوند متعال سوگند خوردند که همگی، احزاب و تشکیلات پیشین خود را منحل کرده و در راه برپایی تشکیلات جدیدی به نام حزب وحدت اسلامی افغانستان گام بردارند. در اواخر سال ۱۳۶۸ هیئت بلند پایه و تام الاختیاری از طرف مرکزیت حزب وحدت اسلامی افغانستان به سرپرستی شهید مزاری عازم جمهوری اسلامی ایران شد. این اولین بار بود که رهبران شیعیان افغانستان هویت و شخصیت واقعی خود را به نمایش گذاشتند. از این هیئت در کنار مرقد مطهر امام خمینی (ره) در بهشت زهرا

توسط مهاجرین و طلاب افغانستانی مقیم ایران استقبال بی نظیری به عمل آمد. از آن لحظه به بعد، افکار عمومی جهان متوجه این واقعیت شدند که جامعه شیعه افغانستان به هویت واقعی خود دست پیدا کرده اند. البته این اقدام بی خطر نبود، بلکه از همان روز کارشکنی ها آغاز شد. اما مقاومت و پایداری شهید مزاری و پایداری و هوشیاری طلاب جوان و روشنفکران جامعه همه ترندها را خنثی کردند.

شهید عبدالعلی مزاری به عنوان سخنگوی هیئت در روز ۱۳۶۸/۱۲/۲۰ با برگزاری اولین مصاحبه مطبوعاتی پس از تأسیس حزب وحدت اسلامی، اهداف سفر هیئت را به جمهوری اسلامی ایران چنین بیان کردند:

۱. ادغام همه دفاتر احزاب منحل و تعیین نمایندگی واحدی برای رسیدگی به امور مهاجرین و حزب وحدت اسلامی در خارج از افغانستان.

۲. اعلام مواضع هماهنگ و مشترک گروه های جهادی شیعه توسط حزب وحدت اسلامی افغانستان.

۳. انتشار نشریه ای مخصوص به عنوان ارگان حزب وحدت اسلامی افغانستان.

۴. انتقال اخبار رویدادهای داخل افغانستان به مهاجرین.

۵. دعوت از اعضای کادر مرکزی حزب برای انتقال به داخل کشور.

۶. دیدار با مقام معظم رهبری جهت تشریح برنامه های حزب وحدت اسلامی و رویدادهای جاری.

۷. جذب کمک های مهاجرین و طرفداران انقلاب اسلامی افغانستان و ارسال آن به جبهه های داخل کشور.

شهید مزاری پس از دیدار از جمهوری اسلامی ایران در رأس یک کاروان کوچک و با مقادیری امکانات از طریق جنوب غربی افغانستان راهی بامیان مقر شورای مرکزی حزب وحدت شد. که در مسیر، راه را گم کرده و شایعه ناپدید شدن و اسارت وی بر سر زبانها افتاد، در حالی که رقیبان سیاسی و دشمنان وحدت از این

شایعه اظهار شادمانی می کردند، مردم مظلوم و مهاجرین را هاله ای از نگرانی فرا گرفته بود، پس از جستجوهای فشرده، شهید مزاری را کنار رودخانه ای در نوار مرزی یافتند.

زمانی که شهید در دشت های جنوب غربی، راه های هزاره جات را جستجو می کرد، کنگره سراسری حزب وحدت اسلامی در بامیان جلسه تشکیل داد و به اتفاق آراء شهید مزاری به دبیر کلی حزب وحدت اسلامی افغانستان انتخاب شد. این انتخاب، مسیر زندگی شهید مزاری و سیر تاریخی حزب وحدت را متحول کرد.

از این زمان به بعد، نام ولایت بامیان بر سر زبان ها افتاد و به مرکز تصمیم گیری های مهم سیاسی و نظامی گروه های جهادی شیعیان تبدیل شد. بامیانی که چون تندیس های بودا در تاریخ خونبار افغانستان خاموش و آرام بود، ناگهان روی آنتن رسانه ها قرار گرفت و خبرساز شد. تا جایی که زمینه تفاهم با ژنرال های ناراضی رژیم کمونیستی نجیب الله از بامیان تدارک دیده شد. زیرا بدون تصویب شورای مرکزی حزب در بامیان، مسئولین شمال نمی توانستند با ژنرال های مذکور وارد مذاکره شوند.

با تأسیس حزب وحدت اسلامی، مبارزات خستگی ناپذیر شیعیان افغانستان ابعاد تازه ای به خود گرفت. در سطح جهانی به رسمیت شناخته شد و شهرت جهانی پیدا کرد. شهید مزاری برای آینده افغانستان، طرح های تازه ای ارائه داد و بامیان مورد توجه دیدگان دنیا قرار گرفت. تاجایی که زمینه تفاهم با ژنرال های ناراضی رژیم نجیب الله از بامیان تدارک دیده شد و با مسئولان و ژنرال های شمال به تفاهم رسید که در نتیجه آن، اردوگاه مناطق شمالی افغانستان به مجاهدین پیوست که منجر به سقوط حکومت کمونیستی و برپایی حکومت مجاهدین در کابل شد.

استقرار در کابل

با پیروزی مجاهدین بر کمونیست ها و استقرار آنها در کابل، مقر حزب وحدت

اسلامی و شهید عبدالعلی مزاری نیز به کابل انتقال یافت. این استقرار، سر آغاز پر افتخاری است که در تاریخ جامعه هزاره و مسلمانان افغانستان به مقاومت غرب کابل تعبیر می شود. پیروزی مجاهدین، سقوط دولت نجیب الله و به قدرت رسیدن دولت انتقالی، محصول همکاری و هماهنگی سه جریان حزب وحدت، شورای نظار و نیروهای جنبش ملی اسلامی متشکل از جامعه ازبک و ترکمن بوده است. اما شورای نظار پس از استقرار در کابل، بر خلاف تصور و تعهدات خود نسبت به متحدین پیشین خود (حزب وحدت و جنبش ملی اسلامی) در صدد حذف آنها از صحنه کشور بر آمد. با این اقدامات و انحصار طلبی هایی که انجام شد، شهید مزاری بر خلاف تصورات پیشین، در غرب کابل رهبری مقاومت بر ضد دولتی را به عهده گرفت که خود و همفکرانش در پیروزی و به قدرت رسیدن آن، نقش محوری ایفا کردند.

در زمان استقرار حزب وحدت در غرب کابل، بیش از بیست جنگ بر علیه مردم شیعه هزاره که در این منطقه سکونت داشتند تحمیل شد، که دردناک ترین آن فاجعه خونین محله «افشار» بود که در روز ۲۲ بهمن سال ۱۳۷۱ به وقوع پیوست. این فاجعه به قدری فجیع بود که شهید مزاری با صدای بلند گریه کرد و قول انتقام از عاملین این فاجعه را در یک گردهمایی عمومی به مردم داد. مقاومت حزب وحدت در برابر تهاجمات سنگین دولت انتقالی که عموماً از هوا و زمین صورت می گرفت، یکی از بی نظیر ترین مقاومت های تاریخ افغانستان را در برابر دولت های خودکامه به یادگار گذاشت.

نوشیدن شربت شهادت

زمانی که اوضاع شهر کابل مخصوصاً منطقه غرب کابل بحرانی تر می شد، اعضای شورای مرکزی و فرماندهان نظامی حزب وحدت اسلامی به منظور حفظ جان آقای عبدالعلی مزاری دبیر کل حزب، تصمیم گرفتند که ایشان محل اقامت

خود را تغییر داده و درجای دیگر غیر از کابل مستقر شود و کار فرماندهی و رسیدگی به امور غرب کابل را به جمعی از مسئولان و فرماندهان حزب واگذار کند. اما ایشان با این تصمیم به شدت مخالفت می کند و می گوید: «من تا آخرین لحظه در کنار مردم غرب کابل خواهم بود. در آخر، سرنوشتم یا اسارت است یا شهادت» و همینطور هم شد.

پس از آنکه منطقه غرب کابل در محاصره شدید قوای نظامی شورای نظار و حزب اتحاد عبدالرسول سیاف و گروه مهاجم طالبان قرار گرفت، شهید مزاری به منظور حفظ موجودیت شیعه، به ناچار راه مذاکره با طالبان را بر گزید، ولی این گروه عهد شکن و متحجر که از شهید مزاری برای مذاکره دعوت به عمل آورده بود، ایشان و سایر همراهانش را به اسارت گرفتند. وی در روز ۱۳۷۳/۱۲/۲۲ در محور چهار آسیاب به دست نیروهای طالبان به شهادت رسید. شهادت او جامعه هزاره را به شدت تکان داد. طالبان تلاش کرد که در بشهادت رساندن این رهبر فرزانه شانه خالی کند و شهادت او را در نتیجه سانحه هوایی جلوه دهد. اما نتیجه کالبد شکافی از رهبر شهید، چیز دیگری را برملا کرد، پزشکان اداره پزشکی قانونی شهر مزار شریف اعلام کردند که شهید مزاری بر اثر درگیری در داخل هواپیما به شهادت نرسیده، بلکه با شکنجه و اسلحه سرد به شهادت رسیده و پس از گذشت دو ساعت از شهادت، دو گلوله نیز به پیکر او شلیک شده است.

طولانی ترین تشییع در تاریخ معاصر افغانستان به پیکر شهید مزاری اختصاص دارد، از غزنی تا بهسود، تا بامیان، تا یکاولنگ، صدها کیلومتر، روی دوش مردم داغدار از روستا به روستا از دریای بهمن و برف، پیاده حمل شد و از آنجا به بلخ انتقال یافت و سرانجام در روز هفتم فروردین سال ۱۳۷۴ پس از برگزاری مراسم وداع رسمی در حضور میلیون ها انسان عزادار که از مناطق شمالی و هزاره جات جمع شده بودند، به خاک سپرده شد.

شور دو عرصه

پیچانده بین تابوت حجم یک آسمان را از غزنه گسترانده تا بلخ کهکشان را

هر است بی پرستو بابا بر آسمانها از قله کوچ داده باز بی آشیان را

بعد از غروب خورشید شاعر چه میسرای میحراب بی قیام و فردای بی اذان را

بر غربت بگریم کاینسان دخیل بسته شور دو عرصه مردی بتهای بامیان را

گو شیخ را که چندی بر مسند قضا باش تا بشکند اباذر بر فرقت استخوان را

(سید فضل الله قدسی)

چه می شد سالهای درد می ماند کبوتر با خزان سرد می ماند

بجای این همه آدم نماها یکی می ماند اما مرد می ماند

(چمن شاه اعتمادی مالستانی)

تو کوهوار سر ریشه سخت می ماندی به رغم باور طوفان درخت می ماندی

تو را به جرم بلندی زباغ بیریدند ز سر فرازیت ای سرو سبز ترسیدند

(سید ابوطالب مظفری)

منابع: فصلنامه علمی فرهنگی، اجتماعی، سخن صبا (ویژه نامه رهبر شهید)، سال دوم، شماره پنجم، زمستان ۱۳۹۰، ماهنامه

فرهنگی تاریخی، یاران شاهد، دوره جدید، شماره ۵۹، مهرماه ۱۳۸۹ (یادمان شهید عبدالعلی مزاری) ناصری داوودی،

عبدالمجید، مشاهیر تشیع در افغانستان، ج ۳، ص ۲۴۰-۲۳۶، قم، مرکز بین المللی و نشر المصطفی،

اول، ۱۳۹۰.

شهید مزاری و شهید سید عباس موسوی

شهید مزاری و سید هادی خامنه ای

ص: ۳۰۳

مردم عاشق در کنار بارگاه شهید مزاری در شهر مزار شریف

نمایی از میدان شهید مزاری (ره) در شهر کابل

ص: ۳۰۴

(جاغوری ۱۳۳۱ شمسی -)

حجت الاسلام والمسلمین امان الله میرزایی فرزند محمدنبی در سال ۱۳۳۱ هجری شمسی، در یکی از روستاهای ولسوالی جاغوری، ولایت غزنی بنام (ده شغله) بدنیا آمد.

در کودکی پدر را از دست داد و تحت تکفل برادر بزرگش جناب حجت الاسلام و المسلمین شیخ عبدالله میرزایی درآمد. با هدایت و تشویق های برادر، سواد خواندن و نوشتن را از محضر شیخ عبدالله و شیخ عبدالعلی و شیخ سرورعلی بلاغی فرا گرفت. ایشان کتاب تصریف و شرح عوامل و هدایه فی النحو و فن روضه و نوحه خواندن را از همین افراد و نیز برادرش شیخ عبدالله آموخت.

برای فراگیری الفیه ابن مالک و حاشیه ملا عبدالله و معالم الاصول راهی دیار «مهاجری» - که مسافت یک روز تمام از منزل نامبرده فاصله دارد شد، و مدت چهار ماه نزد استاد شیخ نادرعلی سعیدی که در ساختار طلبگی وی بسیار موثر بوده

تلمذ می کند. اما در «مهاجری» شرایط اسکان بسیار نامناسب بوده، بناچار به مدرسه علمیّه زیرک در (نزدیکی «مهاجری») نزد استاد شیخ نوروزعلی برهانی منتقل می شود. قسمتی از کتاب معالم الاصول و سیوطی و مقدار کمی از شرح لمعه و مطول را از حضور ایشان استفاده می کند.

سفر به پاکستان و عراق

ایشان در سال ۱۳۴۸ شمسی به هوای زیارت نجف اشرف و کربلای معلی و تحصیل در جوار حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) در فصل پاییز، مدرسه زیرک را به مقصد نجف ترک کرده و برای تدارک مقدمات سفر راهی پاکستان می شود، پس از سپری نمودن ۲ شبانه روز وارد شهر کویته پاکستان شده و به علت نبود حوزه علمیّه و اقربا و برای امرار معاش راهی معدن ذغال سنگ شده، مدتی را در سخت ترین شرایط کاری و اخلاقی در مغاره های کوه مشغول کار می شود، پس از تلاش و کار و کمک پروردگار عالم، مقدمات سفر آماده می شود، اما دچار بیماری شدید شده، به هر صورت همراه شخصی به نام حاجی محمد ایوب به قصد نجف اشرف از مسیر ایران حرکت می کند.

پس از زیارت حرم امام رضا (علیه السلام) وارد شهر مقدس قم می شود، زمان ورود به قم، ایام تعطیلات حوزه بوده و از طرفی هم انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) سیری صعودی را طی می نموده است. مدتی ضلع جنوبی مدرسه دارالشفاء را برای اسکان انتخاب می کند. به علت نبود امکانات و نامساعد بودن هوای قم و ریشه های تب و لرز پاکستان و خستگی راه، دوباره دچار بیماری می شود. دار و ندارش برای علاج خرج می شود، ولی نتیجه نمی دهد. این ایام مصادف بوده با زمانی که طلاب و علماء از نجف اشرف توسط صدام اخراج شده و از طرفی هم دلسوزان حوزه سرگرم تدارک پیروزی انقلاب بوده اند.

در باره اتفاقاتی که در قم و مشهد برایش افتاده می گوید: «یقین کردم جوان

ص: ۳۰۶

مرگی بسراغم آمد، با همه غم و غصه هایی که داشتم روزی پیک امیدی بسراغم آمد، گوشه مدرسه مبارکه فیضیه نشسته بودم مردی میان قد دست دختر سه چهار ساله اش را گرفته آمد و نزد من نشست. جویای احوالم شد، پرسید: از کجا هستی؟ چه می کنی؟ چرا به این حال گرفتار شدی؟ کسی در قم داری؟ جواب دادم از افغانستان آمدم. برای تحصیل علم، کسی را هم در قم ندارم.

گفت: مشهد می روی؟ گفتم: نه پولش را دارم و نه توانش، گفت: غم نخور، من فردا سر ساعت ۸ صبح می آیم و تو را به مشهد می برم و بعد رو کرد به دختر کوچک خودش گفت: برو از حضرت معصومه بخواه بگو بی بی جان! این بی چاره مهمان تو است، شفاعت کن، خداوند شفایش بدهد. دختر پس از دعا همراه پدرش، مدرسه فیضیه را ترک کردند. من شب تا به صبح به این فکر بودم که این مرد که بود؟ آیا براستی فردا خواهد آمد و مرا به مشهد خواهد برد؟

فردای آن روز ساعت ۸ صبح، مرد مؤمن پیدا شد، مدرسه مبارکه دارالشفاء را به مقصد مشهدالرضا علیه آلاف التحیه والثناء ترک نمودیم.

به ترانسپورت نو در کنار مسجد نو فعلی مراجعه و سوار اتوبوس شدیم، نزدیکی های صبح فردا وارد شهر مقدس مشهد شدیم، رفیق مهربانم مرا وارد صحن و بارگاه ملک پاسبان حضرت امام رضا علیه السلام نمود. در جایی که مریض های دیگری هم بودند، دستمالی به دستم و یک طرف دیگر آن را به پنجره هایی که دیگر مریض ها را بسته بودند بست. مقداری از شب که باقی مانده بود آرام استراحت کردم. با بلند شدن صدای نقاره از گلدسته حرم از خواب برخاستم ولی آنچنان احساس گرسنگی به من دست داده بود که حد نداشت، برای رفع گرسنگی از جا حرکت نموده، از خیابانی که دور حرم بود گذشتم، اول کوچه نوشته بود کوچه خدا بنده لو، شخصی در حال فروش تعدادی نان بربری بود که با دو ریال، نان بزرگی را خریداری و کاملاً مصرف نمودم، برای ۸ روز در یکی از حجره های مدرسه عباس

قلی خان اسکان یافتم و رفیقم را دیگر نیافتم. صحت کامل خودم را به برکت علی بن موسی الرضا علیه السلام از ذات ذو الجلال حضرت حق گرفتم، دوباره عازم قم شدم».

آغاز تحصیل در قم

حجت الاسلام میرزایی پس از ورود مجدد به شهر مقدس قم، با مراجعه به جناب آقای شهیدی که از طرف حضرت آیت الله نجفی مرعشی متولی مدرسه مبارکه مؤمنیه بوده، در حجره شماره ۴۴ آن مدرسه اسکان می گیرد. پس از اسکان در درسهای تابستانی حوزه علمیه حضور می یابد. درسهای تخصصی ادبیات و فصاحت و بلاغت را نزد شاگرد ادیب نیشابوری، جناب آقای موسوی گرگانی آموخته و کتاب مُعنی را با بعضی از کتابهای صرف از خدمت استاد مدرس افغانی بهره می برد. و کتاب لمعه را در درس آقای نظری و استاد جواد ذهنی تهرانی و فاضل هرنندی شرکت کرده و فرا می گیرد.

کتاب قوانین الاصول میرزای قمی اعلی الله مقامه را نزد استاد دوزدوزانی و قسمتی را نزد استاد مدرس افغانستانی تلمذ می کند.

رسائل شیخ انصاری (ره) را در محضر استاد پهلوان شیخ مصطفی اعتمادی تلمذ می کند.

مکاسب شیخ را دو سال کامل از محضر استاد سید ابوالفضل موسوی و قسمتی را هم از محضر استاد محمد تقی ستوده استفاده می برد.

کفایتین را از درس استاد ستوده در مسجد امام استفاده کرده و منظومه حاجی سبزواری را خدمت استاد شیخ یحیی انصاری شیرازی می آموزد.

۴ جلد از اسفار اربعه و فصوص قیصری را در خدمت استاد جوادی آملی بهره مند شده و شبهای پنجشنبه در درسهای عقاید آیت الله العظمی مکارم شیرازی شرکت جسته و قسمتی از علم کلام را از استاد شیخ علی پناه اشتهاردی فرا

می گیرد.

پس از اتمام سطوح، دروس خارج فقه را در محضر حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ محمد فاضل لنکرانی استفاده برده و خارج اصول را به مدت ۱۴ سال در محضر آیت الله العظمی وحید خراسانی تلمذ می کند.

درسهای تخصصی

حجت الاسلام والمسلمین استاد میرزایی کلام مقارن را به مدت دو سال از استاد ربانی گلپایگانی و فقه مقارن را از محضر آقای خوشنویس و مباحث تاریخ را در محضر استاد مهدی پیشوایی و کتاب التفسیر و المفسرون را از محضر استاد معرفت در موسسه تخصصی مذاهب وابسته به دفتر مقام معظم رهبری در امور اهل سنت فرا می گیرد.

مراحل تحصیل، مسئولیت ها و خدمات

استاد میرزایی دو مرحله در قم حضور داشته، مرحله اول تحصیل در حوزه علمیه قم که هفت سال ادامه می یابد. در آخر این مدت که همزمان است با آخرین روزهای دولت طاغوتی شاه و نزدیکی پیروزی انقلاب اسلامی، گذرنامه آقای میرزایی به اجبار مهر خروج می خورد که باید ایران را به مقصد افغانستان ترک کند، به ناچار راه افغانستان را در پیش گرفته در بدو ورود به شهر هرات، با کودتای کمونیستی هفت ثور مواجه می شود، در چنین شرایطی که اوضاع برای علما و متدینین سخت شده بود و بخصوص برای آقای میرزایی که وظیفه سربازی را هم انجام نداده سخت تر بود، بعد از یک هفته توقف در هرات، راهی زادگاه خود شده و مدت یکسال را در جاغوری با لباس مبدل زندگی کرده و در این مدت به دنبال افراد سلحشور و شجاع و کادر سازی برای انقلاب در منطقه همت گماشته که در تاریخ هفتم جوزای (خرداد) سال ۱۳۵۸ شب هنگام همراه برادرش مرحوم شیخ عبدالله پرچم انقلاب را برمی افرازد تا منطقه را از لوٹ خلقی های کمونیست

ص: ۳۰۹

مرحله دوم در اوایل سال ۱۳۵۹ دوباره برای تکمیل تحصیلات وارد حوزه علمیه قم شده تا سال ۱۳۶۹ ده سال تمام با تلاش و سعی ستودنی، درس های خارج فقه و اصول را پی می گیرد.

در سال ۱۳۶۹ مسئولیت هیئت بازرسی مدارس علمیه افغانستان به ایشان سپرده شده که همراه با جمع کثیری از علمای دیگر وارد افغانستان شده و در تمام نقاط هزاره جات رفته و به مدت ۴۲ ماه یعنی ۳ و نیم سال در افغانستان ماندگار می شود. در همین مدت مدرسه علمیه امام صادق علیه السلام را تأسیس نموده، مشغول تدریس و سامان دادن کارهای دینی و اجتماعی مردم می شود. در مدرسه علمیه امام صادق (علیه السلام) تعداد یکصد نفر طلبه داشته که تا شرح لمعه تدریس می شده که تعدادی از آن طلبه ها اکنون در حوزه علمیه قم مشغول تحصیلات عالی و یا در داخل کشور (افغانستان) مشغول خدمات هستند. در این مدت چندین حسینیه را پایه گذاری و تکمیل کرده که از جمله آنها حسینیه شهدا در بازار غجور (جاغوری) می باشد. از کارهای دیگر ایشان احداث راه مواصلاتی منطقه (ده شغله) به جاده عمومی جاغوری ناهور و غزنی به طول ۱۶ کیلومتر می باشد.

برای بازگشت به حوزه علمیه قم با پای پیاده از جاغوری به بادینی رفته و از مسیر پاکستان پس از گذشت دو ماه با پشت سر گذاشتن موانع وارد شهر مقدس قم شده و پس از اندک زمانی راهی پیشاور پاکستان شده برای تدریس در مدرسه جامعه الشهدید عارف الحسینی و در منطقه چوغول پوره مستقر و مشغول تدریس می شود. مدت یکسال و نیم شاگردان برجسته و خوبی را تربیت کرده که هم اکنون بعضی از آنها در حوزه علمیه قم و مشهد مشغول تحصیلات عالی اند.

مدت ۱۴ سال مسئول توزیع شهریه طلاب غیر ایرانی از طرف حضرت آیت الله العظمی مرحوم حاج سیداحمدخوانساری رضوان الله تعالی علیه بوده است.

مدت دو سال بعنوان محقق در دفتر مقام معظم رهبری در امور اهل سنت در شهرستان ایرانشهر فعالیت داشته است.

مدت چهار سال مدیریت مدرسه امام صادق علیه السلام در (ده شغله) را عهده دار بوده.

مدت یازده سال امامت جماعت و امام جمعه مسجد جامع حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در شهرک سنگماشه مرکز جاغوری را به عهده دارد.

مدت نه سال مدیریت مجتمع دینی فرهنگی در جاغوری بر عهده ایشان بوده است.

در حال حاضر مدیریت مدرسه مبارکه جدید التأسيس عرفان را به عهده دارد.

مدت یازده سال مدیریت جامعه المحصنات، اولین مدرسه دینی خواهران در منطقه جاغوری عهده دار بوده است.

خطابه و سخنرانی

استاد میرزایی علاوه بر تدریس و کارهای اجرایی، خطیب توانایی است. به گفته خودش کمتر ایامی بوده که تبلیغ نرفته باشد. ایشان در میان مهاجرین در خطابه و سخنوری شناخته شده است، در مراسم گرامی داشت آیت الله گلپایگانی، حجت کابلی، مدرس افغانی و سید علی بهشتی در مسجد اعظم قم و نیز در مراسم های متعدد که برای تجلیل از امام خمینی (ره) و فرزندش در شهر قم و شهرهای دیگر برگزار شده سخنرانی داشته است. نه سال در شهر ری هیئت عزاداران حسینی افغانستانی و بیش از ده سال در حسن آباد زرگنده مراسم عزاداری محرم و جشن ولادت حضرت امام زمان (عج) را در نیمه شعبان برگزار می نمود که محل برگزاری مراسم، منزل یکی از سادات محترم به نام آقای جواهریان بوده، وی در شهرهای قم، تهران، اصفهان و مرودشت شیراز و روستاهای خمین و اراک و دلیجان و بلوچستان و زابل سخنرانی کرده است. بیش از ششصد سخنرانی در مجامع اهل

سنت در شهرهای ایران شهر و چابهار و سرباز و زاهدان داشته است.

در سال ۲۰۰۷ میلادی در کشور استرالیا برای تبلیغ ایام محرم دعوت شده، مدت ۹۰ روز در کشور استرالیا اقامت می کند که در شهرهای کانبرا و ملبورن به تبلیغ می پردازد.

در سال ۲۰۰۹ به شهر لیستر انگلستان دعوت شده که از طریق مؤسسه آیت الله العظمی خوئی (رضوان الله تعالی علیه) عازم آن کشور شده و مدت ۷۰ روز در آن کشور می ماند و در نقاط مختلف شهر لندن در جلسات مهاجرین افغانستانی شرکت و سخنرانی می کند. و نیز در سال ۲۰۱۰ مجدداً به انگلستان دعوت شده که مدت دو ماه تمام در آن کشور به تبلیغ و سخنرانی می پردازد.

منبع: دستنوشته حجت الاسلام والمسلمین استاد محمد امان میرزایی در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۱۹.

استاد میرزایی در حال سخنرانی

ص: ۳۱۲

اجازة آقای میرزایی از آیت الله سید محمد شیرازی

ص: ۳۱۳

(شولگره ۱۳۰۲ ش مشهد ۱۳/۶/۱۳۶۵ ش)

آیت الله سید محسن نجفی (موسوی) فرزند سید محمد علم در بهار سال ۱۳۰۲ شمسی در قریه دالان ولسوالی شولگره ولایت بلخ باستان به دنیا آمد. پدرش سید محمد علم از سادات حسن بلوچ مالستان ولایت غزنی بود که سال ها قبل به ولایت بلخ مهاجرت کرده بود. پنج سال داشت که مهربان ترین موجود زندگی اش «مادر» را از دست داد، از آن به بعد، پدر هم جای مادر را برایش پر کرده بود و هم وظیفه پدری را انجام می داد. مرحوم سید محمد علم که سواد قرآن خواندن بیشتر نداشت، اما عالمان و کسانی که در کسوت طلبگی و علمایی بود را بسیار دوست می داشت. این عشق و علاقه باعث شد که فرزندش محسن را وادار کند تا این مسیر مقدس را انتخاب نماید.

آغاز تحصیل

سید محسن ۶ سال داشت که پدرش او را به مکتب خانه فرستاد، او هر روز مسیر

ص: ۳۱۴

طولانی را که حدوداً دو ساعت با پای پیاده طی می شد را می پیمود. پدرش هم در این مسیر فرزندش را همراهی می کرد تا فرزندش سواد خواندن و نوشتن بیاموزد، کسب علم نموده و عالم شود. کلماتی را که مآلی مکتب به سید محسن می گفت، پدر آن کلمات را در مسیر راه تکرار می کرد تا فرزندش خوب درس را یاد بگیرد و برایش ملکه شود. سید محسن مدت دو سال سواد خواندن و نوشتن و قرآئت قرآن و رساله عملیه را فرا گرفت. ۹ سال داشت که از نعمت وجود پدر محروم شد و یتیم گردید. خود با چند خواهر و برادر بزرگش باهم زندگی می کردند، روند تحصیلی وی تا سن ۱۴ سالگی متوقف شد.

سفر به درّه صوف

سید محسن ۱۴ سال داشت که عازم دره صوف شده و در مدرسه مبارکه حسنیه رحل اقامت افکند و از خرمن علمی آیت الله شیخ عبدالحسین غزنوی معروف به آخوند زوار (ره) بهره ها برد. درسهای مقدماتی را در این حوزه شروع کرد، چون استعداد عالی داشت مورد توجه استادش قرار گرفت. ایشان در مدت چهار سال در مدرسه ماند و در دو سال آخر اقامت در آنجا دروس مقدماتی حوزه تا معالم الاصول را برای شاگردان جدیدالورود تدریس می کرد.

سفر به جاغوری

دروقتی که ایشان در مدرسه حسنیه مشغول تحصیل سطوح حوزه بود، باخبر شد که استاد ادبیات عرب علامه شیخ محمد علی مدرس افغانستانی به زادگاهش برگشته است، با تعدادی از طلاب راهی جاغوری شده و به مدت دو سال در محضر این استاد بزرگ کتابهای جامی و سیوطی و مطول را به صورت تخصصی فرا می گیرد.

پس از آن، مدت چند سال در درسهای فقه و اصول آیت الله شیخ قربانعلی وحیدی حوتقول که از مفاخر جهان اسلام و از هم دوره های مرجع بزرگ آیت الله

ص: ۳۱۵

العظمی گلپایگانی (ره) بود بهره برد. مرحوم آیت الله سید محسن موسوی نجفی در اخلاق متأثر از این عالم بزرگوار است و خود داستانهایی از قاطعیت برخورد و در عین حال دین مداری و عدم تسامح از این استادش نقل کرده است و از او به بزرگی یاد می کند. خود نیز در امور دینی قاطع بود. با اینکه اخلاق حسنه داشت و برد باری ویژه داشت، ولی از مبانی دین عدول نمی کرد.

پس از فراگیری ادبیات و دروس فقه و اصول به موطن خود باز می گردد، که برادر و عموها اسباب ازدواج او را فراهم می سازند و مدت یکسال در منطقه می ماند و در این مدت مشغول تبلیغ و تدریس می گردد.

سفر به نجف اشرف

نامبرده در سال ۱۳۳۲ شمسی، برای رسیدن به سطوح بالای علمی، قصد نجف اشرف کرد. ایشان وقتی از مزار شریف به سمت نجف حرکت می کند حدود چهل روز طول می کشد تا به آنجا برسد. ایشان پس از ورود به نجف، مجدداً کتاب لمعه را در محضر شهید محراب آیت الله مدنی می خواند، کتاب رسائل و مکاسب را از محضر مرحوم صدر^(۱) استفاده می کند و این کتابها را به مدت سه سال به پایان می برد. سپس مشغول درس کفایه می شود. همزمان با فرا گرفتن کفایتین در درس های خارج فقه و اصول حضرت آیت الله خوئی نیز شرکت می نمود. مدتی هم در درس عروه الوثقی آیت الله العظمی سید محسن حکیم (ره) حضور می یابد. سفر ایشان در نجف اشرف ۱۲ سال طول می کشد و پس از ۸ سال درس خارج، به دستور آیت الله حکیم عازم افغانستان می شود.

باز گشت به افغانستان

ایشان با اجازات تام که از مراجع نجف و خصوصاً حضرت آیت الله العظمی سید

ص: ۳۱۶

۱- (۱). ایشان غیر از صدر با د کوبه ایست.

محسن حکیم داشتند، راهی افغانستان شدند. پس از ورود ایشان به منطقه مورد استقبال مردم و سران اقوام قرار می‌گیرد، وی در منطقه چهار کنت، کته قونش و... مشغول خدمت شده و ارادتمندان به مکتب اهل بیت (علیه السلام) دور او حلقه می‌زنند و از علم و اخلاق وی خوشه چینی می‌کنند.

خدمات دینی، فرهنگی و اجتماعی

حضرت آیت الله سید محسن نجفی (ره) منشأ بسیاری از کارهای خیر در منطقه شد، ایشان با جدیت و اخلاص، کارهای دینی و شرعی را پیش می‌برد. بعضی از خدمات ایشان عبارتند از:

۱. برگزاری نماز جماعت و بیان احکام

از خدمات ارزنده ایشان برگزاری کلاس های اعتقادی و احکام برای عموم مردم بود، در تمامی جلسات و مهمانی ها که ایشان حضور داشت، اعم از خصوصی و عمومی خود را ملزم کرده بود که احکام اسلامی را برای مردم بیان کند و نماز جماعت را برگزار نماید. لذا خود می فرمود: «بیاد ندارم که نمازم را چه در مدرسه یا منزل فرادی خوانده باشم».

این اهتمام ایشان به احکام و نماز و برگزاری نمازجماعت باعث شده بود که در هر جا که آیت الله نجفی قدم می گذاشت، مردم خودشان را ملزم به شرکت در نماز جماعت می کردند و در آن حضور بهم می رساندند.

ایشان می فرمود: «ابتدا نسبت به تصحیح قرائت نماز اقدام کردم تا نماز مردم درست شود. همین که نماز را سلام میدادم، بسیاری از مردم فرار می کردند. چند شب به همین منوال ادامه یافت، چند نفر را مأمور ساختم که در بین دو نماز بیرون رفته و درب مسجد را از پشت ببندند تا فرار برای آنها امکان نداشته باشد».

فرزند آن مرحوم می گوید: «یکی از مؤمنین را که خودم ملاقات کردم می گفت: اگر دلسوزی و اخلاص آقای نجفی نبود، امروز در این منطقه خبری از دین نبود،

همین دلسوزی ایشان باعث شد مردم به ایشان مراجعه کنند و برای هر قریه تقاضای روحانی بکنند که آیت الله نجفی (ره) پاسخ مثبت داد و تقریباً برای همه قریه ها روحانی اعزام کردند تا در آنجا مستقر گردند و نماز جماعت اقامه و به تعلیم و تبلیغ مردم بپردازند.

۲. رسیدگی به مستمندان و فقرا

یکی از خدمات ارزشمندی که ایشان در سر لوحه کارش قرار داشت، رسیدگی به مستمندان و فقرا بود. به گونه ای که خانه، مدرسه و محل حضور ایشان همیشه پذیرای مسکینان و فقرا بود، هیچ گاه مستمندی را از در خانه نا امید برنگرداند، لذا می فرمود: رسول گرامی اسلام (علیه السلام) میفرماید: «أفضل الناس أنفعهم بهم» بهترین مردم پر نفع ترین شان به مردم است و بیان می کردند: «هیچ عملی مانند بر آوردن حوائج مردم و مؤمنان برایش لذت بخش نیست» و در عمل نیز چنین بود که وی رابه عنوان بهترین پناهگاه مردم تبدیل کرده بود.

۳. احیاء مدرسه خاتم النبیین (صلی الله علیه و آله)

پس از یک سال اقامت مرحوم آیت الله نجفی (ره) مردم و بزرگان نهر امام (چمتال) مزار شریف نزد ایشان شتافتند و از ایشان برای احیای مدرسه علمیه خاتم النبیین (صلی الله علیه و آله) دعوت به عمل آوردند. او پس از چند روز، مسئله را به استخاره وا گذار می کند که پس از استخاره به درخواست مردم لیبیک می گوید و عازم چمتال می شود، ایشان زمانی که به این خطه وارد می شود، سیل مردم به سوی ایشان برای فرا گیری علم و دانش و احکام و مسائل دین هجوم می آورند. ایشان در این منطقه هم در حوزه مشغول تدریس بودند و هم بعد از انجام فرایض برای مردم مسائل ضروری را بیان می کردند.

۴. تأدیب زورگویان و خوانین

حجت الاسلام والمسلمین سید عبدالمعبود موسوی نژاد می گوید: «از مردم شنیدم

که آقای نجفی (ره) هنگامی که درنهر امام حضور یافت، مردم با چند مشکل مهم مواجه شده بودند. یکی اینکه خوانین که از هیچ ظلم و ستم بر مردم ستم دیده دریغ نمی کردند، اموال مردم را به زور می گرفتند و جهت انجام کارهای کشاورزی و حتی امور منزل نیز مردم بیچاره را به بیگاری می گرفتند که این مسأله تنها به مردان خلاصه نمی شد و شامل زنان و دختران نیز می گردید که مرحوم آیت الله نجفی (ره) ابتدا از راه امر به معروف و نهی از منکر وارد شدند، ولی این پدیده از این راه ریشه کن نمی شود که ناچار خودش وارد عمل گردیده و بسیاری از زورگویان را تأدیب می کند، تا این درد مردم درمان گردد.

۵. مبارزه با فحشا و منکرات

یکی از مسائل که سخت از طرف دشمنان دین تبلیغ می شد، این بود که می گفتند؛ دین بدرد نمی خورد و نسبت به تضعیف آن تلاش می کردند، این امر با راه اندازی قمارخانه و محل فحشا از سوی دولت دامن زده می شد، آیت الله نجفی (ره) به مبارزه با آن برخاست و با همکاری طلاب، اماکن مذکور را برچید و از قدرت دینی و نفوذی که در منطقه داشت استفاده کرد. این اقدام شجاعانه ایشان باعث رعب و ترس اراذل و اوباش گردید و دیگر نمی توانستند جلسات فحشا و منکر را علنی برگزار کنند و این عمل ایشان با طلاب، موجب شد که دینداران نسبت به امور دینی دلگرم تر گردند و به این صورت آموزش مسائل دینی وارد مراحل جدید گردید.

۶. تشکیل کمیته اسلامی دالان

خدمات ایشان به مردم و دین و تعلیم طلاب همچنان ادامه داشت تا سال ۱۳۵۷ ش، که کودتای کمونیستی در افغانستان به وقوع پیوست. این اتفاق ناخوشایند باعث شد که تمام علما و دانشمندان تحت تعقیب قرار بگیرند. در همین سال با مدیریت ایشان و همکاری شهید سیدظاهر شاه و سید احمد موسوی و... برای انجام نماز عید

سعید قربان برنامه ریزی کردند که شیعه و سنی در نماز عید شرکت کنند و در خطبه های نماز عید مطالب روز و دردها و مشکلات جامعه اسلامی مطرح می گردد که در تاریخ منطقه چنان نماز عید با شکوه سابقه نداشته و ندارد. پس از آن، حکومت آیت الله نجفی (ره) را تحت تعقیب قرار می دهند که چند بار برای دستگیری ایشان شبانه اقدام می کنند، ولی موفق نمی گردند. مدت یازده ماه ایشان زندگی مخفیانه را در پیش می گیرد و پس از آن با همکاری اقوام از مخفیگاه خارج و در دالان و کته قونیش ساکن می گردد، مدت دو سال در همانجا باقی می ماند که در طول این مدت کمیته اسلامی دالان را برای حل اختلافات و دعاوی و سایر مسائل مردم تشکیل می دهند که در این کمیته سه نفر از علما عضویت داشتند؛ آیت الله سید محسن نجفی (ره) و آیت الله سید ناصر موسوی نجفی (ره) و آیت الله شیخ غلامحسین عالمی، در طول همان دو سال مشکلات منطقه توسط این سه نفر به ریاست آیت الله نجفی (ره) حل و فصل می گردد. مردم طعم عدالت و احکام رهایی بخش اسلام را چشیدند که به اعتراف همه، چنان سهولت در امور حاکم شد و امنیت برقرار و دعاوی بدون مشکل فیصله داده می شد که در تاریخ سابقه نداشت. به تعبیر برخی، کمیته اسلامی کار یک حکومت را انجام می داد.

۷. تأسیس اولین مدرسه خود گردان مهاجرین افغانستانی در ایران

ایشان پس از اینکه مجبور می شود به جمهوری اسلامی ایران مهاجرت کند، ولی خدمت به مردم همچنان در دستور کار ایشان بود. در همان بدو ورود با مشکل تحصیل فرزندان مهاجرین مواجه می گردد. ایشان با همکاری شهید سیدشهاب الدین حسینی وعده ای دیگر از علما، اولین مدرسه خود گردان را راه اندازی می کنند که در همان سال صدها دانش آموز اعم از دختر و پسر در آن مشغول به تحصیل می گردند و این معضل در آن برهه بدست ایشان حل گردید.

۸. تدریس در افغانستان و ایران

مرحوم آیت الله موسوی نجفی (ره) پس از احیای مدرسه خاتم النبیین (صلی الله علیه و آله) در منطقه چمتال در کنار خدمات اجتماعی دیگر، در آنجا به تدریس نیز مشغول بودند که در آنجا سطوح حوزه را تدریس می کردند. پس از هجرت به جمهوری اسلامی ایران با آنکه در دیار هجرت به خدمات اجتماعی بی وقفه ادامه می داد، در حوزه علمی نیز مشغول تدریس بود که کتاب های لمعه، رسائل، مکاسب، کفایه الاصول را تدریس می کردند که ده ها طلبه و روحانی از خرمن علم ایشان بهره مند می گردید و این درس و بحث ها تا زمان رحلت ایشان ادامه داشت.

هجرت به مشهد مقدس

حکومت کمونیستی برای آنکه آیت الله نجفی (ره) را از میان بردارد، منطقه مسکونی ایشان را بمباران می کند که در این بمباران شش نفر از اقوام نزدیک ایشان شربت شهادت می نوشند، ولی ایشان همچنان به فعالیتهايش ادامه می دهد تا اینکه احزاب بر جامعه تحمیل گردید، در مدت کوتاهی اختلافات شدید داخلی اوج گرفت که این اختلافات منجر به جنگهای داخلی گردید و احزاب به طرق گوناگون از ایشان دعوت نمودند که به هیچ کدام پاسخ مثبت نداد.

پس از این اتفاقات، وی ناچار به مهاجرت به سوی جمهوری اسلامی ایران می گردد و در تابستان ۱۳۶۰ ش، وارد جمهوری اسلامی ایران می شود، چنانکه ذکرش رفت. در مشهد اولین مدرسه خودگردان مهاجرین را تأسیس نمود و نیز مشغول تدریس در حوزه علمی گردید.

اساتید

ایشان در زمان فراگیری علوم اسلامی چه در افغانستان و چه در ایران، نزد اساتید متعدد تلمذ کردند، بعضی از اساتید ایشان عبارتند از:

۱. سید عباس معروف به سید آخوند که قرآن را نزد ایشان آموخت.

۲. مرحوم شیخ عبدالحسین غزنوی معروف به آخوند زوار که مدت ۴ سال نزد

ص: ۳۲۱

ایشان ادبیات و منطق و معالم الاصول و قسمتی از کتاب لمعه را آموخت.

۳. آیت الله علامه شیخ محمدعلی مدرس افغانستانی (ره) که ادبیات تخصصی را از ایشان فراگرفت.

۴. آیت الله وحیدی حوتقول که لمعه و معالم الاصول را در محضر ایشان فراگرفت.

۵. آیت الله مدنی (ره) شهید محراب که لمعه و مکاسب را نزد ایشان آموختند.

۶. مرحوم آیت الله صدرا (ره) که رسائل و کفایتین را نزد ایشان تلمذ نمودند.

۷. آیت الله العظمی سید محسن حکیم و آیت الله خوئی، و آیت الله العظمی امام خمینی (ره) و آیت الله شاهرودی (ره)، آیات عظام چون میرزا جواد تبریزی و میرزا علی غروی، که خارج فقه و اصول را نزد این بزرگواران فراگرفت.

شاگردان

مرحوم آیت الله موسوی نجفی (ره) در طول حیات پر بار خویش شاگردان زیادی را تربیت کردند که اسامی همه آنها را نمی شود آورد، به جهت اختصار نام تعدادی از آنها را ذکر می کنیم:

۱. آیت الله شهید سید نادر بحر العلوم مدت یکسال در محضر آیت الله نجفی (ره) رسائل و مکاسب را فراگرفت. خود مرحوم نجفی می فرمود: «استعداد شهید بحر عجیب بود، تا مطلب را اشاره می کردی می گرفت» این مرد بزرگ در سال ۱۳۵۷ شمسی، توسط مأموران دست نشانده مارکسیستی افغانستان ربوده شد و مفقود الأثر است و هنوز جنازه ایشان بدست نیامده است. ولی در سال ۱۳۹۲ شمسی، مؤسسه هلندی بنام آگسا لیست ۵۰۰۰ هزار شهید بدست جنایتکاران خلق و پرچم را منتشر کرد، که نام آیت الله بحر نیز در آن لیست بود، رحمت الله علیه.

۲. حجت الاسلام سید موسی سلطان الواعظین، در قید حیات که هم اکنون نیز مشغول تبلیغ می باشد.

ص: ۳۲۲

۳. حجت الاسلام شهید شیخ جواد که از انقلابیون بوده و مدتها در سنگرها درمقابل شوروی سابق جنگید و سرانجام به شهادت رسید.
۴. حجت الاسلام سید حسین طه مسئول قضا حزب وحدت در شمال افغانستان که از مجاهدان و مبارزان علیه حکومت دست نشانده خلق و پرچم می باشد و هم اکنون نیز مشغول خدمات است.
۵. حجت الاسلام شیخ محمدعلی شکیب ریاست علمای چمتال که از مسئولان سازمان فداییان اسلام بودند و هم اکنون نیز مشغول خدمت به مردم است.
۶. حجت الاسلام سید علی اکبر صابری.
۷. حجت الاسلام سید علی اکبر حسینی.
۸. شیخ حیدرعلی بلخی (ره) که از مردان خوب روزگار بودند و خدمات ارزنده ای به مردم کردند.
۹. حجت الاسلام شیخ عبدالقادر اکبری که از اساتید برجسته حوزه علمیه قم هستند و هم اکنون در حوزه مشغول به تدریس است.
۱۰. حجت الاسلام شیخ نجفعلی تقدسی (ره) که از افراد خدوم و با اخلاص بودند.
۱۱. حجت الاسلام شیخ احمدعلی ریاضی که هم اکنون از اساتید حوزه علمیه مشهد مقدس و مشغول تدریس می باشند.
۱۲. حجت الاسلام شیخ حسین صالحی خطاط که هم اکنون به تدریس خط و درس حوزوی در مشهد مشغول هستند.
۱۳. شیخ دولت علی که مدتها در قم مشغول بودند.
۱۴. شیخ حسین اخلاقی که در حوزه علمیه قم مشغول تدریس و تبلیغ هستند و ده ها شخصیت برجسته علمی جهادی.

مرحوم آیت الله موسوی نجفی (ره) پس از سالها تلاش و خدمت به مردم، سرانجام در تاریخ ۱۳ شهریور ۱۳۶۵ شمسی در سن ۶۵ سالگی بر اثر عارضه قلبی دعوت حق را لبیک گفت.

وقتی مردم متدین از رحلت ایشان اطلاع پیدا کردند، به منزل ایشان هجوم آورده و ابراز علاقه و دردمندی می کردند، ناله و اشک مردم بلند بود و چند ساعت که تشییع جنازه ایشان به تعویق افتاد، همچنان ازدحام آنها بیشتر می شد. در مراسم تشییع، شخصیت هایی از احزاب و سازمان های سیاسی و جهادی و مجاهدان شرکت داشتند. پس از تشییع و طواف حرم مطهر رضوی بنا بر وصیت آیت الله موسوی نجفی (ره) پیکر آن مرحوم در آرامگاه ابدیشان در کریم آباد گلشهر به خاک سپرده شد.

منبع: دستنوشته حجت الاسلام سید عبدالمعبود موسوی نژاد، فرزند مرحوم آیت الله نجفی در تاریخ ۱۳۹۳/۹/۳.

تصویر سنگ قبر آیت اللہ سید محسن نجفی

ص: ۳۲۵

(بہسود ۱۲۹۵ ش کابل ۱۳۵۸ ش)

شہید آیت اللہ سید محمد سرور واعظ بہسودی فرزند سید حسن رضا در سال ۱۲۹۵ شمسی در روستای «کجاب» بہسود از توابع ولایت میدان وردک چشم بہ جهان گشود. دروس ابتدایی را در مکتبخانہ گذراند، وی برای ادامہ تحصیل راہی کابل شد و نزد علمای مطرح آن وقت، چون مرحوم آقا سید مصطفی و حضرت آیت اللہ حجت (رہ) و آقا شیخ محسن (معروف بہ حاج شیخ) مشغول بہ آموختن علوم دینی شد. ایشان در چند سال اقامت در کابل ادبیات عرب، منطق و قسمتی از فقہ و اصول را فرا گرفت. پس از گذراندن این مرحلہ از تحصیل بہ زادگاہش برگشت و در آنجا مدرسہ ای را تأسیس کردہ، مشغول تدریس شدہ و شاگردان زیادی را پرورش داد. ایشان در کنار تدریس، بہ تبلیغ و منبر نیز روی آورد.

سفر بہ نجف اشرف

شہید واعظ برای ارتقای مدارج علمی و فراگیری بیشتر از معارف اہلبیت (علیہ السلام)

ص: ۳۲۶

راهی عتبات عالیات شد. وی پس از ورود به عراق در شهر نجف اشرف رحل اقامت افکنده و به مدت چند سال در کنار مرقد مطهر جدش امیرالمؤمنین (علیه السلام) مشغول تحصیل شد. وی در این مدت در دروس اساتید برجسته این حوزه با برکت شرکت کرده و از محضر بزرگانی چون آیت الله العظمی سید محسن حکیم و مرحوم آیت الله سید محمود شاهرودی و مرحوم آیت الله سید ابوالقاسم خوئی بهره برده و در اندک زمان ممکن، از شاگردان طراز اول حضرات آیات حکیم و خوئی (ره) شده و اجازه اجتهاد خود را از مرحوم آیت الله سید محسن حکیم دریافت کرد. از هم دوره های ایشان می توان به مرحوم شهید سید محمدباقر صدر و مرحوم شیخ کاظم تبریزی (ره) نام برد. این نکته قابل تأمل است که ایشان بهترین تقریرات خارج اصول مرحوم آیت الله خوئی (ره) را به عنوان کاربردی ترین و مطرح ترین متن به حوزه های علمیه تقدیم می کند. مرحوم آیت الله واعظ ضمن فراگیری دروس متداول حوزه علمیه، به تدریس نیز پرداخت.

بازگشت به کابل

مرحوم آیت الله واعظ پس از چند سال اقامت در نجف به کابل بازگشت. پس از ورود به کابل مورد استقبال مردم قرار گرفت، مردم سایر شهرها مخصوصاً (هزاره جات) وقتی شنیدند که مرحوم آیت الله واعظ از نجف برگشته است، با توجه به شناختی که از ایشان داشتند، به دیدار وی شتافتند. با حضور ایشان در کابل مجالس باشکوهی در «حسینیه ها» و «تکیه خانه ها» در مناطق مختلف این شهر تشکیل و سخنرانی های ایشان ضبط شده و نوارهای سخنرانی در بین مردم دست به دست می شد. حضور ایشان در کابل همزمان است با سلطنت ظاهرشاه، استقبال پرشور مردم و تشکیل جلسات مختلف و سخنرانی ها، با اینکه رنگ و بوی سیاسی نداشت، اما پادشاه مذکور و نخست وزیرش «محمدداودخان» را که نسبت به هر محفل غیر درباری بدبین و خائف بود، به وحشت انداخته و عکس العمل آنها را در پی داشت.

ص: ۳۲۷

با توجه به اینکه زمان زیادی از تصمیم انقلابی علامه «سید اسماعیل بلخی» نگذشته بود و «بلخی» هم در زندان بود و رژیم مستبد در هراس بود که از این اجتماعات بر علیه نظام حاکم بهره برداری نشود. لذا در سال ۱۳۴۰ ش، آیت الله واعظ را دستگیر و بدون محاکمه روانه زندان کردند. شهید واعظ سه سال در زندان بود، مدتی در زندان «غزنی» و مدتی را هم در زندان «دهمزنک» کابل سپری نمود.

با کنار رفتن محمد داودخان از پست نخست وزیری و روی کار آمدن محمد یوسف، کمی از فضای اختناق کاسته شد و فضای نسبتاً باز سیاسی ایجاد شد. یکی از پیامدهای این جابجایی سیاسی، آزادی عده‌ی از زندانیان بود که مرحوم آیت الله شهید سید محمد سرور واعظ هم از جمله آن زندانیان بود.

ایشان پس از آزادی از زندان، چندسالی را در شهر کابل به تدریس و تبلیغ پرداخت و پس از آن برای دومین بار راهی نجف شد و مدتی که در نجف ماندگار شد، بخشی از آثارش را چاپ نمود و دوباره به کابل مراجعت نمود. ایشان در مجموع دو سفر به نجف اشرف، ده سال در آنجا ماند.

خدمات

۱. ساخت مدرسه علمیّه در منطقه کجاب بهسود، پس از بازگشت از کابل و قبل از هجرت به نجف.

۲. ساخت مدرسه علمیّه در منطقه کارته سخی متصل به مسجد بالا، در شهر کابل که موسوم است به «مدرسه بالای آیت الله واعظ» این مدرسه را بعد از بازگشت از نجف و قبل از رفتن به زندان ساخته است.

۳. آیت الله واعظ پس از آزادی از زندان برای ایجاد یک پایگاه مستحکم فرهنگی سیاسی اقدام به ساخت مجهزترین پایگاه فرهنگی و اجتماعی برای تبلیغ و ترویج معارف اهل بیت (علیه السلام) نمود و بزرگترین حوزه علمیّه تشیع را در کشور بنا کرد. حوزه علمیّه محمدیه با یک ساختمان بسیار زیبا با بهترین سبک معماری

اسلامی افغانستانی در دو طبقه دارای ۳۲ اطاق مسکونی و سه سالن تدریس و مسجد بسیار بزرگ با گنجایش ۵۰۰۰ نفر برای آقایان و ۳۰۰۰ نفر برای خانم ها و کتابخانه ای دارای یکصد هزار جلد کتاب و داروخانه ای برای عرضه داروی رایگان برای طلاب و محرومین، به همت ایشان ساخته شد.

روز افتتاح حوزه علمیه محمدیه از تمامی علما، فرهنگیان، سیاسیون، مقامات کشوری و لشکری دعوت شد. بزرگانی از علمای اهل تسنن و تشیع در مراسم افتتاحیه سخنرانی کردند که از آن جمله سخنور شهیر کشور شهید سید اسماعیل بلخی و مرحوم مولانا مجددی به ایراد سخن پرداختند. در این حوزه برای اولین بار برای همگی طلاب شهریه کافی پرداخت شد و در این مکان مبارک باشکوه ترین نمازهای سیاسی عبادی جمعه برای اولین بار در تاریخ خونبار تشیع این سرزمین، به امامت مرحوم آیت الله واعظ برگزار شد.

۴. نشر مجله ماهنامه «برهان» با همکاری عده ای از دانشمندان و نویسندگان. «برهان» تنها مجله علمی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیعیان افغانستان بود که تا یازده شماره با تیراژ بالا منتشر شد و در سطح وسیع پخش می شد که با استقبال بی نظیر مردم مواجه شده بود، شماره دوازدهم این مجله زیر چاپ بود که کودتای «محمد داوودخان» در سال ۱۳۵۲ شمسی، رخ داد که بعد از آن اجازه نشر پیدا نکرد. این نشریه، حقایق و معارف دین اسلام را برای مردم و تحصیل کردگان باز گو می کرد و از این طریق اتهامات گوناگونی را که از ناحیه دشمنان اسلام و تشیع مطرح می شد پاسخ می داد.

۵. یکی از نعمت های خدادادی برای انسان، بیان شیرین و زیباست. انسان هر مقدار خبره و آگاه و دانشمند باشد، اگر نتواند منظورش را به دیگران تفهیم کند و از انتقال مطلب به دیگران عاجز باشد، از علم و دانایی اش ثمره ای نبرده است. شهید آیت الله سید سرور واعظ، یکی از کمالاتش این بود که ژرف اندیش و خوش بیان

بود، ایشان چه در دورانی که در مدرسه «کجاب» بهسود تدریس می کرد و چه در حوزه علمیه نجف اشرف که در کنار تحصیل درس هم می گفت و نیز بعد از بازگشت از نجف در «کابل» در سال های اول کتابهای «رسائل»، «مکاسب» و «کفایه» را تدریس می نمود. ایشان چنان بیان عالی داشته که شاگردانش تعریف می کنند که بر اثر بیان درسی عالی که آیت الله داشت، مشکل ترین و سخت ترین مطالب «کفایه» را چنان ساده بیان می کرد که ما احساس می کردیم مطلب بسیار راحت است، ولی هنگام مطالعه و مباحثه متوجه می شدیم که این بیان زیبا و عالی استاد بوده که مطلب را به نظر ما ساده جلوه می کرد. ایشان در اواخر زندگی اش درس خارج نیز می گفته است.

۶. در سخنرانی و تبلیغ آیت الله شهید سید سرور واعظ زبائز است، ایشان سخنرانی چیره دست بود، بیانی سحر آمیز داشت، در هر حسینیه و مسجد که منبر می رفت، کوچه ها و سرک ها (جاده، خیابان) از ازدحام جمعیت مسدود می شد. وقتی ایشان بر فراز منبر می رفت، وحدت واقعی بین مردم تجسم پیدا می کرد. شخصیت وی وجود یک رهبر کارزماتک را در اذهان جامعه آن روز مجسم می کرد، حضور انبوه جمعیت و استقبال پرشور مردم از رهبر دینی شان، حکومت آن روز را به تعجب واداشته بود، گفته شده روزی داوودخان (صدر اعظم وقت) سوار بر موتر (ماشین) خود از منطقه افشار کابل رد می شود و در آنجا با جمعیت کثیری که سرک را مسدود کرده بودند برمی خورد، سؤال می کند چه اتفاقی افتاده است؟ می گویند: این جمعیت برای استماع سخنرانی آقای واعظ در اینجا گردهم آمده اند. داوود خان از دیدن این صحنه متعجب می شود.

در ماجرای کشف حجاب از زنان مسلمان افغانستان در سال ۱۳۴۰ ش، آیت الله واعظ، سخنرانی پرشوری را در حسینیه عمومی محله افشار کابل ایراد می کند و این عمل ننگین را محکوم کرده و بر علیه دولت وقت، زبان به اعتراض می گشاید که

باعث دستگیری وی می شود. چنانکه ذکرش رفت مرحوم شهید واعظ مدت سه سال را در زندان غزنی و کابل سپری می کند.

۷. شهید واعظ از اولین منادیان تقریب بین تشیع و تسنن در افغانستان بود، وی در رد گزافه گویی های ملای درباری به نام (مبارک) که کتاب «سیف الابرار» را نوشته بود، کتاب ارزشمند «سیف الاسلام» را نوشت. در مقدمه کتاب چنین می گوید:

«هدف من از ذکر این مقدمه آن است که خوانندگان گرامی چنین تصور نکنند که اینجا، نبردی است بین شیعه و سنی و یک نفر عالم شیعه از اعتراضات عالم سنی جواب می گوید، بلکه حق واقع این است که این داعی مخلص به حیث یک نفر وطن دوست و طرفدار وحدت ملی قلم را به دستم گرفته می خواهم از این نوشته خود دو نتیجه بگیرم:

۱. اضطراب اعصاب و جوشش جوانان شیعه را که نویسنده «سیف الابرار» برای شان تولید کرده فرو بنشانم و آرام کنم.

۲. این مرد بی اطلاع را به خطا و اشتباهی که کرده دانسته کنم تا در آینده از چنین نوشته های نابجا و نفاق انگیز خودداری کند. به شرف وطن عزیز و سنگینی این آب و خاک که هدفی ندارم، جز حفظ وحدت ملی و استحکام مبانی اتحاد و اتفاق، و چون جواب هایی که می نویسم مبنی بر اساس وحدت و یگانگی است نه مبنی بر اختلاف شیعه و سنی، که من همیشه از خداوند متعال توفیق اتحاد و اتفاق برای تمام برادران محترم اسلامی تمنا دارم».

مرحوم آیت الله واعظ باورش در تحقق عدالت سیاسی و اجتماعی این بود که همه مسلمانان به «حق» بازگردند. تنها حق محوری می تواند رفتارهای فردی و اجتماعی را ساماندهی کند. دیدگاه صحیح نسبت به آیات قرآن و الگو قرار دادن پیامبر رحمت و مغفرت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و خاندان طاهرینش _ علیهم السلام

— تنها راه تحقق عدالت اجتماعی است.

در بخش دیگری از کتاب «سیف الاسلام» شهید واعظ راهکارهای وحدت بین تشیع و تسنن را چنین مطرح می کند: «پس از منطق وحدت دینی و وحدت ملی بر هر فرد از افراد ملت غیور افغانستان لازم است که بقدر قدرت خود در رشد ریشه اتحاد و تأمین وسایل اتفاق بکوشند و از ندهای نفاق انگیز و نوشته های تفرقه انداز که منافی وحدت ملی است، خود داری کنند و اگر جاهلی از روی نادانی، یا مستخدمی از روی غرض و ایفای وظیفه سیاسی رخنه در وحدت ملی باز کند و صدمه در شیرازه اتفاق و اتحاد می زند، لازم است دانشمندان مشفق که علاقه به این آب و خاک دارند، هرچه زود تر آن رخنه را ببندند و اولیای امور نیز در استحکام مبانی وحدت بذل مساعی فرمایند...».

آیت الله واعظ از زبان دیگران

استادش آیت الله العظمی خوئی (ره) در تقریظ خود بر کتاب «مصباح الاصول» می نویسد: «من آنچه از تقریرات درس هایم را دانشمند فضیلت مآب، فخر الافاضل الکرام سید محمد سرور واعظ بهسودی به رشته تحریر در آورده است، ملاحظه کردم و آن را دارای حسن تعبیر، وضوح بیان و جامع بین، ایجاز، بلیغ و توضیح کافی یافتم.

خداوند چشم او را روشن کند، همان گونه که دیدگانم را روشنایی بخشید و دانش را به دست او و امثالش گسترش دهد...».

حضرت آیت الله العظمی محسنی، رئیس علمای شیعه افغانستان راجع به خدمات آیت الله العظمی شهید واعظ و مقام علمی وی می گوید: «من از دوران تحصیل که در حوزه علمیه نجف اشرف بودم با آیت الله واعظ شهید دوست صمیمی و باهم در درس های آیت الله العظمی خوئی شرکت می کردیم، او در منبر و نوشتن مطالب سلیقه خوبی داشت، با آنکه آیت الله خوئی (ره) آدم سخت گیر بود و به هر کسی

اجازه چاپ تقریراتش را نمی داد، ولی نسبت به ایشان نظر مساعد داشت.

آیت الله واعظ، همان گونه که قدرت علمی داشت، سخنرانی هایش مطابق طبع مردم بود و روانشناسی جامعه را می دانست و موعظه اش در دل های مخاطبین تأثیر خوبی می گذاشت، او در سرتاسر افغانستان شهرت یافته و در میان اقشار مختلف جامعه از نفوذ و طرفداران زیادی برخوردار بود، نوشته هایش نیز علمی و مفید بود و... او در آن زمان بهترین مسجد و مدرسه با عظمت را در تپه سلام کابل بنا نهاد که به تدریس، موعظه و حل دعاوی مردم اقدامات مفید نموده و برای ترقی فرهنگ جامعه خدمت کرد و به تمام معنا، او آدم پرکار بود و راحت طلبی نداشت و به کارهای مردم رسیدگی می کرد، تدین و اخلاق نیکو داشت و مردم نیز طرفدارش بود و پرکاری اش در همه مراحل برجسته بود و آخرین خوشبختی اش این بود که خدای تبارک و تعالی شهادت او را به عنوان نماینده دین به دست خبیث ترین و بدترین افراد ضد دین قرار داده است».

مرحوم آیت الله شیخ محمد عیسی محقق خراسانی در صفحه ۱۶ کتاب ارزشمند «المؤلفون الأفغانیون المعاصرون» آیت الله شهید سید محمد سرور واعظ را علامه بزرگ و دانشمند فاضل دانسته که حق تقدم و سبقت نسبت به سایر فضلاء افغانستان دارد و در رشد حوزه علمیه و پرورش طلاب فاضل نقش فراوان داشته در تقریرات و شرح نگاری بر کتاب های مهم درسی پیش قراول بوده است.

در کتاب دیگرش «معجم رجال الفكر والادب فی النجف خلال الف عام» آمده است: «عالم، فاضل، جلیل، مجتهد، خیر، محقق، مسافر، من بلاد النجف و درس بها و أخذ عن السید الحکیم و السید الخوئی و السید الشاهرردی و عاد الی وطنه للارشاد والهدایه والقیام بالاحکام الشرعیه، غیر انّ الحکومه الافغانیه اعتقله لِقضایا و عوامل دینیته».

مرحوم آیت الله سید محمد سرور واعظ در کنار تدریس و تبلیغ دین، آثار پرباری را نیز خلق نموده است. این آثار به گونه ای عمیق نگاشته شده که نشان از وسعت و توان علمی مؤلف عالیقدر آن دارد، و در ردیف کتب درسی حوزه های علمیه مطرح شده، که ذیلاً به آنها اشاره می شود.

۱. «مصباح الاصول»، تقریرات درس خارج اصول استادش آیت الله خوئی (ره)؛

۲. «خاطرات زندان و یادی از اخلاق اسلامی»، کتاب اخلاقی است که در زندان نوشته است؛

۳. «سیف الاسلام» در پاسخ به کتاب «سیف الابرار»؛

۴. «تحفه الفقیه» (تحذیر ماءالکر) کتابی راجع به مسائل مربوط به آب کر؛

۵. قضاء در مکتب تشیع؛

۶. تقریرات مکاسب؛

۷. تقریرات درس کفایه ایشان؛

۸. تقریرات درس خارج، توسط شاگردش سید سعید واعظی؛

۹. «نهج الوصول فی شرح کفایه الاصول» توسط شاگردش آیت الله وحیدی؛

۱۰. تقریرات بحث استصحاب؛

۱۱. تحریر صرف و نحو پشتو جهت تدریس ادبیات عرب به زندانیان به زبان پشتو؛

۱۲. انتشار نشریه «برهان» گروهی.

فرجام نا معلوم

پس از کودتای کمونیستی هفت ثور (اردیبهشت) ۱۳۵۷ در افغانستان، و کشتار بیرحمانه مردم و آزادی خواهان، علما و دانشمندان، که تاریخ معاصر افغانستان نظیرش را سراغ ندارد، کمونیست ها تمام گروه ها را منحل کردند و نظام تک حزبی

در کشور حاکم شد، آزادی های فردی و اجتماعی در سایه شعارهای دروغین مارکسیستی از بین رفت. دانشمندان و علما و شخصیت های متنفذ تحت تعقیب قرار گرفته، زندانی، تیرباران، زنده بگور و یا فراری شدند.

متعاقب این اقدامات در ماه حوت (اسفند) همان سال، قیام های خونینی در کابل، هرات، دره صوف، و نقاط مختلف افغانستان بوقوع پیوست، کشتارهای دسته جمعی توسط کمونیست ها انجام شد و فصل خونینی در ماه حوت سال ۵۷ در زندان پلچرخی کابل رقم خورد که در آن حادثه، جمع کثیری از زندانیان شیعه و سنی که اکثراً نخبگان مردم بودند، شربت شهادت نوشیدند. شهید آیت الله سید محمد سرور واعظ نخستین زندانی سیاسی از میان علما و مبارزان اسلامی بود که به دست ایادی کمونیست در این حادثه به شهادت رسید.

منابع: عادل (حسینی)، سید جعفر، شهدای نخبه و مرزبانان اندیشه (نگاهی بر حیات فکری و مبارزاتی ۵۷ شهید نخبه افغانستان، طی سال های ۱۳۵۸-۱۳۵۷ خورشیدی) کابل، حیات، اول ۱۳۹۳، --- کوثرالنبی، (پژوهشی در تاریخ سادات افغانستان) کابل، مؤسسه فرهنگی صبح امید، دوم، زمستان ۱۳۸۹، شفایی، حسین، زندانیان روحانیت تشیع در افغانستان، قم، مؤلف، اول، ۱۳۶۷، ناصری داوودی، عبدالمجید، مشاهیر تشیع در افغانستان، ج ۳، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (صلی الله علیه و آله)، اول ۱۳۹۰.

آغاز نامه آیت الله واعظ (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره)

ص: ۳۳۶

انجام نامه آیت الله واعظ (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره)

ص: ۳۳۷

تقریظ آیت اللہ خوئی (ره) بر جلد دوم کتاب «مصباح الاصول»

ص: ۳۳۸

تقریظ آیت اللہ خوئی (ره) بر جلد سوم کتاب «مصباح الاصول»

ص: ۳۳۹

نامه دیگری از آیت الله واعظ (ره) به آیت الله مرعشی نجفی (ره)

ص: ۳۴۰

شہید سید اسماعیل بلخی و شہید آیت اللہ واعظ بہسودی

ص: ۳۴۱

آیت الله سید حسین هاشمی ارزگانی فرزند سید کاظم، در سال ۱۳۴۳ ه ش، در قریه شیخ میران از توابع ولسوالی دایکندی (۱) ولایت ارزگان متولد شد.

تحصیلات

سید حسین هاشمی ارزگانی در چهار سالگی روخوانی قرآن و کتاب حافظ و سایر کتاب های فارسی مرسوم در مکتب خانه های آن زمان را نزد نامادری خود و نیز پدر نامادری خویش مرحوم سید موسی فرا گرفت، و پس از رسیدن به سن هفت سالگی در کنار تحصیل در مکتب دولتی شیخ میران که تا صنف (کلاس) پنجم و ابتدایی بیشتر نبود، صرف و نحو را نزد مرحوم سید دیدار آخوند حلیمی، و استاد کم نظیر مرحوم حاج شیخ محمد علی ادیب پیاذانی فرا گرفت و دوسالی نیز برای تحصیل در مدرسه دارالحکمه در منطقه «برغس» که توسط استاد سید اسدالله علوی از علمای

ص: ۳۴۲

باز گشته از نجف و حمایت های مالی مرحوم حجت الاسلام واعظی دره خودی، استاد محقق پشتروق، استاد سید خادم حسین علوی سنگ چیلک، خطیب و واعظ شهیر مرحوم استاد مبلغ پشتروق، بنا شده بود به تحصیل علم پرداخت.

با تأسیس مدرسه دارالعلم در منطقه شیخ میران برای ادامه تحصیل به آن جا بازگشت. این مدرسه که یکی از بهترین مدارس مناطق مرکزی افغانستان به شمار می رفت، و سوگمنده در اثر بحران و جنگهای داخلی، هم بنای مدرسه و هم جایگاه علمی آن به خرابی و نابودی کشیده شد. از سوی اساتید معظم حجج اسلام شهید حاج شیخ امان الله امینی، استاد حاج شیخ محمدعلی فصیحی، استاد فاضل و سخت کوش و بی ریا و مردمی، کربلایی شیخ محمد اسحاق محقق، حاج شیخ انور دیوانه قل، حاج شیخ... صالحی و همکاری بزرگان آن منطقه بنا شده بود. هاشمی تا معالم، بخشی از لمعه و صفحاتی از رسائل را در همان مدرسه و در محضر استاد محقق تلمذ کرد.

در جبهه های جهاد

با کودتای کمونیستی هفت ثور (اردیبهشت) سال ۱۳۵۷ ش، در افغانستان و قیام مردمی، مدارس تعطیل، شاگردان و طلاب به جبهه های جنگ و دفاع از میهن پرداختند. هاشمی نیز تا سال ۱۳۶۰ در کنار دیگر مجاهدان به دفاع و جهاد پرداخت.

سفر به ایران

آیت الله سید حسین هاشمی ارزگانی در برج اسد (مرداد) سال (۱۳۶۰) به همراه حجت الاسلام استاد حاج سید جواد موسوی و تنی چند از طلاب مدرسه دارالعلم شیخ میران به قصد ادامه تحصیل راهی جمهوری اسلامی ایران شد. و در برج هفت همان سال با همکاری حضرت حجت الاسلام والمسلمین استاد حاج سید محمد حسینی اخ الزوجه خویش که قبلاً در مشهد مشغول تحصیل بود، برای آزمون ورودی حوزه علمیة مشهد ثبت نام کرد و با نمره امتحانی (۱۷) از دو کتاب اصول فقه و لمعه

ص: ۳۴۳

پذیرفته شد. و در مدت چهار سال توانست، سطوح عالی را نزد اساتید بزرگوار حوزه کهن مشهد بگذراند.

او لمعه رانزد استاد آیت الله سید میرزا حسین صالحی و استادقانع و استاد الهی خراسانی، اصول فقه را نزد استاد محمدی و استاد ذاکری، رسائل را نزد استاد آیت الله شیخ اسماعیل محقق و استاد الهی خراسانی و کفایه رانزد استاد آیت الله رضازاده فرا گرفت. و همزمان به تدریس این متون مشغول گردید.

از ابتدای سال (۱۳۶۴ ش) به دروس خارج فقه و اصول حضرات آیات حاج سیدحسن مرتضوی و آیت الله میرزا علی فلسفی که سرآمدترین اساتید خارج به شمار می رفتند به تلمذ پرداخت و در مدت ۱۴ سال افتخار شاگردی نزد آیت الله مرتضوی و شرکت در آزمون سالیانه حوزه را با نمره های بالاتر از ۱۵ داشته است و در آزمون سال ۱۳۶۷ حوزه در شمار طلاب ممتاز حوزه و موفق به دریافت یک دوره وسایل الشیعه به عنوان جایزه گردید.

فعالیت های علمی و فرهنگی

۱. تأسیس مدرسه علمی چهارده معصوم (علیه السلام) در مشهد با همکاری حضرات آیات و اساتید گرانقدر، سیدحیدرعلوی نژاد، سیدمحمدحسین حسینی، سیدمحمدحسین موسوی مبلغ (ره) نادرعلی حکیمی، سید جواد موسوی، که تاکنون توانسته است دهها طلبه فاضل و توانمند در عرصه تحقیق، تدریس و تبلیغ را تربیت و به حوزه های علمی مشهد، قم و افغانستان تحویل دهد.

۲. سی سال تدریس در علوم حوزوی، فقه اصول، تفسیر، علوم قرآن، نهج البلاغه، تاریخ، فلسفه اسلامی، روش تحقیق و نویسندگی و... در مدرسه علمی چهارده معصوم (علیه السلام) ۱۳۶۴ ش، مکتب حضرت زینب (س)، مدرسه حجتیه، مؤسسه فرهنگی اهلبیت (علیه السلام) مدرسه عترتیه، جامعه المصطفی (صلی الله علیه و آله) العالمیه و احدمشهد مقدس (در دو سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد) و نیز تدریس خارج فقه «فقه

القضاء» با روش کارگاهی و تطبیقی (فقه جعفری، مذاهب چهارگانه اهل سنت، فقه زیدیه، و برخی دیدگاه های مذهب ظاهریه و حقوق رسمی و شناخته معاصر در افغانستان، ایران، مصر، سعودی، لبنان و احیاناً عراق و پاکستان) استفاده از ابزار های نوین و شیوه آموزشی نموداری، در مدرسه آیت الله العظمی خوئی (ره) از سال ۱۳۹۰ تا کنون در مشهد مقدس.

۳. بیست و شش سال (۱۳۶۷-۱۳۹۳ ش) تحقیق در تفسیر، علوم قرآن و علوم انسانی مانند:

۱.۳. جامعه شناسی.

۲.۳. روان شناسی.

۳.۳. فلسفه سیاسی

۴. عضویت در چندین پروژه تحقیقی:

۱.۴. پروژه تحقیقی تفسیر بزرگ راهنما (آیت الله هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان) که در ۲۰ جلد انتشار یافته و به عنوان برترین کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۱ شناخته شد.

۲.۴. پروژه تحقیق معجم بزرگ تفاسیر. انتشار یافته در سه جلد.

۳.۴. عضو ثابت نگارندگان فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش های قرآنی که از سال ۱۳۷۳ ش. تا کنون انتشار می یابد.

آثار

الف. منتشر شده

۱. کتاب؛ تفکر دینی طالبان؛ که در آغاز به صورت مقالات مسلسل در روزنامه جمهوری اسلامی به چاپ می رسید و در جشنواره چهارم مطبوعات جمهوری اسلامی ایران (در سال ۱۳۷۶) حائز رتبه اول گردید و جایزه نخست جشنواره را از آن خود کرد و پس از آن به صورت کتاب چاپ شد و در جشنواره بین المللی کتاب قم،

ص: ۳۴۵

رتبه سوم را به دست آورد.

۲. کتاب میراث تفسیری اهل بیت (علیه السلام) که حائز رتبه پنجم در جشنواره بین المللی شیخ طوسی، در جامعه المصطفی (صلی الله علیه و آله) العالمیه در قم حائز رتبه پنجم و مستحق جایزه شناخته شد.

۳. کتاب شرح و مقدمه دیوان علامه بلخی با همکاری حضرت آیت الله استاد سید حیدر علوی نژاد بلخی.

۴. ترجمه کتاب «الوجیز فی الفقه الاسلامی» (ترجمه).

۵. سلول (۹۹)، داستان عربی از مؤلف نامعلوم (ترجمه).

آثار در دست انتشار

ایشان حدود بیست و پنج اثر تحقیقی (قرآنی، فرهنگی و اجتماعی سیاسی) نیز آماده چاپ و در دست انتشار با دو عنوان کلی است: «جستارهای قرآنی» و «گزاره ها و گدازه ها» که در بردارنده تحلیل های سیاسی و اجتماعی اوضاع افغانستان و احیاناً منطقه در طول سالیان جهاد و بحران افغانستان بوده و در جراید و مطبوعات داخلی و خارجی انتشار یافته است.

مقالات

تالیف و نگارش حدود ۳۰۰ مقاله قرآنی، علمی، سیاسی، ادبی و تاریخی که در جراید داخلی و خارجی در حوزه های مختلف تفسیر، علوم قرآنی، دین پژوهی، اخلاق، حقوق اسلامی، سیاست، انتشار یافته است.

عناوین برخی از مقالات عبارتند از:

الف. دین پژوهی

۱. آسیب های ماهوی فرهنگ از منظر قرآن؛

۲. عنصر مبارزه در زندگی امام صادق (علیه السلام)؛

۳. حقیقت انسان از منظر اسلام؛

ص: ۳۴۶

۴. انسان شناسی دینی؛

۵. بعثت یا رستاخیز رحمت؛

۶. حرم امن؛

۷. عید قربان یا بازگشت؛

۸. دین و دموکراسی، دانش غیبی انسان، (مناظره مطبوعاتی با مهندس گلبدین حکمتیار) درسیزده قسمت که با اختفای نامبرده در پی حوادث یازده سپتامبر ناتمام ماند؛

۹. نهاد دولت در اندیشه امام علی (علیه السلام).

ب. قرآن پژوهی

۱. ظهر و بطن قرآن.

۲. گسستها و بیوستهای ترجمه و تفسیر قرآن؛

۳. مبانی فهم قرآن در نگاه امام علی (علیه السلام)؛

۴. جلوه هایی از نور (تفسیر سوره قدر).

ج. تفسیر پژوهی

۱. اسباب نزول در تفسیر الکشاف زمخشری؛

۲. روش تفسیری مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛

۳. ابوالفتوح رازی و تفسیر قرآن به قرآن؛

۴. روش تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن در اسباب نزول؛

۶. تأثیر تفسیر المیزان بر پژوهشهای تفسیری شیعی؛

۷. وحدت موضوعی سوره های قرآن در تفسیر المیزان و المنار؛

۸. تفسیر قرآن به ترتیب نزول؛

۹. بازتاب تفکر اصلاحی بر تفاسیر جدید؛

۱۰. اوج ها و فرودهای تفسیر المنار؛

ص: ۳۴۷

۱۱. اسباب نزول در تفسیر المنار؛

۱۲. کارکرد قرآن در اجتهاد شهید ثانی (ره)؛

۱۳. نقش قرآن در اندیشه های امام خمینی (ره)؛

۱۴. تفسیر قرآن با قرآن در من وحی القرآن.

د. قرآن و جامعه

۱. قرآن و کثرت گرایی دینی؛

۲. حق آزادی از منظر قرآن و لیبرالیسم؛

۳. قرآن و عوامل رویکرد به خشونت؛

۴. ماهیت و ابعاد خشونت در قرآن؛

۵. قرآن و ساختار حکومت اسلامی؛

۶. سیمای یهود در آئینه قرآن.

ه - قرآن و خانواده

۱. کارکردهای خانوادگی در قرآن؛

۲. قرآن و نقش تربیتی مادر؛

۳. رابطه حجاب و عفاف در قرآن.

و. قرآن و اخلاق

۱. زمینه های پرورش اخلاقی از منظر قرآن؛

۲. قرآن و ملاک ارزش گذاری افعال اخلاقی؛

۳. چیستی و اهداف تربیت در قرآن؛

۴. قرآن و نسبت تعلیم و تربیت؛

۵. مبانی ارزش های دینی در قرآن؛

۶. کاستی های انگیزه گرایی در اخلاق؛

۷. قرآن و شاخصه های اخلاق نبوی.

ص: ۳۴۸

ز. قرآن و فقه

۱. حوزه های مشترک فقه و تفسیر؛

۲. مبانی فقه در آیات قصص؛

۳. تغییر جنسیت در قرآن از منظر علامه فضل الله.

ح. اهل بیت (علیه السلام) و قرآن

۱. نمادهای تفسیر اهل بیت (علیه السلام)؛

۲. سنجش تطبیقی تفسیر اهل بیت (علیه السلام) و صحابه.

ط. زن در قرآن

۱. زن در قرآن؛

۲. مبانی و معیارهای رفتار با زنان در قرآن.

ی. مهدویت

۱. انتظار، فروغی در شب دیجور؛

۲. انتظار توانمند و اندیشه های متفکران مسلمان؛

۳. مبانی انسان شناختی صلح و امنیت جهانی؛

۴. آرمان شهر مهدوی.

ک. پژوهشهای اجتماعی، سیاسی:

۱. تفکر دینی طالبان؛

۲. بن بست شرعی حکومت طالبان؛

۳. پارادوکس مبارزه با تروریسم مذاکره با طالبان؛

۴. مذاکره با طالبان بنیادها و برآیندها؛

۵. جنگ کرکسها و لاشخورها در هلمند. (تحلیلی بر همدستی انگلیسی ها و طالبان در تولید و صدور مواد مخدر)؛

۶. از دریا تا مرداب. (تحلیلی بر آغاز و فرجام جهاد مردم افغانستان)؛

ص: ۳۴۹

۷. تحولات شمال و سرنوشت تفاهم احزاب شیعی؛

۸. دوقلو زایی احزاب عقیم (تحلیلی بر تکثیر روزمره احزاب در دوره بحران جنگ داخلی افغانستان)؛

۹. اوگود جنوب در گرداب شمال. (توصیف و تحلیل گونه ای بر سرنوشت طالبان پس از اشغال شمال افغانستان)؛

۱۰. نگاهی به کارنامه آمریکا در اشغال افغانستان؛

۱۱. از دولت موقت تا منتخب؛

۱۲. جایگاه و کارکرد شورای ملی در قانون اساسی افغانستان.

مصاحبه ها

مصاحبه با رسانه های گروهی داخلی و بین المللی پیرامون مسائل علمی و سیاسی به صورت مکرر مانند:

۱. رادیو بی بی سی؛

۲. رادیو آزادی؛

۳. رادیو آمریکا؛

۴. رادیو دری؛

۵. رادیو پشتو؛

۶. رادیو تاجیکی؛

۷. شبکه های مختلف سیمای جمهوری اسلامی ایران؛

۸. خبر گزارى ایسنا (دانشجویان ایران)؛

۹. خبر گزارى ایرنا (جمهوری اسلامی ایران)؛

۱۰. خبر گزارى آفتاب؛

۱۱. خبر گزارى صدای افغان.

۱. کسب رتبه طلبه ممتاز حوزه علمیه خراسان در سال ۱۳۷۴ ش. در آزمون سالیانه آن حوزه؛
۲. کسب رتبه نخست چهارمین جشنواره مطبوعات جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۶ ش) با جایزه عمره؛
۳. کسب رتبه نخست جشنواره بین المللی شیخ طوسی در قم با جایزه حج تمتع. (۱۳۷۶ ش)؛
۴. کسب رتبه نخست همایش اسلام و جهانی شدن بر گزار شده از سوی جامعه المصطفی (صلی الله علیه و آله) العالمیه در مشهد؛
۴. کسب رتبه سوم کتاب سال مرکز جهانی علوم اسلامی؛
۵. کسب رتبه پنجم جشنواره بین المللی شیخ طوسی برگزار شده از سوی جامعه المصطفی (صلی الله علیه و آله) العالمیه در قم؛
۶. کسب رتبه سوم همایش امام علی، الغدیر و وحدت اسلامی در مشهد؛
۷. کسب رتبه استاد نمونه جامعه المصطفی در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۷ ه. ش؛
۸. کسب رتبه پژوهشگر برتر حوزه علمیه خراسان در سال ۱۳۷۸ ش؛
۸. کسب رتبه پنجم همایش چالشهای فرهنگی غرب و اسلام، برگزار شده از سوی جامعه المصطفی (صلی الله علیه و آله) العالمیه در مشهد مقدس. ۱۳۹۴ ش؛
۹. دریافت لوح تقدیر از مؤسسه پژوهشی انتظارنور. در قم؛
۱۰. دریافت لوح تقدیر از دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم به مناسبت انتشار آخرین بیستمین جلد تفسیر راهنما؛
۱۱. دریافت لوح تقدیر از بنیاد پژوهشهای قرآنی حوزه و دانشگاه؛
۱۲. دریافت لوح تقدیر از حوزه علمیه فاطمه الزهرا (س) شهرستان گرمه

۱۳. دریافت لوح تقدیر از جشنواره های هفتم و هشتم مطبوعات جمهوری اسلامی ایران.

منبع: دستنوشته حضرت آیت الله سید حسین هاشمی ارزگانی در تاریخ ۱۳۹۳/۸/۱۹.

ص: ۳۵۲

- * احمدی نژاد بلخابی، سید حسن، ستاره خاور، تهران سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.
- *----- سیمای کابل، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.
- * اعتمادی، حاج عوضعلی، شیرداغ قطعه ای از هزاره جات، مشهد، مؤسسه جوادالائمه (علیه السلام)، اول، ۱۳۷۴.
- * انوشه، حسن، دانشنامه ادب فارسی، ج ۳، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸؛
- * امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۱۰، بیروت ۱۴۲۰؛
- * امینی، محمدهادی، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف خلال الف عام، ج ۳، الطبعة الثانية، ۱۴۱۳ ق.
- * جامعه روحانیت مبارز افغانستان، مرجعیت رمز بقاء تشیع، (نگاهی به شخصیت علمی و جهادی حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی «مدظله العالی») بی جا، مؤلف، تابستان ۱۳۷۴.
- * تهرانی، آقا بزرگ، نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، بخش دوم از جلد اول، مشهد، دارالمرتضی، ۱۴۰۴ ق؛
- * جمعی از نویسندگان افغانستان، شورای ائتلاف زمینه ساز اتحاد شیعیان افغانستان، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، اول، ۱۳۷۸.
- * جوادی غزنوی، سید محمد عیسی، اندیشه های کلامی، فقهی و سیاسی آیت الله محسنی، انتشارات وحدت بخش، اول، ۱۳۸۷.
- *----- زندگی نامه استاد علامه مدرّس افغانی، (یادنامه استاد ادبیات عرب علامه مدرّس افغانی)؛ قم، دفتر تبلیغات اسلامی، تابستان ۱۳۶۶.

* جواهر کلام، عبدالحسین، تربت پاکان قم، ج ۲، قم، انتشارات انصاریان، اول، ۱۳۸۲.

* حسینی، سید سجاد، نقش آیت الله سید میر علی احمد حجت کابلی در گسترش تشیع در افغانستان (تحقیق پایانی) قم، گروه تاریخ مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره) وابسته به جامعه المصطفی العالمیه، آذر، ۱۳۹۳.

* حسینی ترکستانی، سید امیرحسین، ستارگان حرم، (زندگینامه عارف شهید سید حسین حسینی دره صوفی) ج ۶، قم، توحید، اول، پائیز ۱۳۷۸.

* حسینی، سید محمد، مجموعه اشعار عاشورایی علامه شهید بلخی (ره)، با مقدمه سید محمد قاسمی، قم، دهکده جهانی آل محمد (صلی الله علیه و آله)، اول، ۱۳۸۷.

* خویی، عبدالمجید، نبذه مختصره من حياه الشيخ الفياض (دام ظلّه)،

* رازی، محمد شریف، گنجینه دانشمندان، ج ۶، قم، پیروز، ۱۳۵۴.

* زنگنه، ابراهیم، مشاهیر مدفون در نجف اشرف، ص ۲۷۴ ۲۷۵، بی جا، خورشید شرق، اول، ۱۳۸۹

* سمیعی، کیوان، زندگانی سردار کابلی، تهران، زوار، ۱۳۶۳؛

* شفایی، حسین، زندانیان روحانیت تشیع افغانستان، قم، مؤلف، ۱۳۶۸.

* ----- معجزه انقلاب و فرهیختگان، صص ۷۳ ۹۱، بی جا، انتشارات عرش اندیشه، اول، تابستان ۱۳۸۲؛

* صادقی، سید غلامحسین، ستارگان حرم، شماره ۶، انتشارات زائر آستانه مقدسه قم، توحید، پائیز ۱۳۷۸.

* صدر حاج سید جوادی، احمد، دایره المعارف تشیع، ج ۹، تهران، نشر شهید سعیدمجبی، ۱۳۸۱.

* عادل (حسینی)، سید جعفر، شهدای نخبه و مرزداران اندیشه، کابل، نسیم حیات، اول، ۱۳۹۳.

*----- کوثر النبی، پژوهشی در تاریخ سادات افغانستان، کابل، مؤسسه فرهنگی صبح امید، دوم (ویراست جدید) زمستان ۱۳۸۹.

* عطاردی، شیخ عزیزالله، روایت عشق (مسافرت های علمی، تحقیق در مخطوطات آثار و تألیفات) مشهد، عطارد، اول، ۱۳۸۷.

* علوی، احمد، راهنمای مصور سفر زیارتی عراق، ص ۵۳۱، قم، معروف، پنجم، ۱۳۹۰.

* فاضلی، حسین، افغانستان، تاریخها، رجالاتها، الطبعة الاولى، بیروت: دارالصفوه، ۱۴۱۴ ق.

* فرهنگ، سید محمد حسین، جامعه شناسی و مردم شناسی شیعیان افغانستان، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۸۰.

* فصیحی، قربانعلی و شریفی، علی مدد، عالمان شیعه غزنی، تهران، عرفان، اول، ۱۳۹۳.

* قدسی سید فضل الله، خاکستر صدا (مجموعه شعر) مؤسسه انتشارات سوره، اول ۱۳۸۵.

* محسنی قندهاری، محمد آصف، نظریات، علمی، اخلاقی، اجتماعی، بی جا، انتشارات ولادت، ۱۳۷۲.

* محقق خراسانی، محمد عیسی، المؤلفون الافغانیون المعاصرون، نجف، نعمان، ۱۳۹۰ ق.

* مدرس تبریزی، محمدعلی، ریحانه الادب؛ ج ۳، انتشارات خیام، ۱۳۷۴ ش؛

* مدرسی گیلانی، مرتضی، تاریخ نجف یا دانشگاه بزرگ اسلامی (خطی)، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۲.

* مرعشی نجفی، سید محمود، المسلسلات فی الاجازات، قم، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۱۶ ه - ق،

* معصومی، جواد، گوهر ادب، قم، تهذیب، اول، ۱۳۸۳.

* میرحسینی سید علی نقی، ستاره کابل (زندگینامه سید محمد علم الهدی نقوی کابلی) ستارگان حرم، ج ۱۶، قم، زائر، اول، بهار ۱۳۸۵ ش.

* -----، مدرس مهاجر، ستارگان حرم، شماره ۲۱، قم، زائر، اول، ۱۳۸۶.

* ناصری داوودی، دکتر عبدالمجید، مشاهیر تشیع در افغانستان، ج ۱، قم، مرکز بین المللی المصطفی (صلی الله علیه و آله)، اول، ۱۳۹۰.

* ----- مشاهیر تشیع در افغانستان، ج ۲، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، اول، ۱۳۹۰،

* ----- مشاهیر تشیع در افغانستان، ج ۳، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (صلی الله علیه و آله)، اول، ۱۳۹۰.

ب. دستنوشته ها

۱. آشنایی با استاد حسین شفایی، کاندیدای ولسی جرگه از ولایت کابل (پوستر تبلیغاتی استاد شفایی)،

۲. مختصری از زندگینامه شادروان حسین شفایی (خوانده شده در مراسم فاتحه آن مرحوم).

۳. اعتمادی، حاج عوضعلی، فیاضی، محمدعلی، و عارفی، اسحاق «زندگی نامه استاد ضیاء» ۱۳۸۷ ش؛

۴. دستنوشته حجت الاسلام والمسلمین سید حسن احمدی نژاد در تاریخ ۱۳۹۳/۸/۲.

۵. دستنوشته حجت الاسلام والمسلمین سید علی بابا احمدی در تاریخ ۱۳۹۳/۹/۲۹.

۶. دستنوشته حجت الاسلام والمسلمین استاد سید محمدعلی احمدی در تاریخ

ص: ۳۵۶

۷. دستنوشته حجت السلام والمسلمین استاد محمد امین براتی در تاریخ ۱۳۹۳/۱۰/۳ شمسی.
۸. دستنوشته حجت الاسلام والمسلمین حسین حیدریگی در تاریخ ۱۳۹۳/۸/۱۲
۹. دستنوشته حجت الاسلام سالم قاسمی (داماد آیت الله رضایی) در تاریخ ۱۳۹۳/۸/۷.
۱۰. دستنوشته حضرت آیت الله سید حیدر علوی نژاد در تاریخ ۱۳۹۳/۸/۲۵.
۱۱. دستنوشته حجت الاسلام والمسلمین سید فضل الله قدسی، در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۱۶،
۱۲. دستنوشته حجت الاسلام والمسلمین سید انور مرتضوی (برادر استاد مرتضوی)، در تاریخ ۱۳۹۳/۹/۱.
۱۳. دستنوشته حجت الاسلام والمسلمین استاد محمد امان میرزایی در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۱۹.
۱۴. دستنوشته حجت الاسلام سید عبدالمعبود موسوی نژاد، فرزند مرحوم آیت الله نجفی در تاریخ ۱۳۹۳/۹/۳.
۱۵. دستنوشته حضرت آیت الله سید حسین هاشمی ارزگانی در تاریخ ۱۳۹۳/۸/۱۹.

ج. فصلنامه ها و ماهنامه ها و مجلات

* فصلنامه علمی فرهنگی، اجتماعی، سخن صبا (ویژه نامه رهبر شهید)، سال دوم، شماره پنجم، زمستان ۱۳۹۰،

* خامه یار، حسن، شاهد یاران، ماهنامه فرهنگی تاریخی، دوره جدید، شماره ۵۹، مهرماه ۱۳۸۹ (یادمان شهید عبدالعلی مزاری)

*-----، شاهد یاران، ماهنامه فرهنگی تاریخی، دوره جدید/ شماره ۶۴ /

اسفندماه ۱۳۸۹، (یادمان شهید سید اسماعیل حسینی بلخی).

* مجله آینه پژوهش، سال نهم، ش ۵۴، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، بهمن و اسفند ۱۳۷۷ ش.

* عادل، عبدالعلی، فصلنامه نگاه فردا، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۰.

* فاضلی، حسین بن محمدعلی، المرشد، (مجله دوریه تعنی بالثقافه و التراث و الآثار) شماره ۲۸ ۲۷، سوریه، دمشق، (۲۰۱۲ م / ۱۴۳۳ هـ -).

* فرهنگ، روح الله، گزارش کنگره بزرگداشت آیت الله محمد اسحاق فیاض (کتابچه مرداد ۹۳، ماهنامه) (ویژه نامه اولین همایش بین المللی میراث مشترک ایران و عراق)، شماره ۲۳، قم، مجمع ذخایر اسلامی، اول، زمستان ۱۳۹۳.

* شریفی، علی مدد، مالستان سرزمین حماسه سازان، هفته نامه بنیاد وحدت، ش ۱۶ ۸۹، ۱۳۷۶.

* مظفری، سید ابوطالب، دریغی ماند و فریادی و یادی، فصلنامه خط سوم، ش ۱۲ و ۱۳، ص ۱۴۵ ۱۴۲، ۱۳۸۷ ش،

* هفته نامه مشارکت ملی، ارگان نشراتی حزب وحدت اسلامی افغانستان، سال نهم، سه شنبه ۱۳ میزان ۱۳۸۹، ۲۶ شوال ۱۴۳۱، شماره ۳۷۸.

* دانش، سرور، فصلنامه ادبی، هنری، فرهنگی، دزدری، شماره ۱۳، خزان ۱۳۸۰، ص ۳۱.

* شیوانی، محمد وحید، تشیع در کابل، سفیر، پیش شماره سوم (ویژه مسابقه راه رستگاری)، مشهد، مرکز جهانی علوم اسلامی.

* حجت، سید محسن، زندگی نامه آیت الله العظمی میر علی احمد حجت، هفته نامه نجات، سال دوم، شماره ۴۶، ۱۳۷۷/۹/۲۹ ش.

* جوادی، محمد سرور، اختران علم و دانش، هفته نامه وحدت، ش ۱۲۳ ۱۲۰، ۱۳۷۲ ش.

د. سایت ها

* سایت اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی،

* سایت دانشنامه اسلامی،

* سایت شخصی سرور دانش،

* پایگاه اطلاع رسانی جاغوری.

ه. - بروشورها

* بروشور مؤسسه امام هادی (علیه السلام).

ص: ۳۵۹

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

